ایران

• پنجشنبه ۲۸ آبان ۱۴۰۵
• ۹ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸
• ۱۹ نوامبر ۲۰۲۶
• سال سی‌ودوم
• شماره ۹۱۷۹
• (۴ صفحه مجازی) +۱۲ صفحه
• قیمت در سراسر کشور: ۲۰۰۰۰ تومان

Iran Newspaper

ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)
irannewspaper.ir



پیام تسلیت رهبر انقلاب اسلامی به مناسبت ارتحال آیت‌الله وحید خراسانی

پیکر مرجع عالیقدر شیعیان، دیروز در قم تشییع و امروز در جوار حرم مطهر رضوی به خاک سپرده می‌شود

۲

اساتید دانشگاه و روزنامه نگاران پیشکسوت در یادداشت هایی برای «ایران»
روایت‌سازی نیویورک تایمز و CNN به نفع اهداف جنگ‌طلبان آمریکا و اسرائیل را بررسی کردند

رسانه غرب؛ ابزار جنگ یا پاسدار حقیقت؟

با تحلیل‌هایی از جلال خوش‌چهره، مهدی رحمانیان، هومن قاپچی، محسن مسعودیان و اکبر منتجبی

۳ ۵



حضور سرزده رئیس جمهوری در نشست شهرداران کلان‌شهرها و مراکز استان‌ها در قزوین

مدیریت مصرف باید اولویت جدی زندگی مردم شود

سوخت و انرژی صنایع و واحدهای تولیدی، آخرین گزینه در زمان اعمال محدودیت‌ها باشد

عکس: President.ir

۲

معاون وزیر بهداشت در پاسخ به «ایران»:

ظرفیت پزشکان خانواده تکمیل می‌شود

سید سجاد رضوی: اجرای طرح پزشک خانواده از اهداف اصلی وزارت بهداشت است و این برنامه با در نظر گرفتن تجربیات سایر کشورها، تجربه‌های پیشین داخلی و امکانات موجود به شکل مرحله‌ای دنبال می‌شود. در برخی مراکز منتخب با کمبود پزشک خانواده مواجه هستیم که برای تکمیل ظرفیت، برنامه‌ریزی‌هایی در حال انجام است. همچنین شیوه‌نامه‌ها و راهنماهای بالینی مورد نیاز برای اجرای این طرح در حال تدوین است

۱۱

دامداران خواستار حمایت از تولید و کاهش هزینه نهاده‌ها هستند

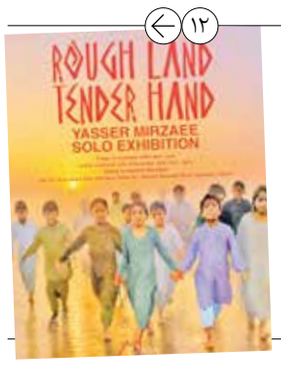
افزایش نرخ شیر خام نسخه‌ای برای جبران هزینه‌ها

۶

گفت‌وگوی «ایران» با وحید تاج به مناسبت زادروز اردشیر کامکار

تجلی نبوغ و اصالت در نغمه‌های ماندگار

۱۲



همزمان با روز جهانی کودک صورت می‌گیرد

ابتکار بین‌المللی برای زنده نگه‌داشتن یاد کودکان شهید غزه و میناب

۱

صفحات اینترنتی روزنامه ایران را بخوانید

معرفی مجموعه «بچه زیل‌ها» به مناسبت روز جهانی کودک
کودکان مراقب
۱۳

۱۰ خودروی جدید در یک قدمی رونمایی
ب.ام.و برای سال ۲۰۲۷ سنگ تمام می‌گذارد
۱۴

۶۵۰۰ کلاس نوسازی شده و بیش از ۸ هزار دانش‌آموز بازمانده از تحصیل به چرخه آموزش برگشته‌اند
روی خوش عدالت آموزشی به سیستان و بلوچستان
۱۵

«ایران» ضرورت بازنگری در روند استانداردسازی ورزشگاه‌های فوتبال را بررسی می‌کند
استادیوم‌ها در آفساید نوسازی
۱۶

گزارش «ایران» از شنژن، شهر محل برگزاری اجلاس اپک

شرق به دنبال مهار یکجانبه‌گرایی غرب



دلارام احمدی - خبرنگار ایران در چین / دیروز سی و سومین اجلاس همکاری اقتصادی آسیا و اقیانوسیه (اپک)، درحالی در شهر «شنژن» چین آغاز شد که افزایش تنش‌های ژئوپلتیکی، رقابت قدرت‌های بزرگ و دگرگونی موازنه اقتصادی جهان، آینده تحولات نظم بین‌المللی و اقتصاد جهانی را با پرسش‌هایی مواجه کرده است.

«شی جین‌پینگ» رئیس جمهوری چین، در مراسم افتتاحیه این نشست، بر ضرورت گسترش همکاری‌های منطقه‌ای، حفظ صلح و ثبات و حرکت به سوی رفاه مشترک در شرایط افزایش نااطمینانی‌های اقتصاد جهانی تأکید کرد.

شی با اشاره به تحولات عمیق درحال وقوع در نظام بین‌الملل، گفت: «کندی رشد اقتصاد جهانی و گسترش یک‌جانبه‌گرایی و حمایت‌گرایی، چالش‌های تازه‌ای را پیش روی همکاری‌های اقتصادی کشورها قرار داده است. با وجود این، تجارت جهانی همچنان رو به گسترش است و پیشرفت‌های فناوری در حوزه‌های نوظهور نیز با سرعت ادامه دارد.»

رئیس جمهوری چین با طرح این پرسش‌ها که «کشورها باید درهای خود را روی یکدیگر بگشایند یا ببندند، همکاری را بر تقابل ترجیح دهند یا در برابر یکدیگر قرار گیرند و خود را با تحولات جدید سازگار کنند یا به روش‌های گذشته پایبند بمانند؟»، تأکید کرد که انتخاب مسیر درست در برابر تغییرات جهانی به مسأله‌ای اساسی برای اقتصادهای منطقه تبدیل شده است.

شی جین‌پینگ با اشاره به اینکه چین برای سومین بار میزبان اجلاس اپک است، آمادگی پکن را برای همکاری با دیگر اعضا، به منظور ساختن جامعه‌ای مشترک در منطقه آسیا و اقیانوسیه و دستیابی به رفاه همگانی اعلام کرد. رئیس جمهوری چین، چهار محور را برای تحقق این هدف برشمرد: حفظ صلح و ثبات منطقه‌ای، گسترش گشودگی اقتصادی و همکاری‌های بین‌المللی، تقویت نوآوری به عنوان موتور محرک رشد اقتصادی و توسعه همکاری‌های مبتنی بر منافع متقابل.

شی جین‌پینگ همچنین پانزدهمین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی و اجتماعی چین را فرصتی برای تقویت رشد اقتصادی در منطقه آسیا و اقیانوسیه و فراتر از آن دانست.

وی با اشاره به ظرفیت گسترده بازار مصرف چین، جمعیت قابل‌توجه طبقه متوسط و فرصت‌های سرمایه‌گذاری در این کشور گفت: «چین آماده است بازاری گسترده و باز و زمینه‌ای مناسب برای فعالیت و توسعه کسب‌وکارهای بین‌المللی فراهم کند.»

شی، تأکید کرد: «پکن، فارغ از تحولات و تغییرات در عرصه بین‌المللی، به سیاست همکاری‌های مبتنی بر منافع متقابل و دستاوردهای مشترک پایبند خواهد ماند.»

رئیس جمهوری روسیه نیز در این اجلاس با اشاره به افزایش نقش کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای نوظهور در اقتصاد جهانی گفت: «سهم این کشورها از اقتصاد جهان طی ۳۵ سال گذشته تقریباً دو برابر شده است؛ به‌گونه‌ای که این سهم از ۳۵ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۶۱ درصد در سال ۲۰۲۶ رسیده است.»

ولادیمیر پوتین، تجربه منطقه آسیا و اقیانوسیه را نشانه‌ای از شکل‌گیری نظم بین‌المللی عادلانه‌تر دانست؛ نظمی که در آن، ساختارهای سنتی و سلسله‌مراتبی قدرت به‌تدریج جای خود را به شبکه‌های گسترده‌تر همکاری میان کشورها می دهند.

او در عین حال گفت که این جابه‌جایی در موازنه اقتصادی جهان با استقبال همه قدرت‌ها روبه‌رو نشده است. به باور رئیس جمهوری روسیه، قدرت‌هایی که پیش‌تر از موقعیت برتر و هژمونیک برخوردار بودند، به جای سازگاری با واقعیت‌های جدید، تلاش می‌کنند مانع پیشرفت کشورهایی شوند که در حال تقویت جایگاه اقتصادی خود هستند.

پوتین همچنین بر ضرورت تقویت حاکمیت ملی در ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تأکید کرد و گفت: «کشورها برای حفظ هویت ملی، تعیین مستقل مسیر توسعه و صیانت از جایگاه و استقلال خود در عرصه بین‌المللی، به حاکمیت قدرتمند نیاز دارند.»

در این اجلاس، رهبران مالزی، تایلند و ویتنام و همچنین «مارک کارنی» نخست‌وزیر کانادا نیز سخنرانی کردند.

اجلاس اپک ۲۰۲۶ با شعار «ساخت جامعه‌ای در منطقه آسیا و اقیانوسیه برای دستیابی به رفاه مشترک» و با حضور ۲۱ اقتصاد عضو برگزار می‌شود. دستورکار این نشست بر سه محور اصلی گشودگی اقتصادی، نوآوری و همکاری متمرکز است.

حمایت از نظام تجارت چندجانبه، توسعه فناوری‌های دیجیتال و هوش مصنوعی، افزایش تاب‌آوری زنجیره‌های تأمین و گسترش مشارکت‌های اقتصادی منطقه‌ای از مهم‌ترین موضوعات مورد بحث در این اجلاس است.

نشست سران کسب‌وکار اپک نیز با حضور رهبران سیاسی، مدیران ارشد شرکت‌ها و نمایندگان اقتصادهای عضو، طی روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه برگزار شد.

بر اساس برنامه اعلام‌شده، امروز (پنجشنبه) در حاشیه این اجلاس، دیداری سه‌جانبه میان شی جین‌پینگ، ولادیمیر پوتین و دونالد ترامپ برگزار خواهد شد.

انتظار می‌رود امنیت بین‌المللی و ثبات راهبردی از محورهای اصلی این دیدار باشد. ترامپ پیش‌تر اعلام کرد که موضوع ایران، جنگ اوکراین و کنترل تسلیحات هسته‌ای از جمله مسائلی است که قصد دارد در این نشست آنها را مطرح کند.

همزمان با روز جهانی کودک صورت می‌گیرد

ابتکار بین‌المللی برای زنده نگه‌داشتن یاد کودکان شهید غزه و میناب



همزمان با روز جهانی کودک، در ۲۰ نوامبر (۲۹ آبان‌ماه)، ابتکاری بین‌المللی با هدف گرامیداشت یاد کودکان قربانی حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی در فلسطین، لبنان، یمن و ایران برگزار می‌شود. این رویداد با محوریت یادبود کودکان غزه و میناب، درصدد جلب توجه افکار عمومی جهان به کودکان قربانی جنگ و خشونت است.

شعار محوری این طرح با الهام از آیه نهم سوره تکویر انتخاب شده است: «بِأَیِّ ذَنۢبٍ قُتِلَتۡ»؛ به کدامین گناه کشته شدند؟ این پرسش، محور اصلی فعالیت‌های رسانه‌ای و میدانی رویداد خواهد بود؛ رویدادی که بزرگداشت نام و یاد کودکان قربانی حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی را دنبال می‌کند.

اهداف رسانه‌ای این ابتکار در سه محور تعریف شده است: معرفی و برجسته‌سازی شهدای کودک قربانی جنایات آمریکا و رژیم صهیونیستی برای مخاطبان بین‌المللی، ایجاد و تقویت حس خونخواهی در قبال شهدای کودک و تحمیل هزینه جهانی به آمریکا و رژیم صهیونیستی در قبال جنایات علیه کودکان.

برای تحقق این اهداف، تولید و انتشار مجموعه‌ای از محصولات رسانه‌ای شامل پوستر اصلی، کلیپ معرفی، مجموعه کلیپ‌ها و موشن‌گرافیک پیش‌بینی شده است.

در بخش مشارکت عمومی نیز از مخاطبان دعوت شده است با کشیدن نقاشی و تقدیم آن به روح کودکان شهید یا قرائت آیه «بِأَیِّ ذَنۢبٍ قُتِلَتۡ» و ارسال آثار و پیام‌های خود به رسانه رهبر شهید، در این حرکت مشارکت کنند.

انتشار این آثار در صفحات شخصی و رسانه‌های مخاطبان نیز از دیگر شیوه‌های پیش‌بینی‌شده برای همراهی با این پویش است. در کنار فعالیت‌های رسانه‌ای، برگزاری رویدادهای میدانی در عراق، یمن و لبنان، برپایی نمایشگاه عکس شهدای کودک و صدور بیانیه نیز در دستورکار قرار دارد.

این ابتکار با محوریت پرسشی برگرفته از آیه قرآن، درصدد است یاد کودکان قربانی جنگ را از مرزهای جغرافیایی فراتر ببرد و موضوع جان‌باختن آنان را به مطالبه‌ای در عرصه افکار عمومی بین‌المللی تبدیل کند.

اعلام آمادگی وزارت اطلاعات برای همکاری در اصلاح قانون این وزارتخانه

وزارت اطلاعات در نامه‌ای به رئیس مجلس شورای اسلامی، آمادگی خود را برای همکاری با مجلس در اصلاح قانون این وزارتخانه اعلام کرد. در بخشی از نامه وزارت اطلاعات به محمدباقر قالیباف آمده است:

طی روزهای اخیر، گروه‌هایی از آحاد و اقشار مردم انقلابی و برخی از اعضای هیأت رئیسه، کمیسیون‌های ذی‌ربط و نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی به ویژه شخص جناب آقای دکتر قالیباف رئیس محترم مجلس ضمن ابراز لطف و محبت نسبت به سربازان گمنام و خواهران و برادران انقلابی خویش در وزارت، اهتمام ویژه‌ای به پیگیری دقیق امور مربوط به وزارت اطلاعات در تعیین وزیر جدید و اصلاح ساختاری آن داشته‌اید که با اغتنام فرصت، مراتب تشکر و قدردانی متقابل را از لطف و محبت جنابعالی و دیگر بزرگواران و عزیزان انقلابی در مجلس به سربازان گمنام، ابراز داشته و آن را در راستای تحکیم مبانی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران پاس می‌داریم.

در ادامه این نامه آمده است: وزارت اطلاعات ضمن تشکر از مباحث مطروحه در جلسه علنی و کمیسیون‌های مجلس شورای اسلامی و بیانات ملاطفت‌آمیز و انقلابی جنابعالی، در راستای تسریع در اثربخشی حداکثری طرح یک فوریتی مصوب مجلس، آمادگی کامل خود را برای همکاری و کار کارشناسی دقیق و موشکافانه به منظور اتخاذ تصمیمات مناسب و تقنین در راستای اعتلای مأموریت‌ها و مجاهدت‌های خاموش و خالصانه سربازان گمنام امام زمان (عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف) در پایگاه عظیم مبارزه و جهاد وزارت اعلام می‌دارد.



رهبری

پیام تسلیت رهبر انقلاب اسلامی به مناسبت ارتحال آیت‌الله وحید خراسانی



رهبر معظم انقلاب در پیامی با تسلیت به مناسبت ارتحال حضرت آیت‌الله العظمی وحید خراسانی، ایشان را یکی از ارکان اصلی تعلیم فقه و اصول در حوزه علمیه معرفی کردند.

متن پیام آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای به این شرح است:

«خبر رحلت استاد بزرگ حوزه علمیه، حضرت آیة‌الله‌العظمی وحید خراسانی واصل شد. آن بزرگوار یکی از ارکان اصلی تعلیم فقه و اصول در حوزه علمیه به شمار می‌رفتند. دو مجلس درسی روزانه ایشان در دهه‌های اخیر از اصلی‌ترین محافل درسی محسوب می‌شد. در این درس‌ها، علاوه بر جهات تحقیقی شخصِ خود ایشان، توجه جدی و عمیق و حق‌شناسانه به نظرات بعضی از برجسته‌ترین دانشمندان دوره‌های اخیر حوزه علمیه نجف اشرف و تسلط برآن به‌خوبی منعکس بود. این جهت از آنجا که همواره با بیان شیوا و منظم و مستحکم استاد بزرگوار توأم بود، هر جلسه از درس را برای طالبین علم و فضل به ساعتی نافع و غنیمت مبدل می‌ساخت.

امروز عده عمده‌ای از مدرسین و فضلا در حوزه علمیه قم و بلکه سایر حوزات کشور و جمعی از روحانیون بلاد، افتخار حضور در درس آن بزرگوار را در سوابق علمی خود درج می‌نمایند و همگان با تحسین از ظهور پررنگ و خالصِ عنصر سرسپردگی به ذوات مقدسه معصومین صلوات‌الله و سلامه علیهم اجمعین در کلام و مرام ایشان یاد می‌کنند. بی‌شک آن جناب به‌واسطه زحمات ممتد و مستمر در راه شریعت و مذهب، حق عظیمی بر جامعه مؤمنین و حوزات علمیه دارند که همگان باید به‌یاد و شاکر آن باشند.

اینجانب این مصیبت را به سرورمان عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف و حوزات علمیه و عموم مؤمنین و به‌خصوص بیت شریف ایشان تسلیت عرض نموده و از حضرت حق جل‌وعلا برای آن بزرگوار علو درجات مسئلت دارم.»

پزشکیان به صورت سرزده میهمان نشست شهرداران کلان‌شهرها و مراکز استان‌ها در قزوین شد

مدیریت مصرف باید اولویت جدی زندگی مردم شود

سوخت و انرژی صنایع و واحدهای تولیدی، آخرین گزینه در زمان اعمال محدودیت‌ها باشد

دولت

گروه سیاسی



مدیریت مصرف سوخت، دیگر یک موضوع اجرایی یا اقتصادی نیست بلکه به مسأله‌ای ملی تبدیل شده که حل آن، نیازمند تصمیم‌گیری هماهنگ و مشارکت همه سطوح مدیریتی کشور است. در همین راستا، قزوین صبح روز گذشته میزبان چهارمین نشست شهرداران کلان‌شهرها و مراکز استان‌ها بود. رئیس جمهوری هم البته بدون اعلام قبلی خود را به قزوین رساند و به صورت سرزده در این نشست شرکت کرد و با قدردانی از اقدامات انجام‌شده در سراسر کشور، اظهار کرد: دلیل حضور بنده در این نشست، برقراری همفکری و تعامل هرچه بیشتر است و معتقدم برگزاری وبینار، در مقایسه با ارتباط چهره‌به‌چهره، اثرگذاری لازم را ندارد.

پزشکیان با اشاره به میزان بالای مصرف سوخت و انرژی تصریح کرد: «در حوزه سوخت و انرژی، حداقل سه برابر میانگین جهانی مصرف می‌کنیم و ضروری است برای عبور از شرایط پیچیده کنونی، مدیریت بهینه مصرف به یک اولویت جدی در زندگی مردم تبدیل شود.» رئیس دولت چهاردهم افزود: «ما مدیران، مسئولان اجرایی و خدماتی کشور، ابتدا باید از خودمان در زمینه مدیریت بهینه مصرف سوخت و انرژی آغاز کنیم تا بتوانیم با توجه به وجود ناترازی‌ها، فصل زمستان را با موفقیت پشت سر بگذاریم.»

ضرورت صیانت از استمرار تولید

پزشکیان با اشاره به اقدامات خصمانه دشمنان و محدودیت‌های ایجادشده برای کشور، بر ضرورت صیانت از استمرار فعالیت‌های تولیدی تأکید کرد و گفت: «بارها تأکید کرده‌ام اولویت من این است که هرگز اجازه ندهم چرخ تولید متوقف شود.» رئیس جمهوری با بیان اینکه تأمین سوخت و انرژی واحدهای صنعتی و تولیدی باید در آخرین مرحله و در صورت لزوم محدود یا قطع شود، تصریح کرد: «ضرورت دارد سوخت و انرژی صنایع و واحدهای تولیدی، آخرین گزینه در زمان اعمال محدودیت‌ها باشد؛ چرا که اگر چرخ تولید متوقف شود، متناسب با آن شاهد بیکاری و بروز مشکلات متعدد خواهیم بود.» پزشکیان خاطرنشان کرد: «توقف تولید و ایجاد بیکاری همان چیزی است که دشمنان به دنبال آن هستند تا از شرایط موجود و نارضایتی‌های عمومی سوءاستفاده کنند؛ بنابراین همه دستگاه‌ها، مدیران و مسئولان باید با مدیریت صحیح مصرف و اتخاذ تدابیر لازم، هم در تأمین انرژی مورد نیاز کشور و هم در استمرار فعالیت واحدهای تولیدی تلاش کنند.»

پزشکیان با اشاره به اینکه خود نیز برای اصلاح الگوی مصرف پیشگام شده است، افزود: «برای مدیریت بهینه مصرف، شخصاً پیش‌قدم شده‌ام و میزان استفاده از سیستم‌های گرمایشی و سرمایشی در محل کار را کاهش داده‌ام. در همین راستا، برنامه‌هایی برای اصلاح الگوی مصرف در دست اجراست که از جمله آنها می‌توان به ادغام برخی محل‌های کاری، قطع سوخت استخرها، محدود کردن مصرف انرژی در نمایشگاه‌ها و سایر اماکنی که در شرایط کنونی از اولویت برخوردار نیستند، اشاره کرد. تمامی این تصمیمات با هدف کاهش مصرف و در راستای حمایت از تولیدکنندگان اتخاذ شده است.»

توجه به تناسب توسعه با شرایط اقلیمی و جغرافیایی هر منطقه

در ادامه این سخنرانی، رئیس جمهوری بر ضرورت ثبت و انتقال تجربه‌های موفق میان استان‌ها تأکید کرد و گفت: «تجربه‌های موفق باید شناسایی، ثبت و به سایر استان‌ها منتقل شوند؛ چرا که می‌توانیم از تجربه و عملکرد یکدیگر درس بگیریم و از ظرفیت‌های موجود برای اصلاح رویه‌ها و افزایش بهره‌وری استفاده کنیم. همچنین مدیران و افرادی که با تصمیمات و عملکرد خود موجب تحمیل هزینه‌های غیرضروری می‌شوند، باید مورد ارزیابی و برخورد مناسب قرار گیرند و سازوکارهای اصلاحی و بازدارنده درباره آنها اعمال شود.»

او در بخش دیگری از سخنان خود با تأکید بر ضرورت تناسب توسعه با شرایط اقلیمی و جغرافیایی هر منطقه، افزود: «توسعه باید متناسب با ظرفیت‌ها و شرایط اقلیمی و جغرافیایی هر بخش انجام شود و در تمامی طرح‌های اجرایی، چشم‌اندازی روشن و آینده‌نگر داشته باشیم و در تصمیم‌گیری‌ها، پیامدهای اقدامات امروز را برای سال‌های آینده در نظر بگیریم.»

پزشکیان تصریح کرد: «نباید تصمیماتی اتخاذ کنیم که در آینده با تنش‌هایی مانند کمبود آب یا برق مواجه شویم و ناچار باشیم برای تأمین نیازهای خود از سایر استان‌ها کمک بگیریم. تصمیم‌گیری‌ها باید اصولی، علمی و مبتنی بر ظرفیت‌های واقعی هر منطقه باشد تا توسعه‌ای متوازن، پایدار و متناسب با امکانات موجود شکل گیرد.»

رئیس جمهوری با تأکید بر ضرورت حمایت از واحدهای تولیدی و صنایع خاطرنشان کرد: «در اتخاذ تصمیم‌های اصولی و علمی با هدف پشتیبانی و حمایت از واحدهای تولیدی و صنایع، نباید خود را صرفاً به بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها محدود کنیم؛ چرا که چنین رویکردی می‌تواند ابتکار عمل را از مدیران و مسئولان سلب کند. باید با رعایت چارچوب‌های قانونی، از ظرفیت خلاقیت، ابتکار و تصمیم‌گیری متناسب با شرایط نیز استفاده کنیم.» پزشکیان در ادامه با تأکید بر ضرورت بهینه‌سازی عملکرد واحدهای تولیدی و بنگاه‌های اقتصادی افزود: «نهادهای تولیدی و بنگاه‌های اقتصادی نیز باید تجهیزات، ابزارها و دستگاه‌های مورد استفاده خود را متناسب با ظرفیت‌های موجود و شرایط واقعی، بهینه و بهره‌ور کنند تا با کاهش هزینه‌ها، مصرف انرژی نیز مدیریت شود.»

او خطاب به شهرداران با اشاره به جایگاه و نقش مؤثر مدیریت شهری در بسیاری از کشورهای جهان اظهار کرد: «در برخی کشورها، شهرداران از اختیارات گسترده‌ای در حوزه تصمیم‌گیری، اجرا و مداخله در امور شهری برخوردارند. شما نیز به‌عنوان مدیران شهری می‌توانید در مسیر کاهش ناترازی‌ها و مدیریت بهینه مصرف، نقش مهم و اثرگذاری ایفا کنید.»

شرایط پیچیده را برای مردم تشریح کنیم

رئیس جمهوری با تأکید بر اینکه هر یک از ما اگر عملکرد بهتری داشته باشیم، یک گام بیشتر به سمت پیشرفت برداشته‌ایم، افزود: «با فرهنگ‌سازی درست هرگز به عقب باز نخواهیم گشت و باید با مردم گفت‌وگو کنیم و شرایط پیچیده کنونی را برای آنان تبیین کنیم.» رئیس جمهوری با انتقاد از عملکرد کمیسیون ماده ۵ شهرداری در زمینه تغییر کاربری اراضی، تأکید کرد: «تغییر کاربری اراضی موجب افزایش تراکم و ترافیک شده است و ضرورت دارد شهرسازی از ابتدا به‌گونه‌ای دقیق و با چشم‌اندازی روشن طراحی شود.» پزشکیان در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به ضرورت توجه به توسعه استان‌ها و شهرهای مرزی کشور و حمایت همه‌جانبه از این مناطق اظهار کرد: «در تمام استان‌های مرزی و شهرهای مرزی همچون ایلام، سیستان و بلوچستان و خراسان شمالی، باید تورم به میزان چشمگیری کاهش یابد. بنابراین، به هر ترتیبی که باشد، این اقدام را انجام خواهیم داد و در تخصیص اعتبارات نیز اولویت با استان‌های مرزی و مناطق محروم است.» پزشکیان خطاب به شهرداران کلان‌شهرها و مراکز استان‌ها اعلام کرد: «چنانچه برای مدیریت مصرف سوخت و اصلاح الگوی مصرف انرژی به اختیار یا حمایت بیشتری نیاز دارید، این اختیارات اعطا خواهد شد.»

رئیس جمهوری در ادامه با تأکید بر نقش مساجد و مشارکت عمومی در اصلاح الگوی مصرف و تغییر رفتارهای مصرفی گفت: «در این زمینه با حجت‌الاسلام علی اکبری و فرماندهان بسیج جلسات متعددی برگزار کرده‌ایم تا شرایط برای مردم تبیین شود. اقداماتی همچون سه‌شنبه‌های بدون خودرو، پیاده‌روی تا محل کار، استفاده از دوچرخه و بهره‌گیری از حمل‌ونقل عمومی می‌تواند در زمینه مدیریت مصرف سوخت و انرژی اثرگذار باشد.» پزشکیان با اشاره به تجربه‌های موفق جهانی در مدیریت مصرف سوخت و انرژی ادامه داد: «برای بهبود شرایط، ابتدا باید از خودمان شروع کنیم؛ چراکه با دستور و بخشنامه نمی‌توان امور را به‌درستی مدیریت کرد. به‌عنوان مدیران اجرایی، این ضرورت احساس می‌شود که از تجربه‌های موفق جهان در حوزه اصلاح الگوی مصرف سوخت بهره‌مند شویم. آشنایی با تجربه‌های موفق جهانی از آموزه‌های مهم قرآن است. معتقدم با توجه به منابع و امکانات گسترده کشور، اعم از معادن و موقعیت جغرافیایی استثنایی، تغییر وضعیت موجود امکان‌پذیر است.»

طراحی مدیریت متناسب با وضعیت موجود باشد

رئیس جمهوری، هدفمند و اصولی بودن نحوه تخصیص منابع و اعتبارات را از دیگر الزامات اساسی حکمرانی مؤثر برشمرد و گفت: «ضرورت دارد متناسب با وضعیت موجود، شیوه مدیریت را طراحی کنیم. به‌عنوان یک مسلمان باید رنگ خدایی به خود بگیریم؛ به این معنا که در نهایت، برخوردار از خلاقیت، علم، رحمت، دانایی و گذشت باشیم.» پزشکیان در پایان با خطاب قراردادن صاحبان فرآیند، اتاق‌های اصناف و مدیران شهرک‌های صنعتی توصیه کرد: «هر یک از این واحدهای صنعتی موظف هستند نسبت به مدیریت مصرف انرژی در ساختمان‌ها و مجموعه‌های غیرصنعتی اقدامات لازم را انجام دهند. البته سوخت و انرژی موردنیاز و مصرفی واحدهای صنعتی و تولیدی را پس از نظارت و انجام ارزیابی‌های دقیق و مبتنی بر عملکرد واقعی هر واحد تولیدی، در اختیار آنها قرار خواهیم داد.» رئیس جمهوری تأکید کرد: «ما با عزت و قدرت می‌توانیم از بحران خارج شویم؛ کافی است به فکر تقویت معیشت مردم باشیم. مردم آگاه هستند و چنانچه برای آنها صادقانه کار کنیم، با ما همراه خواهند شد. صرفه‌جویی در مصرف سوخت و انرژی موجب افزایش تاب‌آوری اجتماعی جمهوری اسلامی ایران خواهد شد.» در ادامه مراسم، حدود ۱۰ نفر از شهرداران کلان‌شهرها و مراکز سایر استان‌ها، گزارش مفصلی از اقدامات انجام‌شده، تبیین تجارب موفق، تشریح شیوه‌های تعامل و راهکارهای خود در زمینه اصلاح الگوی مصرف و مدیریت بهینه سوخت ارائه کردند. در این گزارش‌ها، فرهنگ‌سازی، بهره‌گیری از ظرفیت نیروگاه‌های خورشیدی و انرژی‌های تجدیدپذیر، تقویت ناوگان حمل‌ونقل عمومی، توسعه و تجهیز تصفیه‌خانه‌های فاضلاب محلی، بهره‌گیری از ظرفیت مولدسازی و تسهیل‌گری دولت در حوزه مدیریت مصرف سوخت و انرژی، از جمله راهکارهای مورد تأکید شهرداران بود. همچنین آیت‌الله حسین مظفری نماینده ولی‌فقیه در استان قزوین در سخنانی با اشاره به تبیین شرایط پیچیده کنونی برای جامعه و اقشار مختلف مردم گفت: «پرهیز از اسراف و صرفه‌جویی از مهم‌ترین دستورات دینی ماست. با توجه به شرایطی که وجود دارد ائمه جمعه به دنبال تبیین وضعیت کنونی برای مخاطبان خود هستند.»

وداع با فقیه اهل بیت در قم

گزارش

گروه سیاسی



پیکر مطهر آیت‌الله العظمی حسین وحید خراسانی روز گذشته با حضور مردم و جامعه حوزوی قم از محدوده میدان جهاد و خیابان ۱۹ دی شهر قم به سمت حرم مطهر حضرت معصومه(س) تشییع شد.

دراین مراسم جمعی از اعضای مجلس خبرگان رهبری، اعضای جامعه مدرسین حوزه‌های علمیه، استادان و فضلای حوزه، شاگردان این مرجع فقید و طلاب غیرایرانی جامعه المصطفی العالمیه حضور داشته و پیکر ایشان را در مسیر تعیین‌شده همراهی کردند. همچنین سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به نمایندگی رئیس جمهوری و هیأت دولت در آیین تشییع حضور پیدا کرده بود.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در گفت‌وگو با خبرنگاران، با تجلیل از مجاهدت‌های علمی و تبلیغی آن فقید سعید تصریح کرد: «حضرت آیت‌الله العظمی وحید خراسانی شخصیتی بودند که حدود ۹۰ سال از عمر پربرکت خویش را در عرصه تدریس، تحقیق و تبلیغ معارف اسلامی سپری کردند و این عمر طولانی و پرثمر موجب شد نسل‌های مختلفی از دانشمندان و پژوهشگران علوم دینی در مکتب ایشان تربیت شوند.»

پس از انتقال پیکر آیت‌الله وحید خراسانی به حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه(س)، آیین طواف پیکر ایشان در حرم مطهر برگزار و پس از آن نماز میت در صحن امام رضا(ع) توسط آیت‌الله کفایی خراسانی اقامه شد. در این بخش از مراسم نیز علما، روحانیون، طلاب، شاگردان و اقشار مختلف مردم حضور داشتند و در آخرین وداع با این مرجع فقید شرکت کردند.

پس از پایان مراسم تشییع در قم، پیکر آیت‌الله العظمی وحید خراسانی برای برگزاری مراسم تشییع و خاکسپاری به مشهد مقدس منتقل شد. براساس برنامه اعلام شده، آیین تشییع و خاکسپاری این مرجع عالیقدر امروز پنجشنبه ۲۸ آبان‌ماه در جوار بارگاه منور حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) برگزار می‌شود.

به گزارش رسانه رسمی رهبر انقلاب اسلامی، مجلس ترحیم و بزرگداشت مرجع عالیقدر، حضرت آیت‌الله العظمی وحید خراسانی، امشب از طرف رهبر انقلاب، پس از نماز مغرب و عشا در رواق امام خمینی حرم مطهر رضوی در مشهد برگزار می‌شود. همچنین مجلس دیگری، جمعه شب ۲۸ آبان بعد از نماز مغرب و عشا در شبستان امام خمینی حرم حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها در قم برگزار می‌شود.

معاون رئیس جمهور: بوروکراسی باید در مقابل زنان کارآفرین سر خم کند

خبر



معاون رئیس جمهور در امور توسعه روستایی و مناطق محروم، تولید و اشتغال زنان را امری مهم برای توسعه کشور ارزیابی کرد و گفت: نباید با نگاه ترحم وضعیت اشتغال زنان و کارآفرینی زنان را آسیب‌شناسی کرد، چرا که این نگاهی مخرب است.

به گزارش ایرنا، عبدالکریم حسین‌زاده معاون توسعه روستایی رئیس جمهور روز گذشته در نشست با زنان کارآفرین روستا و مناطق کم‌برخوردار، با بیان اینکه بوروکراسی اداری باید به نفع زنان کارآفرین سرخم کند، گفت: حس تعلق، خاصیت بسیار عظیمی دارد. در کسب و کار، فرد باید گرد و خاک آن کسب و کار را بخورد و نسبت به آن حس تعلق داشته باشد. وی با طرح این پرسش که چرا هیچ‌کدام از کارآفرینان نباید در این مملکت مدیر شوند، گفت: ما نیازمند کسانی هستیم که تجربه دارند یعنی زمین خورده، بلند شده و دوباره زمین خورده و بلند شده‌اند. نه افرادی که در سطح نظری بوده‌اند و از راه دور نگاه کرده‌اند. معاون توسعه روستایی رئیس جمهور خاطرنشان کرد: تولید امر مهمی است. ما خیلی دنبال مفهوم قدیمی و کلاسیک و سنتی آن نیستیم و در پی اقتصاد و اشتغال پایدار هستیم. نباید با نگاه ترحم وضعیت اشتغال زنان و کارآفرینی زنان را آسیب‌شناسی کرد، چرا که این نگاهی مخرب است. حسین‌زاده با اشاره به روند کارآفرینی در بازارچه‌های محلی کشورهای توسعه یافته، گفت: در بسیاری از کشورهای دارای بازارهای توسعه‌یافته، بازارهای محلی به بازارهای رسمی متصل هستند و ما نیز باید برای ایجاد چنین ارتباطی برنامه‌ریزی کنیم. وی ادامه داد: در مناطق مختلف، هفته‌بازار، جمعه‌بازار و بازارهای هفتگی مختلفی برگزار می‌شود. اگر این بازارها به یک زنجیره متصل شوند، به‌گونه‌ای که هر دهستان با فرض داشتن ۳۰ روستا، بازار زنجیره‌ای خود را داشته باشد و دهستان‌ها به مراکز شهرستان، شهرستان‌ها به مراکز استان و استان‌ها به تهران متصل شوند، امکان تعامل و رفت‌وآمد مستمر میان این بازارها فراهم می‌شود.

معاون رئیس جمهور گفت: از طریق این شبکه می‌توان هم کالاها را جمع‌آوری کرد و هم برای آنها بازاریابی انجام داد. این ارتباط، یک بازی برد-برد برای دو طرف است و ما وظیفه داریم زمینه راه‌اندازی آن را فراهم کنیم. پیشنهاد می‌کنم کمیته‌ای معرفی شود تا مسیر ایجاد این شبکه ملی را با یکدیگر دنبال کنیم.

وی خاطرنشان کرد: گاهی خیرین با دو نفر کار را آغاز و ناگهان هفت هزار نفر را به خود وابسته می‌کنند؛ در حالی که قرار بود این گروه‌ها برای توانمندسازی مردم وارد میدان شوند تا خود مردم به ستاره‌های توسعه مناطق خود تبدیل شوند. قرار نبود گروه‌ها در صندوق‌های مردم مداخله کنند، آنها را در اختیار بگیرند یا به کسب‌وکار و جغرافیای فعالیتشان آسیب بزنند. وقتی با چنین شرایطی مواجه می‌شویم، احساس می‌کنیم باید در عملکرد خودمان اصلاحاتی انجام دهیم و روندها را به‌درستی تنظیم کنیم.

نوبت دوم

آگهی فراخوان عمومی
مزایده شماره: AK-T-P-05-03
شرکت پترو شیمی امیرکبیر

مزایده‌گزار: شرکت پتروشیمی امیرکبیر
موضوع مزایده: عبارت است از مزایده فروش اقلام پشم سنگ ضایعاتی
متن کامل آگهی فوق در سایت شرکت پتروشیمی امیرکبیر به آدرس www.akpc.ir قابل رؤیت می‌باشد. متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۶۱-۵۲۱۷۴۹۶۵ و ۰۶۱-۵۲۱۷۴۹۶۲ تماس حاصل نمایند.
درج این آگهی هیچ‌گونه تعهدی برای دستگاه مزایده‌گزار ایجاد نمی‌نماید.
شرکت پتروشیمی امیرکبیر

آگهی مزایده عمومی
(مرحله دوم)
فرماندهی آماد و پشتیبانی نیروی دریایی راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران
در نظر دارد نسبت به احداث مجموعه بتن مکران شامل مجتمع تولیدی بتن آماده (از مرحله استحصال مصالح رودخانه‌ای تا تزریق در محل در تیپ‌های متعدد و تولید قطعات بتنی) به صورت مشارکتی اقدام نماید. متقاضیان حقیقی و حقوقی جهت دریافت اصل شرایط با ارائه معرفی‌نامه با مهر شرکت و مدارک هویتی و اصل فیش واریزی به مبلغ ۲۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال در وجه حساب شماره ۵۱۵۱۵۷۹۰۱۵۰۰۵ و شماره کارت ۵۸۹۲۱۰۷۰۴۷۲۰۷۵۹۵ بانک سپه به نام ودجا به آدرس پیش گفته مراجعه نمایند. در صورت لزوم تلفن‌های: ۰۹۱۳۶۵۱۷۰۴۸ و ۰۹۱۱۳۰۷۶۶۲۱ و شماره ثابت ۴۲۲۳۰۳۴۶-۰۳۴ آماده پاسخگویی خواهند بود.
مهلت زمان دریافت اسناد مزایده:
از تاریخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۷ لغایت ۱۴۰۴/۰۹/۰۷ از ساعت ۸ الی ۱۳ می‌باشد.
مهلت زمان ارائه پیشنهادات قیمت:
از تاریخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۸ لغایت ۱۴۰۵/۰۹/۱۸ از ساعت ۸ الی ۱۳ می‌باشد.
زمان برگزاری مزایده: ۱۴۰۵/۰۹/۱۹ می‌باشد.
فرماندهی آماد و پشتیبانی نیروی دریایی راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران

آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق‌العاده
شرکت مشاور سرمایه‌گذاری
پرتو آفتاب کیان (سهامی خاص)
به‌شماره ثبت ۵۱۸۰۸۵ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۱۸۵۵۳۹
بدین‌وسیله از کلیه سهامداران شرکت مشاور سرمایه‌گذاری پرتو آفتاب کیان(سهامی خاص) به‌شماره ثبت ۵۱۸۰۸۵ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۱۸۵۵۳۹ دعوت به‌عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت که رأس ساعت ۰۹:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۰ در محل اعلام شده به نشانی تهران، میدان آرژانتین، خیابان الوند، پلاک۱۹، طبقه ۴ برگزار می‌گردد، حضور به‌هم رسانند.
دستور جلسه:
- تغییر سال مالی؛
- سایر مواردی که اتخاذ تصمیم درخصوص آن‌ها در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده است.
هیأت‌مدیره شرکت مشاور سرمایه‌گذاری پرتو آفتاب کیان (سهامی خاص)

آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق‌العاده
شرکت نوآوری فروش کیان
(سهامی خاص)
به‌شماره ثبت ۵۱۶۸۵۳ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۱۲۶۳۰۴
بدین‌وسیله از کلیه سهامداران شرکت نوآوری فروش کیان (سهامی خاص) به‌شماره ثبت ۵۱۶۸۵۳ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۱۲۶۳۰۴ دعوت به‌عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت که رأس ساعت ۱۰:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۰ در محل اعلام شده به نشانی تهران، میدان آرژانتین، خیابان الوند، پلاک۱۹، طبقه ۴ برگزار می‌گردد، حضور به‌هم رسانند.
دستور جلسه:
- تغییر سال مالی؛
- سایر مواردی که اتخاذ تصمیم درخصوص آن‌ها در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده است.
هیأت‌مدیره شرکت نوآوری فروش کیان (سهامی خاص)

آگهی دعوت به‌مجمع عمومی فوق‌العاده
شرکت طلوع سرمایه کیان (سهامی خاص)
به‌شماره ثبت ۵۰۸۰۰۸ و شناسه ملی ۱۴۰۰۶۶۹۱۸۵۷
بدین‌وسیله از کلیه سهامداران شرکت طلوع سرمایه کیان (سهامی خاص) به‌شماره ثبت ۵۰۸۰۰۸ و شناسه ملی ۱۴۰۰۶۶۹۱۸۵۷ دعوت به‌عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت که رأس ساعت ۱۱:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۰ در محل اعلام شده به نشانی تهران، میدان آرژانتین، خیابان الوند، پلاک۱۹، طبقه ۴ برگزار می‌گردد، حضور به‌هم رسانند.
دستور جلسه:
- تغییر سال مالی؛
- سایر مواردی که اتخاذ تصمیم درخصوص آن‌ها در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده است.
هیأت‌مدیره شرکت طلوع سرمایه کیان (سهامی خاص)

آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق‌العاده
شرکت ستاره آسمان کیان (سهامی خاص)
به‌شماره ثبت ۵۱۶۱۵۰ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۰۹۷۲۵۶
بدین‌وسیله از کلیه سهامداران شرکت ستاره آسمان کیان (سهامی خاص) به‌شماره ثبت ۵۱۶۱۵۰ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۰۹۷۲۵۶ دعوت به‌عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت که رأس ساعت ۱۲:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۰ در محل اعلام شده به نشانی تهران، میدان آرژانتین، خیابان الوند، پلاک۱۹، طبقه ۴ برگزار می‌گردد، حضور به‌هم رسانند.
دستور جلسه:
- تغییر سال مالی؛
- سایر مواردی که اتخاذ تصمیم درخصوص آن‌ها در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده است.
هیأت‌مدیره شرکت ستاره آسمان کیان (سهامی خاص)

اساتید دانشگاه و روزنامه نگاران پیشکسوت در یادداشت‌هایی برای «ایران» روایت سازی **نیویورک تایمز** و **CNN** به نفع اهداف جنگ طلبان را بررسی کردند

رسانه؛ ابزار جنگ یا پاسدار حقیقت

گزارش

گروه سیاسی

بنگاه‌های رسانه‌ای آمریکایی یک بار دیگر در خدمت ایفای کارویژه غیراخلاقی توجیه جنایت‌های جنگی و آماده‌سازی افکار عمومی برای پذیرش اقدامات نظامی مغایر با کنوانسیون‌های بین‌المللی ناظر بر رویارویی‌های نظامی قرار گرفته‌اند؛ چنانکه روز سه‌شنبه شبکه **CNN** در گزارشی مدعی شد «اطلاعات آمریکا از بررسی برنامه‌هایی برای انجام حمله احتمالی با بمب کثیف در واشنگتن حکایت دارد»؛ ادعایی که با وجود فقدان شواهد قابل راستی‌آزمایی، تلاش داشت به شکل‌گیری تصویری امنیتی از ایران در افکار عمومی آمریکا دامن بزند. همزمان، نیویورک تایمز در گزارشی مدعی شد «پراکندگی گسترده سدها و پروژه‌های انتقال آب در ایران، ممکن است با توسعه پایگاه‌های نظامی و موشکی زیرزمینی این کشور مرتبط باشد.» گزارشی که با طرح ادعای ارتباط احتمالی زیرساخت‌های حیاتی ایران با فعالیت‌های نظامی، سعی داشت مرز میان اهداف نظامی و تأسیسات غیرنظامی را در ذهن مخاطبانش مخدوش کند.

اگر چه دروغ‌پردازی‌هایی که طی دو روز گذشته در رسانه‌های آمریکایی «نیویورک تایمز» و شبکه **CNN** با هدف توجیه حمله به زیرساخت‌های غیرنظامی ایران انجام شد، دچار چنان بی‌اعتباری و فقدان بنیان مستندی بود که جز ترامپ مقام دیگری در واشنگتن حاضر نشد به نحو علنی مورد تأییدشان قرار دهد، اما یک بار دیگر پرسش‌هایی جدی را درباره نقش رسانه در شکل‌دهی به افکار عمومی و مسئولیت اخلاقی روزنامه‌نگاری در شرایط جنگی ایجاد کرد. اینکه یک رسانه، یک زیرساخت حیاتی مانند سد، نیروگاه یا شبکه تأمین آب را در چارچوب کارکردهای نظامی بازنمایی می‌کند، به دنبال آن است که حساسیت افکار عمومی را نسبت به پیامدهای انسانی و غیرنظامی هدف قرار گرفتن چنین تأسیساتی کاهش دهد؛ هرچند حتی وجود یک کارکرد دوگانه به خودی خود نمی‌تواند یک زیرساخت حیاتی برای زیست انسانی را به هدف نظامی مشروع تبدیل کند.

ادعای شبکه **CNN** هم کارکرد مشابهی را دنبال کرده است؛ ایجاد تصویری اهریمنی از ایران برای شهروندان آمریکایی که این روزها به نحو گسترده‌ای به هزینه‌تراشی‌های جنگی ترامپ از جیب مالیات‌هایی که می‌پردازند معترضند و لابد با ادعاهایی از جنس ادعای **CNN** باید برای ادامه این جنگ بی‌حاصل و از پیش شکست خورده، توجیه شوند. در متن چنین وضعیتی است که به نظر می‌رسد برای رسانه‌های جریان اصلی آمریکا اهمیت راستی‌آزمایی ادعاها، تفکیک واقعیت از گمانه‌زنی، پرهیز از بازنشر بی‌طرفانه اتهامات اثبات نشده و توجه به پیامدهای انسانی جنگ، بی‌معنا شده و آنها ناخواسته یا آگاهانه به بخشی از فرآیند توجیه اقدامات نظامی تبدیل شده‌اند.

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران روز گذشته در بیانیه‌ای ضمن محکوم کردن این اقدام شبه رسانه‌ای نیویورک تایمز و **CNN** جوامع و نهادهای رسانه‌ای بین‌المللی را به واکنش به این انحراف خطرناک از رسالت انسانی و ژورنالیستی دعوت و تصریح کرد: «استفاده از ابزار رسانه برای توجیه تجاوز به خاک کشوری مستقل و نابودی زیرساخت‌های حیاتی مردم نه یک کار رسانه‌ای حرفه‌ای که قرار گرفتن در صف تجاوز و پایمال کردن جان و مال انسان‌های بی‌گناه محسوب می‌شود.»

جمعی از فعالان رسانه‌ای نیز در یادداشت‌هایی شفاهی و کتبی برای روزنامه ایران، به بررسی نقش رسانه در فضاسازی تبلیغاتی، سازوکارهای شکل‌دهی به افکار عمومی و مسئولیت اخلاقی روزنامه‌نگاران در برابر حقیقت و جان انسان‌ها پرداخته‌اند؛ یادداشت‌هایی که مواجهه با تلاش دشمن برای استفاده از رسانه به‌مثابه ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به جنگ و عادی‌سازی حمله به اهداف غیرنظامی را مستلزم هوشیاری و روایت‌سازی مستند، حرفه‌ای و فعال از سوی رسانه‌ها، کارشناسان و نخبگان ایرانی می‌دانند.



جاده‌صاف‌کن امپریالیسم



اکبر منتجبی
روزنامه نگار

روزنامه‌نگاری در بهترین معنای خود، همواره یکی از مهم‌ترین موانع در برابر جنگ، استبداد و دروغ بوده است. بسیاری از بزرگ‌ترین رسوایی‌های سیاسی جهان، جنایت‌های جنگی و سوءاستفاده‌های قدرت، نه به دست دولت‌ها، بلکه به دست خبرنگارانی افشا شده که حاضر نشده‌اند در برابر قدرت سکوت کنند اما این تصویر همیشه تمام واقعیت نیست. روزنامه‌نگاران گاهی نیز، آگاهانه یا ناآگاهانه، به بازتولید روایت‌های جنگ‌طلبانه و حتی فاشیستی کمک و کنار امپریالیسم ایستاده‌اند. نمونه آن را در جنگ دوازده‌روزه و جنگ رمضان دیدیم که برخی تلویزیون‌های فارسی‌زبان چگونه آشکارا خواستار بمباران ایران شدند. اکنون نیز در دو گزارش نیویورک‌تایمز و سی‌ان‌ان با نمونه دیگری از این مسأله روبه‌رو هستیم. این دو گزارش بار دیگر پرسشی اساسی را پیش روی ما قرار می‌دهد که مرز میان روزنامه‌نگاری مسئولانه و روزنامه‌نگاری غیرمسئولانه کجاست؟

در گزارش نیویورک‌تایمز، از ارتباط احتمالی سدها و پروژه‌های انتقال آب ایران با تأسیسات نظامی و پایگاه‌های موشکی زیرزمینی سخن گفته شده و در گزارش سی‌ان‌ان ادعا شده طرح احتمالی ایران استفاده از بمب کثیف یا سلاح شیمیایی در واشنگتن است. دو گزارش با دو موضوع متفاوت، اما با یک ویژگی مشترک؛ هر دو بر مجموعه‌ای از احتمال‌ها، ارزیابی‌ها و فرضیه‌ها استوارند. در یکی، ارتباط سدها با تأسیسات نظامی اثبات نشده و در دیگری، مقام‌های آمریکایی درباره توانایی و حتی اراده ایران برای اجرای چنین حمله‌ای اختلاف‌نظر دارند. در هر دو گزارش، با عباراتی از جنس «ممکن است»، «شواهد قطعی وجود ندارد» و «هنوز اثبات نشده است» مواجه می‌شویم. مشکل دقیقاً از همین جا آغاز می‌شود. نیویورک‌تایمز و سی‌ان‌ان ادعاهایی را منتشر می‌کنند که خودشان نیز به اثبات نشدن آنها اذعان دارند. آنها چیزی در ذهن مخاطب می‌کارند که دولت آمریکا قرار است برداشت کند. در روزنامه‌نگاری، گاهی یک جمله از هزار موشک خطرناک‌تر است. نه به این دلیل که مستقیماً فرمان حمله می‌دهد، بلکه چون به افکار عمومی می‌آموزد چگونه به یک هدف نگاه کند.

در گزارش نیویورک‌تایمز، سد دیگر فقط یک سد نیست؛ آنها می‌خواهند این سازه، آرام‌آرام به تأسیساتی مشکوک تبدیل شود. پروژه انتقال آب از نگاه آنها دیگر یک پروژه عمرانی نیست که قرار است میلیون‌ها نفر از آن بهره ببرند؛ بلکه قرار است بخشی از یک شبکه پنهان نظامی باشد که مورد هدف نظامیان آمریکایی قرار گیرد. پیش از آنکه اولین بمب فرود بیاید، باید در ذهن مخاطب این تصور شکل بگیرد که آنچه بمباران می‌شود، دیگر کاملاً غیرنظامی نیست. باید یک نیروگاه، یک بندر، یک سد یا یک شبکه آب‌رسانی از جایگاه «منبع حیات» به جایگاه «هدفی قابل بحث» منتقل شود. این جابه‌جایی نه در آسمان که در صفحات روزنامه‌ها و شبکه‌های خبری اتفاق می‌افتد. تأسف‌بارتر آنکه این اولین بار نیست که رسانه‌های بزرگ آمریکایی در چنین مسیری قدم می‌گذارند. حافظه جهان هنوز فاجعه عراق را فراموش نکرده است. هنوز خاطره تیترها، گزارش‌ها و تحلیل‌هایی که بر پایه ادعاهای اثبات‌نشده درباره سلاح‌های کشتار جمعی منتشر می‌شدند، زنده است. آن روز هم از قطعیت خبری نبود؛ سخن از «احتمال»، «ارزیابی اطلاعاتی» و «نگرانی‌های امنیتی» بود. اما همین احتمالات و نگرانی‌ها، فضای روانی لازم برای جنگی را فراهم کردند که میلیون‌ها انسان هزینه آن را پرداختند. بعدها بسیاری از همان روایت‌ها فرو ریختند، اما ویرانی‌های جنگ باقی ماند.

امروز نیز همان الگو در حال تکرار است. یک روز سدها به پایگاه‌های موشکی پیوند می‌خورند، روزی دیگر تهدیدی تازه از دل گزارش‌های اطلاعاتی بیرون می‌آید. همه چیز با احتیاط نوشته می‌شود، اما حاصل نهایی یکسان است و آن ساختن تصویری از کشوری که باید دائماً به عنوان یک خطر دیده شود؛ کشوری که زیرساخت‌هایش مشکوک‌اند، نیت‌هایش مبهم است و بنابراین هر اقدام خصمانه علیه آن می‌تواند برای افکار عمومی قابل فهم جلوه کند!

اینجاست که روزنامه‌نگاری غیرمسئولانه به جاده‌صاف‌کن امپریالیسم تبدیل می‌شود. نه چون مستقیماً خواهان جنگ است، بلکه چون زبان لازم برای توجیه جنگ را تولید می‌کند. نه چون فرمان شلیک صادر می‌کند، بلکه چون پیشاپیش اهداف را در ذهن مخاطبان علامت‌گذاری می‌کند.

امپریالیسم فقط به ناو هواپیمابر، موشک و بمب‌افکن نیاز ندارد. به روایت هم نیاز دارد. به داستانی نیاز دارد که در آن یک کشور به تهدیدی دائمی تبدیل شود و هر اقدامی علیه آن، از تحریم گرفته تا حمله نظامی، قابل دفاع جلوه کند. در چنین وضعیتی، رسانه دیگر دیده‌بان قدرت نیست؛ بخشی از ماشین تولید رضایت برای قدرت است.

هیچ گزارش تحقیقی ارزش آن را ندارد که یک سد، یک نیروگاه، یک شبکه آب‌رسانی یا زندگی میلیون‌ها نفر را در معرض سوءظن و سپس در معرض بمباران قرار دهد. خطرناک‌ترین شکل روزنامه‌نگاری، فیک‌نیوز نیست؛ روزنامه‌نگاری‌ای است که در لباس تحقیق، برای جنگ مشروعیت تولید می‌کند. روزنامه‌نگاری‌ای که پیش از فرود آمدن بمب‌ها، واژه‌ها را بر سر مردم فرود می‌آورد. عنوان چنین روزنامه‌نگاری‌ای هر چه باشد، چیزی جز خدمت به امپریالیسم نیست. اگر هنوز نمی‌دانید یک سد چه نسبتی با یک پایگاه موشکی دارد، حق ندارید درباره آن گزارش بنویسید و مصاحبه کنید و تأسیسات زندگی را در ذهن مخاطب به تأسیسات نظامی و هدف بالقوه تبدل کنید.

شاید خطرناک‌ترین شکل روزنامه‌نگاری، فیک‌نیوز و روزنامه‌نگاری دروغ‌پردازانه نباشد. خطرناک‌ترین شکل آن، روزنامه‌نگاری‌ای است که در لباس تحقیق ظاهر می‌شود، اما در عمل راه را برای بمباران هموار می‌کند؛ روزنامه‌نگاری‌ای که پیش از فرود آمدن موشک‌ها، واژه‌ها را بر سر مردم فرود می‌آورد.

اخلاق حرفه‌ای و مرز میان اطلاع‌رسانی و گمانه‌زنی



هومن قاپچی
استاد مدیریت رسانه دانشگاه تهران

رسانه حرفه‌ای پیش از آنکه درباره دیگران داوری کند، باید درباره اعتبار اطلاعاتی که منتشر می‌کند پاسخگو باشد. این شاید ساده‌ترین و در عین حال مهم‌ترین اصل روزنامه‌نگاری باشد؛ اصلی که در فضای پیچیده ارتباطات امروز، بیش از هر زمان دیگری اهمیت پیدا کرده است. سرعت انتشار خبر، رقابت برای دیده‌شدن و تلاش برای جلب توجه مخاطب، گاهی رسانه‌ها را به سمتی سوق می‌دهد که فاصله میان واقعیت، تحلیل، احتمال و گمانه‌زنی در روایت خبری کمرنگ می‌شود. در چنین شرایطی، پرسش اساسی این است که رسانه تا کجا می‌تواند از داده‌های محدود، نتیجه‌گیری‌های بزرگ بسازد؟

انتشار گزارش‌هایی درباره ارتباط احتمالی پروژه‌های سدسازی ایران با تأسیسات موشکی و همچنین بازتاب ادعاهایی درباره برنامه احتمالی ایران برای استفاده از بمب کثیف در واشنگتن، نمونه‌هایی هستند که می‌توان از منظر اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری به آنها پرداخت. فارغ از موضع سیاسی رسانه منتشرکننده یا موضوع مورد بحث، مسأله اصلی کیفیت شواهد، نحوه صورت‌بندی ادعاها و میزان دقت در انتقال اطلاعات به مخاطب است.

در روزنامه‌نگاری، میان یک واقعیت تأییدشده، یک فرضیه کارشناسی و یک ادعای نقل‌شده تفاوت بنیادین وجود دارد. اگر رسانه‌ای گزارشی را بر مبنای همجواری جغرافیایی دو مجموعه از تأسیسات تنظیم کند، باید روشن سازد که این همجواری تا چه اندازه می‌تواند مبنای یک نتیجه‌گیری معتبر باشد. همزمانی دو رویداد، شباهت دو موقعیت یا حتی نظر یک کارشناس، لزوماً رابطه‌ای قطعی میان آنها ایجاد نمی‌کند. وظیفه رسانه آن است که این محدودیت‌ها را توضیح دهد، نه اینکه با انتخاب تیتر یا واژگان خاص، یک احتمال را در ذهن مخاطب به واقعیتی مسلم تبدیل کند.

یکی از خطاهای رایج در اطلاع‌رسانی معاصر، تبدیل «ادعا» به «خبر» و سپس تبدیل «خبر» به «واقعیت پذیرفته‌شده» است. گاهی یک مقام رسمی ادعایی مطرح می‌کند، رسانه‌ای آن را بازتاب می‌دهد و رسانه‌های دیگر با استناد به همان گزارش، آن ادعا را دوباره منتشر می‌کنند. در پایان، مخاطب با انبوهی از بازنشرها مواجه می‌شود و ممکن است تصور کند با چندین منبع مستقل روبه‌رو است؛ در حالی که همه آنها به یک منشأ اولیه بازمی‌گردند. این پدیده نشان می‌دهد که تعداد دفعات انتشار یک ادعا، جایگزین اعتبار و استقلال شواهد نمی‌شود.

در این میان، اصل راستی‌آزمایی اهمیت ویژه‌ای دارد. رسانه حرفه‌ای باید از خود بپرسد: منبع این اطلاعات چیست؟ آیا منبع دیگری آن را تأیید کرده است؟ آیا شواهد قابل بررسی در اختیار مخاطب قرار گرفته‌اند؟ چه اطلاعاتی ممکن است در روایت اولیه نادیده مانده باشد؟ آیا امکان تفسیر دیگری از داده‌ها وجود دارد؟ پاسخ به این پرسش‌ها بخشی از فرآیند حرفه‌ای تولید خبر است، نه اقدامی تشریفاتی برای تکمیل یک گزارش.

اخلاق رسانه‌ای البته فقط به صحت اطلاعات محدود نمی‌شود. انصاف در بازنمایی، پرهیز از پیش‌داوری، احترام به شأن اشخاص و کرامت جوامع و توجه به پیامدهای انتشار اطلاعات نیز از مؤلفه‌های مهم آن هستند. رسانه نباید صرفاً به این دلیل که یک روایت جذاب، جنجالی یا پربازدید است، آن را در اولویت انتشار قرار دهد. انتخاب واژگان، تنظیم تیتر، گزینش تصاویر و حتی ترتیب ارائه اطلاعات، همگی در شکل‌گیری برداشت مخاطب نقش دارند. گاهی ممکن است تک‌تک جمله‌های یک گزارش از نظر صوری درست باشند، اما ترکیب و نحوه ارائه آنها تصویری گمراه‌کننده ایجاد کند. بنابراین، صداقت رسانه‌ای فقط به معنای دروغ نگفتن نیست؛ به معنای پرهیز از ایجاد برداشت نادرست نیز هست.

این معیارها باید درباره همه رسانه‌ها، فارغ از ملیت، گرایش سیاسی و جایگاه سازمانی آنها، یکسان اعمال شوند. رسانه داخلی نیز اگر ادعایی را بدون بررسی کافی منتشر کند یا به جای ارائه شواهد به تخریب اشخاص و جریان‌های فکری بپردازد، از معیارهای حرفه‌ای فاصله گرفته است. نمی‌توان از رسانه‌های بین‌المللی انتظار دقت و انصاف داشت، اما در ارزیابی عملکرد رسانه‌های خودی از همان معیارها چشم‌پوشی کرد. اخلاق حرفه‌ای زمانی اعتبار دارد که به یک قاعده عمومی تبدیل شود، نه ابزاری برای نقد دیگران.

در نهایت، باید به یاد داشت که مهم‌ترین دارایی یک رسانه، نه تعداد مخاطبان و نه میزان بازدید مطالب آن، بلکه اعتماد عمومی است. این اعتماد به‌آسانی به دست نمی‌آید و با انتشار اطلاعات نادقیق، تیترهای اغراق‌آمیز و روایت‌های فاقد پشتوانه، به‌سرعت آسیب می‌بیند. مخاطب امروز بیش از هر زمان دیگری به رسانه‌ای نیاز دارد که میان دانسته‌ها و نادانسته‌ها تفاوت بگذارد، محدودیت‌های اطلاعاتی خود را پنهان نکند و به جای تحمیل نتیجه، امکان داوری آگاهانه را برای او فراهم آورد.

شاید حرفه‌ای‌ترین رفتار رسانه‌ای در بسیاری از موقعیت‌ها، نه انتشار سریع‌تر یک ادعا، بلکه مکث برای اطمینان از صحت آن باشد. رسانه‌ای که می‌داند چه چیزی را هنوز نمی‌داند، از رسانه‌ای که برای هر پرسشی پاسخی قطعی می‌سازد، قابل اعتمادتر است. در روزگاری که اطلاعات به‌سرعت تولید و تکثیر می‌شوند، ارزش رسانه را باید بیش از هر چیز در توانایی آن برای حفظ مرز میان واقعیت و برداشت جست‌وجو کرد.

دفاع از حقیقت در جنگ روایت‌ها



مهدی رحمانیان
مدیرمسئول روزنامه شرق

این یک واقعیت تلخ است که رسانه به‌ویژه در نظام رسانه‌ای غرب، همواره در جایگاه ناظر مستقل و پاسدار حقیقت قرار ندارد و در بسیاری از بزنگاه‌های تاریخی، به ابزاری در خدمت اهداف سیاسی و نظامی دولت‌ها تبدیل شده است. مرور تجربه جنگ‌های آمریکا در منطقه نشان می‌دهد که چگونه روایت‌سازی رسانه‌ای توانست افکار عمومی را برای پذیرش یک جنگ یا حتی حمله به اهدافی که در شرایط عادی غیرنظامی تلقی می‌شدند، آماده کند. چنانکه در جنگ اول خلیج فارس، رسانه‌ها در مقابل عملیات نظامی آمریکا سکوت کردند تا روایت رسمی طرف مهاجم به تصویر مطلوب خود از جنگ شکل دهد. در آستانه جنگ دوم خلیج فارس نیز موج گسترده‌ای از فضاسازی رسانه‌ای درباره وجود سلاح‌های کشتار جمعی در عراق به راه افتاد؛ ادعاهایی که بعدها بی‌اساس بودن بخش اصلی آنها آشکار شد. این تجربه‌ها نشان داده است که چگونه ادعاهای امنیتی، در صورت تکرار و برجسته‌سازی رسانه‌ای، می‌توانند از سطح یک گمانه‌زنی اطلاعاتی به مبنایی برای اقناع افکار عمومی و توجیه مداخله نظامی تبدیل شوند. گزارش اخیر نیویورک‌تایمز درباره ارتباط احتمالی سدهای ایران با پایگاه‌های زیرزمینی موشکی نیز در همین چارچوب قابل بررسی است. وقتی یک رسانه با طرح احتمال و گمانه‌زنی، زیرساختی حیاتی مانند سد را به تأسیسات نظامی پیوند می‌دهد، این خطر وجود دارد که در ذهن مخاطب، ماهیت غیرنظامی آن زیرساخت به حاشیه برود و زمینه برای توجیه حمله احتمالی به آن فراهم شود. به‌ویژه آنکه چنین تأسیساتی مستقیماً با زندگی میلیون‌ها انسان، تأمین آب، کشاورزی، تولید انرژی و امنیت غذایی ارتباط دارند. در چنین شرایطی قاعدتاً استفاده از واژه‌هایی مانند «احتمالاً» و «ممکن است» نباید به رسانه‌ها امکان دهد مسئولیت حرفه‌ای خود را در قبال پیامدهای انتشار چنین ادعاهایی نادیده بگیرند. البته تغییر فضای رسانه‌ای جهان و گسترش شبکه‌های اجتماعی و شهروندرسانه‌ها، انحصار رسانه‌های بزرگ را تا حد زیادی شکسته است؛ اما نباید تصور کرد که این تحول، قدرت رسانه‌های جریان اصلی را از میان برده است. رسانه‌های پرمخاطب همچنان در شکل‌دهی به برداشت عمومی از تحولات بین‌المللی نقش مهمی دارند و می‌توانند با تکرار یک روایت، زمینه اجتماعی پذیرش برخی سیاست‌ها و اقدامات را تقویت کنند. بنابراین، مقابله با چنین فضاسازی‌هایی نیازمند فعالیت رسانه‌ای مستمر، مستند و حرفه‌ای است؛ نه صرفاً واکنش‌های مقطعی و احساسی. بازتاب انتقادها به گزارش نیویورک‌تایمز در رسانه‌هایی مانند دویچه‌وله و الجزیره و همچنین موضع‌گیری کارشناسانی چون کاوه مدنی، نشان داد که می‌توان روایت‌های یکسویه را با اتکا به دانش تخصصی و اعتبار حرفه‌ای به چالش کشید. این تجربه بار دیگر اهمیت حمایت از رسانه‌ها، پژوهشگران و نخبگان ایرانی برخوردار از جایگاه بین‌المللی را یادآوری می‌کند؛ چهره‌هایی که می‌توانند با استدلال کارشناسی و زبان قابل فهم برای مخاطب جهانی، از حقیقت و حقوق مردم ایران دفاع کنند. مقابله با روایت‌های نادرست، پیش از هر چیز به تولید روایت مستند و قابل اعتماد نیاز دارد. در جنگ روایت‌ها، سکوت و انفعال می‌تواند به تقویت روایت طرف مقابل بینجامد. بنابراین لازم است که رسانه‌ها و فعالان رسانه‌ای و نخبگان ایرانی هر یک به سهم خود برای مقابله با این روایت‌سازی و جلوگیری از توجیه اقدامات مصداق جنایت جنگی توسط دشمن تلاش کنند.

رسانه‌های آمریکایی در خدمت پروژه ایران‌هراسی



محسن مسعودیان
استاد مدیریت رسانه

جنگ همیشه با شلیک نخستین موشک آغاز نمی‌شود. گاهی پیش از آنکه جنگنده‌ها به پرواز درآیند و زیرساخت‌های یک کشور هدف قرار گیرند، جنگی سازمان یافته در عرصه افکار عمومی شکل می‌گیرد؛ جنگی که هدف آن، ساختن تصویری تهدیدآمیز از یک ملت و آماده‌سازی ذهنیت جهانی برای پذیرش اقدامات نظامی علیه آن است. آنچه امروز در بخشی از فضای رسانه‌ای آمریکا درباره جمهوری اسلامی ایران مشاهده می‌کنیم، از همین منظر قابل تحلیل است. پرسش اساسی این است: چگونه می‌توان رسانه‌ای را حرفه‌ای و مستقل دانست که بدون ارائه شواهد معتبر و قابل راستی‌آزمایی، ایران را دارای سلاح هسته‌ای معرفی می‌کند و حتی موجودیت ایالات متحده را در معرض تهدید ایران قرار می‌دهد؟ آیا وظیفه روزنامه‌نگاری، تفکیک واقعیت از ادعا، بررسی اعتبار منابع و مطالبه شواهد نیست؟ چگونه ادعایی که هنوز اثبات نشده است، در برخی روایت‌های رسانه‌ای چنان بازنمایی می‌شود که گویی با یک واقعیت قطعی مواجهیم؟ این مسأله صرفاً یک خطای رسانه‌ای نیست؛ بلکه باید آن را در چارچوب جامعه‌شناسی سیاسی و مفهوم «امنیتی‌سازی» فهم کرد. امنیتی‌سازی فرآیندی است که طی آن یک اختلاف سیاسی یا موضوع مورد مناقشه، به تهدیدی وجودی تبدیل می‌شود تا اقدامات فوق‌العاده در برابر آن توجیه‌پذیر جلوه کند. هنگامی که ایران به عنوان تهدیدی علیه موجودیت آمریکا معرفی می‌شود، عملاً زمینه ذهنی لازم برای پذیرش تحریم‌های بیشتر، فشارهای بین‌المللی و حتی تجاوز نظامی فراهم می‌شود. در این چارچوب، رسانه می‌تواند از جایگاه ناظر قدرت به ابزار تولید مشروعیت برای اعمال قدرت تبدیل شود. تفاوت میان فناوری هسته‌ای، غنی‌سازی اورانیوم و ساخت سلاح هسته‌ای، تفاوتی بنیادین است که نمی‌توان آن را با بازی‌های زبانی و تبلیغات سیاسی نادیده گرفت. جمهوری اسلامی ایران بارها بر ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای خود و حق بهره‌مندی از فناوری هسته‌ای در چارچوب معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای تأکید کرده است. این حق، امتیازی نیست که دولت آمریکا به ایران اعطا کند یا هر زمان اراده کرد از آن سلب کند. هیچ کشوری حق ندارد با اتکا به قدرت نظامی خود، حقوق قانونی دیگر کشورها را به رسمیت نشناسد یا قواعد بین‌المللی را به ابزاری برای اعمال اراده سیاسی خویش تبدیل کند. تناقض بزرگ در سیاست آمریکا نیز همین جا آشکار می‌شود: دولتی که خود از بزرگ‌ترین قدرت‌های هسته‌ای جهان است و سابقه استفاده از سلاح هسته‌ای را در تاریخ دارد، در جایگاه مدعی امنیت جهانی ظاهر می‌شود و برای برنامه هسته‌ای ایران تعیین تکلیف می‌کند. این رویکرد، نمونه‌ای روشن از استانداردهای دوگانه در نظم بین‌المللی است؛ نظمی که در آن، برخورداری از قدرت گاه جایگزین حق و قانون می‌شود. از منظر جامعه‌شناسی رسانه، تکرار یک ادعا، حتی بدون ارائه شواهد، می‌تواند به تدریج آن را در ذهن مخاطب به واقعیتی پذیرفته‌شده تبدیل کند. وقتی رسانه‌های پرمخاطب، ایران را نه به عنوان یک دولت مستقل با منافع و حقوق مشروع، بلکه به مثابه تهدیدی دائمی و غیرقابل مذاکره بازنمایی می‌کنند، در واقع در حال تولید نوعی دیگری‌سازی سیاسی هستند. در چنین فضایی، حمله به ایران ممکن است نه به عنوان تجاوز به حاکمیت یک کشور، بلکه به عنوان اقدامی پیشگیرانه و ضروری به افکار عمومی فروخته شود. خطر این روایت‌سازی زمانی جدی‌تر می‌شود که هدف آن، فراهم کردن زمینه روانی و سیاسی برای حمله به زیرساخت‌های حیاتی ایران باشد. هدف قرار دادن نیروگاه‌ها، صنایع، شبکه‌های انرژی، حمل‌ونقل و مراکز خدمات عمومی، پیش از هر چیز زندگی و معیشت مردم را نشانه می‌گیرد. این زیرساخت‌ها متعلق به یک دولت به معنای محدود آن نیستند؛ سرمایه‌های ملی و دارایی‌های بین نسلی جامعه ایران هستند. هیچ اختلاف سیاسی یا ادعای اثبات نشده‌ای نمی‌تواند مجوز تعرض به امنیت و زندگی یک ملت باشد. ایران نه برای برخورداری از حقوق خود به اجازه واشنگتن نیاز دارد و نه برای دفاع از حاکمیت و تمامیت ارضی خود باید در برابر فشار تبلیغاتی قدرت‌های بزرگ عقب‌نشینی کند. آنچه امروز اهمیت دارد، هوشیاری در برابر جنگ روایت‌ها و شناخت سازوکارهای تولید و انتشار ایران هراسی است. رسانه‌ای که ادعا را جایگزین سند، تبلیغات را جایگزین حقیقت و منافع سیاسی قدرت‌ها را جایگزین مصالح صلح و امنیت جهانی می‌کند، نمی‌تواند مدعی روزنامه‌نگاری حرفه‌ای باشد. روزنامه‌نگاری مسئولانه باید در برابر جنگ‌طلبی بایستد. دفاع از حقیقت، در این شرایط، بخشی از دفاع از حق ملت ایران برای استقلال و امنیت خویش است.

روایت‌سازی هدفمند برای خدمت به کاخ سفید



جلال خوش‌چهره
روزنامه‌نگار

افزایش تبلیغات و انتشار اخبار مرتبط با سدسازی‌ها و همچنین برجسته‌سازی برخی ادعاها درباره مداخلات تهران در مناطق مختلف، از جمله آمریکا و اروپا را باید در چارچوب بسترسازی برای یک اقدام گسترده و با شدت بالا علیه جمهوری اسلامی ایران تحلیل کرد. به نظر می‌رسد واشنگتن در حال طراحی و پیگیری راهبردی چندوجهی است که هدف اصلی آن فراهم کردن شرایط سیاسی و روانی برای افزایش فشار بر تهران و در نهایت احتمال توسل به اقدام نظامی گسترده است.

در این چارچوب، ایالات متحده دو هدف اساسی را در قبال ایران دنبال می‌کند. نخست، قرار دادن تهران در برابر یک انتخاب دشوار میان حفظ منافع حیاتی و پذیرش شرایطی که واشنگتن برای بقا و تداوم حیات سیاسی جمهوری اسلامی تعریف می‌کند. در واقع، آمریکا می‌کوشد با افزایش فشارها، ایران را به نقطه‌ای برساند که هریک از انتخاب‌های پیش روی آن بتواند پیامدهای سنگینی برای تهران به همراه داشته باشد.

برای تحقق این هدف و آماده‌سازی زمینه‌های یک اقدام گسترده، سیاه‌نمایی از سیاست‌های ایران و ارائه تصویری تهدیدآمیز از ماهیت و عملکرد جمهوری اسلامی به یکی از مهم‌ترین ابزارهای نظامی محدود نمی‌شود بلکه ابعاد روانی و سیاسی گسترده‌ای نیز پیدا می‌کند. هدف اصلی آن القای این گزاره است که فرصت تهران رو به پایان است و ایران باید به آنچه واشنگتن تعلل و مقاومت می‌خواند، پایان دهد.

از این منظر، دولت ترامپ یک بازی سه‌گانه را در قبال تهران دنبال می‌کند. محور نخست، تداوم سیاست فشار حداکثری و افزایش دامنه تحریم‌هاست. محور دوم، ایجاد و تشدید اختلاف‌های مقطعی با هدف افزایش شکاف‌ها و پیچیده‌ترکردن فضای تصمیم‌گیری در تهران است. محور سوم نیز خطرناک جلوه دادن ایران در افکار عمومی جهان، حتی همزمان با تأکید مکرر بر ضعف این کشور است.

این تناقض ظاهری بخشی از راهبرد ایران‌هراسی محسوب می‌شود. واشنگتن از یک سو تلاش می‌کند ایران را کشوری ضعیف و آسیب‌پذیر معرفی کند و از سوی دیگر، آن را تهدیدی جدی برای امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی نشان دهد. چنین روایتی می‌تواند به ایجاد بسترذهنی و سیاسی لازم برای توجیه اقدامات احتمالی علیه تهران در افکار عمومی جهان غرب کمک کند.

واقعیت این است که دولت ترامپ تاکنون بیش از آنکه بر یافتن راه‌حل‌های پایدار و کاهش اختلافات تمرکز داشته باشد، بر برجسته‌سازی و تشدید اختلاف‌ها تأکید کرده است. همین مسأله یکی از موانع اصلی پذیرش خواسته‌های حداکثری ترامپ از سوی تهران بوده است. نکته قابل تأمل دیگر این است که دولت آمریکا همزمان با طرح ضرورت توافق با ایران، هنوز تعریف روشن و قابل قبولی از چارچوب، الزامات و حدود چنین توافقی ارائه نکرده است. مواضع واشنگتن در این زمینه همچنان سیال، مبهم و فاقد چشم‌اندازی مشخص است. اما دلیل تأکید ترامپ بر احتمال یک اقدام نظامی گسترده علیه جمهوری اسلامی را باید در تمایل او به کسب یک پیروزی بزرگ و تعیین‌کننده در برابر تهران جست‌وجو کرد. نتایج انتخابات میان‌دوره‌ای نوامبر در ایالات متحده نیز نشان داد که افکار عمومی آمریکا بیش از گذشته دولت ترامپ را با پرسش‌های جدی درباره دستاوردهای جنگ مواجه کرده است. اینکه آمریکا تاکنون چه چیزی به دست آورده، چه هزینه‌هایی متحمل شده و آیا اساساً آغاز و تداوم این جنگ ارزش چنین هزینه‌هایی را داشته است، از جمله پرسش‌هایی است که فشار سیاسی بر دولت واشنگتن را افزایش می‌دهد.

در چنین شرایطی، ترامپ به دنبال دستیابی به نتیجه‌ای سریع و قابل ارائه به عنوان یک پیروزی قطعی است تا بتواند هزینه‌های سیاسی و راهبردی تقابل با ایران را توجیه کند. از همین رو، افزایش جریان رسانه‌ای علیه جمهوری اسلامی و تلاش برای تخریب هرچه بیشتر چهره آن در رسانه‌های غربی اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. بنابراین، مجموعه این تحولات را نباید رویدادهایی پراکنده و مستقل از یکدیگر تلقی کرد. این تحولات در کنار فشارهای اقتصادی، تحریم‌ها و تهدیدهای نظامی، بخشی از یک روند هدفمند برای شکل‌دهی به فضای سیاسی و روانی مورد نیاز واشنگتن هستند؛ روندی که می‌تواند زمینه‌ساز تشدید تقابل باشد.

نوبت اول

آگهی مزایده عمومی (تجدید)

نام و نشانی مزایده گزار: سازمان فرهنگی هنری، ورزشی و سیاحتی کوثر به نشانی تهران خیابان ایرانشهر شمالی، روبروی خیابان اراک پلاک ۱۳۷

آدرس محل موضوع مزایده: مشهد-انتهای بلوار وکیل آباد- ابتدای جاده طرقبه-نرسیده به ویلاشهر- هتل ثامن

نوع و مبلغ تضمین شرکت در مزایده:

ردیف	موضوع مزایده	شماره مزایده در سامانه	مبلغ تضمین شرکت در مزایده
۱	بهره برداری (اجاره) رستوران و تالار (اطلسی) باس هتل ثامن مشهد	۵۰۰۵۰۹۲۱۶۲۰۰۰۱۱	۲،۵۲۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال
۲



گفتگوی «ایران» با اکبر ولی زاده، استاد دانشگاه به بهانه نشست اخیر وزرای خارجه اکو

نسخه بهره‌برداری اقتصادی ایران از ظرفیت اکو چیست؟

گفت و گو

فاطمه غریبی/گروه دیپلماسی- در شرایطی که تحولات ژئوپلتیکی منطقه، تلاش آمریکا برای ایجاد اختلال در مسیرهای تجاری و تداوم فشارهای اقتصادی، ضرورت بازتعریف مناسبات اقتصادی ایران با کشورهای پیرامونی را بیش از گذشته آشکار کرده است، سازمان همکاری اقتصادی (اکو) می‌تواند به یکی از بسترهای مهم تقویت پیوندهای تجاری و ترانزیتی کشور تبدیل شود. با این حال، پرسش اساسی این است که این سازمان تا چه اندازه می‌تواند از سطح توافق‌ها و نشست‌های دیپلماتیک فراتر برود و به ابزاری عملی برای توسعه تجارت، تقویت کریدورهای منطقه‌ای و کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی اعضا، بویژه ایران تبدیل شود؟ اکبر ولی‌زاده، استاد دانشگاه تهران در گفت‌وگو با «ایران» با تأکید بر اهمیت فزاینده موقعیت ژئوپلتیکی و ژئواکونومیکی اکو، معتقد است این سازمان از ظرفیت قابل توجهی برای تبدیل شدن به چارچوبی مؤثر در همکاری‌های منطقه‌ای برخوردار است؛ ظرفیتی که تحقق آن بیش از هر چیز به عبور از توافق‌های کلی و حرکت به سمت پروژه‌های اجرایی و دارای منافع متقابل بستگی دارد. وی با اشاره به موانع ساختاری اکو، از جمله ضعف اتصال زیرساختی، ناهماهنگی مقررات گمرکی و محدودیت‌های تأمین مالی، تأکید می‌کند که این سازمان می‌تواند از طریق تسهیل ترانزیت، هماهنگ‌سازی رویه‌های تجاری، توسعه همکاری‌های مالی و متنوع‌سازی مسیرهای ارتباطی، به کاهش بخشی از فشارهای اقتصادی بر ایران کمک کند. ولی‌زاده معتقد است ایران باید از موقعیت جغرافیایی خود برای ایجاد شبکه‌ای پایدار از منافع اقتصادی مشترک با کشورهای عضو بهره بگیرد و ترانزیت را از یک فعالیت صرفاً عبوری به یکی از پایه‌های دیپلماسی اقتصادی و رشد پایدار کشور تبدیل کند.

با توجه به تحولات ژئوپلتیکی منطقه و تغییر آرایش روابط قدرت در سطح بین‌المللی، جایگاه سازمان اکو در معادلات منطقه‌ای را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا این سازمان همچنان از ظرفیت لازم برای تبدیل شدن به یک چارچوب مؤثر همکاری میان کشورهای عضو برخوردار است؟

اهمیت سازمان همکاری اقتصادی (اکو) در شرایط کنونی بیش از گذشته با موقعیت ژئوپلتیکی و ژئواکونومیکی منطقه پیوند خورده است. تحولات سال‌های اخیر، بویژه تشدید رقابت قدرت‌های بزرگ، تغییر مسیرهای تجارت جهانی، افزایش اهمیت امنیت زنجیره‌های تأمین و شکل‌گیری ترتیبات جدید حمل‌ونقلی، موجب شده است جغرافیای اقتصادی اوراسیا اهمیت راهبردی بیشتری پیدا کند. کشورهای عضو اکو در پهنه‌ای قرار گرفته‌اند که آسیای مرکزی، غرب آسیا، قفقاز و بخش‌هایی از جنوب آسیا را به یکدیگر متصل می‌کند. این موقعیت، در کنار منابع انرژی، ظرفیت‌های تولیدی، بازارهای مصرف و مسیرهای ارتباطی موجود، به سازمان امکان می‌دهد در شکل‌دهی به همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای نقش مؤثرتری ایفا کند.

در واقع، اکو از مزیتی برخوردار است که بسیاری از ترتیبات منطقه‌ای فاقد آن هستند و آن پیوند دادن اقتصادهایی است که هم از نظر جغرافیایی به یکدیگر نزدیک‌اند و هم در حوزه‌هایی مانند انرژی، حمل‌ونقل، کشاورزی و تجارت مکمل یکدیگرند. البته باید توجه داشت که محیط ژئوپلتیکی منطقه در حال تغییر است و این تغییرات الزاماً به نفع همه کشورهای عضو یا همه مسیرهای ارتباطی نیست. جنگ و ناامنی در غرب آسیا، اختلال در مسیرهای دریایی، رقابت بر سر کریدورهای شرق به غرب و شمال به جنوب و افزایش ملاحظات امنیتی در سیاست اقتصادی کشورها، اهمیت اتصال‌پذیری منطقه‌ای را افزایش داده است؛ اما همزمان، آسیب‌پذیری مسیرهای ترانزیتی را نیز آشکار کرده است. گزارش‌های اخیر درباره تحولات خلیج فارس نشان می‌دهد کشورها بیش از گذشته به دنبال ایجاد مسیرهای جایگزین و شبکه‌های حمل‌ونقلی مکمل هستند تا وابستگی خود را به یک گلوگاه یا مسیر خاص کاهش دهند.

این روند برای اکو هم یک فرصت و هم یک هشدار است. فرصت از آن جهت که همکاری منطقه‌ای می‌تواند هزینه‌های اتصال و تجارت را کاهش دهد و هشدار از این جهت که اگر کشورهای عضو در هماهنگی زیرساختی و مقرراتی تعلل کنند، مسیرهای رقیب با سرعت بیشتری توسعه خواهند یافت.

معتقدم اکو همچنان ظرفیت تبدیل شدن به یک چارچوب مؤثر همکاری را دارد، اما تحقق این ظرفیت به بازتعریف اولویت‌های اجرایی آن نیازمند است. اکو نباید صرفاً به محل برگزاری نشست‌های دوره‌ای و صدور بیانیه‌های مشترک محدود بماند؛ بلکه باید به بستری برای تعریف پروژه‌های مشخص، زمان‌بندی شده و دارای منافع متقابل تبدیل شود. در این مسیر، تمرکز بر تسهیل تجارت، اتصال شبکه‌های ریلی و جاده‌ای، توسعه حمل‌ونقل چندوجهی، همکاری در حوزه انرژی، امنیت غذایی و هماهنگی گمرکی، می‌تواند به سازمان کارکردی ملموس‌تر ببخشد.

مزیت اکو در آن است که می‌تواند همکاری میان اعضا را بدون الزام به همسان‌سازی کامل سیاست‌های اقتصادی و خارجی آنها پیش ببرد. بنابراین حتی با وجود تفاوت‌های سیاسی و اقتصادی، امکان شکل‌گیری همکاری‌های بخشی و عمل‌گرایانه وجود دارد. به بیان دیگر، اکو برای اثرگذاری بیشتر، بیش از آنکه به گسترش دستورکارهای کلی نیاز داشته باشد، به اولویت‌بندی واقع‌بینانه و اجرای دقیق تعهدات موجود نیازمند است.

سازمان همکاری اقتصادی (اکو) در سال‌های اخیر برای تحقق اهداف و پیشبرد برنامه‌های خود با چه موانع، چالش‌ها و محدودیت‌هایی مواجه بوده است؟ مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر عملکرد این سازمان و میزان تحقق اهداف آن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

برای ارزیابی عملکرد اکو باید میان ظرفیت‌های بالقوه سازمان و نتایجی که تاکنون در عمل به دست آمده است تمایز قائل شد. این سازمان از نظر جغرافیایی، منابع طبیعی، جمعیت، بازارهای مصرف و موقعیت ترانزیتی، ظرفیت قابل توجهی دارد؛ اما برخورداری از این مزیت‌ها به‌تنهایی به معنای تحقق همگرایی اقتصادی نیست. مهم‌ترین مسأله، فاصله میان سطح توافق‌های سیاسی و نهادی با میزان اجرای آنها در عرصه اقتصادی است. کشورهای عضو از نظر ساختار اقتصادی، سطح توسعه زیرساخت‌ها، سیاست‌های تجاری، نظام‌های گمرکی و اولویت‌های توسعه‌ای تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای دارند. همین تفاوت‌ها موجب می‌شود دستیابی به سیاست‌های هماهنگ و ایجاد سازوکارهای مشترک، به زمان و مذاکره بیشتری نیاز داشته باشد. افزون بر این، برخی اختلافات سیاسی و امنیتی و تغییرات در روابط دوجانبه اعضا می‌تواند بر استمرار پروژه‌های مشترک اثر بگذارد.

یکی از موانع مهم، ضعف اتصال زیرساختی و ناهماهنگی در مقررات و رویه‌های تجاری است. در بسیاری از موارد، مسیر جغرافیایی وجود دارد، اما نبود اتصال کامل ریلی، محدودیت ظرفیت پایانه‌های مرزی، تفاوت در استانداردهای حمل‌ونقل، تشریفات طولانی گمرکی و مشکلات مربوط به صدور مجوزها، استفاده اقتصادی از آن مسیر را دشوار می‌کند.

برای نمونه، در حمل‌ونقل جاده‌ای، صرف وجود توافقنامه‌های ترانزیتی کافی نیست؛ باید عبور کامیون‌ها، پذیرش اسناد حمل، بیمه، مجوزهای تردد و رویه‌های کنترل مرزی نیز هماهنگ شود. در نشست وزیران حمل‌ونقل اکو در تهران در ژوئن ۲۰۲۵ نیز بر ضرورت دیجیتالی‌سازی اسناد، توسعه سازوکارهای حمل‌ونقل هوشمند و تسهیل عبور مرزی تأکید شد. گزارش اتحادیه بین‌المللی حمل‌ونقل جاده‌ای از این نشست، در کنار اشاره به پیشرفت‌هایی در استفاده از نظام حمل‌ونقل جاده‌ای بین‌المللی، همچنان از توقف‌های طولانی در برخی گذرگاه‌های مرزی و ضرورت حرکت از اسناد کاغذی به سامانه‌های دیجیتال سخن می‌گوید. این موضوع نشان می‌دهد چالش اکو صرفاً کمبود زیرساخت فیزیکی نیست، بلکه اتصال نرم یا هماهنگی نهادی و مقرراتی نیز به همان اندازه اهمیت دارد.

عامل دیگر به ساختار نهادی و منابع اجرایی سازمان بازمی‌گردد. اکو یک سازمان بین‌دولتی است و اجرای بخش مهمی از تصمیم‌های آن به اراده و همکاری دولت‌های عضو وابسته است.

دبیرخانه سازمان می‌تواند هماهنگی، پیگیری و تسهیل همکاری‌ها را برعهده بگیرد، اما اختیار مستقلی برای اجرای پروژه‌های ملی یا الزام دولت‌ها به تغییر سیاست‌های تجاری و گمرکی آنها ندارد. از سوی دیگر، بسیاری از پروژه‌های بزرگ منطقه‌ای به سرمایه‌گذاری قابل توجه، تأمین مالی بلندمدت و مشارکت بخش خصوصی نیاز دارند، در حالی که شرایط متفاوت اقتصادهای عضو، محدودیت دسترسی برخی کشورها به منابع مالی بین‌المللی و ریسک‌های سیاسی و امنیتی، تأمین مالی این طرح‌ها را پیچیده می‌کند. در چنین شرایطی، حتی توافق بر سر یک مسیر ترانزیتی نیز لزوماً به معنای فراهم بودن منابع لازم برای تکمیل زیرساخت‌ها و بهره‌برداری اقتصادی از آن نیست.

در کنار این عوامل، تحریم‌های اقتصادی، نوسانات بازار انرژی، رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و بحران‌های امنیتی نیز بر عملکرد سازمان اثرگذار بوده‌اند. تحولات اخیر خاورمیانه نشان داده است یک بحران نظامی می‌تواند در مدت کوتاهی مسیرهای تجاری، هزینه بیمه و حمل‌ونقل، قیمت انرژی و حتی اولویت‌های اقتصادی کشورهای منطقه را تغییر دهد. بنابراین برنامه‌ریزی اکو باید انعطاف‌پذیرتر از گذشته باشد و تاب‌آوری اقتصادی و زیرساختی را در مرکز توجه قرار دهد. بویژه لازم است همکاری‌های منطقه‌ای به‌گونه‌ای طراحی شوند که در برابر اختلال در یک مسیر، امکان استفاده از مسیرهای جایگزین وجود داشته باشد. در مجموع، عملکرد اکو را باید در چارچوب یک فرآیند تدریجی همگرایی ارزیابی کرد؛ فرآیندی که دستاوردهایی داشته، اما هنوز با ظرفیت‌های واقعی منطقه فاصله دارد.

برای ارتقای کارآمدی سازمان، چند اولویت اهمیت ویژه دارد؛ اول، تمرکز بر تعداد محدودی از پروژه‌های مشترک با امکان اجرای واقعی؛ دوم، هماهنگ‌سازی مقررات گمرکی و حمل‌ونقلی؛ سوم، تقویت نقش بخش خصوصی و اتاق‌های بازرگانی در تصمیم‌سازی‌های اقتصادی؛ چهارم، توسعه سامانه‌های دیجیتال و تبادل داده میان اعضا و پنجم، ایجاد سازوکارهای منظم برای پایش پیشرفت پروژه‌ها. اگر معیار ارزیابی عملکرد اکو از تعداد نشست‌ها و اسناد امضا شده به شاخص‌هایی مانند کاهش زمان عبور مرزی، کاهش هزینه ترانزیت، افزایش حجم تجارت درون‌منطقه‌ای و بهره‌برداری از زیرساخت‌های مشترک تغییر کند، امکان سنجش دقیق‌تر و ارتقای اثربخشی سازمان فراهم خواهد شد.

با توجه به شرایط کنونی ایران پس از پشت سر گذاشتن دو جنگ تحمیلی و مواجهه با تحریم‌ها و محدودیت‌های اقتصادی و تجاری، سازمان اکو چه ظرفیت‌ها و ابزارهایی برای حمایت از ایران و کمک به بهبود شرایط اقتصادی و تجاری کشور در اختیار دارد؟ آیا این سازمان می‌تواند از طریق تسهیل مسیرهای ترانزیتی، تقویت کریدورهای منطقه‌ای، توسعه همکاری‌های حمل‌ونقلی و تجاری میان کشورهای عضو و ایجاد سازوکارهای جایگزین مبادلات اقتصادی، به کاهش آثار این فشارها و حفظ ارتباط ایران با شبکه تجارت منطقه‌ای و بین‌المللی کمک کند؟

در شرایط کنونی، توسعه همکاری‌های منطقه‌ای برای ایران صرفاً یک انتخاب اقتصادی یا دیپلماتیک نیست، بلکه بخشی از ضرورت‌های افزایش تاب‌آوری اقتصاد ملی و حفظ پیوندهای تجاری کشور با محیط پیرامونی به شمار می‌رود.

تحولات نظامی اخیر و پیامدهای آن بر امنیت مسیرهای دریایی، حمل‌ونقل، تجارت انرژی و زنجیره‌های تأمین، اهمیت این موضوع را دوچندان کرده است. گزارش صندوق بین‌المللی پول در آوریل ۲۰۲۶ نشان می‌دهد که جنگ منطقه‌ای و اختلال در تنگه هرمز، آثار فراتر از محدوده جغرافیایی درگیری داشته و بر قیمت انرژی، مواد اولیه، هزینه‌های تولید و چشم‌انداز رشد اقتصادی منطقه اثر گذاشته است. گزارش کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل برای آسیا و اقیانوسیه نیز بر پیامدهای کلان اقتصادی و اجتماعی این بحران و ضرورت تقویت تاب‌آوری زیرساختی و تجاری کشورهای منطقه تأکید دارد.

در چنین فضایی، ایران به‌عنوان کشوری با موقعیت جغرافیایی ممتاز در اتصال آسیای مرکزی، قفقاز، خلیج فارس و جنوب آسیا، می‌تواند از همکاری‌های منطقه‌ای برای متنوع‌سازی مسیرهای تجاری و کاهش آسیب‌پذیری در برابر اختلالات استفاده کند.

اکو در این زمینه ظرفیت‌هایی دارد که می‌توان آنها را در چند سطح بررسی کرد. اولین سطح، تسهیل ترانزیت و حمل‌ونقل است. ایران از نظر جغرافیایی می‌تواند مسیر دسترسی کشورهای محصور در خشکی آسیای مرکزی به آب‌های آزاد و بازارهای جنوب و غرب آسیا را فراهم کند و در جهت مقابل نیز مسیر ارتباطی میان این کشورها و بازارهای ترکیه، اروپا و خلیج فارس باشد. این مزیت زمانی به یک فرصت اقتصادی پایدار تبدیل می‌شود که شبکه‌های ریلی و جاده‌ای کشور به‌صورت پیوسته و با ظرفیت مناسب به گذرگاه‌های مرزی و بنادر متصل شوند.

در این چارچوب، مسیرهای ریلی ایران و کشورهای آسیای مرکزی، اتصال به شبکه ریلی ترکیه، توسعه پایانه‌های مرزی و تقویت حمل‌ونقل چندوجهی اهمیت دارند. همچنین، کریدورهای شمال-جنوب و مسیرهای شرق-غرب می‌توانند در کنار یکدیگر شبکه‌ای متنوع از مسیرهای تجاری ایجاد کنند. البته باید تأکید کرد که کریدور بین‌المللی شمال-جنوب یا سایر ابتکارهای ترانزیتی الزاماً پروژه‌های اختصاصی اکو نیستند؛ با این حال، اکو می‌تواند از طریق هماهنگی میان اعضای خود، زمینه اتصال و تکمیل این مسیرها را تقویت کند.

سطح دوم، تسهیل مبادلات تجاری و گمرکی است. یکی از مشکلات تجارت منطقه‌ای، زمان‌بر بودن تشریفات مرزی، تعدد اسناد، تفاوت استانداردها و نبود تبادل الکترونیکی اطلاعات است. اکو می‌تواند در هماهنگ‌سازی مقررات گمرکی، پذیرش متقابل اسناد حمل، توسعه پنجره واحد تجاری، استفاده گسترده‌تر از نظام بین‌المللی حمل‌ونقل جاده‌ای و ایجاد خطوط سبز عبور کالا نقش تسهیل‌کننده داشته باشد.

این اقدامات شاید در نگاه اول فنی و اداری به نظر برسند، اما در عمل تأثیر مستقیمی بر هزینه تمام‌شده کالا و رقابت‌پذیری مسیرهای ترانزیتی دارند. اگر یک محموله بتواند با اسناد استاندارد، تشریفات کمتر و زمان قابل پیش‌بینی از چند کشور عبور کند، مسیر منطقه‌ای برای صادرکننده و واردکننده جذاب‌تر خواهد شد.

از همین‌رو، دیجیتالی‌سازی حمل‌ونقل و گمرک باید به یکی از اولویت‌های جدی همکاری در اکو تبدیل شود.

سطح سوم به توسعه همکاری‌های تجاری و مالی مربوط است. ایران می‌تواند از ظرفیت اکو برای گسترش بازارهای صادراتی، افزایش مبادلات با کشورهای همسایه و توسعه همکاری در حوزه‌هایی مانند محصولات کشاورزی، مواد غذایی، مصالح ساختمانی، دارو، تجهیزات صنعتی، خدمات فنی و مهندسی و انرژی استفاده کند.

در کنار آن، گفت‌وگو درباره استفاده از ارزهای ملی در مبادلات دوجانبه، توسعه روابط کارگزاری بانکی در چارچوب مقررات قابل اجرا، ایجاد سازوکارهای تسویه منطقه‌ای و تقویت همکاری میان بانک‌های توسعه‌ای می‌تواند در دستور کار قرار گیرد. البته این موارد را نباید با یک سازوکار آماده و فراگیر مالی در اکو اشتباه گرفت؛ چنین ابزارهایی نیازمند توافق جداگانه دولت‌ها و بانک‌های مرکزی، طراحی حقوقی و نظارتی و ارزیابی ریسک‌های مالی و تحریمی هستند. اکو می‌تواند بستر گفت‌وگو و هماهنگی را فراهم کند، اما ایجاد و اجرای این سازوکارها به تصمیم و همکاری عملی اعضا نیاز دارد.

درعین حال، باید در ارزیابی این ظرفیت‌ها واقع‌بین بود. توسعه مسیرهای زمینی و ریلی می‌تواند بخشی از جریان تجارت را حفظ کند و برای کالاهای مشخص، به‌ویژه محصولات غذایی، مواد اولیه، کالاهای صنعتی و برخی اقلام ضروری، گزینه‌های مکمل فراهم آورد، اما نمی‌تواند در کوتاه‌مدت جایگزین کامل ظرفیت حمل‌ونقل دریایی شود. حجم بالای تجارت دریایی، محدودیت ظرفیت برخی خطوط ریلی، هزینه جابه‌جایی، زمان عبور، بیمه و ریسک‌های امنیتی از عواملی هستند که باید در محاسبات اقتصادی لحاظ شوند.

شواهد کنونی درباره کریدورهای تجاری ایران نیز نشان می‌دهد که میزان اثربخشی مسیرهای جایگزین به آمادگی زیرساختی، تعهد شرکای تجاری، انعطاف‌پذیری مالی و میزان مواجهه با فشارهای خارجی وابسته است؛ به همین دلیل، این مسیرها می‌توانند بخشی از جریان تجارت را حفظ کنند، اما به‌تنهایی قادر به جبران همه خسارت‌های اقتصادی نیستند.

بنابراین، نباید از اکو انتظار داشت که به‌تنهایی تحریم‌ها را رفع کند یا جایگزین همه سازوکارهای تجارت و تأمین مالی بین‌المللی شود. این سازمان فاقد اختیار حقوقی و ابزار مالی لازم برای چنین اقدامی است. اما می‌تواند در کاهش هزینه‌های مبادله، متنوع‌سازی مسیرهای تجاری، تقویت پیوند با بازارهای همسایه و ایجاد همکاری‌های پایدار در حوزه حمل‌ونقل و لجستیک نقش مؤثری ایفا کند.

به نظر بنده، مهم‌ترین اولویت برای ایران آن است که از ظرفیت نهادی اکو برای پیشبرد پروژه‌های مشخص و دارای بازده اقتصادی استفاده کند؛ پروژه‌هایی که صرفاً به عبور کالا از خاک کشور محدود نباشند، بلکه به توسعه خدمات لجستیکی، ایجاد ارزش افزوده، جذب سرمایه‌گذاری، افزایش صادرات و تقویت جایگاه ایران در زنجیره‌های منطقه‌ای تأمین منجر شوند. دراین صورت، ترانزیت از یک فعالیت صرفاً عبوری به یکی از پایه‌های دیپلماسی اقتصادی و رشد پایدار کشور تبدیل خواهد شد.

به نظر شما، عضویت ایران در اکو چه اهمیت و مزیت راهبردی برای سیاست خارجی و دیپلماسی اقتصادی کشور دارد؟ آیا ایران توانسته است از موقعیت خود در این سازمان متناسب با ظرفیت‌های ژئوپلتیکی و اقتصادی‌اش بهره‌برداری کند؟

عضویت ایران در سازمان همکاری اقتصادی از این جهت اهمیت دارد که امکان پیگیری منافع ملی را در یک چارچوب چندجانبه و در تعامل با مجموعه‌ای از کشورهای همسایه و نزدیک به حوزه ژئوپلتیکی کشور فراهم می‌کند. در شرایطی که سیاست خارجی کشورها بیش از گذشته با ملاحظات اقتصادی، امنیت زنجیره‌های تأمین، دسترسی به بازارها و رقابت بر سر مسیرهای ارتباطی پیوند خورده است، حضور در سازمان‌هایی مانند اکو می‌تواند به تنوع‌بخشی به روابط خارجی و تقویت دیپلماسی اقتصادی کمک کند.

ایران از طریق عضویت در این سازمان می‌تواند در موضوعاتی مانند تجارت منطقه‌ای، ترانزیت، انرژی، امنیت غذایی، حمل‌ونقل و اتصال زیرساختی، منافع خود را با منافع مشترک منطقه‌ای پیوند دهد. این نکته اهمیت دارد؛ زیرا همکاری چندجانبه در حوزه‌های اقتصادی، حتی در شرایطی که دیدگاه‌های سیاسی کشورها کاملاً همسو نیست، می‌تواند زمینه‌ای برای تداوم ارتباط و شکل‌گیری منافع متقابل ایجاد کند.

مزیت راهبردی ایران در اکو بیش از هر چیز به موقعیت جغرافیایی و ظرفیت اتصال‌دهندگی کشور بازمی‌گردد. ایران در نقطه تلاقی مسیرهای شمال-جنوب و شرق-غرب قرار دارد و می‌تواند ارتباط میان آسیای مرکزی و قفقاز، خلیج فارس، جنوب آسیا و بازارهای فرامنطقه‌ای را تسهیل کند. دسترسی به آب‌های آزاد، برخورداری از شبکه گسترده جاده‌ای و ریلی، بنادر مهم و ظرفیت‌های انرژی و صنعتی، مجموعه‌ای از مزیت‌های مکمل را در اختیار کشور قرار می‌دهد.

با این حال، باید میان موقعیت جغرافیایی و مزیت رقابتی ترانزیتی تفاوت قائل شد. موقعیت جغرافیایی یک امتیاز طبیعی است، اما تبدیل آن به مزیت اقتصادی مستلزم زیرساخت مناسب، خدمات لجستیکی کارآمد، تعرفه‌های رقابتی، ثبات مقررات، سرعت عبور کالا و قابلیت پیش‌بینی در روابط تجاری است. در بازار ترانزیت، صرف کوتاه‌تر بودن مسیر تعیین‌کننده نیست؛ هزینه، امنیت، زمان و قابلیت اطمینان نیز در انتخاب مسیر از سوی شرکت‌ها و صاحبان کالا نقش اساسی دارند.

در ارزیابی میزان بهره‌برداری ایران از ظرفیت اکو، باید رویکردی متوازن داشت. ایران در سطح سیاسی و دیپلماتیک از اعضای فعال این سازمان بوده و در برگزاری نشست‌ها، پیگیری دستورکارهای حمل‌ونقلی و طرح موضوعات مرتبط با اتصال منطقه‌ای مشارکت داشته است. برای نمونه، میزبانی نشست وزیران حمل‌ونقل اکو در تهران در سال ۲۰۲۵ فرصتی برای پیگیری موضوعاتی مانند تسهیل ترانزیت، هماهنگی مقررات و توسعه همکاری‌های حمل‌ونقلی فراهم کرد. با این حال، بهره‌برداری کامل از موقعیت ایران در این سازمان همچنان نیازمند تقویت پیوند میان دیپلماسی چندجانبه و برنامه‌های اجرایی اقتصادی است.

حضور فعال در نشست‌ها زمانی به دستاورد پایدار تبدیل می‌شود که به افزایش تجارت، انعقاد قراردادهای حمل‌ونقلی، توسعه سرمایه‌گذاری مشترک و کاهش موانع عملیاتی در مرزها منجر شود.

> مهم‌ترین اولویت برای ایران آن است که از ظرفیت نهادی اکو برای پیشبرد پروژه‌های مشخص و دارای بازده اقتصادی استفاده کند؛ پروژه‌هایی که صرفاً به عبور کالا از خاک کشور محدود نباشند، بلکه به توسعه خدمات لجستیکی، ایجاد ارزش افزوده، جذب سرمایه‌گذاری، افزایش صادرات و تقویت جایگاه ایران در زنجیره‌های منطقه‌ای تأمین منجر شوند. دراین صورت، ترانزیت از یک فعالیت صرفاً عبوری به یکی از پایه‌های دیپلماسی اقتصادی و رشد پایدار کشور تبدیل خواهد شد

> نباید از اکو انتظار داشت که به‌تنهایی تحریم‌ها را رفع کند یا جایگزین همه سازوکارهای تجارت و تأمین مالی بین‌المللی شود. این سازمان فاقد اختیار حقوقی و ابزار مالی لازم برای چنین اقدامی است. اما می‌تواند در کاهش هزینه‌های مبادله، متنوع‌سازی مسیرهای تجاری، تقویت پیوند با بازارهای همسایه و ایجاد همکاری‌های پایدار در حوزه حمل‌ونقل و لجستیک نقش مؤثری ایفا کند

فرصت راهبردی اکو برای ایران

برش

به اعتقاد من، برای ارتقای جایگاه ایران در اکو باید چند محور به‌طور همزمان دنبال شود. اول، تعریف پروژه‌های مشترک با کشورهای عضو در حوزه راه‌آهن، جاده، بنادر خشک و مراکز لجستیکی؛ دوم، تکمیل و ارتقای زیرساخت‌های اتصال به کشورهای همسایه و افزایش ظرفیت گذرگاه‌های مرزی؛ سوم، هماهنگ‌سازی رویه‌های گمرکی و توسعه تجارت دیجیتال؛ چهارم، تقویت مشارکت بخش خصوصی و اتاق‌های بازرگانی در طراحی و اجرای طرح‌های منطقه‌ای؛ و پنجم، پیوند دادن ظرفیت‌های اکو با سایر ابتکارهای منطقه‌ای و بین‌المللی، به‌گونه‌ای که همکاری‌ها مکمل یکدیگر باشند و از موازی‌کاری و رقابت غیرضروری جلوگیری شود.

در این میان، توجه به منافع اقتصادی کشورهای عضو نیز اهمیت زیادی دارد. هرچه مشارکت در مسیرهای عبوری از ایران برای شرکای منطقه‌ای سودآورتر، مطمئن‌تر و کم‌هزینه‌تر باشد، انگیزه آنها برای استفاده از این مسیرها و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های مرتبط افزایش خواهد یافت.



در نهایت، اکو برای ایران یک فرصت راهبردی در حوزه دیپلماسی اقتصادی است، اما نباید از آن انتظار داشت که به‌تنهایی همه محدودیت‌های بیرونی یا چالش‌های داخلی توسعه تجارت را برطرف کند. ارزش واقعی عضویت ایران در این سازمان زمانی آشکار می‌شود که کشور بتواند از موقعیت جغرافیایی خود، یک شبکه پایدار از روابط اقتصادی و منافع متقابل ایجاد کند.

در چنین برداشتی، دیپلماسی اقتصادی صرفاً به معنای گسترش روابط رسمی یا افزایش تعداد توافقنامه‌ها نیست؛ بلکه هنر تبدیل ظرفیت‌های سیاسی و جغرافیایی به فرصت‌های واقعی تولید، تجارت، سرمایه‌گذاری و اشتغال است.

اکو می‌تواند یکی از بسترهای مهم تحقق این هدف باشد و حضور فعال، مستمر و پروژه‌محور ایران در آن، به تقویت جایگاه کشور در معماری اقتصادی منطقه کمک خواهد کرد.

بازخوانی تاریخی فضاسازی‌های جنگی نیویورک تایمز
چرا گزارش تحریک‌آمیز این روزنامه آمریکایی تروریسم رسانه‌ای است؟

دشمنی با حقیقت

گزارش

گزارش اخیر نیویورک تایمز درباره زیرساخت‌های ایران بار دیگر نقش این روزنامه آمریکایی را انحراف از مسیر حرفه‌ای بی‌طرفانه برجسته و اثبات کرد کارکرد تاریخی این نشریه آمریکایی را گویا جز «تروریسم رسانه ای» نمی‌توان توصیف کرد. در میانه تهدیدهای نظامی مقامات آمریکایی علیه ایران و حتی تهدید به نابودی تمدن کشورمان، وقتی یک رسانه به اصطلاح معتبر جهانی زیرساخت‌های حیاتی کشور تهدید شده مثل سدهای آب را به تأسیسات نظامی پیوند می‌دهد، مرز میان روزنامه‌نگاری و روایت‌سازی برای توجیه جنگ کمرنگ می‌شود.

این در حالی است که گردانندگان این روزنامه به خوبی می‌دانند تجاوز نظامی آمریکا علیه ایران یک جنگ بدون دلیل و غیرقانونی بوده و انتشار چنین گزارشی جز با هدف زمینه‌سازی برای یک جنگ زیرساختی علیه مردم ایران نبوده و بیانگر نفوذ جریان‌های صهیونیسم بر ارکان تصمیم گیر این روزنامه است.

روزنامه نیویورک‌تایمز اخیراً در گزارشی به نقل از چند کارشناس ادعا کرده است که ساخت گسترده سدها و پروژه‌های انتقال آب در ایران ممکن است علاوه بر اهداف غیرنظامی، با ملاحظات نظامی و پشتیبانی از تأسیسات موشکی ارتباط داشته باشد. جالب اینجاست که خود گزارش هم ارتباط میان سدها و زیرساخت موشکی را قطعی ندانسته و آن را در حد فرضیه و گمانه‌زنی مطرح می‌کند!

این گزارش از آن جهت بسیار تحریک‌آمیز و نگران‌کننده است که طرح چنین ادعاهای اثبات‌نشده‌ای می‌تواند به امنیت زیرساخت‌های حیاتی و غیرنظامی ایران آسیب برساند و زمینه را برای توجیه حمله به تأسیسات آبی کشور فراهم کند.

این مقاله درست در زمانی منتشر شده که دونالد ترامپ هفته گذشته ادعا کرد که تمام زیرساخت‌های کلیدی ایران می‌توانند ظرف سه روز به‌طور کامل نابود شوند و این عملیات با هدف قرار دادن پل‌ها آغاز خواهد شد. او همچنین هشدار داده است که نیروهای آمریکایی در وضعیت آمادگی کامل قرار دارند و ۳۸ پل ایران در فهرست اهداف آنها قرار گرفته‌اند. ترامپ بارها تهدید کرده است که در صورت وقوع جنگ جدید، نیروگاه‌ها و پل‌های ایران را نابود خواهد کرد. در چنین فضایی است که همزمانی تهدید ترامپ با انتشار گزارش خطرناک و غیرمسئولانه نیویورک‌تایمز نه تنها تصادفی نیست بلکه به یک سرنخ مشترک یعنی لابی‌های صهیونیسم می‌رسد.

در جریان جنگ تحمیلی دوم و سوم زیرساخت‌های غیرنظامی ایران در حملات هوایی هدف قرار گرفته‌اند. تأسیسات نفت، گاز و پتروشیمی در جنوب ایران، انبارهای نفت در نقاط مختلف تهران، یک نیروگاه در خرمشهر، یک تأسیسات آب‌شیرین‌کن در قشم و مخازن ذخیره آب در استان‌های فارس و خوزستان از جمله مراکزی بوده‌اند که هدف حمله قرار گرفته‌اند.

پل B1 درکرج و از بزرگ‌ترین پل‌های خاورمیانه، تنها چند روز پیش از افتتاح و بهره‌برداری، به‌شدت آسیب دید. چندین پل در بندر خمیر در جنوب استان هرمزگان نیز تخریب شدند. همچنین تقاطع راه‌آهن بندرعباس در جنوب و پل راه‌آهن آق‌تکه‌خان در شمال کشور هدف حمله قرار گرفتند تا اختلالاتی در شبکه حمل‌ونقل ایجاد شود.

کارخانه‌های فولاد و آلومینیوم، فرودگاه‌ها، بنادر تجاری و تأسیسات ماهیگیری، بیمارستان‌ها و مراکز خدمات اورژانسی، کارخانه‌های تولید دارو و مراکز تحقیقات بهداشت عمومی، ساختمان‌های مسکونی، مدارس و دانشگاه‌ها نیز از جمله اهداف حملات بوده‌اند.

واکنش‌ها به ادعاهای نیویورک‌تایمز

کاوه مدنی، پژوهشگر و متخصص حوزه آب و محیط‌زیست که از تحقیقات و اظهارات او در گزارش نیویورک تایمز استفاده شده بود در واکنش به این گزارش درباره ارتباط احتمالی سدهای ایران با تأسیسات موشکی، این روایت را مبتنی بر گمانه‌زنی‌های اثبات‌نشده دانست و نسبت به پیامدهای آن هشدار داد.

مدنی در مقاله‌ای تحت عنوان «منطق خطرناک پیوند دادن سدهای ایران به موشک‌ها» که در رسانه فوربز منتشر شد، نوشت که صرف نزدیکی جغرافیایی سدها به تأسیسات نظامی، دلیلی بر وجود رابطه علت و معلولی میان آنها نیست و نمی‌توان از روی هم‌پوشانی نقاط روی نقشه، اهداف نظامی برای پروژه‌های آبی ایران نتیجه گرفت. او یادآور شد که سدسازی گسترده در ایران ریشه در دهه‌ها سیاست‌گذاری نادرست، برنامه‌ریزی پراکنده، ناکارآمدی کشاورزی و نگاه مهندسی‌محور به توسعه دارد. وی با اشاره به اهمیت سدها در تأمین آب آشامیدنی، کشاورزی، تولید برق و کنترل سیلاب، هشدار داد که طرح چنین ادعاهایی در شرایط جنگی می‌تواند مرز میان زیرساخت‌های نظامی و غیرنظامی را مخدوش کند و زمینه را برای هدف قرار گرفتن تأسیسات حیاتی فراهم سازد.

مدنی همچنین گفت مشکلات مدیریت منابع آب، موضوعی مختص ایران نیست و بسیاری از کشورهای جهان، از جمله آمریکا و کشورهای اروپایی، با پیامدهای سیاست‌های ناپایدار آبی و چالش‌های زیرساختی مواجه‌اند؛ با این تفاوت که این مشکلات در آن کشورها عمدتاً از منظر سیاست‌گذاری، محیط‌زیست و مدیریت منابع بررسی می‌شوند، نه با فرضیه‌سازی درباره اهداف نظامی.

> کاوه مدنی در مقاله‌ای تحت عنوان «منطق خطرناک پیوند دادن سدهای ایران به موشک‌ها» که در رسانه فوربز منتشر شد، نوشت که صرف نزدیکی جغرافیایی سدها به تأسیسات نظامی، دلیلی بر وجود رابطه علت و معلولی میان آنها نیست و نمی‌توان از روی هم‌پوشانی نقاط روی نقشه، اهداف نظامی برای پروژه‌های آبی ایران نتیجه گرفت


The New York Times

War May Answer Longtime Riddle of Iranian Dams Built for No Clear Reason

Environmentalists have long puzzled over a wide network of water projects lacking any obvious justification. Then their areas were targeted in airstrikes.

The New York Times

THREATS AND RESPONSES: THE IRAQIS

THREATS AND RESPONSES: THE IRAQIS; U.S. SAYS HUSSEIN INTENSIFIES QUEST FOR A-BOMB PARTS

تصویر سمت راست: گزارش نادرست سال ۲۰۰۲ نیویورک‌تایمز درباره سلاح های کشتار جمعی عراق، **تصویر سمت چپ:** گزارش اخیر نیویورک تایمز در رابطه با ارتباط سدهای ایران با ملاحظات نظامی

او در ادامه تأکید کرد که ایران نیز باید با همان معیارهای علمی و استانداردهای اثباتی مورد ارزیابی قرار گیرد که درباره سایر کشورها به کار می‌رود. به گفته او، ناکارآمدی یا توجیه‌ناپذیر بودن برخی پروژه‌های سدسازی، مجوزی برای نسبت دادن اهداف نظامی به آنها بدون ارائه شواهد معتبر نیست.

مدنی در پایان هشدار داد که امنیت آب، مسأله‌ای فراتر از اختلافات سیاسی و نظامی است و هرگونه روایت‌سازی غیرمستند درباره زیرساخت‌های آبی می‌تواند امنیت میلیون‌ها شهروند را به خطر بیندازد.

نیما شکری که یکی دیگر از منابع اصلی گزارش نیویورک‌تایمز بود، پس از مشخص شدن ابعاد کثیف این گزارش مجبور شد درباره اظهارات تحریک‌آمیز و ضد ایرانی خود توضیح دهدکه نزدیکی سدها به اهداف نظامی، نه علت احداث سدها را مشخص می‌کند و نه حمله به آنها را توجیه می‌کند. فرد دیگری به اسم امیرآقاکوچک که یکی دیگر از منابع این گزارش بود هم مشابه نیما شکری در پستی نوشت: «سدها و زیرساخت‌های آبی برای زندگی غیرنظامیان ضروری‌اند و هرگز نباید هدف حملات نظامی قرار گیرند.»

در ادامه واکنش‌ها، اسفندیار باتمانقلیچ، بنیان‌گذار و مدیرعامل بنیاد «بورس و بازار» و استاد مدعو دانشگاه جانز هاپکینز، با انتقاد به استدلال مربوط به تأمین برق تأسیسات موشکی از طریق سدها در شبکه ایکس نوشت: «کمتر از ۵۰ سد از بیش از ۵۰۰ سد بزرگ ایران به توربین‌های تولید برق مجهز هستند. این واقعیتی است که به‌راحتی می‌توان آن را بررسی و راستی‌آزمایی کرد. این تصور که ایران صدها سد ساخته تا برق مورد نیاز تأسیسات نظامی خود را تأمین کند، با واقعیت سازگار نیست.»

سینا طوسی، پژوهشگر ارشد غیرمقیم مرکز سیاست بین‌الملل نیز در شبکه اجتماعی ایکس به این موضوع واکنش نشان داد و نوشت: «واقعاً اتفاق بسیار تأسف‌باری است اگر کارشناسان درباره هدف و موضوع مصاحبه‌هایی که با آنها انجام شده گمراه شده باشند و از اعتبار و شهرت آنها برای اعتباربخشی به مقاله‌ای استفاده شده باشد که به‌صورت گمانه‌زنانه زیرساخت‌های غیرنظامی را به پایگاه‌های نظامی مرتبط می‌کند؛ آن هم در میانه یک جنگ غیرقانونی که در جریان آن، همین زیرساخت‌ها با حملات و تهدیدهای نظامی مواجه هستند.»

شاید جالب توجه باشد که این اولین بار نیست که نیویورک‌تایمز دست به انتشار محتوایی تحریک‌آمیز علیه ایران و ربط دادن زیرساخت‌های ایرانی با اهداف نظامی می‌زند. در اردیبهشت سال گذشته این روزنامه بعد از انفجار اسکله شهید رجایی یکماه قبل از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه علیه کشورمان، در گزارشی ادعا کرد انفجار ماده شیمیایی در بندر رجایی مربوط به سوخت جامد موشک یا سدیم پرکلرات بوده است.

حتی با بازخوانی تاریخی از فضاسازی‌های جنگی نیویورک تایمز می‌شود به سال ۲۰۰۲ بازگشت. در آستانه حمله آمریکا به عراق، نیویورک‌تایمز گزارش‌هایی درباره تلاش ادعایی عراق برای دستیابی به سلاح‌های کشتارجمعی منتشر کرد. بخشی از این گزارش‌ها، از جمله مطالب جودیت میلر بر اطلاعات مقام‌های آمریکایی و منابع تبعیدی عراقی تکیه داشت. یکی از نمونه‌های مهم، گزارش سپتامبر ۲۰۰۲ درباره تلاش عراق برای دستیابی به لوله‌های آلومینیومی بود؛ لوله‌هایی که دولت جورج بوش آنها را نشانه‌ای از تلاش برای احیای برنامه هسته‌ای عراق معرفی می‌کرد. با گذشت زمان ارزیابی‌های کارشناسی و اطلاعاتی این استدلال را به‌شدت زیر سؤال بردند. در ۲۶ مه ۲۰۰۴ شورای سردبیری نیویورک‌تایمز ناچار شد یادداشتی منتشر کند و بپذیرد که بخشی از پوشش خبری‌اش درباره تسلیحات کشتارجمعی عراق به اندازه کافی دقیق و سخت‌گیرانه نبوده است. این روزنامه تصریح کرد که در مواردی گزارش‌های مبتنی بر ادعاهای هشداردهنده با برجستگی زیادی منتشر شده‌اند، در حالی که مطالبی که همان ادعاها را زیر سؤال می‌بردند، کمتر دیده شده یا اصلاً منتشر نشده‌اند.

پرچم دروغین اسرائیل

برش

همزمان با گزارش تحریک‌آمیز نیویورک تایمز و در راستای تداوم فضاسازی رسانه‌های آمریکایی علیه ایران شبکه سی‌ان‌ان هم در گزارشی عاری از واقعیت ادعا کرد سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا به اطلاعات جدیدی درباره برنامه‌ریزی ایران برای استفاده از بمب کثیف یا سلاح‌های شیمیایی علیه مقامات ارشد دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا در واشنگتن دست یافته‌اند.

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس کشورمان روز سه‌شنبه ۲۶ آبان، این گزارش را بخشی از «عملیات پرچم دروغین اسرائیل» خواند و در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «همان پرچم‌های دروغین، همان جنگ‌افروزی و لوگوهای جدید. کسری اعتبار جریان راست به اوج رسیده و به همین دلیل عملیات پیام‌رسانی به نیویورک تایمز و سی‌ان‌ان منتقل شده است؛ این اقدام با تأیید لری الیسون، بزرگترین حامی مالی خصوصی ارتش اسرائیل و مالک جدید سی‌ان‌ان صورت گرفته و تسخیر رسانه‌ها با تمام قوا در جریان است.»

این اتفاق تا جایی پیش رفت که مارکو روبیو، وزیرخارجه آمریکا، هم در واکنش به این خبر گفت در حال حاضر «تهدید فوری» از جانب ایران متوجه ایالات متحده نیست. او این اظهارات را روز سه‌شنبه در مانیل فیلیپین اعلام کرد و در پاسخ به خبرنگاران گفت: «اجازه بدهید چیزی به شما بگویم. برخی از منابع اطلاعاتی شما (رسانه‌ها) دروغ‌گو هستند. برخی دیگر هم دروغ‌گو و هم مجرم‌اند. آنها دروغ می‌گویند، چون مطالبی را از خودشان می‌سازند. ادعا می‌کنند به اطلاعاتی دسترسی دارند که در واقع به آن دسترسی ندارند.»

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص بانک سپه

شناسه ۲۳۳۱۳۳۵

به شناسه ملی ۱۰۸۶۲۰۶۴۷۳۲ و به‌شماره ثبت ۴۲۹۳ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۱۴۰۵/۰۱/۱۹ و مجوز شماره ۰۵/۱۲۶۶۳۵ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۸ بانک مرکزی تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای اکبر کشاورزیان به‌شماره ملی ۱۳۸۱۵۱۷۹۲۷ به سمت عضو اصلی هیأت‌مدیره تا تاریخ ۱۴۰۸/۰۱/۱۹ انتخاب گردیدند.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص سبدگردان آسال

به شناسه ملی ۱۴۰۰۷۸۶۲۱۶۶ و به‌شماره ثبت ۵۳۱۹۸۱ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۰۸ و مجوز شماره ۱۲۲/۲۰۵۱۴۵مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۲ سازمان بورس و اوراق بهادار تصمیمات ذیل اتخاذ شد شرکت توسعه کسب و کار سبا به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۹۰۳۲۲ به سمت عضو اصلی هیأت‌مدیره تا تاریخ ۱۴۰۷/۰۷/۰۸ شرکت بازرگانی سبا سودا ثمین به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۷۷۵۷۴۱ به سمت عضو اصلی هیأت‌مدیره تا تاریخ ۱۴۰۷/۰۷/۰۸ شرکت خدمات مسافرت هوایی و گردشگری مهر سیاحت سبا به شناسه ملی ۱۰۱۰۴۰۵۹۳۸۷ به سمت عضو اصلی هیأت‌مدیره تا تاریخ ۱۴۰۷/۰۷/۰۸ انتخاب گردیدند.

شناسه ۲۳۳۱۳۱۳ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران

آگهی تغییرات شرکت سهامی عام بانک ملت

به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۸۳۴۹۶۷ و به شماره ثبت ۳۸۰۷۷ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ۱۴۰۵/۰۴/۳۱ و نامه شماره ۶۳۶۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۷سازمان خصوصی‌سازی و نامه شماره ۰۵/۱۹۹۰۷۶مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۰۴بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تصمیمات ذیل اتخاذ شد :آقای محسن شجاع وشوشاد به شماره ملی ۰۰۵۸۲۵۶۸۵۷ به سمت عضو هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۷/۰۴/۳۱ آقای هادی سپانلو به شماره ملی ۰۴۵۲۸۸۹۷۵۸ به سمت عضو هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۷/۰۴/۳۱ آقای مسعود نصراصفهانی به شماره ملی ۱۲۹۰۳۲۸۱۶۱ به سمت عضو هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۷/۰۴/۳۱ آقای سید رضا موسوی به شماره ملی ۴۱۳۲۲۵۱۳۸۱ به سمت عضو رئیس هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۷/۰۴/۳۱ آقای فرشید فرخ نژاد به شماره ملی ۴۵۰۰۷۴۴۵۴۱ به سمت عضو هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۷/۰۴/۳۱ انتخاب گردیدند.

شناسه ۲۳۳۱۳۱۹ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران

آگهی تغییرات شرکت سهامی عام بانک ملت
به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۸۳۴۹۶۷ و به‌شماره ثبت ۳۸۰۷۷

شناسه ۲۳۳۱۳۳۰

به استناد صورتجلسه هیأت‌مدیره مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۳۱و نامه شماره ۶۳۶۰ مورخ۱۴۰۵/۰۵/۱۷ سازمان خصوصی‌سازی و نامه شماره ۰۵/۱۹۹۰۷۶ مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۰۴بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای هادی سپانلو به‌شماره ملی ۰۴۵۲۸۸۹۷۵۸ به سمت عضو هیأت‌مدیره تا تاریخ ۱۴۰۷/۰۴/۳۱ آقای مسعود نصراصفهانی به‌شماره ملی ۱۲۹۰۳۲۸۱۶۱ به سمت نایب رئیس هیأت‌مدیره تا تاریخ ۱۴۰۷/۰۴/۳۱آقای محسن شجاع وشوشاد به‌شماره ملی ۰۰۵۸۲۵۶۸۵۷ به سمت عضو هیأت‌مدیره تا تاریخ ۱۴۰۷/۰۴/۳۱ آقای فرشید فرخ نژاد به‌شماره ملی ۴۵۰۰۷۴۴۵۴۱ به سمت مدیرعامل و عضو هیأت‌مدیره تا تاریخ ۱۴۰۷/۰۴/۳۱ انتخاب گردیدند کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور متفقاً با امضای آقای فرشید فرخ نژاد به‌عنوان مدیرعامل با کد ملی ۴۵۰۰۷۴۴۵۴۱ و آقای هادی سپانلو به‌عنوان عضو اجرایی هیأت‌مدیره با کدملی ۰۴۵۲۸۸۹۷۵۸ همراه با مهر بانک معتبر است و در غیاب مدیرعامل با عضو اجرایی هیأت‌مدیره، متفقاً با امضای آقای محمود رشیدی به‌عنوان عضوهیأت عامل و معاون مدیرعامل با کدملی ۱۲۱۹۳۵۱۵۰۴ همراه با مهر بانک معتبر است. ضمن اینکه مدیرعامل در قالب ماده ۸۳ اساسنامه به‌عنوان بالاترین مقام اجرایی بانک در حدود اختیاراتی که از طرف هیأت‌مدیره به وی تفویض شده نماینده بانک محسوب گردیده و از طرف بانک حق امضا دارد همچنین تفویض اختیارات ذیل درخصوص امضای کلیه قراردادها، تفاهم‌نامه‌ها و سایر موضوعات قراردادی، توثیق و فک سهم توثیق، استعلام وضعیت، فک سهام و فروش سهام شرکت‌های بورسی مورد وثیقه بانک نافی اختیار نامبردگان نخواهد بود. امضای کلیه قراردادها و تفاهم‌نامه‌ها و سایر موضوعات قراردادی در حوزه حقوقی و نظارت متفقاً با دو امضا از امضاهای معاون مدیر عامل در امور حقوقی و نظارت، مدیر امور بازرسی و نظارت، ریاست اداره کل حقوقی و معاونین واحدهای مزبور حسب موضوع قرارداد همراه با مهر بانک معتبر است، در حوزه پشتیبانی متفقاً با دو امضا از امضاهای معاون مدیرعامل در امور پشتیبانی، مدیر امور پشتیبانی، ریاست اداره کل تدارکات، ریاست اداره کل مهندسی ساختمان و معاونین ادارات کل مزبور حسب موضوع قرارداد همراه با مهر بانک معتبر است، در حوزه فن‌آوری اطلاعات متفقاً با دو امضا از امضاهای معاون مدیرعامل در امور فن‌آوری اطلاعات، مدیر امور فن‌آوری اطلاعات، ریاست اداره کل زیر ساخت و نرم‌افزار، ریاست اداره کل آمار و فرآوری داده و معاونین واحدهای مزبور حسب موضوع قرارداد همراه با مهر بانک معتبر است، در حوزه بین‌الملل متفقاً با دو امضا از امضاهای معاون مدیر عامل در امور بین‌الملل، مدیر امور بین‌الملل، ریاست اداره کل بین‌الملل، ریاست اداره کل امور ارزی شعب و معاونین ادارات کل مزبور حسب موضوع قرارداد همراه با مهر بانک معتبر است، در حوزه امور اعتباری متفقاً با دو امضا از امضاهای معاون مدیر عامل در امور اعتباری، مدیر امور اعتباری، ریاست اداره کل برنامه‌ریزی و نظارت اعتباری، ریاست اداره کل اعتبارات، ریاست اداره کل اعتبارات شرکتی، ریاست اداره کل وصول مطالبات و معاونین ادارات کل مزبور حسب موضوع قرارداد همراه با مهر بانک معتبر است، در حوزه امور مالی متفقاً با دو امضا از امضاهای معاون مدیر عامل در امور مالی، مدیر امور مالی، ریاست اداره کل حسابداری مالی، ریاست اداره کل حسابداری مدیریت، ریاست اداره کل مدیریت عملیات، ریاست اداره کل مدیریت نقدینگی و خزانه داری و معاونین واحدهای مزبور حسب موضوع قرارداد همراه با مهر بانک معتبر است، در حوزه سرمایه انسانی متفقاً با دو امضا از امضاهای معاون مدیر عامل در امور سرمایه انسانی، مدیر امور سرمایه انسانی، ریاست اداره کل سرمایه انسانی، ریاست اداره کل رفاه و جبران خدمت، ریاست اداره کل آموزش و معاونین ادارات کل مزبور حسب موضوع قرارداد همراه با مهر بانک معتبر است، در حوزه برنامه‌ریزی و تحول متفقاً با دو امضا از امضاهای معاون مدیر عامل در امور برنامه‌ریزی و تحول، مدیر امور طرح و برنامه، مدیر امور توسعه محصول و فرابانک، ریاست اداره کل استراتژی و ارزیابی، ریاست اداره کل معماری سازمانی و توسعه فرآیندها، ریاست مرکز تحقیقات و بینش بازار، ریاست اداره کل توسعه و خلق محصول، ریاست دفتر فرابانک و معاونین واحدهای مزبور حسب موضوع قرارداد همراه با مهر بانک معتبر است. در حوزه مدیریت ریسک متفقاً با دو امضا از امضاهای مدیر ارشد ریسک و معاونین واحد مزبور حسب موضوع قرارداد همراه با مهر بانک معتبر می‌باشد، در حوزه تحول دیجیتال متفقاً با دو امضا از امضاهای مدیر ارشد تحول دیجیتال، اداره کل تحول دیجیتال و معاونین اداره کل مزبور حسب موضوع قرارداد همراه با مهر بانک معتبر است، در حوزه روابط عمومی متفقاً با دو امضا از امضاهای ریاست اداره کل روابط عمومی و معاونین واحدهای مزبور حسب موضوع قرارداد همراه با مهر بانک معتبر است در حوزه دفتر امور شرکت‌ها و سرمایه‌گذاری متفقاً با دو امضا از امضاهای ریاست دفتر امور شرکت‌ها و سرمایه‌گذاری و معاونین واحدهای مزبور حسب موضوع قرارداد همراه با مهر بانک معتبر است در حوزه امنیت اطلاعات متفقاً با دو امضا از امضاهای ریاست اداره کل امنیت اطلاعات و معاونین واحدهای مزبور حسب موضوع قرارداد همراه با مهر بانک معتبر است. کلیه قراردادها و تفاهم‌نامه‌ها و سایر موضوعات قراردادی و کلیه امور مربوطه به توثیق، استعلام وضعیت، فک سهام و همچنین فروش سهام شرکت‌های بورسی مورد وثیقه بانک درصورت استنکاف بدهکار از پرداخت مطالبات بانک در حوزه مدیریت شعب مناطق و استانها متفقاً با دو امضا از امضاهای معاون مدیر عامل ناظر بر مدیریت شعب مربوطه، مدیر امور ناحیه مربوطه، مدیر مدیریت شعب ذیربط و معاونین مدیریت شعب مزبور حسب موضوع قرارداد همراه با مهر بانک معتبر است. درخصوص موضوعات مشترک بین حوزه‌های مزبور کلیه قراردادها و تفاهم‌نامه‌ها و سایر موضوعات قراردادی با امضاهای معاونین مدیر عامل حوزه‌های ذیمدخل همراه با مهر بانک معتبر است و در غیاب هریک از معاونین مدیرعامل حوزه‌های مزبور متفقاً با امضای مدیر امور هریک از آن حوزه‌ها همراه با مهر بانک و درصورت عدم وجود سمت مدیر امور در آن حوزه، متفقاً با امضای ریاست ادارات کل تخصصی ذیربط همراه با مهر بانک معتبر است. در راستای تجویز ماده ۸۲ اساسنامه بانک، هیأت‌مدیره قسمتی از اختیاراتی که متضمن امور اجرایی بوده را به‌شرح ذیل به مدیرعامل که ریاست هیأت عامل بانک را به موجب ماده۸۱ اساسنامه نیز بر عهده دارد با حق تفویض و توکیل به غیر ولو کرارا، تفویض نمود۱) نمایندگی بانک در برابر کلیه اشخاص ثالث حقیقی و حقوقی دولتی و غیردولتی از جمله دستگاه‌های دولتی، مؤسسات عمومی غیردولتی، مراجع قضایی، شرکت‌های تجاری و مؤسسات غیرتجاری غیردولتی و سایر اشخاص حقیقی و حقوقی. ۲) طرح و ثبت دعوی در مراحل بدوی، واخواهی، تجدیدنظر، فرجام خواهی و اعاده دادرسی وفق مقررات از مرجع صادرکننده رأی قطعی یا ریاست محترم قوه قضاییه، اعلام و ثبت شکوائیه و تعقیب آن در کلیه مراجع انتظامی و دادسراهای عمومی، اختصاصی و انقلاب از جمله دادسرای انتظامی قضات، دادسرای کانون وکلاء، کانون کارشناسان رسمی دادگستری و سایر دادسراهای ذیربط، دادگاه صلح، شوراهای صنفی، هیأت نظارت ثبت، شورای عالی ثبت و سایر مراجع ذیصلاح قانونی و ادارات و دوایر اجرای ثبت و دادگستری، دیوان عدالت اداری، شوراهای حل اختلاف، مراجع حل اختلاف کارگری، سازمان تعزیرات حکومتی و سایر مراجع ذیصلاح قانونی، دفاتر خدمات الکترونیک قضائی و غیره، دعوی خسارت، دعوی تقابل و دفاع و پاسخگویی به آنها وفق مقررات موضوعه، اعتراض به‌عنوان ثالث و دفاع از آن، جلب شخص ثالث و دفاع از دعوای ثالث، ورود شخص ثالث و دفاع از دعوای ورود ثالث، انکار و تردید نسبت به سند طرف، ادعای جعل و تعیین جاعل، دفاع از دعوی و ادعای اعسار در کلیه مراحل دادرسی و ثبتی، تغییر عنوان خواسته و تغییر بهای خواسته وفق مستندات متقن، تأمین مدعی به، اخذ محکوم به، مدعی به یا خسارات و وجوه ایداعی، معرفی ضامن، سپردن تأمین، معرفی و جرح شهود و گواهان، تعیین مصدق، داور، امین، ناظر، حافظ اموال و ارزیاب، کارشناس، تقاضای توقیف و رفع توقیف اشخاص و اموال از مراجع قضایی و شبه قضایی پس از حدوث رفع توقیف اشخاص و اموال، درخواست صدور اجرائیه از مراجع ثبتی و دفاتر اسناد رسمی و اجرای احکام مراجع قضایی و شبه قضایی وفق قوانین و مقررات مربوطه، تعقیب عملیات اجرایی و تقاضای بازداشت و رفع بازداشت اموال آنها پس از حدوث رفع آنها و همچنین اعمال قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، حضور در جلسات مزایده، امضای اسناد انتقال اجرایی مربوط به اجرای احکام و یا اجرای اسناد رسمی و سایر مراجع در دفاتر اسناد رسمی و یا هر مرجع دیگر جهت انتقال محکوم به بانک مطابق با قوانین و مقررات مربوطه و دفاع از کلیه دعاوی و یا شکایات مطروحه علیه بانک، حق استرداد دادخواست، دعوی و شکایت وفق قانون و مقررات مربوطه و حدوث استرداد با رعایت مصالح و منافع بانک، جلب نظر کارشناس و درصورت لزوم اعتراض به نظریه کارشناسی، اعلام مطالبات و ارسال مستندات به اداره تصفیه امور ورشکستگی جهت تصدیق طلب، اعتراض به میزان مطالبات تصدیق شده و صورت طبقه بندی، اعتراض به تصمیمات مدیر تصفیه، درخواست صدور هرگونه دستور موقت و دادرسی فوری، تصحیح آراء (قرار یا حکم)، مهر و موم، معاینه و تحقیق محلی، تأمین دلیل، خواسته و غیره، ثبت اظهارنامه، قبول یا رد سوگند، اعلام رضایت و یا صلح و سازش، ارجاع دعوی به داوری و دفاع از پرونده‌های مطروحه در داوری، پیگیری کلیه مراحل تشکیل و ثبت اسم تجاری، علامت تجاری، اختراع، طرحهای صنعتی اعم از اخذ و ارائه هرگونه اسناد و مدارک و اوراق و اخذ و دریافت هرگونه رسید و تأیید پیش نویس‌های آگهی تقاضای ثبت و اخذ اصل گواهی ثبت اسم تجاری، علامت تجاری، اختراع، طرح‌های صنعتی، تمدید آنها و اقامه شکایت در مراجع قضایی و ثبتی نسبت به ثبت علامت و موضوعات ثبتی، ثبت صورتجلسات هیأت‌مدیره و مجامع بانک در اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری، اعتراض به پیش نویس آگهی و امضای دفاتر مربوطه، مراجعه به روزنامه رسمی، اخذ مستندات مربوط به ثبت صورتجلسات از اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری و یا سایر مراجع، اعطای وکالت مدنی، اعطای نمایندگی حقوقی به کارکنان حایز شرایط بانک و تفویض کلیه و یا بخشی از اختیارات به مدیران ادارات کل، شعب استانها، مناطق و وکلاء، مؤسسات و شرکت ها، کارشناسان حقوقی بانک و سایر اشخاص حقوقی با حق توکیل به غیر و امور مشابه دیگر. ۳) ایجاد و تعطیلی شعبه و باجه. ۴) افتتاح هر نوع حساب و استفاده از آن به‌نام بانک نزد بانکها و مؤسسات اعتباری مجاز. ۵) دریافت مطالبات و پرداخت دیون بانک. ۶) صدور، ظهرنویسی، قبولی، پرداخت و واخواست اوراق تجارتی. ۷) انعقاد هر نوع قرارداد، تغییر، تبدیل، فسخ و یا اقاله آن در مورد اموال منقول و غیرمنقول که مرتبط با موضوع فعالیت بانک باشد و انجام کلیه عملیات و معاملات مذکور در ماده ۳ اساسنامه و اتخاذ تصمیم در مورد کلیه ایقاعات. ۸) به امانت گذاردن هرنوع سند، مدرک، وجوه بانک یا اوراق بهادار و استرداد آنها. ۹) به رهن گذاردن اموال بانک اعم از منقول و غیرمنقول و فک رهن ولو کرارا ۱۰) اجاره و استجاره و واگذاری و فسخ اجاره و تقاضای تعدیل اجاره بها و دفاع از این نوع تقاضاها در تمام مراحل و مراجع و تخلیه عین مستاجره و تقاضای تجدیدنظر در رای صادره یا اجرای آن ۱۱) احداث هرگونه ساختمان و تأسیسات ۱۲) تنظیم صورت‌های مالی سالانه و گزارش فعالیت هیأت‌مدیره مطابق با استانداردهای مالی و ارائه آن به هیأت‌مدیره به‌منظور ارائه به بازرس و حسابرس. ۱۳) تنظیم صورت‌های مالی میان دوره‌ای در مقاطع سه ماهه و ارائه صورت‌های مالی شش ماهه و تقدیم به هیأت‌مدیره جهت ارائه به بازرس و حسابرس. ۱۴) نصب و عزل کارکنان بانک و تعیین شغل، ترفیع و تنبیه و اجرای سایر شرایط استخدامی با رعایت آیین‌نامه استخدامی و در قالب ضوابط ابلاغی هیأت‌مدیره.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران

IRAN DAILY
1877
www.newspaper.iran-daily.com

دامداران خواستار حمایت از تولید و کاهش هزینه نهاده‌ها هستند

افزایش نرخ شیر خام، نسخه‌ای برای جبران هزینه‌ها

گزارش

حدیث حدادی
گروه اقتصادی

پس از حدود چهار هفته بررسی در کارگروه تنظیم بازار، قیمت هر کیلوگرم شیر خام کیفی و استاندارد درب دامداری ۶۸ هزار تومان تعیین شد. این نرخ، بنا بر گزارش‌ها، با توافق تشکل‌های دامداری و صنایع لبنی تصویب شده و پس از ابلاغ کتبی وزارت جهاد کشاورزی و گذشت یک هفته لازم‌الاجرا خواهد بود. قیمت پیشین شیرخام ۶۰ هزار و ۵۰۰ تومان بود؛ بنابراین نرخ جدید ۷ هزار و ۵۰۰ تومان افزایش یافته است.

تصمیم تازه در شرایطی گرفته شده که دامداران از بالا رفتن هزینه نهاده‌ها و مخارج تولید می‌گویند و فعالان صنعت لبنیات نسبت به گران‌تر شدن محصولات و کاهش مصرف خانوارها هشدار می‌دهند. در مرکز اختلاف، این پرسش قرار دارد که قیمت مصوب تا چه اندازه هزینه واقعی تولید را پوشش می‌دهد و افزایش آن چه اثری بر بازار لبنیات خواهد گذاشت. در واقع دامداران می‌گویند نرخ ۶۸ هزار تومانی شیر خام اختلاف میان برآورد دامداران از هزینه تولید و نگرانی صنایع لبنی درباره قدرت خرید مردم را برطرف نکرده است. انتشار جزئیات محاسبه نرخ مصوب، روشن شدن ترکیب جلسه تنظیم بازار و توضیح دولت درباره راهکارهای کنترل اثر این افزایش بر قیمت محصولات لبنی، می‌تواند ارزیابی دقیق‌تری از پیامدهای تصمیم تازه به دست دهد.

هشدار درباره صادرات شیر خشک

علی‌احسان ظفری، رئیس اتحادیه لبنیات، در گفت‌وگو با خبرنگار «ایران» گفت که بخشی از دامداران و کارخانه‌های فعال در صادرات پودر شیر خشک خواستار افزایش قیمت شیر خام بوده‌اند. او معتقد است گران شدن ماده اولیه می‌تواند هزینه تولید محصولات لبنی را افزایش دهد و مصرف این محصولات را برای خانوارها دشوارتر کند.

ظفری همچنین مدعی شد برخی کارخانه‌ها ترجیح می‌دهند شیر خام را به شیر خشک تبدیل و صادر کنند، زیرا به گفته او، این مسیر می‌تواند سود بیشتری داشته باشد. او هشدار داد که چنین روندی ممکن است شیر موردنیاز تولیدکنندگان لبنیات برای بازار داخلی را محدود کند. برای سنجش این ادعا، لازم است آمار مربوط به میزان شیر مصرفی در داخل، سهم تولید شیر خشک و حجم صادرات منتشر شود؛ در گفت‌وگوی او رقمی دراین باره ارائه نشده است.

ظفری گفت اتحادیه لبنیات به جلسه اخیر کارگروه تنظیم بازار دعوت نشده و امکان بیان مخالفت خود را نداشته است. این ادعا با خبر تصویب قیمت جدید با توافق تشکل‌های دامداری و صنایع لبنی نیازمند توضیح است: باید روشن شود کدام تشکل‌ها در جلسه حضور داشته‌اند و منظور از توافق، موافقت چه گروه‌هایی بوده است.

دامداران: قیمت مصوب کمتر از هزینه تولید است

مجتبی عالی، رئیس اتحادیه مرکزی دامداران ایران، افزایش قیمت شیر خام را ناشی از بالا رفتن هزینه خوراک دام، حمل‌ونقل و دیگر مخارج تولید دانست. او گفت قیمت شیر خام برای دامداران از ابتدای سال ثابت مانده، درحالی‌که هزینه‌های تولید افزایش یافته است. به گفته عالی، قیمت برخی اقلام از ابتدای سال تاکنون بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ درصد رشد داشته است؛ اما برای ارزیابی دقیق این ادعا باید مشخص شود کدام اقلام و با اتکا به چه داده‌هایی محاسبه شده‌اند.

عالی قیمت تمام‌شده تولید هر کیلوگرم شیر خام را حدود ۸۵ هزار تومان برآورد کرد؛ رقمی که ۱۷ هزار تومان بیشتر از نرخ مصوب است. این رقم برآورد اتحادیه دامداران است و برای مقایسه دقیق‌تر باید روش محاسبه و هزینه‌های منظورشده در آن نیز اعلام شود.

رئیس اتحادیه مرکزی دامداران به افزایش قیمت سبوس هم اشاره کرد و گفت دامداران ماه گذشته آن را کیلویی ۳۰ هزار تومان می‌خریدند، اما اکنون قیمت به حدود ۶۰ هزار تومان رسیده است. او این رشد را، از جمله، به افزایش سهم سبوس در آرد گندم از ۱۰ به ۲۰ درصد و کاهش عرضه سبوس برای خوراک دام مرتبط دانست. این رابطه و میزان اثرگذاری آن بر قیمت، به توضیح و بررسی بیشتر نیاز دارد. عالی همچنین درباره تولید و واردات گندم و وضعیت ذخایر راهبردی اظهارنظر کرد؛ این آمارها نیز باید با اطلاعات رسمی تطبیق داده شوند.

> قیمت هر کیلوگرم شیر خام کیفی و استاندارد درب دامداری ۶۸ هزار تومان تعیین شد. این نرخ، بنا بر گزارش‌ها، با توافق تشکل‌های دامداری و صنایع لبنی تصویب شد

نگرانی از کاهش مصرف لبنیات

برش

افزایش قیمت شیر خام می‌تواند هزینه تولید کارخانه‌های لبنی را بالا ببرد، اما میزان اثر آن بر قیمت نهایی محصولات به هزینه‌های فرآوری، بسته‌بندی، حمل‌ونقل و سیاست قیمت‌گذاری بستگی دارد. در گزارش‌های منتشرشده، برآوردی از زمان یا میزان افزایش احتمالی قیمت شیر، ماست و پنیر ارائه نشده است. عالی رئیس اتحادیه دامداران در پاسخ به این نگرانی که گرانی شیر خام مصرف لبنیات را کاهش می‌دهد، گفت دامداران از این پیامد آگاه‌اند، اما ادامه تولید با هزینه‌ای بیشتر از قیمت فروش دشوار است. او تأکید کرد دولت باید برای حمایت از تولید برنامه‌ریزی کند. در مقابل، ظفری هشدار داد که گران شدن ماده اولیه می‌تواند محصولات لبنی را بیش از پیش از سبد خانوارها خارج کند.

عالی در کنار بیان مشکلات هزینه‌ای، پیشنهادهایی برای کاهش وابستگی به نهاده‌های وارداتی مطرح کرد. او گفت می‌توان پس از برداشت محصول، از زمین‌های شالیزاری شمال کشور برای کشت پاییزه نهاده استفاده کرد و مدعی شد این ظرفیت می‌تواند به تولید حدود پنج میلیون تن نهاده منجر شود. او همچنین کشت نخود علوفه‌ای در اراضی پایین‌دست و تأمین به‌موقع بذر شبدر برای دامداران را پیشنهاد داد؛ اقداماتی که به باور او می‌توانند بخشی از نیاز دامداری‌ها به ذرت و سویا را کاهش دهند.

این پیشنهادها برای اجرا به بررسی امکان کشت، دسترسی به بذر، منابع آب و هزینه انتقال محصول نیاز دارند. به گفته عالی، حدود ۶۰ درصد خوراک دام از علوفه تأمین می‌شود و هزینه‌های کارگری، سوخت و انرژی نیز بر قیمت تمام‌شده اثر می‌گذارند.

هوش مصنوعی و آینده نظام تأمین مالی خرد

بنگاه



سیدرضا راستی الحسینی
کارشناس اقتصادی

نهاد قرض‌الحسنه به‌عنوان یکی از ارکان اصیل اقتصاد اسلامی، همواره بر پایه اعتماد، خیرخواهی و رفع نیازهای ضروری اقشار مختلف جامعه بنا شده است. با این حال، گذار از عصر سنتی به عصر دیجیتال و ظهور پدیده‌ای به نام هوش مصنوعی، بازتعریف سازوکارهای این نهاد مالی را به یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر تبدیل کرده است. امروز دیگر نمی‌توان تنها با تکیه بر روش‌های دستی و سنتی، پاسخگوی نیازهای شتابان و گسترده جامعه بود. هوش مصنوعی با توان پردازشی خیره‌کننده خود، بستری فراهم آورده که در آن عدالت توزیعی، سرعت در خدمت‌رسانی و کاهش هزینه‌های عملیاتی به بهترین شکل ممکن محقق شود.

در نظام‌های مالی نوین، چالش اصلی همواره تشخیص درست اعتبار متقاضیان و تسهیل دسترسی به منابع مالی در کمترین زمان ممکن بوده است. هوش مصنوعی با ورود به حوزه اعتبارسنجی هوشمند، انقلابی در این مسیر ایجاد کرده است. به جای تکیه صرف بر وثایق ملکی یا ضامن‌های متعدد که فرآیند دریافت وام را برای طبقات ضعیف دشوار می‌کرد، اکنون الگوهای رفتاری، سوابق تراکنش‌ها و داده‌های دیجیتال در کسری از ثانیه تحلیل می‌شوند. این فناوری اجازه می‌دهد تا نهادهای مالی با دقت بالایی میزان پایبندی افراد به تعهدات‌شان را سنجیده و وام‌های خرد را بدون تشریفات دست‌وپاگیر اداری تخصیص دهند.

یکی از نمودهای بارز این تحول در کشور ما، اقدامات پیشرو در نهادهایی نظیر بانک قرض‌الحسنه مهر ایران است. این بانک با درک صحیح از نیازهای روز، مسیر خود را به سمت بانکداری دیجیتال تغییر داده و با حذف شعبه‌محوری، خدمات خود را بر بستر پلتفرم‌های برخط عرضه کرده است. اپلیکیشن‌ها به‌عنوان یک بازوی اجرایی در حوزه تأمین مالی خرد، توانسته‌اند با بهره‌گیری از زیرساخت‌های نوین، خدماتی همچون پرداخت وام در قالب اقساط کوتاه‌مدت شش‌ماهه را برای خرید کالا و رفع احتیاجات ضروری فراهم کنند. این الگو نشان‌دهنده آن است که چگونه فناوری می‌تواند در خدمت ترویج فرهنگ قرض‌الحسنه قرار گیرد و فاصله میان نیاز مردم و منابع مالی را به حداقل برساند.

خدمات برخط از جمله کیف پول‌های دیجیتال، بخش دیگری از این زنجیره هوشمند هستند که به جریان سیال پول در اقتصاد خرد کمک می‌کنند. زمانی که احراز هویت به صورت کاملاً غیرحضوری و با استفاده از الگوریتم‌های تشخیص چهره و تحلیل داده‌های هویتی توسط هوش مصنوعی انجام می‌شود، عملاً صف‌های طولانی در شعب حذف شده و کرامت انسانی مراجعان بیش از پیش حفظ می‌گردد. در این زیست‌بوم، هوش مصنوعی نه تنها یک ابزار فنی، بلکه یک دیده‌بان دقیق برای پیشگیری از تخلفات و انحراف منابع است که اطمینان می‌دهد تسهیلات دقیقاً به دست نیازمندان واقعی می‌رسد.

باید توجه داشت که هدف غایی از ادغام فناوری‌های دیجیتال با مفاهیم اصیلی چون قرض‌الحسنه، تنها سرعت بخشیدن به فرآیندها نیست؛ بلکه هدف اصلی، افزایش تاب‌آوری اقتصادی جامعه است. وقتی یک شهروند بتواند در هر ساعت از شبانه‌روز، بدون نیاز به مراجعه حضوری و تنها از طریق تلفن همراه خود، اعتبار لازم برای یک ضرورت معیشتی یا درمانی را از طریق اپلیکیشن‌های تخصصی دریافت کند، حس امنیت اقتصادی در جامعه تقویت می‌شود. این دقیقاً همان نقطه‌ای است که هوش مصنوعی در نقش یک «کمکیار اجتماعی» ظاهر می‌شود و عدالت در دسترسی به منابع را معنا می‌بخشد.

در نهایت، آینده نظام تأمین مالی خرد در ایران در گرو توسعه همین بسترهای هوشمند است. تقویت زیرساخت‌های ابری، گسترش امضای دیجیتال و استفاده گسترده‌تر از یادگیری ماشین برای تحلیل رفتارهای مالی، می‌تواند ایران را در حوزه بانکداری اسلامی و قرض‌الحسنه دیجیتال به یک الگو در منطقه تبدیل کند. ما در آستانه عصری هستیم که در آن «برکت» نهفته در قرض‌الحسنه با «دقت» هوش مصنوعی گره خورده است تا باری از دوش مردم برداشته شود و چرخ‌های اقتصاد مردمی با شتاب بیشتری به حرکت درآید. یادمان باشد که فناوری در خدمت انسان، والاترین هدف در طراحی سیستم‌های نوین مالی است و امروز این فرصت بیش از هر زمان دیگری فراهم است.

نوبت اول
پتروشیمی بندر امام
آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
توأم با ارزیابی کیفی مناقصه شماره م ن/۴۰۵/۳۲

شرکت پتروشیمی بندر امام به آدرس بندر امام خمینی(ره) منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی، سایت ۵ در نظر دارد مناقصه با شرایط ذیل را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط و دارای صلاحیت واگذار نماید.

۱- موضوع مناقصه: طراحی، خرید، نصب و راه‌اندازی زیر ساخت مخابراتی امن، مبتنی بر فن‌آوری POC و تأمین ترمینال‌های POC - PDA جهت پشتیبانی از عملیات بهره‌برداری شرکت پتروشیمی بندرامام.
۲- مدت اجرای موضوع مناقصه: شش / ۶ ماه تمام شمسی.
۳- مبلغ برآورد مناقصه ۱۹۸,۰۰۰ یورو، می‌باشد.
۴- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۱۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال، می‌باشد.
۵-انواع تضمین‌های معتبر برای شرکت در مناقصه:
۵-۱) ضمانت‌نامه بانکی
۵-۲) واریز وجه به‌حساب اعلام شده در اسناد مناقصه
۶- مهلت توزیع اسناد: از تاریخ ۱۴۰۵/۰۸/۳۰ لغایت ساعت ۲۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۶.
ضمناً مناقصه‌گران می‌توانند جهت دریافت اسناد مناقصه به آدرس WWW.BIPC.IR مراجعه نمایند.
۷- داشتن گواهی‌نامه‌های ذیل از سوی مناقصه‌گران در زمان دریافت اسناد مناقصه الزامی است:
۷-۱) آگهی تأسیس(درصورت عدم انطباق موضوع مناقصه با آگهی تأسیس، شرکت مناقصه‌گر مورد ارزیابی کیفی قرار نخواهد گرفت.)
۷-۲) گواهی‌نامه صلاحیت پیمانکاری
۸- محل و مهلت تحویل پاکات پیشنهادی: ساختمان حراست؛ تا ساعت ۱۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۷
۹- محل و تاریخ جلسه گشایش پاکات پیشنهادی:
آدرس فوق‌الذکر - سالن کنفرانس ساختمان مرکزی، مورخ ۱۴۰۵/۱۰/۰۱ ساعت ۱۰ صبح خواهد بود.
تذکر ۱: ارائه کپی مصدق قراردادهای مشابه انجام شده و مفاصاحساب‌های ذیربط که در یکی از مراجع ذیصلاح (دفترخانه اسناد رسمی، دادگاه حقوقی، امور حقوقی کارفرمای طرف قرارداد) گواهی شده است، جهت بررسی مدارک ارزیابی کیفی مناقصه‌گران، الزامی است.
تذکر۲: پاکت پیشنهادی مناقصه‌گری گشوده خواهد شد که حد نصاب امتیاز ارزیابی کیفی را کسب نمایند.
تذکر۳: به پیشنهادهایی که فاقد سپرده با امضای مشروط و مخدوش و سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن و پیشنهادهایی که پس از انقضای مدت مقرر در آگهی واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.
تذکر۴: سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج می‌باشد.
روابط عمومی شرکت پتروشیمی بندر امام (سهامی عام)

نوبت اول
پتروشیمی بندر امام
آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
توأم با ارزیابی کیفی مناقصه شماره م ن/۴۰۵/۳۶

شرکت پتروشیمی بندر امام به آدرس بندر امام خمینی(ره) منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی، سایت ۵ در نظر دارد مناقصه با شرایط ذیل را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط و دارای صلاحیت واگذار نماید.

۱- موضوع مناقصه: اجرای عملیات خرید، نصب و راه‌اندازی سردخانه‌های رستوران بزرگ مجتمع پتروشیمی بندر امام.
۲- مدت اجرای موضوع مناقصه: چهار / ۴ ماه تمام شمسی.
۳- مبلغ برآورد مناقصه ۲۷۰,۵۲۶,۸۳۰,۰۰۰ ریال، می‌باشد.
۴- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۱۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال، می‌باشد.
۵- انواع تضمین‌های معتبر برای شرکت در مناقصه:
۵-۱) ضمانت‌نامه بانکی
۵-۲) واریز وجه به‌حساب اعلام شده در اسناد مناقصه
۶- مهلت توزیع اسناد: از تاریخ ۱۴۰۵/۰۸/۳۰ لغایت ساعت ۲۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۶.
ضمناً مناقصه‌گران می‌توانند جهت دریافت اسناد مناقصه به آدرس WWW.BIPC.IR مراجعه نمایند.
۷- داشتن اسناد و مدارک ذیل از سوی مناقصه‌گران در زمان دریافت اسناد مناقصه الزامی است:
۷-۱) آگهی تأسیس(درصورت عدم انطباق موضوع اساسنامه و آگهی تأسیس شرکت مناقصه‌گر با موضوع مناقصه انجام شده، پاکات پیشنهاد قیمت آن شرکت‌ها بازگشایی نخواهد شد و از ادامه حضور در فرآیند مناقصه حذف می‌گردند.)
۷-۲) گواهی‌نامه صلاحیت پیمانکاری
۷-۳) مناقصه‌گران دارای پروانه کسب معتبر با رسته فعالیت مرتبط با تجهیزات صوتی و تصویری و سامانه‌های مرتبط از اتحادیه صنفی ذیربط (وزارت صنعت معدن و تجارت، وزارت فرهنگ ارشاد، وزارت کار و یا سانتا) مجاز به شرکت در این مناقصه می‌باشند بدیهی است مناقصه‌گران فاقد پروانه مذکور از ارزیابی کیفی کنار گذاشته خواهند شد.
۸- محل و مهلت تحویل پاکات پیشنهادی: حراست پتروشیمی بندر امام - امور مراجعین؛ تا ساعت ۱۴:۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۶.
۹- محل و تاریخ جلسه گشایش پاکات پیشنهادی:
آدرس فوق‌الذکر - سالن کنفرانس ساختمان مرکزی، مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۳۰ ساعت ۱۰ صبح خواهد بود.
تذکر۱: پاکت پیشنهادی مناقصه‌گری گشوده خواهد شد که نمونه ارائه شده مورد تأیید دستگاه مناقصه‌گزار قرار گیرد.
تذکر۲: به پیشنهادهایی که فاقد سپرده با امضای مشروط و مخدوش و سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن و پیشنهادهایی که پس از انقضای مدت مقرر در آگهی واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.
تذکر۳: سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج می‌باشد.
روابط عمومی شرکت پتروشیمی بندر امام (سهامی عام)

نوبت اول
پتروشیمی بندر امام
آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
توأم با ارزیابی کیفی - مناقصه شماره م ن/۴۰۵/۳۳

شرکت پتروشیمی بندر امام به آدرس بندر امام خمینی(ره) منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی، سایت ۵ در نظر دارد مناقصه با شرایط ذیل را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط و دارای صلاحیت واگذار نماید.

۱- موضوع مناقصه: انجام عملیات خرید و بازسازی شاسی و تجهیزات خودرو تانکر قوم رسان، طراحی، خرید، نصب و راه‌اندازی سیستم تناسب ساز فوم بر روی آن.
۲- مدت اجرای موضوع مناقصه: نه / ۹ ماه تمام شمسی.
۳- مبلغ برآورد مناقصه ۲۵۵,۱۲۷,۵۰۰,۰۰۰ ریال، می‌باشد.
۴- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال، می‌باشد.
۵-انواع تضمین‌های معتبر برای شرکت در مناقصه:
۵-۱) ضمانت‌نامه بانکی
۵-۲) واریز وجه به‌حساب اعلام شده در اسناد مناقصه
۶- مهلت توزیع اسناد: از تاریخ ۱۴۰۵/۰۸/۳۰ لغایت ساعت ۲۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۶.
ضمناً مناقصه‌گران می‌توانند جهت دریافت اسناد مناقصه به آدرس WWW.BIPC.IR مراجعه نمایند.
۷- داشتن گواهی‌نامه‌های ذیل از سوی مناقصه‌گران در زمان دریافت اسناد مناقصه الزامی است:
۷-۱) آگهی تأسیس(درصورت عدم انطباق موضوع مناقصه با آگهی تأسیس، شرکت مناقصه‌گر مورد ارزیابی کیفی قرار نخواهد گرفت.)
۷-۲) گواهی‌نامه صلاحیت پیمانکاری
۸- محل و مهلت تحویل پاکات پیشنهادی: ساختمان حراست؛ تا ساعت ۱۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۷
۹- محل و تاریخ جلسه گشایش پاکات پیشنهادی:
آدرس فوق‌الذکر - سالن کنفرانس ساختمان مرکزی، مورخ ۱۴۰۵/۱۰/۰۱ ساعت ۱۰ صبح خواهد بود.
تذکر ۱: ارائه کپی مصدق قراردادهای مشابه انجام شده و مفاصاحساب‌های ذیربط که در یکی از مراجع ذیصلاح (دفترخانه اسناد رسمی، دادگاه حقوقی، امور حقوقی کارفرمای طرف قرارداد) گواهی شده است، جهت بررسی مدارک ارزیابی کیفی مناقصه‌گران، الزامی است.
تذکر۲: پاکت پیشنهادی مناقصه‌گری گشوده خواهد شد که حد نصاب امتیاز ارزیابی کیفی را کسب نمایند.
تذکر۳: به پیشنهادهایی که فاقد سپرده با امضای مشروط و مخدوش و سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن و پیشنهادهایی که پس از انقضای مدت مقرر در آگهی واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.
تذکر۴: سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج می‌باشد.
روابط عمومی شرکت پتروشیمی بندر امام (سهامی عام)

رصد هفتگی کالاهای اساسی

رشد قیمت مرغ، قند و شکر و برخی صیفی جات

گزارش

حدیث حدادی
گروه اقتصادی

رصد میدانی خبرنگار روزنامه ایران از بازار کالاهای اساسی تهران نشان می دهد در هفته‌ای که گذشت بخشی از اقلام بدون تغییر قیمتی و بخش دیگری با جهش قیمت روبه‌رو شده اند. به طوری که مرغ، چند قلم کنسرو، حبوبات و میوه با رشدهای دو رقمی روبه‌رو شدند و در مقابل لبنیات، آبزیان و بخشی از روغن و ماکارونی ثابت ماندند .

در هفته گذشته هر چهار قلم مرغ رصدشده گران شده است. یک کیلوگرم ران مرغ بی پوست با جهش ۵۴ درصدی از ۸۲۸ هزار و ۳۶۰ به یک میلیون و ۲۷۹ هزار و ۷۲۵ تومان و مغزران با ۲۸ درصد رشد به یک میلیون و ۱۲۸ هزار و ۱۵۰ تومان رسید. گوشت قرمز هم نوسان قیمت داشت و ران گوسفندی با استخوان ۱۳.۷ درصد با افزایش قیمت روبه‌رو شده و قیمت چرخ کرده مخلوط ۸.۵ درصد کمتر از هفته گذشته بود، قیمت سردست گوسفندی ثابت ماند و ران بی‌استخوان با افت ۳۶ درصدی ارزان تر از ران با استخوان به فروش می رسید تغییری که به گفته فعالان بازار ناشی از تغییر برند است، نه کاهش واقعی تقاضا.

در میادین میوه و تره بار نیز موز و پیاز به دلیل جهش قیمت با مشکل تأمین روبه‌رو شده‌اند. پیاز در مبدأ کیلویی ۱۶۰ هزار و گوجه فرنگی با رشد ۴۲ درصدی ۸۵ هزار تومان عرضه شد. تخم مرغ ۶.۷ درصد و قند شکسته سه کیلویی ۲۱ درصد گران شد.





بازار مرغ این هفته یکپارچه صعودی بود و هر چهار قلم رصد شده گران شد.

ران بی پوست با جهش ۵۴ درصدی و مغز ران با ۲۸ درصد پیشتاز گرانی شدند؛ سینه بی استخوان ۱۰ درصد و سینه بی‌پوست ۴.۵ درصد بالا رفت.

محصول	قیمت این هفته(تومان)
سینه بی‌استخوان مرغ ۱۸۰۰ گرمی	۱,۶۲۰,۰۰۰
سینه مرغ بی‌پوست ۱۸۰۰ گرمی	۱,۲۶۰,۰۰۰
مغز ران ۱۸۰۰ گرمی	۱,۱۲۸,۱۵۰
ران بی‌پوست ۱۸۰۰ گرمی	۱,۲۷۹,۷۲۵



این هفته بازار روغن هم با ثبات نسبی و نوسانات محدودی همراه بود. به طوری که ۶ قلم کالا بدون تغییر قیمت عرضه شدند. اما در این میان روغن کانولا امگا ۳ و ۶ (۹۰۰ گرمی) با افت چشمگیر ۳۸ درصدی از ۵۰۸ به ۳۱۳ هزار تومان رسید در حالی که روغن مایع سرخ کردنی ۸۱۰ گرمی حدود ۵ درصد گران شد.

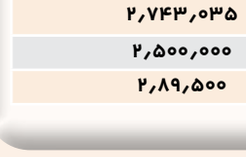
محصول	قیمت هفته (تومان)
سرخ کردنی بدون پالم ۱۳۵۰ گرمی	۶۰۴,۵۱۶
کانولا ۱.۵ لیتری	۹۴۹,۰۰۰
غنی شده ویتامین D3 ۱۵۰۰ گرمی آفتابگردان	۵۴۳,۰۸۹
سرخ کردنی بدون پالم ۸۱۰ گرمی	۳۴۶,۸۲۲
آفتابگردان ۹۰۰ گرمی	۳۳۴,۹۸۶
مایع سرخ کردنی ۸۱۰ گرمی	۳۴۶,۸۲۲
مایع سرخ کردنی ۳۰۰۰ گرمی	۱,۱۴۶,۶۶۸
کانولا امگا ۳ و ۶ پخت و پز/سالاد ۹۰۰ گرمی	۳۱۳,۶۰۰



این هفته بازار حبوبات ناهمسو بود و از ۱۳ قلم رصد شده ۵ قلم بی تغییر ماند و ۵ قلم گران شد.

لپه ۹۰۰ گرمی با ۳۸ درصد رشد پیشتاز گرانی شد و نخود با افت ۴۷ درصدی بیشترین کاهش را ثبت کرد. اختلاف قیمت دو برند یک محصول تا ۲۱۰ هزار تومان می‌رسد.

محصول	قیمت هفته (تومان)
عدس ۴۵۰ گرمی	۱۸۰,۵۷۴
عدس ۹۰۰ گرمی	۳۵۹,۹۱۰
عدس ۹۰۰ گرمی	۲۹۱,۶۰۰
لپه ۹۰۰ گرمی	۳۵۲,۷۵۰
لپه ۹۰۰ گرمی	۴۴۹,۹۱۰
لوبیا چشم‌بلبلی ۹۰۰ گرمی	۵۲۹,۱۱۹
لوبیا چشم‌بلبلی ۹۰۰ گرمی	۳۵۵,۵۰۰
لوبیا چیتی ۹۰۰ گرمی	۲۹۵,۰۰۰
لوبیا قرمز ۹۰۰ گرمی	۳۹۹,۵۰۰
لوبیا قرمز ۹۰۰ گرمی	۴۲۳,۰۰۰
نخود ۹۰۰ گرمی	۲۴۰,۰۰۰
نخود ۹۰۰ گرمی	۳۰۶,۰۰۰



این هفته دوگانگی در بازار برنج موج می زد به طوری که برنج ایرانی فجر ۱۰ کیلویی با ۱۹ درصد رشد قیمت پیشتاز گرانی شد و قیمت هاشمی ۵ کیلویی ۵.۶ درصد بالا رفت، اما هاشمی ممتاز ۵.۴ درصد و هاشمی آستانه اشرفیه اندکی ارزان شدند. در واقع نرخ هر کیلو از ۴۷۵ تا ۵۷۹ هزار تومان نوسان داشت.

محصول	قیمت هفته (تومان)
ایرانی فجر ۱۰ کیلوگرمی	۴,۷۵۱,۰۴۰
هاشمی ۵ کیلویی	۲,۷۴۳,۰۳۵
هاشمی ممتاز ۵ کیلویی	۲,۵۰۰,۰۰۰
هاشمی گیلان آستانه‌اشرفیه ۵ کیلویی	۲,۸۹,۵۰۰

ماکارونی در هفته اخیر رقابتی در مسیر کاهش قیمت داشت. از چهار قلم رصد شده دو قلم بی تغییر ماند و هر دو قلم دیگر ارزان شدند. ماکارونی رشته‌ای ۱.۴ (۷۰۰ گرمی) با افت ۲۸ درصدی بیشترین کاهش را داشت و پنه ریگاته ۱۰ درصد پایین آمد. هیچ افزایش قیمتی ثبت نشد.

محصول	قیمت هفته (تومان)
ماکارونی رشته‌ای ۳.۱ غنی‌شده ۵۰۰ گرمی	۹۹,۰۰۰
پنه ریگاته ۵۰۰ گرمی	۶۸,۴۰۰
پیگولی ۵۰۰ گرمی	۶۸,۴۰۰
رشته‌ای ۱,۴ ۷۰۰ گرمی	۵۱,۹۳۰



بررسی ها نشان می دهد که بازار گوشت قرمز این هفته با روندی پرنوسان همراه بود به گونه‌ای که ران گوسفندی با استخوان ۱۳.۷ درصد و چرخ کرده مخلوط ۸.۵ درصد ارزان شدند، درحالی که سردست گوسفندی ثبات قیمت داشتند. افت ۳۶ درصدی قیمت ران بی‌استخوان قیمت آن را از ران بااستخوان کمتر کرده که به علت تغییر برند است.

محصول	قیمت هفته (تومان)
ران گوسفندی با استخوان ۱ کیلو	۲,۷۰۰,۰۰۰
ران گوسفندی بدون استخوان ۱ کیلو	۲,۵۰۰,۰۰۰
سردست گوسفندی با استخوان ۱ کیلو	۲,۲۸۰,۰۰۰
سردست گوسفندی پاک‌شده ۱ کیلو	۳,۶۰۰,۰۰۰
گوشت چرخ‌کرده گوساله ۱ کیلویی	۱۶۵۶,۲۰۰
گوشت چرخ‌کرده مخلوط ۱ کیلویی	۱,۶۹۰,۰۰



بررسی های میدانی این هفته بازار نشان می دهد از ۲۲ قلم کنسرو رصدشده نیمی ازآنها (۱۱ قلم) ثبات قیمت داشتند. اما با این حال تنش قیمتی در برخی اقلام چشمگیر است؛ به طوری که کنسرو بادمجان با جهش ۴۶ درصدی پیشتاز گرانی شد و لوبیا چیتی تا ۳۱ درصد رشد داشت. در مقابل برخی تن‌ها و حبوبات تا ۳۴ درصد کاهش قیمت را ثبت کرده‌اند.

محصول	قیمت هفته (تومان)
کنسرو خوراک بادمجان ۳۸۰ گرمی	۱۷۱,۰۰۰
کنسرو خوراک بادمجان ۳۸۰ گرمی	۱۲۷,۶۰۰
کنسرو خوراک بادمجان ۳۸۰ گرمی	۱۷۵,۹۱۲
کنسرو خوراک لوبیا چیتی با سس ۴۰۰ گرمی	۱۲۸,۰۰۰
کنسرو خوراک لوبیا چیتی با قارچ ۴۰۰ گرمی	۱۸۳,۷۵۰
کنسرو سبزی مخلوط ۳۸۰ گرمی	۲۰۱,۷۵۰
کنسرو عدسی ۳۸۰ گرمی	۱۶۲,۰۰۰
کنسرو عدسی ۳۸۰ گرمی	۱۶۵,۰۰۸
کنسرو لوبیا با قارچ ۳۸۰ گرمی	۱۵۱,۳۰۰
کنسرو لوبیا پینو ۴۲۰ گرمی	۱۹۰,۰۰۰
کنسرو لوبیا چیتی ۴۲۰ گرمی	۱۸۲,۰۰۰
کنسرو لوبیا چیتی با سس گوجه فرنگی ۳۸۰ گرمی	۱۷۳,۲۵۰
کنسرو لوبیا چیتی با سس گوجه فرنگی ۳۸۰ گرمی	۱۲۴,۹۵۰
کنسرو ماهی تن با شوید در روغن گیاهی ۱۸۰ گرمی	۲۸۸,۰۰۰
کنسرو ماهی تن با فلفل در روغن گیاهی ۱۸۰ گرمی	۲۹۷,۰۰۰
کنسرو ماهی تن در روغن گیاهی ۱۲۰ گرمی	۲۱۴,۸۰۰
کنسرو ماهی تن در روغن گیاهی با طعم دود ۱۸۰ گرمی	۲۸۸,۰۰۰
کنسرو ماهی تن در روغن مایع ۱۸۰ گرمی	۲۹۷,۰۰۰
کنسرو نخود سبز ۳۸۰ گرمی	۱۹۰,۵۳۰
کنسرو نخود سبز ۳۸۰ گرمی	۱۶۱,۱۷۵
کنسرو نخود سبز ۴۱۰ گرمی	۱۷۰,۶۲۵
کنسرو نخود سبز ۴۲۰ گرمی	۱۷۵,۶۸۸



بازار قند و شکر این هفته تغییراتی ناهمگون داشت؛ قند شکسته ۳ کیلویی با جهش ۲۱ درصدی از ۵۴۸ به ۶۶۵ هزار تومان رسید و شکر سفید ۱ کیلویی نیز ۷ درصد گران شد. در مقابل، قیمت قند ۲ کیلویی و ۴۵۰ گرمی بدون تغییر ماند.

محصول	قیمت هفته (تومان)
قند شکسته ۳ کیلویی	۶۶۵,۰۰۰
قند شکسته ۲ کیلویی	۵۳۲,۴۹۶
شکر سفید ۱ کیلویی	۱۳۴.۰۰۰
قند خرد شده ۴۵۰ گرمی	۱۰۹,۸۹۰



قیمت تخم مرغ در بسته‌های ۲۰،۲۴ و ۱۵ عددی این هفته حدود ۶.۷ درصد افزایش داشته، رشدی یکسان که نشان می دهد یک نرخ مرجع واحد اعمال شده است. بسته ۹ عددی بدون تغییر ماند و نرخ هر عدد تخم مرغ در آن ۲۳،۲۰۸ تومان و ارزان‌تر از بسته‌های بزرگ است.

محصول	قیمت هفته (تومان)
۲۴ عددی	۶۷۰,۴۶۴
۲۰ عددی	۵۵۸,۷۲۰
۱۵ عددی	۴۱۹,۰۴۰
۹ عددی	۲۰۸,۸۷۲



قیمت فروش آبزیان فروشگاه های زنجیره ای نیز در هفته گذشته هیچ تغییری نداشت. هر هشت قلم رصد شده اعم از فیله، قزل آلا و میگو با همان قیمت هفته گذشته عرضه شدند. گران ترین قلم فیله شیر جنوب با یک میلیون و ۵۴۲ هزار تومان و ارزان ترین فیله گالیت با ۷۹۹ هزار تومان بود.

محصول	قیمت هفته (تومان)
فیله حلوا سیاه جنوب ۷۰۰ گرمی	۱,۵۳۵,۹۵۰
فیله شیر جنوب ۷۰۰ گرمی	۱,۵۴۲,۱۲۰
استیک شیر جنوب ۷۰۰ گرمی	۱,۴۴۸,۴۰۰
قزل آلا شکم خالی با سر ۱۰۰۰ گرمی	۱,۰۱۵,۷۵۰
فیله ماهی گالیت بدون تیغ و استخوان ۵۰۰ گرمی	۷۹۹,۲۰۰
میگو آماده طبخ بدون پوست و رگ ۵۰۰ گرمی	۱,۰۸۹,۲۵۸
میگو سوخاری درشت ۳۲۰ گرمی	۹۸۰,۰۵۰
میگو پلویی ۵۰۰ گرمی	۹۴۳,۶۵۰



این هفته نیز همانند هفته‌های گذشته ثبات قیمتی در بازار لبنیات دیده می شود که این امر نشان دهنده تعادل نسبی عرضه و تقاضا و پایبندی به نرخ های مصوب است. از میان ۱۴ قلم محصول بررسی شده، ۱۳ قلم بدون هیچ گونه نوسان عرضه شدند و تنها پنیر پنج ستاره کلاسیک ۲۰۰ گرمی با رشد ۵،۳ درصدی از ۱۳۹،۸۴۰ به ۱۴۷،۲۰۰ تومان رسید. البته گفته می شود شرکت‌های تولیدکننده لبنی به دنبال افزایش قیمت شیرخام و مجوز جدیدی برای افزایش قیمت هستند که هنوز این اتفاق نیفتاده است.

محصول	قیمت هفته (تومان)
پنیر پروبیوتیک ۲۱۰ گرمی	۱۴۶,۵۱۰
پنیر پنج ستاره کلاسیک ۲۰۰ گرمی	۱۴۷,۲۰۰
پنیر سفید ۱۰۰ گرمی	۵۶,۰۵۶
پنیر سفید ۴۰۰ گرمی	۱۶۷,۷۸۰
پنیر سفید ایرانی ۱۰۰ گرمی	۴۷,۱۷۰
پنیر کم چرب ۴۰۰ گرمی	۱۵۸,۴۰۰
شیر بدون لاکتوز کم چرب ۹۴۶ میلی‌لیتری	۱۰۱,۲۰۰
شیر پاستوریزه کم چرب ۹۴۶ میلی‌لیتری	۹۰,۱۶۰
شیر کم چرب ۸۰۰ میلی‌لیتری	۶۸,۵۴۴
شیر کم چرب ۹۴۶ میلی‌لیتری	۱۲۲,۷۸۴
ماست سبو پروبیوتیک ۸۰۰ گرمی	۱۶۶,۳۲۰
ماست کم چرب ۱.۵% ۹۰۰ گرمی	۱۵۳,۰۸۰
ماست کم چرب ۹۰۰ گرمی	۱۱۶,۳۸۹
ماست کم چرب غنی شده ویتامین D3 ۵۰۰ گرمی	۶۷,۷۹۵



میادین میوه و تره بار تهران این هفته با کمیاب شدن موز و پیاز به دلیل جهش قیمت مواجه شدند. به طوری که فروشندگان می گویند پیاز در مبدأ(میدان مرکزی تره بار) به کیلویی ۱۶۰ هزار تومان رسیده به همین دلیل در اغلب این مراکز موجود نبود. علاوه برآن با افزایش قیمت موز به دلیل عدم واردات، این میوه نیز در اغلب میادین تره‌بار عرضه نمی‌شد. گوجه فرنگی نیز با رشد ۴۲ درصدی قیمت به ۱۰۵ هزار تومان جهش یافت درحالی که سیب، گلابی، انار و سیب‌زمینی ثبات داشتند و خیار اندکی ارزان شد.

محصول	قیمت هفته (تومان)
گلابی	۲۰۰.۰۰۰
سیب	۹۵.۰۰۰
انار	۱۲۰.۰۰۰
نارنگی	۷۹,۰۰۰
انگور	۱۰۲.۰۰۰
خرمالو	۹۵,۰۰۰
گوجه	۸۵.۰۰۰
خیار	۷۳.۰۰۰
کدو	۸۲.۰۰۰
سیب زمینی	۷۶.۰۰۰
هویج	۶۵,۰۰۰
بادمجان	۸۳.۰۰۰ تا ۱۰۵.۰۰۰
فلفل دلمه	۷۹,۰۰۰
لیمو شیرین	۱۱۰,۰۰۰

قیمت میوه در میادین میوه و تره بار شهرداری تهران

معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش در گفت‌وگو با «ایران» تشریح کرد

«مدرسه توانا»؛ پایان آموزش‌های مقطعی آغاز توانمندسازی مستمر

گزارش

معصومه غفاری
گروه گزارش

کیفیت آموزش و یادگیری دانش‌آموزان، پیش از هرچیز به توانمندی حرفه ای معلمان وابسته است.
تجربه نشان داده که برنامه‌های مقطعی و پراکنده توانمندسازی به تنهایی پاسخگوی نیاز مدارس نیستند.
این در حالی است که در چشم‌اندازی جدید، مدرسه دیگر فقط محل تدریس نیست، بلکه کانون اصلی شناسایی نیازها، اولویت‌بندی چالش‌ها و اجرای برنامه‌های توسعه است. با این اوصاف طرح «مدرسه توانا» با درک این واقعیت، تلاش می‌کند تا فرآیند توسعه حرفه‌ای را از قالب دوره‌های آموزشی خارج کرده و آن را به یک «نظام مستمر و مدرسه‌محور» تبدیل کند.
طرحی که با هدف ایجاد تحول در نظام توانمندسازی نیروی انسانی دوره ابتدایی و استقرار یک نظام منسجم، مستمر و مدرسه‌محور برای توسعه حرفه‌ای معلمان و مدیران طراحی شده و نقطه آغاز آن یک واقعیت روشن است؛ اینکه ارتقای کیفیت آموزش و بهبود فرآیند یاددهی ـ یادگیری، پیش از هر چیز به توانمندی حرفه‌ای معلمان و فراهم بودن فرصت رشد و یادگیری مستمر آنان وابسته بوده و تجربه برنامه‌های مختلف توانمندسازی نشان داده است که فعالیت‌های پراکنده و مقطعی، به‌تنهایی پاسخگوی نیاز مدارس نیستند و باید در قالب یک نظام هماهنگ، هدفمند و مبتنی بر مسائل واقعی مدرسه دنبال شوند. در این طرح مدرسه باید کانون اصلی شناسایی نیازها، اولویت‌بندی مسائل، برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت‌های توسعه حرفه‌ای باشد و مدیران مدارس نیز نقشی محوری در هدایت جریان پویای مستمر توانمندسازی در مدارس داشته باشند.

تهیه و توزیع درسنامه برای کودکان محروم از تحصیل

رضوان حکیم‌زاده معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش در گفت‌وگو با «ایران»، «مدرسه توانا» را طرحی مبتنی بر ایجاد تحول در نظام توانمندسازی نیروی انسانی دوره ابتدایی و فرآیندی پیوسته از نیازسنجی، یادگیری، تجربه‌وزری، تبادل تجربه، دریافت بازخورد، مستندسازی و بهبود عملکرد حرفه‌ای معرفی می‌کند.
او در تشریح این طرح می‌گوید: «این رویکرد چند مؤلفه مکمل دارد: مدرسه‌محوری و نیازسنجی واقعی با مشارکت شورای معلمان، شکل‌گیری اجتماعات یادگیری حرفه‌ای برای تبادل تجربه و حل مسائل آموزشی، آموزش‌های تخصصی و هدفمند متناسب با نیازهای شناسایی‌شده، یادگیری مبتنی بر عمل از طریق فعالیت‌هایی مانند درس‌پژوهی، اقدام‌پژوهی، مشاهده همتا و مطالعه گروهی، پشتیبانی و نظارت حرفه‌ای سطوح منطقه‌ای، استانی و ستادی و در نهایت ارزیابی، مستندسازی و بازطراحی برنامه‌ها بر اساس شواهد و نتایج به‌دست‌آمده.»
معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش، هدف نهایی عملیاتی کردن این طرح را ارتقای شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان و مدیران، بهبود کیفیت عملکرد آموزشی و تربیتی مدارس و ارتقای کیفیت یادگیری دانش‌آموزان توصیف می‌کند و می‌گوید: «در این خصوص، اقدام لازم درباره شناسایی دقیق و پیگیری موردی آغاز شده و در ادامه مدیران مدارس و راهبران آموزشی و تربیتی موظف‌اند دانش‌آموزان روستایی و عشایری در معرض ترک تحصیل یا بازماندگی را شناسایی و وضعیت آنان را پیگیری کنند. در این راستا یکی از مسیرهای مهم، بررسی اسمی دانش‌آموزانی است که باید از یک دوره تحصیلی به دوره بالاتر وارد شوند، یعنی نرخ گذر آنان بررسی شود و اگر دانش‌آموزی در پایه بالاتر ثبت‌نام نکرده باشد، علت آن پیگیری و برای بازگشت او به مدرسه اقدام شود. همچنین برای کودکانی که به دلیل شرایط خاص امکان دسترسی منظم به مدرسه ندارند، درسنامه تهیه و توزیع می‌شود و محتوای آموزشی نیز به شکل‌های آنلاین، آفلاین یا از طریق صداوسیما در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد. در مواردی هم معلمان مدارس روستایی و عشایری با مراجعه حضوری به منازل، ثبت‌نام و استمرار آموزش دانش‌آموزان را پیگیری می‌کنند.»

همراهی سامانه شهید محمودوند با طرح مدرسه توانا

او درباره «سامانه شهید محمودوند» یا همان سایت شناسایی بازماندگان از تحصیل نیز توضیح می‌دهد: «این سامانه در موفقیت فرآیند طرح مدرسه توانا نقش مهمی دارد و به دلیل اینکه مشخصات کودکان بازمانده از تحصیل در این سامانه ثبت می‌شود، نقش آن در راستای پیگیری جذب و آموزش این کودکان، بسیار تعیین‌کننده است. در این سامانه، علت بازماندگی بر اساس ۲۰ سؤال از جمله فقر مالی خانواده یا فاصله زیاد محل سکونت تا مدرسه بررسی شده است. پس از مشخص شدن علت، هر استان، متناسب با شرایط هر کودک در خصوص تأمین رایگان پوشاک، لوازم‌التحریر و تغذیه تا حمایت مالی از خانواده، استفاده از ظرفیت نهادهای حمایتی مانند کمیته امداد، سازمان بهزیستی و تشکل‌های مردمی و غیردولتی و نیز تأمین سرویس رفت و آمد رایگان در مناطق محروم و روستایی که دسترسی به مدرسه در آنها دشوار است، اقدام می‌کنند. بنابراین تأکید ما بر این است که شناسایی صحیح کودک و مشکلات او باید به رفع موانع حضور او در چرخه آموزش منتهی شود.»
معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش، می‌گوید: «طبیعتاً اجرای هر برنامه‌ای که شیوه‌های مرسوم مدیریت را تغییر بدهد و نقش و مسئولیت بیشتری برای مدرسه تعریف کند، ممکن است در مراحل اولیه با چالش‌های اجرایی و هماهنگی همراه باشد. با این حال، طرح مدرسه توانا برای حذف یا تضعیف ساختارهای مدیریتی موجود طراحی نشده است، بلکه هدف از ایجاد آن بازتعریف نقش سطوح مختلف و حرکت به سمت مدیریت مشارکتی و مدرسه‌محور است که در این الگو، مدیر مدرسه با مشارکت شورای معلمان و دیگر عوامل آموزشی، نیازهای حرفه‌ای مدرسه را شناسایی و بر اساس آن برنامه‌ریزی می‌کند. در مقابل، مناطق، استان‌ها و ستاد مسئولیت هدایت، پشتیبانی تخصصی، تسهیلگری و نظارت بر کیفیت اجرا را برعهده دارند. بنابراین مسأله، انتقال صرف اختیار نیست؛ بلکه توزیع مسئولیت، تقویت مشارکت و افزایش ظرفیت تصمیم‌گیری در مدرسه است.»
حکیم‌زاده توضیح می‌دهد: «تحقق این رویکرد به تغییر نگرش در برخی فرآیندهای اداری، اعتماد به ظرفیت‌های حرفه‌ای مدارس، تقویت مهارت‌های مدیریتی مدیران و هماهنگی میان سطوح اجرایی نیاز دارد که در این طرح تلاش شده است تا نقش هر سطح روشن و از موازی‌کاری جلوگیری شود تا همه ظرفیت‌ها در خدمت توانمندسازی نیروی انسانی قرار بگیرند. مدارس زمانی توانمند می‌شوند که مدیران و معلمان آنها در شناسایی مسأله، تصمیم‌گیری، یادگیری و بهبود عملکرد خود، نقش فعال داشته باشند و ساختارهای بالادستی به‌جای تصدی‌گری، زمینه‌ساز و پشتیبان این فرآیند باشند.
در طرح مدرسه توانا، تلاش شده است تا میان نیازهای محلی و کیفیت و اعتبار علمی آموزش‌ها تعادل برقرار شود. بنابراین از یک سو، سرفصل‌ها و اولویت‌های آموزشی کشوری و ستادی بر اساس سیاست‌ها، اسناد بالادستی، اهداف دوره ابتدایی و ضرورت‌های تخصصی این دوره تعیین می‌شوند و چارچوب مشترک برنامه‌های توانمندسازی را شکل می‌دهند و از سوی دیگر، نیازهای اختصاصی هر مدرسه و معلم از طریق نیازسنجی، مشارکت شورای معلمان و بررسی مسائل واقعی محیط آموزشی شناسایی می‌شود تا موضوعات تکمیلی و فعالیت‌های متناسب با شرایط مدرسه انتخاب شوند.»
او درباره حفظ اعتبار علمی و کیفیت برنامه‌ها، توضیح می‌دهد: «چند سازوکار دراین خصوص در نظر گرفته شده است که عبارتند از: نیازسنجی نظام‌مند و مبتنی بر شواهد، انطباق موضوعات منتخب با اهداف دوره ابتدایی، سند تحول بنیادین، برنامه درسی ملی و اولویت‌های تخصصی معاونت آموزش ابتدایی، استفاده از محتوای علمی و استاندارد و بهره‌گیری از متخصصان، مدرسان واجد صلاحیت، راهبران آموزشی و تربیتی، معلمان توانمند، ارزیابی کیفیت محتوا و روش اجرا، تخصص مدرسان، میزان مشارکت و به‌ویژه قابلیت به‌کارگیری آموخته‌ها در کلاس درس. به بیان دیگر، سرفصل‌های کشوری جهت‌گیری مشترک را مشخص می‌کنند و نیازسنجی مدرسه‌محور به آموزش‌ها تناسب و اثربخشی می‌بخشد. هدف این است که هر معلم با بهره‌مندی از آموزش‌های ضروری و مشترک، فرصت یادگیری متناسب با نیاز حرفه‌ای خود و شرایط مدرسه‌اش را نیز داشته باشد، البته همه این فعالیت‌ها در چارچوب اهداف، سیاست‌ها و استانداردهای نظام تعلیم و تربیت انجام می‌شود.»

طراحی جشنواره هویت ایرانی ـ اسلامی با محوریت موضوعات هویتی

حکیم‌زاده با تشریح تجربه زیسته دانش‌آموزان از حوادث اخیر کشور و همچنین ظرفیت آن برای تقویت هویت ملی می‌گوید: «از منظر تربیتی می‌توان تجربه‌هایی را که ممکن است برای کودکان حساسیت‌برانگیز یا آسیب‌زا باشند را بدون ایجاد تنش روانی به فرصتی برای هویت‌یابی و یادگیری تبدیل کرد، اصل مهم این است که تجربه‌های دشوار کودکان نباید با بازنمایی خشن و اضطراب‌آور دوباره به آنان تحمیل شود، بنابراین باید فضایی امن، متناسب با سن و نیز امیدمحور فراهم شود تا دانش‌آموزان بتوانند درباره همدلی، کمک به یکدیگر، مقاومت، حفظ آرامش و تداوم زندگی آموزش‌های لازم را فراگیرند.
در همین راستا جشنواره هویت ایرانی ـ اسلامی دانش‌آموزان دوره ابتدایی و نوآموزان پیش‌دبستانی با مشارکت معاونت آموزش ابتدایی، سازمان تعلیم و تربیت کودک و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان طراحی شده است. این جشنواره بستری مثبت و خلاقانه فراهم می‌کند تا تجربه‌های حساس، در فضایی تربیتی‌شده، به زمینه‌ای برای تقویت هویت و احساس تعلق تبدیل شوند. محورهای این جشنواره طیف متنوعی از موضوعات هویتی از «ایران من» و شناخت جغرافیا، طبیعت، شهرها، روستاها، اقوام، زبان‌ها و میراث فرهنگی ایران تا «فرهنگ و هنر من» با تمرکز بر صنایع دستی بومی، نگارگری، نقش‌های ایرانی، شعر، قصه، نمایش خلاق و آیین‌های ملی و مذهبی را دربرمی‌گیرد.»
او توضیح می‌دهد: «در محور «ریشه‌های من»، دانش‌آموزان با میراث تاریخی، تمدنی و فرهنگی ایران، مفاخر، دانشمندان، ادیبان و هنرمندان آشنا می‌شوند. «قهرمانان من» نیز به شناخت الگوهای ایرانی ـ اسلامی، از دانشمندان و مفاخر تا شهدا، ایثارگران، امدادگران، معلمان و انسان‌های فداکار اختصاص دارد. در محور «باورهای من»، آموزه‌ها و ارزش‌های اسلامی در پیوند با زندگی روزمره کودک، مانند عدالت، مهربانی، صداقت، ایثار، کمک به دیگران و احترام، مورد توجه قرار می‌گیرد. محور «ایران در روزهای سخت» فرصتی است برای روایت تجربه‌های مردم از جنگ، همدلی، مقاومت، کمک به یکدیگر، حفظ آرامش و تداوم آموزش، با این تأکید که از بازنمایی خشن و اضطراب‌آور جنگ برای کودکان پرهیز شود و امید، زندگی، استقلال، وحدت و انسجام اجتماعی مورد توجه قرار بگیرد.
«ایران فردا» نیز دانش‌آموزان را به اندیشیدن درباره آینده کشور و نقش خود در ساختن ایرانی آباد، پیشرفته، اخلاقی، مستقل و سربلند دعوت می‌کند. برای دانش‌آموزان مدارس عشایری نیز محور ویژه «ایل من» پیش‌بینی شده است تا میراث تاریخی، تمدنی و فرهنگی عشایر و تجربه‌های همدلی و یاریگری در میان آنان بازشناسی و روایت شود.»
حکیم‌زاده، می‌گوید: «نکته مهم این است که این جشنواره به یک مناسبت یا فعالیت مقطعی محدود نمی‌شود و فرآیند آن در طول سال تحصیلی، در پنج گام پیوسته شناخت خود، خانواده، خانه، محله و سرزمین، کشف ریشه‌ها و آشنایی با مفاخر، میراث تمدنی، ادبیات، هنر و آداب اقوام، شناخت قهرمانان و الگوها و پیوند ارزش‌ها با زندگی روزمره، گفت‌وگو درباره ایران در روزهای سخت با تأکید بر همدلی، امید و کمک به جامعه و سرانجام اندیشیدن به ایران فردا و مسئولیت دانش‌آموز در ساختن آینده پیش می‌رود. در این مسیر، دانش‌آموزبا تکیه بر آموخته‌های خود تحقیق و پژوهش می‌کند و با تسهیلگری آموزگار و همراهی خانواده، اثری خلاقانه و متناسب با سن خود پدید می‌آورد. کار گروهی، به‌ویژه در دوره دوم ابتدایی، جایگاه ویژه‌ای دارد تا دانش‌آموزان در کنار شناخت هویت خود، همکاری، مسئولیت‌پذیری جمعی و کار تیمی را نیز تجربه کنند. همچنین تهیه دفترچه‌های راهنمای استانی درباره مفاخر، اماکن، میراث فرهنگی و نمادهای بومی پیش‌بینی شده است. این دفترچه‌ها منابع پیشنهادی‌اند و دانش‌آموزان می‌توانند موضوع خود را از میراث بومی، سایر استان‌ها یا نمادها و مفاخر ملی انتخاب کنند.
در مجموع، تلاش ما این است که دانش‌آموز از شناخت خود و خانواده به شناخت سرزمین، میراث و قهرمانان و سپس به مسئولیت‌پذیری در قبال آینده ایران برسد، این تجربه دشوار می‌تواند در بستری امن و متناسب با اقتضائات کودکی، به فرصتی برای پرورش همدلی، امید، تعلق و آینده‌نگری تبدیل شود.»



توانمند سازی نیروی انسانی آموزش و پرورش در دولت چهاردهم

برش



او توضیح می‌دهد: «توانمندسازی نیروی انسانی یکی از وظایف اصلی و ذاتی معاونت آموزش ابتدایی است که در همه دوره‌های مدیریتی به‌صورت مستمر دنبال می‌شود.
در دولت چهاردهم نیز، در چارچوب برنامه تحولی «اصلاح روش‌های آموزش و تحول در محیط‌های یادگیری» و با توجه به تأکیدات ریاست محترم جمهوری درباره ارتقای کیفیت نظام آموزشی و نیز در راستای اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران، توانمندسازی حرفه‌ای معلمان، مدیران و راهبران آموزشی و تربیتی، به‌عنوان یکی از محورهای اساسی ارتقای کیفیت آموزش و تربیت دوره ابتدایی مورد توجه قرار گرفته است.
همان‌طور که در سال تحصیلی ۱۴۰۶.۱۴۰۵ نیز رویکرد معاونت بر استمرار برنامه‌های جاری، اجرای طرح مدرسه توانا، توسعه اجتماعات یادگیری و تقویت سازوکارهای پشتیبانی و ارزیابی استوار است. در این نگاه، توانمندسازی فرآیندی مستمر، هدفمند و نیازمحور است که از شناسایی نیازهای حرفه‌ای آغاز می‌شود، با توسعه دانش و مهارت، یادگیری مشارکتی و بهره‌گیری از تجربه‌های موفق ادامه پیدا کرده و با به‌کارگیری آموخته‌ها در محیط واقعی کار و ارزیابی اثربخشی برنامه‌ها کامل می‌شود. البته برای تثبیت نهادی و تضمین پایداری این مسیر، پیش‌بینی اعتبارات، تقسیم روشن وظایف درون‌سازمانی، گنجاندن فعالیت‌های توانمندسازی در برنامه‌های سالانه، ارزیابی عملکرد سطوح اجرایی و برخورداری از پشتوانه مصوب و رسمی ضروری است، زیرا در معاونت آموزش ابتدایی ما به دنبال آن هستیم که یادگیری حرفه‌ای از یک فعالیت جانبی یا مناسبتی فراتر برود و به بخشی پایدار از کار و زندگی حرفه‌ای مدرسه تبدیل شود.»

> طرح را ارتقای شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان و مدیران بهبود کیفیت عملکرد آموزشی و تربیتی مدارس و ارتقای کیفیت یادگیری دانش‌آموزان آغاز شده و در ادامه مدیران مدارس و راهبران آموزشی و تربیتی موظف‌اند دانش‌آموزان روستایی و عشایری در معرض ترک تحصیل یا بازماندگی را شناسایی و وضعیت آنان را پیگیری کنند

> توانمندسازی نیروی انسانی یکی از وظایف اصلی و ذاتی معاونت آموزش ابتدایی است که در همه دوره‌های مدیریتی به‌صورت مستمر دنبال می‌شود. دولت چهاردهم نیز، در چارچوب برنامه تحولی «اصلاح روش‌های آموزش و تحول در محیط‌های یادگیری»، با توجه به تأکیدات ریاست محترم جمهوری درباره ارتقای کیفیت نظام آموزشی و در راستای اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران را مورد توجه قرار داده است

> از منظر تربیتی باید تجربه‌هایی را که ممکن است برای کودکان حساسیت‌برانگیز یا آسیب‌زا باشند را بدون ایجاد تنش روانی به فرصتی برای هویت‌یابی و یادگیری تبدیل کرد، اصل مهم این است که تجربه‌های دشوار کودکان نباید با بازنمایی خشن و اضطراب‌آور دوباره به آنان تحمیل شود







گزارشی از جهانی که مرتضی فرهادی، از فرهنگ یاری‌گری ایرانیان روایت می‌کند

ایستاده برای مردی که برای ایران ایستاد

گزارش

زهرا کشوری
دبیر گروه زیست بوم

هیچ‌کس بهتر از خود مرتضی فرهادی نمی‌تواند مرتضی فرهادی را روایت کند؛ پژوهشگری که سال‌ها از فرهنگ، تاریخ و دانش بومی ایران گفته و در آثارش از گنجینه‌ای کمتر شناخته‌شده پرده برداشته است: فرهنگ یاری‌گری و مهربانی ایرانیان با انسان، حیوان و طبیعت. در آیین «بازایستاده»، سخنرانان از وجوه مختلف اندیشه او گفتند، اما روایت خود استاد از «کشاورزی مهربانانه»، «زیست‌بوم‌داری» و سنت فراموش‌شده «کتاب‌شنوها»، تصویری زنده از جهانی ارائه کرد که در مسیر مدرن‌سازی به حاشیه رفته است؛ جهانی که در آن کشاورز نه فقط برای خود و خانواده‌اش، بلکه برای چرنده و پرنده و نیازمندان نیز بذر می‌کاشت و انسان خود را جدا از طبیعت نمی‌دانست.

خدمات ماندگار مرتضی فرهادی

دکتر فرشاد مؤمنی، اقتصاددان و استاد دانشگاه علامه طباطبایی، در آیین نکوداشت مرتضی فرهادی استاد تمام مردم شناسی و جامعه شناسی، آثار و اندیشه‌های او را از مهم‌ترین منابع شناخت ظرفیت‌های بومی ایران و دستیابی به توسعه درون‌زا دانست. او گفت یکی از دغدغه‌های اصلی فرهادی این است که اگر خود را درست بشناسیم، آنچه را خود داریم از بیگانه طلب نمی‌کنیم؛ موضوعی که به گفته او، یکی از رموز استقلال ملی است. مؤمنی با اشاره به پژوهش‌های فرهادی درباره کشاورزی گفت: «او نشان داده است که کشاورزی، با همه پیچیدگی‌ها و ظرفیت‌هایش، می‌تواند یکی از مهم‌ترین نیروهای محرکه توسعه ملی باشد.» به گفته این اقتصاددان، جامعه روستایی و بخش کشاورزی، با وجود بی‌عدالتی‌ها و کم توجهی‌ها، از قابل اعتماد‌ترین بخش‌های اقتصاد ایران بوده‌اند؛ اما مناسبات رانتی و روایت‌های سفارشی، برای مصون نگه‌داشتن منافع مافیای سدسازی و تخریب منابع آب، کشاورزی را متهم اصلی بحران آب معرفی می‌کنند. مؤمنی، فرهادی را از مدافعان جدی علم در برابر چنین تحریف‌هایی دانست.

او همچنین با انتقاد از پنهان‌کاری آماری و شیوه «پاورپوینتی»، بر ضرورت ثبت و انتشار داده‌ها و شناخت واقعیت‌های اجتماعی تأکید کرد و گفت: «بدون شفافیت اطلاعات، نمی‌توان خطاهای تصمیم‌گیری را شناخت و سیاست‌های فقرزا را اصلاح کرد.»

مؤمنی تاریخ را «مخزن‌الاسرار توسعه ملی» خواند و بازشناساندن فرهنگ همکاری و یاری‌گری در تمدن ایرانی را یکی از خدمات بزرگ فرهادی دانست. به اعتقاد او، توسعه یک «بازی هم‌آوری» است و بدون همکاری اجتماعی امکان‌پذیر نیست؛ از همین رو، بازنمایی تجربه‌های تاریخی یاری‌گری در ایران از دستاوردهای ارزشمند پژوهش‌های فرهادی به شمار می‌رود. این استاد دانشگاه، نگاه تولیدمحور فرهادی در کشاورزی و صنعت را راهی برای کاهش وابستگی دانست و تأکید کرد تعامل مؤثر با جهان، نیازمند توان تولید و اتکا به ظرفیت‌های درونی است. مؤمنی، آثار فرهادی را سرمایه‌ای معرفتی برای خودشناسی، استقلال ملی و توسعه درون‌زا دانست و برای تداوم حضور و خدمات علمی این استاد آرزوی سلامتی کرد.

فرهنگ تعاون

محمد حسین پاپلی یزدی، استاد پیشکسوت جغرافیا، مرتضی فرهادی را از پژوهشگران برجسته‌ای دانست که ریشه‌های پایداری جامعه ایران را در فرهنگ بومی، همزیستی و همیاری جست‌وجو کرده است. او با اشاره به کتاب «یاری‌گری» گفت: «فرهادی نشان می‌دهد حتی کم‌درآمدترین اقشار جامعه، مانند دامداران خُرد نیز با تکیه بر تعاون و مشارکت‌های سنتی زندگی خود را اداره می‌کنند. نمونه آن، شراکت زنان در شیردوشی است؛ رابطه‌ای که فراتر از یک مبادله اقتصادی، جلوه‌ای از دوستی و زندگی جمعی به شمار می‌رود.» به باور پاپلی یزدی، مدیریت آب، کشاورزی و دامداری در ایران نیز همواره بر پایه خرد جمعی و همکاری شکل گرفته است.

او این سنت‌های چندنسلی را از عوامل تاب‌آوری ایرانیان در برابر شرایط اقلیمی گوناگون و بهره‌برداری پایدار از منابع محدود دانست. پاپلی یزدی با یادآوری همکاری خود با فرهادی از سال ۱۳۶۵ در مجله «تحقیقات جغرافیایی»، به مقالات ارزشمند او، از جمله مقاله «چوم سوزان»، اشاره کرد؛ مقاله‌ای که مورد توجه پژوهشگران بین‌المللی قرار گرفت و پیش از گسترش اینترنت برای محققان دیگر کشورها ارسال می‌شد.

این استاد جغرافیا، یکی از مهم‌ترین وجوه اندیشه فرهادی را تبیین گذار از سنت به مدرنیته دانست و تأکید کرد: «نوسازی بدون شناخت فرهنگ و گذشته بومی امکان‌پذیر نیست. حتی پیشرفته‌ترین صنایع نیز برای ایجاد انسجام میان کارگران و صاحبان سرمایه، به شناخت فرهنگ جامعه نیاز دارند.»

به گفته پاپلی یزدی، آثار فرهادی صرفاً اسنادی از گذشته نیستند، بلکه راهکارهایی عملی برای تقویت همبستگی اجتماعی در جامعه و دنیای صنعتی امروز ارائه می‌کنند.

سبک فرهادی

دکتر غلامرضا لطیفی، رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی با اشاره به بیش از سه دهه شاگردی در محضر مرتضی فرهادی، از او به‌عنوان سرمایه‌ای بی‌بدیل در مردم‌شناسی ایران یاد کرد؛ پژوهشگری که این رشته را از کلیشه‌های وارداتی فاصله داد و به ریشه‌های بومی و فرهنگی ایران پیوند زد. لطیفی با اشاره به تأثیر کتاب «مالک و زارع در ایران» اثر لمبتون بر شکل‌گیری اندیشه فرهادی گفت مطالعه این اثر زمینه‌ساز شکل‌گیری نظریه «انسان شناسی یاری‌گری» شد؛ نظریه‌ای که بر نقش فرهنگ همکاری، انسان‌مداری و یاری متقابل در ماندگاری سازمان اجتماعی کار، به‌ویژه در کشاورزی ایران، تأکید دارد. او آثار فرهادی را نمونه‌ای برجسته از پژوهش علمی دانست و گفت: «در نوشته‌های استاد، حتی حاشیه‌ها و پاورقی‌ها نیز سرشار از معرفت و نکته‌های ارزشمندند.

کتاب‌های او، از جمله اثر تازه‌اش که جلد نخست آن ۸۴۰ صفحه دارد، با ارجاعات گسترده به منابع داخلی و خارجی، عشق به فرهنگ و سرزمین ایران را بازتاب می‌دهند.» لطیفی با اشاره به توجه روزافزون پژوهش‌های توسعه به متغیرهای اجتماعی و فرهنگی افزود فرهادی سال‌ها پیش این مؤلفه‌ها را در آثار خود مورد توجه قرار داده بود. او از شکل‌گیری «سبک فرهادی» سخن گفت؛ سبکی مبتنی بر یاری‌گری، همزیستی و خرد جمعی که برنامه‌ریزی توسعه را بدون مشارکت مردم و شناخت فرهنگ جامعه ناکارآمد می‌داند.

رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه، فرهادی را پژوهشگری چندوجهی توصیف کرد که در کنار نویسندگی، با شعر، نقاشی و مجسمه‌سازی نیز پیوند دارد. او همچنین از وقف کتابخانه، اسناد و مجموعه آثار ارزشمند فرهادی به دانشگاه علامه طباطبایی قدردانی کرد و خواستار برگزاری نشست‌های علمی با حضور این استاد شد تا نسل جوان از دانش و تجربه چنین سرمایه‌های فرهنگی بهره‌مند شود.



صبوری دهقانی

وقتی مرتضی فرهادی هم پشت تریبون رفت، تعجبش را از پرماندن سالن تا پایان برنامه پنهان نکرد. او گفت حضور و صبوری این تعداد شنونده، چندان با تصور رایج درباره کم‌حوصلگی مردم در روزگار امروز سازگار نیست. فرهادی روایت کرد: «قرار بود این جلسه کوتاه‌تر باشد. دوستان گفتند در فضای مجازی تحقیق کرده‌اند و دیده‌اند که مردم خیلی کم‌حوصله شده‌اند و اینها چند دقیقه بیشتر طاقت گوش دادن ندارند. گفتم: بابا جان! آن مردمانی که شما از طریق این دنیای مجازی می‌شناسید، مردمان قدیمی نیستند؛ مردمان قدیمی که ما می‌شناسیم، صبوری دهقانی داشتند.» او سپس حاضران را به دنیای فراموش‌شده ایرانیانی برد که به گفته‌اش، در مسیر مدرن‌سازی به حاشیه رانده شده‌اند؛ دنیایی که فراموشی آن، امروز پیامدهایی چون فرونشست زمین و خشکسالی را به همراه داشته است. فرهادی برای توضیح «صبوری دهقانی» گفت: «شما حتی اگر بخواهید شلغم بکارید، شش ماه باید کار کنید، زحمت بکشید و منتظر بمانید تا شلغم به دست بیاید؛ چه برسد به کارهای بزرگ‌تر و کشت‌های مشکل‌تر!»

او خطاب به حاضران گفت: «حضور و شکیبایی آنها نشان داد که هنوز در جامعه ما صبوری دهقانی وجود دارد.» استاد دانشگاه علامه طباطبایی سپس از شگفتی‌های فرهنگ ایران گفت: «هرچه بیشتر روی فرهنگ و تاریخ این مملکت، باستان‌شناسی‌اش، زبان‌شناسی‌اش و فلسفه زندگی‌اش فکر می‌کنم، هر روز شگفت‌زده‌تر می‌شوم. این ایران ما چه‌جور ایرانی است؟ ژرفا هم حدی دارد؛ درازا و پهنا هم حدی دارد. خدا گواه است، این فرهنگ اقیانوس است؛ هرچه بیشتر در آن وارد می‌شوید و کار می‌کنید، شگفت‌زده‌تر و متعجب‌تر می‌شوید.»

او به رونمایی از تازه‌ترین کتابش، «کشتکاری، زیست‌بوم‌داری و فرهنگ»، در مراسم بزرگداشت خود اشاره کرد و از دشواری دسترسی به برخی آثار پیشینش، از جمله «موزه‌های در باد» و «واره»، گفت؛ کتاب‌هایی که به گفته او مدت‌هاست در کتاب‌فروشی‌ها پیدا نمی‌شوند.

فرهادی درباره شکل‌گیری کتاب «موزه‌های در باد» توضیح داد: «موضوع این کتاب، معرفی قدیمی‌ترین آثار هنر ایرانیان روی سنگ‌های این سرزمین بود. ما به‌همراه حدود ۱۰۰ نفر از دانشجویان، عکاسان و دیگر پژوهشگران، طی ۲۰ تا ۳۰ سال، کوه‌ها و بیابان‌های ایران را درنوردیدیم و به جست‌وجوی نقش‌هایی پرداختیم که نیاکان ما بر سنگ‌ها به یادگار گذاشته بودند. قدیمی‌ترین این نقوش به حدود ۴۰ هزار سال پیش بازمی‌گردد. در جریان این پژوهش، حدود ۲۵ تا ۳۰ هزار نقش و نماد را در نقاط مختلف ایران شناسایی کردیم که بیشترشان متعلق به دوران پیش از تاریخ بودند.» این کتاب به‌عنوان نخستین کتاب برگزیده در بخش پژوهش سال جمهوری اسلامی ایران انتخاب شد. فرهادی در توضیح اهمیت این یافته‌ها گفت پیش از انتشار «موزه‌های در باد»، تاریخ هنر ایران را حدود پنج‌هزار سال تخمین می‌زدند؛ قدمتی که با نقوش سفالینه‌های تپه سیلک کاشان شناخته می‌شد، هرچند باستان‌شناسان به‌تدریج این تاریخ را به پنج تا شش‌هزار سال پیش عقب برده بودند. او افزود: «اما ما در جریان پژوهش‌های خود با تعداد عظیمی از نقوش در ایران روبه‌رو شدیم که از نظر قدمت، اهمیتی بنیادین داشتند. این نقوش را می‌توان از کهن‌ترین اسناد و شواهد هنر انسان دانست؛ اگر نگوییم در گستره تاریخ بشریت، دست‌کم در گستره فلات ایران، از ارزش و اهمیت تاریخی بی‌نظیری برخوردارند.»

کشاورزی مهربانانه

فرهادی بخش مهمی از سخنانش را به کتاب تازه‌اش، «کشتکاری، زیست‌بوم‌داری و فرهنگ»، اختصاص داد؛ کتابی که جلد اول آن در مراسم رونمایی شد و جلد دومش نیز در دست انتشار است. او گفت، در این کتاب می‌خواهد از فرهنگ شگفت‌انگیز ایرانیان و یافته‌هایش درباره آن سخن بگوید؛ از جمله مفاهیمی که حتی خودش تا چند سال پیش با آنها آشنا نبود: «کشاورزی مهربانانه» و «دامداری مهربانانه.» او گفت: «خود من هم تا چند سال پیش حتی یک‌بار هم اصطلاح کشاورزی مهربانانه یا دامداری مهربانانه را نشنیده بودم. اما حالا می‌بینم نیاکان ما چقدر بافرهنگ بودند!» فرهادی با اشاره به استفاده از دانه‌ها و رام‌کردن دام‌ها در ایران، این تحولات را از زمینه‌های شکل‌گیری زندگی یکجانشینی و کشاورزی دانست. او همچنین از «کی و کاریزی» سخن گفت و آن را با شکل‌گیری شیوه‌های مدیریت آب و کشاورزی در فلات مرکزی ایران پیوند داد؛ شیوه‌هایی که به گفته او، امکان ماندن در سرزمین‌های کم‌باران و همکاری برای حفر کاریز و کشاورزی آبی را فراهم کردند. اما آنچه فرهادی می‌خواست بیش از هر چیز بر آن تأکید کند، سهمی بود که کشاورزان سنتی برای دیگر موجودات زنده از محصول خود کنار می‌گذاشتند. او از حاضران پرسید: «کجای دنیا را سراغ دارید که کشاورزان نه‌فقط برای خود و خانواده‌شان، بلکه برای دیگر موجودات زنده هم کشت‌وکار کنند؟ معمولاً کشاورزان در هر جای جهان برای خود و خانواده‌شان محصول می‌کارند. ممکن است گاهی به همسایه یا نیازمندی هم کمک کنند، اما اینکه از کشاورز خواسته شود بخشی از محصولش را برای دیگر موجودات و روزی‌خواران طبیعت کنار بگذارد، موضوع دیگری است؛ موضوعی بسیار شگفت‌انگیز.»

او برای نشان‌دادن ریشه‌های ادبی این نگرش، به بیتی از نظامی گنجوی اشاره کرد:

«نشاید همه کشتن از بهر خویش
که روزی‌خوانند از اندازه بیش»

فرهادی سپس از تجربه‌های شخصی‌اش در روستاهای ایران گفت؛ تجربه‌هایی که به گفته او، نشان می‌داد این نگاه تنها در ادبیات فارسی نمانده و در زندگی روزمره کشاورزان نیز جریان داشته است.

او با یادآوری دوران کودکی خود در مهاباد، گفت: «مهاباد شهر کوچکی بود، کشاورزی نداشت، شهری پادگانی بود و ما در محیط شهری زندگی می‌کردیم. اما بعدها که به شهر پدری‌ام رفتیم و با روستاهای ایران و زندگی روستایی آشنا شدم، اولین چیزی که توجهم را جلب کرد، همین رفتار شگفت‌انگیز کشاورزان بود.» به روایت او، هنگام خرمن‌کوبی، هرکسی که به محل خرمن می‌آمد، بدون آنکه کشاورز درباره وضعیت مالی، سن یا شرایط زندگی او پرس‌وجو کند، سهمی از محصول می‌گرفت. فرهادی گفت: «کشاورزان بخشی از محصول خرمن را در جوال، چادرشب یا ظرفی که همراه داشتند، می‌ریختند و به آنها می‌دادند. با دیدن این صحنه‌ها مدام با خودم فکر می‌کردم: این آدم‌ها چگونه می‌توانند حاصل یک سال زحمت و تلاش خود را این‌چنین سخاوتمندانه با دیگران تقسیم کنند؟»

برای چرنده، پرنده و درنده

فرهادی گفت، اولین پژوهش مردم‌شناختی‌اش درباره شیوه آغاز کشت‌وکار در میان کشاورزان ایرانی بود. در جریان این پژوهش، به‌تدریج دریافت که در مناطق مختلف ایران، کشاورزان اولین مشت بذر را به نیت خود و خانواده‌شان بر زمین نمی‌پاشند. او روایت کرد: «آنها وقتی می‌خواستند کشت را آغاز کنند، پس از گفتن «بسم‌الله الرحمن الرحیم»، می‌گفتند: «برای چرنده، پرنده، درنده و...!» یعنی اولین بذر را نه‌فقط برای خود، بلکه برای دیگر موجودات زنده می‌کاشتند.» فرهادی از روستایی در اطراف الیگودرز نیز یاد کرد که اهالی آن، علاوه بر درنظرگرفتن سهمی برای چرنده و پرنده و درنده، یک مشت بذر هم به نیت نیازمندان یکی از روستاهای همسایه می‌کاشتند. او گفت، بعدها دریافت که ادبیات فارسی نیز سرشار از چنین نگاهی است و به ابیاتی از ناصرخسرو، نظامی گنجوی و سعدی اشاره کرد:

«ز باغی که پیشینیان کاشتند
پس‌آیندگان میوه برداشتند»

«چو کشته شد از بهر ما چند چیز
ز بهر کسان ما بکاریم نیز»

سعدی نیز می‌گوید:

«همه برزیگران یکدیگریم»
و نظامی گنجوی چنین سروده است:
«چو در کشت‌وکار جهان بنگریم
همه در کشاورز یکدیگریم»

فرهادی با تأکید بر اینکه سخنش درباره سنت‌های گذشته است، نه لزوماً وضعیت امروز همه مناطق ایران، گفت: «این چه فرهنگی بوده که کشاورز فقط برای خودش و خانواده‌اش بذر نمی‌کاشته، بلکه برای چرنده، پرنده، درنده، نیازمندان روستای همسایه و حتی دیگر موجودات هم سهمی در نظر می‌گرفته است؟ آیا این شگفت‌انگیز نیست؟ آیا نمی‌توان نام این شیوه را «کشاورزی مهربانانه» گذاشت؟»

آموزش مهربانی به حیوانات

فرهادی در بخش دیگری از سخنانش به تصویری روی صحنه اشاره کرد؛ عکسی از کشاورزی که در کنار گاوش مشغول شخم‌زدن زمین است. این تصویر روی جلد کتاب تازه او نیز چاپ شده است.

او از حاضران خواست با دقت بیشتری به عکس نگاه کنند و گفت: «رفاقت گاو و کشاورز را در این تصویر ببینید. دقت کنید؛ کشاورز به جای اینکه خیش را روی شانه ورزا، یعنی گاو نر شخم‌زن بگذارد، آن را روی شانه خودش گذاشته است! به جای اینکه پشت سر گاو حرکت کند، در کنار گاوش راه می‌رود.» فرهادی توضیح داد که این عکس را یک عکاس افغانستانی گرفته و ثبت آن به سفارش او نبوده است، اما به باورش جلوه‌ای از فرهنگ همزیستی در ایران را نشان می‌دهد. او گفت: «ما حتی به جانوران هم یاد داده‌ایم که چگونه در کنار یکدیگر بهتر زندگی کنند. حتماً در ایران دیده‌اید که گاهی یک اردک، جوجه‌مرغ‌ها را به دنبال خود راه می‌اندازد و از آنها مراقبت می‌کند. این رفتارها هم بخشی از همان فرهنگ همزیستی است؛ فرهنگی که انسان در شکل‌گیری آن نقش داشته است.» به تعبیر فرهادی، مهربانی و همزیستی چنان در محیط پیرامون انسان ریشه می‌دواند که جلوه‌هایی از آن را حتی می‌توان در رفتار جانوران نیز مشاهده کرد.

زیست‌بوم‌داری

فرهادی بخش دیگری از کتاب تازه‌اش را به مفهوم «زیست‌بوم‌داری» اختصاص داده است؛ مفهومی که به گفته او، شیوه کشاورزی، فرهنگ و علاقه مردم به زیست‌بوم و سرزمینشان را بازتاب می‌دهد. او با اشاره به یکی از فصل‌های کتاب درباره «درختان مقدس» گفت: «ایرانیان در گذشته هرگز درختان کهنسال را نمی‌سوزاندند و از ریشه درنمی‌آوردند. حتی درختان جوان را نیز تا زمانی که برگ‌هایشان سبز بود، قطع نمی‌کردند.» فرهادی افزود: «این نگرش در باورهای زرتشتی ریشه داشته و پس از مسلمان‌شدن ایرانیان نیز با آموزه‌های دینی، احادیث و روایات تقویت شده است.» او به روایتی اشاره کرد که بر کاشتن نهال حتی در واپسین لحظات زندگی تأکید می‌کند و گفت: «بنابراین، سرزمین ما سرزمینی بوده است که مردمانش نه‌تنها با همنوعان خود، بلکه با جانوران و طبیعت نیز رفتاری سرشار از مهربانی و احترام داشته‌اند.» او در ادامه، خطاب به شینا انصاری، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست که در مراسم حضور داشت، از تجربه‌ای محیط زیستی گفت که بیش از پنج دهه پیش آغاز شده بود. فرهادی توضیح داد: «در یکی از اولین سال‌هایی که سفرهایمان به کرمان آغاز شده بود، گروهی از کوهنوردان کرمانی بذر درختان کوهی، از جمله اَلّوک و بَنه و دیگر درختان جنگلی را جمع‌آوری کردند. ما این بذرها را به سرزمین پدری‌ام بردیم و در دامنه کوهی کاملاً عریان و بی‌درخت کاشتیم.» به گفته او، تصاویری که روند تبدیل دامنه‌ای برهنه و بی‌پوشش به منطقه‌ای جنگلی را نشان می‌دهد. فرهادی این تجربه را نمونه‌ای از امکان احیای طبیعت با مشارکت مردم دانست و گفت: «اگر سازمان حفاظت محیط زیست چنین تجربه‌هایی را معرفی و ترویج کند و کوهنوردان و کنشگران محیط زیست نیز با این شیوه‌ها آشنا شوند، می‌توان امیدوار بود که طی پنجاه سال آینده، بسیاری از کوه‌های برهنه و عریان سرزمین دوباره پوشیده از سبزی شوند.»

کتاب‌شنوها

فرهادی که بارها از مخاطبان خواست به جای چرخیدن در فضای مجازی کتاب بخوانند، در بخش دیگری از سخنانش از سنتی کمترشناخته‌شده در زندگی ایرانیان قدیم گفت، «سنت کتاب‌شنوها.» او توضیح داد: «ما در کشوری زندگی می‌کنیم که در گذشته، پدران بی‌سواد ما محتوای کتاب‌های روزگار خود را در حافظه داشتند. من در مقدمه کتاب «واره» به این موضوع اشاره کرده و نوشته‌ام که پدران ما، اگرچه سواد خواندن و نوشتن نداشتند، اما من نام آنها را «کتاب‌شنو» گذاشته‌ام؛ آنها کتاب‌خوان نبودند، اما کتاب‌شنو بودند!» فرهادی درباره این سنت گفت: «در سراسر فصل زمستان، از ابتدای شب تا سپیده‌دم، گروهی از مردم دور هم جمع می‌شدند و با انجام کارهای مختلف، از جمله جداکردن پنبه از دانه‌های آن، به قصه‌ها و کتاب‌هایی گوش می‌دادند که برایشان خوانده می‌شد. در این جمع، فردی باسواد حضور داشت که تا سپیده‌دم برای دیگران کتاب می‌خواند و حاضران همزمان با انجام کارهایشان به آن گوش می‌سپردند. گاهی این شب‌نشینی‌ها چنان طولانی می‌شد که برای پراکنده‌کردن جمعیت و رعایت حال صاحبخانه، یکی از حاضران باید به دیگران یادآوری می‌کرد وقت رفتن است. در چنین لحظاتی، کسی با لحنی طنزآمیز این بیت را می‌خواند:

«هر نیک و بدی که در کتاب است
برهم بزنید که وقت خواب است!»

و به این ترتیب، جمع کتاب‌شنوها پراکنده می‌شد تا شب‌نشینی دیگری برپا شود.»

ایستاده برای مردی بازایستاده

مراسم به پایان رسیده بود، اما اشتیاق حاضران برای دیدار و گفت‌وگو با مرتضی فرهادی فروکش نمی‌کرد. شرکت‌کنندگان گرد او جمع شدند تا تازه‌ترین کتابش را برایشان امضا کند. علاقه‌مندان که کتاب را خریده بودند، در صف ایستادند؛ صفی که با گذشت ساعت از ده شب و تاریک‌شدن هوا نیز از میان نرفت. مسئولان چراغ‌های سالن محل برگزاری مراسم را خاموش کردند تا حاضران آنجا را ترک کنند، اما علاقه‌مندان همچنان دور فرهادی حلقه زده بودند و مراسم امضای کتاب بیرون از سالن ادامه پیدا کرد.

در میان صف، حضور افراد سالخورده و ریش‌سفید بیش از جوانان به چشم می‌آمد؛ آنها نیز مشتاق بودند کتابشان را با امضای نویسنده به خانه ببرند. مسئولان بلدیه پی‌درپی تذکر می‌دادند و شاید در دل همان بیت آشنای کتاب‌شنوها را زمزمه می‌کردند تا هرچه زودتر در سالن را ببندند و به خانه بروند:

«هر نیک و بدی که در کتاب است
برهم بزنید که وقت خواب است!»

اما آن شب، انگار کسی قصد نداشت کتاب را ببندد. جمعی ایستاده بودند تا از مردی امضا بگیرند که سال‌ها برای شناخت فرهنگ و سرزمین ایران ایستاده بود.

دکتر پاپلی یزدی استاد پیشکسوت جغرافیا، معتقد است مرتضی فرهادی با واکاوی فرهنگ «یاری‌گری» و «تعاون سنتی»، راز پایداری و تاب‌آوری ایران را در کار جمعی و همبستگی تاریخی نشان داده است. فرهادی فراتر از مستندسازی سنت، راهکارهایی عملی برای انسجام اجتماعی در دنیای مدرن ارائه می‌دهد؛ یعنی بدون شناخت فرهنگ پایه و چند هزارساله، ایجاد همبستگی در صنایع و نهادهای جدید ممکن نیست

دکتر رضا لطیفی، رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، با ستایش از اهدای کتابخانه شخصی مرتضی فرهادی به این دانشگاه، بر ضرورت بهره‌گیری از خرد جمعی برای حل چالش‌های توسعه و لزوم نشست‌های علمی برای آشنایی نسل جوان با این مشعل فرهنگ تأکید کرد

برش

کرسی آموزشی «مرتضی فرهادی» در دانشگاه علامه طباطبایی تصویب شد

میثم مهدیار، عضو هیأت علمی مطالعات فرهنگی دانشگاه علامه طباطبایی، در رویداد «باز ایستاده»، همنشینیِ یاریگرانه با استاد مرتضی فرهادی از تصویب «کرسی آموزشی مرتضی فرهادی» با عنوان فرعی «مردم‌شناسی توسعه در ایران» در این دانشگاه خبر داد. این عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی با اعلام این خبر تصریح کرد: «ما در گروه مطالعات فرهنگی دانشگاه علامه طباطبایی، کرسی آموزشی مرتضی فرهادی را با عنوان فرعی «مردم‌شناسی توسعه در ایران» تصویب کرده‌ایم و ان‌شاءالله از ترم آینده، این درس به‌صورت جمعی و با حضور استادانی که خود را از شاگردان و دوستان مرتضی فرهادی می‌دانند، برگزار خواهد شد.» مهدیار اظهار امیدواری کرد که راه‌اندازی این کرسی آموزشی، مقدمه‌ای برای توجه جدی‌تر و دانشگاهی به روش و منش این پژوهشگر برجسته اجتماعی ایران باشد.

مهدیار با ارزیابی سیر توجه به اندیشه‌های استاد فرهادی طی سال‌های اخیر گفت: «در یک دهه اخیر، اندیشه مرتضی فرهادی، هم در وجه مردم‌نگارانه و هم در وجه نظریه‌پردازانه، مورد توجه قرار گرفته و جلسات، مقالات و ویژه‌نامه‌های مختلفی برای فهم ایده‌های وی و نظریه «صنعت بر فراز سنت» شکل گرفته است. اما متأسفانه هنوز این ایده و اندیشه وارد سیاست‌گذاری توسعه ما نشده و معمولاً شکافی میان نظر و عمل وجود دارد که امیدواریم این شکاف به‌زودی برطرف شود.»

عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی با آسیب‌شناسی کج‌فهمی‌های موجود درباره نظریات فرهادی افزود: «معمولاً در کلاس‌ها و نشست‌های آکادمیک، وقتی نام مرتضی فرهادی برده می‌شود، برچسب داشتن نگاه «سنت‌گرایانه» یا «نوستالژیک به فرهنگ» به ایشان زده می‌شود. این در حالی است که آشنایان با نظریه او می‌دانند فرهادی، اگرچه به تاریخ، فرهنگ و سنت ایران علاقه‌مند است، ابداً در چارچوب سنت‌گرایی دسته‌بندی نمی‌شود.»

وی در تبیین تفاوت نگاه فرهادی با سنت‌گرایی خاطرنشان کرد: «سنت‌گرایی هر آنچه در گذشته بوده را مقدس و ارزشمند می‌داند، اما فرهادی به‌جای چنین رویکردی، تلاش می‌کند ساختارها و تجربیات تاریخی موجود در سنت را که امکان به‌کارگیری در امروز را دارند، شناسایی و بخشی از سنت را در خدمت توسعه‌ای پایدار و فرادادی بازخوانی کند. از این‌رو، برای دکتر فرهادی، تمامی سنت و آنچه در گذشته رخ داده، ارزشمند تلقی نمی‌شود.»

وی با نقد ساختار آموزشی موجود در علوم اجتماعی و سایر رشته‌ها بیان کرد: «این عقلانیت تاریخی در جریان اصلی علوم اجتماعی ما غایب است. در برنامه‌های آموزشی، تقریباً هیچ اشاره‌ای به تاریخ، بوم، فرهنگ و ادبیات ایران نمی‌شود و افراد تا مقاطع عالی و هیأت علمی پیش می‌روند بی‌آنکه حتی دو واحد در این زمینه‌ها گذرانده باشند؛ وضعیتی که در رشته‌های فنی، کشاورزی و پزشکی به‌مراتب بدتر است. حتی در درس جامعه‌شناسی تاریخی نیز دوباره نظریه‌های غربی تدریس می‌شود. فرهادی نشان داده است که این تصویر از توسعه پایدار، به‌دلیل عدم ارتباط با بوم و اقتضائات تاریخی ما، خود ناپایدار است.»

این استاد دانشگاه با بررسی رویکردهای رادیکال «پساتوسعه» (Post-Development) نظیر دیدگاه‌های زاکس، اسکوبار و مجید رهنما که با تکیه بر نظریات پست‌مدرن و پساساختارگرا درصدد توجه به دانش بومی برآمدند، گفت: «بسیاری می‌کوشند فرهادی را ذیل نظریات پساتوسعه صورت‌بندی کنند، اما او حتی فراتر از پساتوسعه قرار می‌گیرد؛ زیرا رگه‌ای بسیار قوی از نقد پست‌مدرنیسم در آثارش مشهود است.»

مهدیار با اشاره به مفهوم «پست‌مدرن» در آثار فرهادی افزود: «او نقد می‌کند که «هم‌ترازی موضوعات» و هم‌ارز ساختن همه‌چیز به عنوان یک روایت در جریان‌های پست‌مدرن، یکی از سویه‌های اصلی آسیب‌رسان به بوم و محیط زیست است. فرهادی در مقاله «نان شب مردم‌نگاران» تأکید می‌کند که در شرایط بحرانی، همه‌چیز یکسان نیست و باید موضوعات خاصی به دستور کار مردم‌شناسی تبدیل شده و اولویت یابند. بر همین اساس، او خود را در برابر پست‌مدرن‌ها تعریف کرده و هشدار می‌دهد که هم‌ترازی معرفتی آنان، علوم اجتماعی و عقلانیت را به محاق می‌برد.»

مهدیار، مرتضی فرهادی را «پرافتخارترین پژوهشگر اجتماعی ایران» نامید و ابراز امیدواری کرد که تصویب کرسی آموزشی وی، گامی عملی در جهت بازخوانی علمی روش و منش این استاد برجسته باشد.

راز ناپدید شدن مرد کافه دار در سینه دکتر طب سنتی بود



گروه حوادث: مرضیه همایونی/ پیگیری‌های زن جوان برای یافتن پدر ثروتمندش که ۵سال به شکل مرموزی ناپدید شده بود راز قتل او را به دست یک متخصص طب سنتی فاش کرد.

به گزارش خبرنگار «ایران»، صبح بارانی یکی از روزهای پاییز امسال زنی جوان آماده شد تا به اداره آگاهی برود. شوهرش که تعجب کرده بود پرسید: در این هوای بارانی و سرد کجا می‌روی؟

زن جوان گفت: «دنبال پدرم. هر چه در این سال‌ها به حرف همسرش گوش کردیم و دنبال پدرم نرفتیم کافی است. فقط نشستیم و نگاه کردیم و فکر کردیم همسرش راست می‌گوید اما حالا که رفته مهریه‌اش را به اجرا گذاشته و همه اموال پدرم را تصاحب کرده مطمئنم گم شدن پدرم زیر سر خودش است. باید بروم اداره آگاهی و بالاخره بفهمم چه بلایی سر پدرم آمده است.»

بعد هم بدون آنکه منتظر جوابی از همسرش باشد، در خانه را پشت سرش بست و سوار بر خودروش به سمت اداره آگاهی حرکت کرد. وقتی وارد اداره چهام پلیس آگاهی شد با راهنمایی یک مأمور جوان به سمت میز یکی از افسران اداره هدایت شد.

زن جوان وقتی مقابل سرهنگ صالح عبدی‌نژاد قرار گرفت گفت: «پدرم سال ۱۴۰۰ به طرز مشکوکی ناپدید شد. همسر سوم پدرم که زنی جوان است و پدرم با او زندگی می‌کرد به ما گفت که پدرتان را دستگیر کرده‌اند.»

سرهنگ نگاهی به او انداخت و گفت: «بفرمایید روی صندلی بنشینید و از ابتدای ماجرا تعریف کنید.» میترا روی صندلی نشست و ادامه داد: «پدرم سه بار ازدواج کرد. من حاصل ازدواج دوم او هستم و تنها دخترش. پدرم از همسر اولش هم فرزند دارد. او بعد از طلاق مادرم با فیروزه ازدواج کرد. البته او هم مطلقه بود. در ۱۰ سالی که با پدرم زندگی می‌کرد صاحب فرزند نشد. در این ۱۰ سال خیلی برای پدرم خرج تراشی می‌کرد هر چه می‌خواست پدرم نه نمی‌گفت؛ تفاوت سنی شان هم زیاد بود. پدرم زمانی که با فیروزه ازدواج کرد ۵۳ سال داشت و فیروزه ۲۰ سالی از او کوچک‌تر بود. یک روز خیلی ناگهانی پدرم ناپدید شد و به هر جایی که فکرش را بکنید سر زدیم از بیمارستان‌ها و کلانتری‌ها گرفته تا...» مکث کوچکی کرد و ادامه داد: «حتی به پزشکی قانونی هم سر زدیم اما از پدرم خبری نبود.»

ردپای متخصص طب سنتی

میترا ادامه داد: «وقتی پیگیر ماجرا بودیم و شکایت کردیم فیروزه به ما گفت پدرم را به خاطر مسائل سیاسی بازداشت کرده‌اند و اگر شما هم پیگیر باشید برایتان دردسر می‌شود. راستش تعجب کردیم چون پدرم اصلاً اهل کارهای سیاسی نبود اما فکر کردیم او راست می‌گوید. بعد هم مدعی شد که پدرمان بعد از آزادی موقت از کشور خارج شده است. تا اینکه چند ماه قبل فهمیدیم فیروزه مهریه‌اش را به اجرا گذاشته و تقریباً همه اموال پدرم را تصاحب کرده است. پدرم با اینکه بازنشسته بود اما وضع مالی خوبی داشت، او خانه‌ای قدیمی و سه طبقه را تبدیل به کافه کرده بود و درآمدش خیلی خوب بود. در تمام این مدت حسی درونم می‌گفت که فیروزه دروغ می‌گوید و از سرنوشت پدرم مطلع است.»

با صحبت‌های زن جوان، افسر پرونده به سراغ پرونده‌های راکد اداره آگاهی رفت و با پیدا کردن شکایت اولیه این خانواده و بررسی پرونده متوجه شد آنها بعد از مدتی دیگر پیگیر پرونده نشده‌اند و راکد مانده است. با شکایت جدید دختر این مرد گمشده، تحقیقات آغاز شد. استعلام از پلیس نشان می‌داد ادعای همسر وی درست نبوده و او حتی یک روز هم بازداشت نشده و هیچ سابقه کیفری ندارد. همین موضوع شک افسر پلیس را به فیروزه بیشتر کرد.

در ادامه تحقیقات کارآگاهان پی بردند که فیروزه با یک متخصص طب سنتی که در زیرزمین کافه مرد گمشده مشغول به کار است ارتباط پنهانی داشته است. مهم‌ترین سرنخ زمانی به دست آمد که در تحقیقات ویژه پلیسی مشخص شد مرد گمشده آخرین روز با همین دکتر سنتی به نام بهزاد از محل کارش خارج شده و دیگر کسی او را ندیده است.

اعتراف تلخ

همین مسأله احتمال دست داشتن دکتر سنتی را در ناپدید شدن مرد سالخورده تقویت کرد و باتوجه به روابط پنهانی او با فیروزه؛ پس از هماهنگی‌های قضایی، او بازداشت شد. بهزاد که ابتدا منکر دخالت در ماجرا بود در برابر مدارک پلیسی به قتل اعتراف کرد.

بهزاد وقتی مقابل افسر پرونده نشست گفت: «می‌خواهم حقیقت را بگویم. از پنهان‌کاری خسته شده‌ام. ۵ سال است که با عذاب وجدان زندگی می‌کنم. من نمی‌خواستم مرتکب جنایت شوم، فقط از خودم دفاع کردم تا کشته نشوم. اما ای کاش خودم کشته شده بودم.»

وی درباره آشنایی‌اش با مقتول گفت: «من دکتر طب سنتی بودم و شاهرخ و همسرش برای درمان بیماری‌هایشان نزد من می‌آمدند. کم کم با هم صمیمی شدیم؛ در آن زمان دنبال محلی بودم که مطبم را به آنجا منتقل کنم اما کرایه‌ها خیلی سنگین بود و توانایی پرداخت هزینه‌ها را نداشتم. شاهرخ که از ماجرا باخبر شد، پیشنهاد داد که به زیرزمین کافه‌اش بروم و در آنجا مشغول به کار شوم و من هم پذیرفتم. در این میان همسرش فیروزه که هر روز به کافه می‌آمد گاهی هم به من سر می‌زد. از زندگی‌اش راضی نبود می‌گفت شوهرش پیر است و او از این موضوع خسته شده است. همین مسائل باعث شد با هم ارتباط بیشتری پیدا کنیم اما هرگز نمی‌خواستم شوهرش را بکشم تا اینکه شوهرش به ما شک کرد. رفتارش با من تغییر کرده بود و من متوجه شده بودم. روز حادثه شاهرخ از من پرسید کجا می‌روی؟ گفتم می‌خواهم بروم شهریار. او گفت: من هم شهریار کار دارم بیا باهم برویم. معمولاً او همیشه پیشنهاد می‌داد که باهم غذا بخوریم یا می‌گفت در مسیر آهنگ گوش بدهیم، یا آهنگ می‌گذاشتم با آهنگ زمزمه می‌کرد اما آن روز در مسیر حتی یک کلمه هم با من حرف نزد. فقط می‌گفت می‌خواهد زمینی را ببیند و بخرد.»

متهم درباره لحظه قتل گفت: «وقتی به شهریار رسیدیم شاهرخ مرا مدام ازاین خیابان به آن خیابان می‌برد به مکانی خلوت رسیدیم منطقه‌ای دور افتاده و پرت بود کسی آنجا نبود در کنار زمینی از من خواست توقف کنم. به محض اینکه توقف کردم اسلحه‌ای بیرون آورد و به من گفت چرا با همسرم در رابطه‌ای؟ من به تو این همه خوبی کردم و تو باید جواب خوبی مرا اینطوری می‌دادی؟ خیلی ترسیده بودم به او گفتم اشتباه می‌کنی. اما خودم هم می‌دانستم که دروغ می‌گویم. به ناچار درگیر شدیم. او سنگین وزن بود با یک دستم اسلحه را گرفتم که شلیک نکند اما ناگهان تیری از اسلحه شلیک شد و به او اصابت کرد که کشته شد. نمی‌دانستم چه کار کنم فقط به ذهنم رسید جسدش را دفن کنم. بیل و کلنگی تهیه کرده و همانجا گودالی حفر کرده و جسد را داخلش دفن کردم و به تهران بازگشتم. این ماجرا از ساعت حدود ۷ شب شروع شد و تا بامداد روز بعد ادامه یافت. آنقدر حالم بد بود که در این مدت تلفنم را پاسخ ندادم و بعد از دفن جسد هم گوشی را خاموش کردم. سه روز بعد به همانجا رفتم تا ببینم کسی پیدایش کرده یا نه که دیدم کسی متوجه نشده و بعد برای اطمینان خاطر سیمان خریدم و رویش را سیمان گرفتم تا به مرور زمان جسد پیدا نشود.»

مرد جوان درباره ارتباطش با فیروزه گفت: «این زن ضربه بدی به من زد. من همسر داشتم از خانواده‌ای سرشناس و محترم؛ او به شکل یک ناشناس عکس‌های من و خودش را برای همسرم فرستاد تا آبرویم را ببرد موفق هم شد چون وقتی همسرم عکس‌ها و پیام‌ها را دید، درخواست طلاق داد و جدا شدیم. بعد هم سناریوی دستگیری شاهرخ را برای فرزندانش گفت تا مانع شکایت و پیگیری آنها شود. بعد هم مهریه‌اش را به اجرا گذاشت و اموال شوهرش را تصاحب کرد.»

با اعترافات متهم فیروزه نیز بازداشت شد و تحقیقات از او ادامه دارد.

خبر

پویش آزادی زنان زندانی بدهکار در تجمعات شبانه

گروه حوادث: ستاد دیه کشور با همکاری فعالان مردمی از ایام شهادت حضرت زهرا سلام‌الله علیها تا ولادت حضرت صدیقه طاهره(س) پویش انسان‌دوستانه «هر میدان، آزادی یک زندانی غیرعمد» با محوریت استخلاص زنان بدهکار مالی را در تجمعات شبانه برگزار خواهد کرد.

سید اسدالله جولایی رئیس هیأت امنای ستاد دیه کشور گفت: «تداوم تجمعات در کنار ابعاد مختلف خود در حوزه دفاعی و معنوی، کارکردهای قابل‌توجهی در جامعه ایران داشته است که یکی از این کارکردهای متعدد، احیای امر اجتماعی کمک به همنوع و اهتمام ملت مبعوث برای مساعدت به مستمندان است که در کنار خلق یک حماسه ملی به معضلات و مشکلات آحاد مردمی نظر دارد. معضلاتی دایر بر تنگدستی یک زندانی و خانواده نیازمند او در تأمین دیون شخصی و ادای برخی مطالبات حقوقی که با تأخیر در تادیه میزان آن برای تسویه روز به روز بیشتر هم شده است.»

جولایی اظهار کرد: «شاید بتوان این تلاش مقدس را اولین تجربه جهانی دانست که ایرانی‌ها از بطن یک اجتماع حماسی، با حمایت نقدی برای استخلاص دربندان محکوم به جرایم غیرعمد در ایام خاصی از تاریخ این سرزمین شگفتی‌ساز شدند.» ستاد مردمی دیه به عنوان متولی اصلی آزادی زندانیان جرایم غیرعمد همواره با اتکا به همین برکات نوع‌دوستانه و با اهتمام به ماهیت غیردولتی خود سعی داشته و دارد از هر فرصت و مناسبت تقویمی برای کاهش جمعیت بیش از بیست هزار زندانی جرایم غیرعمد استفاده کرده و با جذب حداکثری کمک‌های نقدی بعضاً به ظاهر کم اتفاقات بزرگ و مبارکی را رقم زند.

وی تصریح کرد: «آزادی یک زندانی غیرعمد در استان قم با نذر والدین شهید دانش‌آموز احسان قاسمی در اولین تولد این جان‌فدای وطن مؤید همین امر است، برپایی پویش رهایی زندانی به تاسی از آقای شهید ایران برای بازماندگان پیاده‌روی اربعین به تاسی از قائد شهید امت که همواره دغدغه آزادی زندانیان غیرعمد را داشتند، گواه همین واقعیت است یا گره گشایی و ابثار ماندگار خانواده شهید محمد ساریخانی در آزادی یک زندانی بدهکار مالی تحت حمایت ستاد دیه استان فارس متذکر همین حقیقت آشکار است.»

یک جدول با دو شرح جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید. **۹۱۷۹**

جدول عادی

افقی

۱- بازرگان و سوداگر - از آثار تاریخی استان تهران که در ارتفاعات مشرف به شهر دماوند واقع شده است
۲- مقابل «حاد» - ویرگول - مخلص
۳- آلودگی، ناپاکی - خشک - پنجم عرب
۴- از ملزومات خطاطی - چهره‌بردار - در عرب
۵- مایع رفع عطش - علم و دانش - تیم خرم‌آبادی لیگ برتر این فصل
۶- کشور آسیایی - مکر - صاف و شفاف - تاقچه قدیمی
۷- همراه عروس - از وسایل نقلیه همگانی - سرشت و طبیعت
۸- جنگ کردن - پرنده‌ای با پرواز سریع - سیر و تماشا
۹- پسوند آلودگی - نگاه کردن - سخت و ناگوار
۱۰- جانشین «او» - گدا - رازقی - راستی
۱۱- مشغول به کار - گشادگی - جنس جنگجو
۱۲- خواهر و برادر هم‌خون - گریزان - برومند، رستگار
۱۳- به‌درد بخور و سودمند - پسر فریدون - تیم بابل
۱۴- اداره عالی - شهر تیم فوتبال «چلسی» - مرحله دوم زراعت
۱۵- زندان موقت - میوه پرورده در سرکه

عمودی

۱- بازی‌بین و نظاره‌گر - وسیله‌ای در آشپزخانه
۲- ابتدا نداشتن - از حواس پنج گانه - در آرزوی فرزند
۳- بی‌جان - واژگون و وارونه - مرکز استان فارس
۴- فلزی کمیاب - بعضی از بِرتشخیص ندهند - پسوند شباهت - حاصل گندم
۵- سراینده - به پیشروی خشکی در آب گویند - لنگه
۶- عضو تیم فوتبال - قهوه‌خانه - سازمانی که به صید، توزیع و فروش ماهی می‌پردازد
۷- عقیده انتخاباتی - فوتبال درون‌سالن - شیرینی تر
۸- دسته و گروه مردم - تعجب غلیظ! - از مواد نقاشی
۹- شماره بین‌المللی کتاب - ماهر - سوا
۱۰- پادگان - نسبت زن و شوهر به هم - پاسخ دلگیر کننده
۱۱- کلام تأیید نظر مخاطب - کشورداری - پراکنده کننده
۱۲- دانای قوم - از هوامی گیرند! - بازیکن فقید کامرونی - دیدار از بیمار
۱۳- مساوی، هم‌سنگ - آزاد شده - سرزمین
۱۴- پایتخت «پرو» - دچار آزردگی عاطفی شدن - جذب کردن
۱۵- گلی زیبا و خوشبو - پایبند به قانون

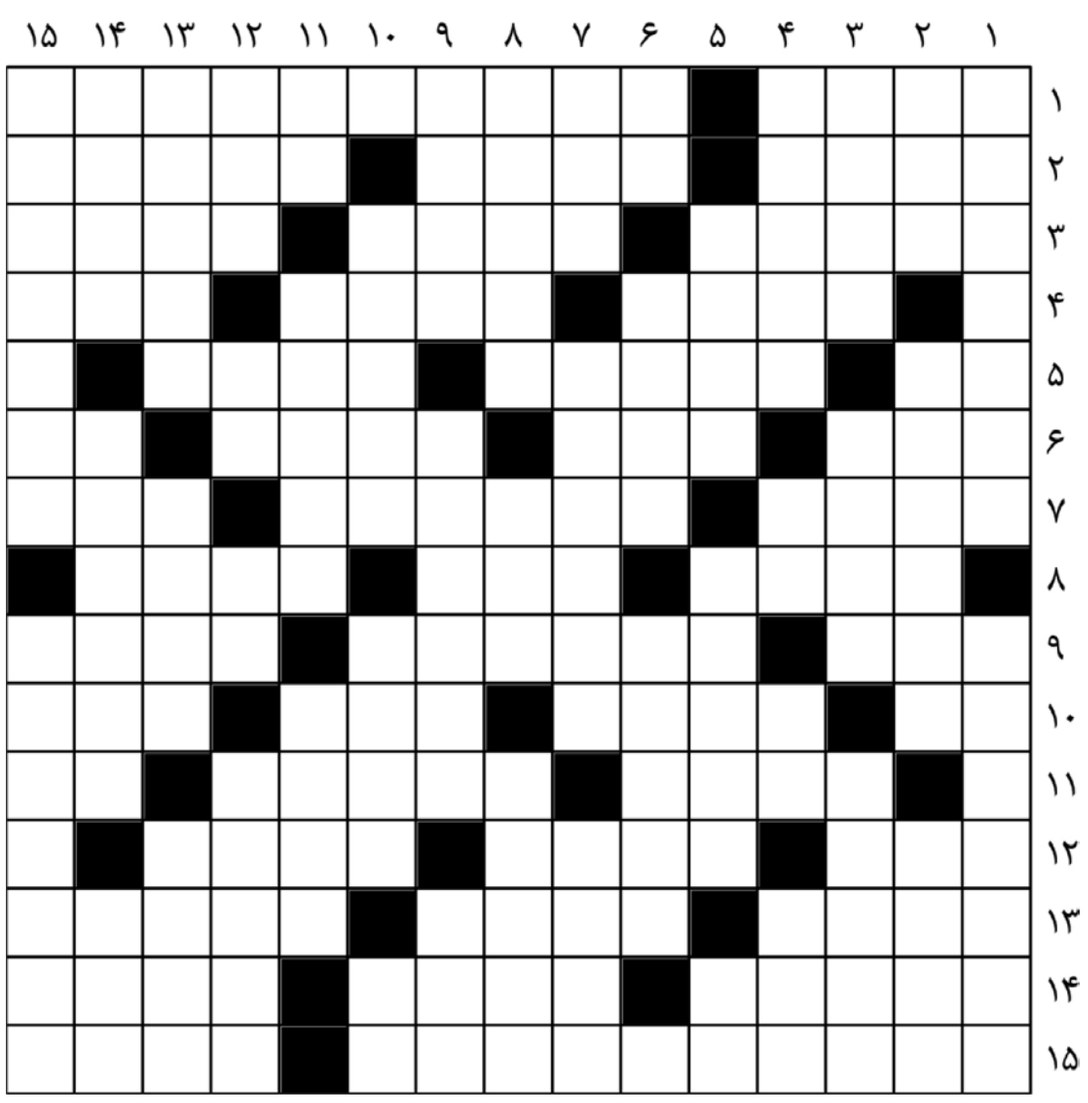
جدول ویژه

افقی

۱- نفس کشیدن - پیرابالینی
۲- کهولت - لهجه - خوشمزه
۳- مانند هم - مخترع هواپیما - جمع نکته
۴- ساحل - سازمان بهره‌وری انرژی ایران - سید، سرور
۵- گذشتن - مورخ یونان باستان - یکی از ایالات «هند»
۶- بلدرچین - وسیله دفاعی قدیم - دروازه بدن! - مساوی عامیانه
۷- سرباز بحری - سدی در استان آذربایجان شرقی - شرکتی کامیون‌ساز
۸- آنفلونزا - خسیس‌تر - بحثی در روان‌شناسی
۹- بی‌نیاز و توانگر - نوعی سس معمولاً غلیظ - نافرمان و سرکش
۱۰- یک و یک - تعیین شده - معلق - یک نوع کشتی جنگی بزرگ
۱۱- چیرگی - دلیری - رود اروپایی
۱۲- دختر زئوس - کبوتر صحرایی - سومین خودروی ملی
۱۳- اتاق راه‌آهن - جناح چپ - پس و پی
۱۴- جدا کردن - شیرینی محلی تبریز - مسابقه دو تیم همشهری
۱۵- پدر رمان تاریخی - حقیقت شیء یا شخص

عمودی

۱- یکی از آثار ملی ایران در شهرستان «درگز» - اثر دیدنی بهشهر
۲- فیلمی با حضور نگار عابدی - طول - گلر فرانسه در جام جهانی ۱۹۹۸
۳- نقاشی دیواری - شیرینی خوشمزه - کشور آفریقایی
۴- جرم آسمانی - حرف انتخاب - کم‌رنگ - آهنگ
۵- میوه کال - سوغات بوشهر - فرتوت
۶- روشی برای غذا دادن به بیمار - تازه به راه افتاده - لباس کودکان
۷- مشت تودهنی - شهرکی در بابلسر - بنیاد
۸- فرمانروایی، سروری - دهخدا - بارم
۹- چیزها - برنج مرغوبی که کمتر کاشته می‌شود - تزویر
۱۰- فساد و نابودی - رهاورد زلزله - واحد تنیس
۱۱- رنج - اسیری و گرفتاری - علامت و سمبل
۱۲- گروهی از اتم‌ها - یک لحظه - قیمت واحد - عنکبوت
۱۳- بی‌بهره و نامراد - محل، موضع - بالای چشم
۱۴- زین و برگ - لقب ابوبکر - از رنگ‌ها
۱۵- نوعی قایق - فیبر سفید



حل جدول عادی شماره ۹۱۷۸

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	خ	و	ش	ح	ا	ل	ی	■	چ	پ	ا	و	ل	گ	ر
۲	و	س	ی	م	■	ا	خ	ف	ا	■	ن	ا	ق	ل	ا
۳	ز	ی	ر	■	ب	ی	چ	ا	ر	ه	■	گ	ا	ر	د
۴	س	ل	ی	ق	ه	■	ا	ش	■	چ	د	ی	■	خ	ی
۵	ت	ه	■	ف	ا	غ	ل	■	ه	م	س	ر	ا	■	ک
۶	ا	■	ا	س	ن	ک	■	ن	ز	ه	ت	■	خ	ط	ا
۷	ن	ا	ز	■	ه	ا	ر	د	ی	■	ک	ن	ت	ر	ل
۸	■	ی	م	ن	■	س	و	ا	ن	ح	■	ف	ل	ش	■
۹	ر	ی	ا	س	ت	■	ف	ر	ه	ا	د	■	ا	ت	ه
۱۰	ف	ن	ی	■	ا	ش	ت	ی	■	ک	ل	ا	س	■	و
۱۱	س	■	ش	ی	ر	ی	ن	■	ا	م	ا	ل	■	س	ا
۱۲	ن	چ	■	ک	م	■	د	ا	ن	ل	■	ل	پ	ا	ب
۱۳	چ	و	ه	ر	■	ا	س	ک	و	ر	ت	■	و	ل	ی
۱۴	ا	د	و	ی	ه	■	ک	ا	ن	ی	■	ا	ر	ا	م
۱۵	ن	و	ا	ز	ن	د	ه	■	ک	ا	ن	د	ی	د	ا

حل جدول ویژه شماره ۹۱۷۸

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ب	ا	ک	و	خ	م	ز	■	ا	س	م	ا	ن	م	ن
۲	ر	س	ی	د	■	ی	ر	ت	■	ا	م	ش	ر	ا	ف
۳	ت	پ	ل	■	م	ا	ر	د	و	ش	■	ر	و	ل	ت
۴	و	ر	و	د	ی	■	ا	ه	■	گ	ل	ف	■	ه	ک
۵	ن	ی	■	م	ک	ت	ب	■	ر	و	ا	ی	ا	ی	و
۶	و	■	چ	ن	ا	ر	■	ر	ا	ن	ت	■	د	م	ر
۷	و	و	ل	■	پ	د	ی	د	ه	■	و	ل	و	ل	ه
۸	■	ا	پ	ه	■	د	ر	ی	ب	ل	■	ک	ف	و	■
۹	س	ک	ا	ن	س	■	ق	ا	ه	ر	ه	■	ر	س	ا
۱۰	ن	ر	س	■	ح	ب	ا	■	ز	ک	ا	■	م	■	ز
۱۱	گ	■	ه	چ	ر	ا	ن	■	م	ه	ت	ر	■	پ	ر
۱۳	س	خ	■	و	ی	ل	■	د	چ	■	ا	م	د	ا	د
۱۳	ی	س	ا	ل	■	ا	ن	ک	س	ا	ر	■	و	ن	گ
۱۴	ا	ر	ش	ی	و	■	م	ل	م	ل	■	م	ز	ا	ا
۱۵	ه	و	ک	ا	ی	د	و	■	ه	ش	ت	ر	خ	ا	ن

گزارش

سمیه افشین‌فر
گروه اجتماعی

سید سجاد رضوی، معاون درمان وزیر بهداشت در پاسخ به سؤال «ایران» درباره طرح پزشکی خانواده اعلام کرد

تکمیل ظرفیت پزشکان خانواده در دستور کار است


عکس: ایرنا

بـا گذشـت سـال‌ها از مطـرح شـدن اجـرای طـرح پزشـک خانـواده و نظام ارجاع در کشـور، این برنامـه همچنان با چالش‌هایـی از جمله کمبود پزشـک و محدودیت منابـع مالی روبه‌روسـت، با ایـن حال معـاون درمان وزیر بهداشـت در آییـن افتتاحیـه هجدهمیـن کنگره بین‌المللی آنسـتزیولوژی، مراقبت‌های ویـژه و درد، در پاسـخ به سـؤال «ایران» از پیگیـری اجرای این طرح در ۶۴ شـهر خبـر داد و گفـت: «تکمیـل ظرفیـت پزشـکان خانواده و تدویـن پروتکل‌های اجرایی آن در دسـتورکار قـرار دارد.»

دکتر سـید سـجاد رضوی معـاون درمان وزیر بهداشـت، درمان و آموزش پزشکی دربـاره آخریـن وضعیـت اجـرای برنامه پزشـک خانـواده و نظام ارجـاع توضیح داد: «اجرای پزشـک خانـواده از اهداف اصلـی وزارت بهداشـت اسـت و ایـن برنامه بـا در نظر گرفتن تجربیات سـایر کشـورها، تجربه‌هـای پیشـین کشـور و امکانـات موجـود، بـه شـکل مرحله‌ای دنبـال می‌شـود.» او با اشـاره بـه اجرای این برنامه در ۶۴ شـهر گفـت: «در برخی مراکز منتخب با کمبود پزشـک خانواده مواجه هسـتیم که برای تکمیل ظرفیت آنهـا برنامه‌ریزی‌هایـی در حـال انجـام اسـت. همچنین پروتکل‌ها و راهنماهای بالینی مورد نیـاز برای اجـرای این طرح در حال تدوین اسـت.»

رضـوی بـا تأکیـد بـر ضـرورت حرکـت تدریجی در اجرای برنامه پزشکی خانواده و نظـام ارجاع، گفت: «باید متناسـب با منابـع و بودجه‌ای که در اختیـار داریم، پیـش برویم تـا بتوانیم این برنامـه را به شـکل موفق اجـرا کنیم.»

مطالبات مراکز درمانی از بیمه‌ها سنگین شده است

معاون درمـان وزیر بهداشـت همچنین در پاسـخ به سـؤال دیگر «ایـران» درباره افزایـش مطالبـات مراکـز درمانـی از بیمه‌هـا و تأثیـر آن بـر ارائـه خدمـات سـلامت گفت: «مطالبات مراکز درمانی بسـیار سـنگین شـده و بیمارسـتان‌ها از یک‌سـو بـه کارکنـان خـود و از سـوی دیگر به شـرکت‌های تأمین‌کننـده دارو و تجهیزات پزشـکی بدهکار هستند.» او با اشـاره به مشـکلات مالی مراکز درمانی توضیح داد: «روزی نیسـت کـه در وزارت بهداشـت دربـاره مطالبـات پرسـنلی و بدهی‌های حوزه دارو و تجهیزات پزشـکی صحبـت و پیگیـری انجـام نشـود. وزیر بهداشـت نیـز شـخصاً ایـن موضوعات را دنبـال می‌کنـد و امیدواریم بـا تأمین منابـع، بخشـی از مطالبـات کارکنان و مراکز درمانـی پرداخت شـود.»

رضـوی با قدردانی از تلاش کادر سـلامت در بخش‌های دولتی، خصوصی، خیریه و عمومی غیردولتی گفـت: «کارکنان نظام سـلامت با وجود شـرایط دشـوار مالی، همچنـان بـا جدیـت و علاقه‌منـدی به مـردم خدمت‌رسـانی می‌کننـد و وزارت بهداشـت خـود را موظف می‌دانـد برای پرداخـت مطالبـات و کاهش مشـکلات معیشـتی و مالی آنـان پیگیری‌های لازم را انجـام دهد.»

کمبود متخصص بیهوشی در مناطق محروم

معـاون درمـان وزیر بهداشـت با اشـاره به کمبـود متخصص بیهوشـی در برخی بیمارسـتان‌های کوچـک، به‌ویـژه بیمارسـتان‌های ۳۲ و ۶۴ تختخوابـی، گفـت: «بـا وجـود اعـزام متخصصـان رشـته‌های مختلف به مناطـق محروم، همچنان در برخـی از این مراکز با کمبود متخصـص بیهوشـی مواجه هسـتیم.» رضـوی بـا بیان اینکـه ظرفیـت پذیرش رشته بیهوشـی در سـال‌جاری وضعیت بهتری داشـته اسـت، ابـراز امیـدواری کرد کـه بـا افزایـش ورود دسـتیاران به ایـن رشـته، کمبـود نیـروی متخصص در سـال‌های آینـده برطـرف شـود. او با اشـاره به اینکـه حـدود ۷۰ تـا ۸۰ درصد ظرفیـت پذیـرش ایـن رشـته تکمیـل شـده اسـت، گفت: «امیدواریم بتوانیم بـرای بیمارسـتان‌هایی کـه همچنـان بـا کمبـود متخصـص بیهوشـی مواجه هسـتند، از طریـق قراردادهـای مجـاز، زمینـه همـکاری متخصصـان را فراهـم کنیـم تا ارائـه خدمـات درمانـی در این مراکز متوقف نشـود.» رضـوی همچنین بـا اشـاره بـه مشـکلات تأمیـن نیروی متخصـص در مناطـق محـروم، یکی از دغدغه‌هـای جـدی وزارت بهداشـت را وضعیت پرداختی پزشکان طرحی عنوان کرد و گفت: «گاهی دریافتی این پزشـکان حتی هزینه رفت‌وآمد آنها را نیز پوشـش نمی‌دهد و لازم اسـت برای ایجاد انگیزه و ماندگاری متخصصان در مناطق محروم، نظـام پرداختی اصلاح شـود.» او با تأکید بر ضـرورت پیش‌بینی مشـوق‌های مالی بـرای حضـور متخصصـان در مناطـق کمتربرخـوردار، توضیـح داد: «در حـال پیگیـری موضـوع پرداخت‌هـای ویژه به نیروهـای متخصص در مناطـق محروم هسـتیم تا با ایجاد جذابیت‌هـای مالی، امکان جذب و ماندگاری پزشـکان در این مناطق فراهم شـود.»

معاون درمان وزیر بهداشـت همچنین از خالی ماندن بخشـی از ظرفیت پذیرش برخـی رشـته‌های تخصصـی خبـر داد و گفـت: «در رشـته‌هایی ماننـد اطفـال، طب اورژانس، داخلی و برخی رشـته‌های فوق‌تخصصـی همچنـان ظرفیت‌هـای خالی وجود دارد و بایـد برای تکمیل این ظرفیت‌هـا برنامه‌ریـزی کنیم، زیـرا اگر این وضعیت تداوم داشـته باشـد، کشور در سـال‌های آینده با کمبود متخصص در این رشـته‌ها مواجه خواهد شد.» رضوی بـا تأکید بـر ضـرورت حضـور متخصصان در بخـش دولتـی و مناطـق محـروم، گفـت: «نیـاز کشـور صرفـاً بـه تربیت متخصـص محـدود نمی‌شـود، بلکـه باید شـرایطی فراهم شـود که پزشـکان متخصص در شـهرهای کوچک و مناطق کمتربرخـوردار، از جمله ایـلام، رامهرمز و رامشـیر، نیـز حضور داشـته باشـند و مردم ایـن مناطق به خدمـات تخصصی دسترسـی پیدا کنند.»

رضوی یکـی از دلایل اصلـی بی‌انگیزگی بـرای ورود به برخی رشـته‌های تخصصی را وضعیت اقتصادی دسـتیاران دانسـت و گفـت: «شـرایط دوره دسـتیاری تغییر کـرده اسـت. دانشـجویان نمی‌تواننـد بـرای ۳ تا ۴ سـال فعالیت بـا حقوق ۳۰ تا ۴۰ میلیـون تومـان، هزینه‌های زندگی خـود را تأمیـن کننـد. با شـرایط تورمی امـروز، یکـی از مهم‌تریـن گلایه‌هـای دسـتیاران، عقب‌ماندگـی اقتصـادی و تناسـب نداشـتن دریافتی با هزینه‌های زندگـی اسـت.» او بـا اشـاره به شـرایط دشـوار دسـتیارانی کـه در شـهرهای دیگر مشـغول به کار می‌شـوند، توضیح داد: «گاهـی هزینـه رفت‌وآمـد یـک دسـتیار از شـهری به شـهر دیگـر به ۲۵ میلیـون تومـان می‌رسـد، در حالـی که حقـوق دریافتـی او حـدود ۲۶ میلیـون تومـان اسـت. نمی‌توانیـم چشـممان را بـر تـلاش ایـن گـروه ببندیـم. از آنها انتظـار داریم حتـی در مناطـق محروم خدمـت کنند و بسـیاری نیز بر اسـاس تعهـد و مسـئولیت‌پذیری ایـن شـرایط را می‌پذیرنـد، امـا در مقابـل بایـد درک متقابلی از مشـکلات آنها داشته باشیم.»

معاون درمان وزارت بهداشـت با اشـاره بـه در پیش بودن فصل بررسـی بودجه، از مجلس خواسـت برای اصلاح وضعیت معیشـتی دسـتیاران توجـه ویـژه‌ای داشـته باشـد. رضـوی گفـت: «بایـد بـرای رشـته‌هایی کـه متقاضـی ندارند، مشوق‌های مناسـبی در نظر گرفته شود تا انگیـزه ورود بـه این رشـته‌ها افزایش پیدا کند. آیندگان مـا را قضاوت خواهند کرد. این رشـته‌ها شـوخی‌بردار نیستند. حتی اگر همین امروز مشـکل تأمین متخصـص اطفـال را حـل کنیم، دست‌کم ۴ سـال زمان نیاز داریم تا متخصصان جدید وارد چرخه خدمت شـوند.»

> در برخی مراکز منتخب با کمبود پزشک خانواده مواجه هستیم که برای تکمیل ظرفیت آنها برنامه‌ریزی‌هایی در حال انجام است. همچنین پروتکل‌ها و راهنماهای بالینی مورد نیاز برای اجرای این طرح در حال تدوین است

مدیریت مصرف را جدی بگیریم

معـاون درمان وزارت بهداشـت به شـعار امسـال کنگره بین‌المللی آنستزیولوژی، مراقبت‌هـای ویـژه و درد، بـا عنـوان «نـوآوری بـرای تـاب‌آوری» اشـاره کـرد و گفـت: «تـاب‌آوری واژه‌ای هوشـمندانه و از موضوعـات مهـم امـروز دنیاسـت. از فـرد و خانواده تا جامعه و نظام سـلامت، همه بایـد از ظرفیت تـاب‌آوری برخوردار باشـند. دانـش، مهارت، بودجـه، منابع و آمـوزش از مهم‌تریـن پیش‌شـرط‌های تحقق این موضوع هسـتند.» او با اشـاره بـه عملکرد نظام سـلامت در بحران‌های سـال گذشـته گفـت: «در این شـرایط، شـرکت‌های دارویی و تجهیزات پزشـکی و همچنین نیروی انسـانی حوزه سلامت پـای کار بودنـد و شـبانه‌روزی فعالیـت کردنـد، امـا نباید فراموش کنیـم که این گروه‌هـا نیـز پـس از بحران بـه حمایت نیـاز دارنـد. مشـکلات جسـمی و روحی کادر سـلامت باید مورد توجـه قرار گیرد، چرا که بخشـی از کارکنان نظام سـلامت در جریان این اتفاقات آسـیب‌های روانی دیده‌انـد.» رضوی بـه اتفاقـات میناب و پیامدهـای روانـی آن بـرای خانواده‌های آسـیب‌دیده هم اشـاره کرد و گفت: «این اتفاقـات را نمی‌توان فرامـوش کرد و باید بدانیـم هنـوز خانواده‌هایی هسـتند که کنار مـزار فرزندانشـان می‌خوابند. البته گروه‌هـای مختلفـی در منطقه مسـتقر شـده‌اند تا بـه وضعیـت سـلامت روان این خانواده‌ها رسـیدگی کننـد.» معاون درمـان وزیـر بهداشـت دربـاره اقدامات انجام‌شـده برای بهبود وضعیت پرداختی کادر درمـان گفت: «یکی از موضوعاتی که در حوزه نیروی انسـانی دنبـال می‌کنیم، اصـلاح پرداخت کارانه‌هاسـت. در برخی دانشـگاه‌ها میزان عقب‌ماندگی پرداخت کارانه به ۱۶ ماه رسـیده بود کـه اکنون به ۶ تا ۸ مـاه کاهش یافته اسـت.»

رضوی با اشـاره به کمبود دارو و تجهیزات در حوزه بیهوشـی گفت: «بـا کاهش ۱۰ تا ۱۵ درصـدی مصـرف می‌تـوان شـرایط را بهتر مدیریت کرد.» او همچنین با اشـاره به اهمیت ارتباط پزشـک با بیمار و نقش آن در کاهـش شـکایت‌ها، گفت: «حدود ۷۰ تـا ۸۰ درصد شـکایت‌ها بـه این دلیل اسـت که بیمار به‌درسـتی درباره شرایط و اقدامـات درمانی توجیه نشـده اسـت. صحبت کـردن با بیمـار اهمیـت زیادی دارد و بایـد او را آگاه کنیـم که قرار اسـت چـه اقداماتی برایش انجام شـود.»

برش

رئیس انجمن بیهوشی: استقبال دستیاران از رشته بیهوشی افزایش یافته است

علیرضا سـلیمی، رئیس انجمن آنسـتزیولوژی و مراقبت‌های ویژه ایران و رئیـس هجدهمیـن کنگره بین‌المللی این رشـته در آییـن افتتاح این کنگره با اشـاره به دشـواری‌های سـال گذشـته برای جامعه بیهوشـی، گفت: «سـال بسیار سـخت اما موفقی را پشت سر گذاشـتیم. در دوران کرونا تصور می‌کردیم شـرایطی سـخت‌تر از آن روزها وجود نداشته باشد، زمانـی که حتی ناچار شـدیم کنگره را به شـکل مجازی برگـزار کنیم. با این حال، سـال گذشـته نیز پیگیری مطالبات جامعه بیهوشـی به دلیل شـرایط دشـوار کشـور با چالش‌های زیادی همراه بود و با وجود جنگ، تحریم‌ها و شـرایط سـخت اقتصـادی، اما انجمـن توانسـت مطالبات متخصصـان را با جدیت پیگیری کنـد و به یکی از بهتریـن نتایج در این زمینه دسـت یابد.»

او با بیـان اینکه نوآوری لزوماً به معنای انتقـال فناوری یا خرید تجهیزات جدیـد نیسـت، توضیـح داد: «گاهـی یـک نـوآوری در شـیوه مدیریت می‌توانـد تأثیر قابل‌توجهی در بهبود شـرایط داشـته باشـد. در همین زمینه، وزارت بهداشـت بـا ترمیم تعرفه‌ها یکی از اقدامـات مؤثر را انجام داد که آثار آن در مدت کوتاهی نمایان شـده اسـت.» به گفته سـلیمی، «پس از این تغییر، وضعیت ظرفیت دسـتیاری رشته بیهوشی بهتر شده و جوانان بیشتری به سمت این رشـته آمده‌اند. همچنین ضریب کارایی افزایـش یافتـه اسـت. امیدواریم بـا تداوم ایـن تغییر نگـرش و فراهم شـدن زمینه شکوفایی، شاهد تقویت رشته بیهوشـی در کشور باشیم.»



اطلاع‌رسانی

وقتی بدن هشدار نمی‌دهد؛

چرا فشارخون و دیابت دیر تشخیص داده می‌شوند؟

گزارش

نرگس علی محمدی

گاهی یک عدد سـاده روی دسـتگاه فشارخون یا نتیجه یـک آزمایـش خون می‌تواند مسـیر زندگی یک نفـر را تغییر دهد؛ نه بـه این دلیل که بیماری تازه ایجاد شـده، بلکه چون بیماری مدت‌هـا در بـدن حضور داشـته و فـرد از آن خبر نداشـته اسـت. فشـارخون بالا و دیابت از جملـه بیماری‌هـای مزمنی هسـتند که در بسـیاری از مـوارد می‌توانـد بـدون علامـت مشـخص پیش بروند که طبیعتاً همین ویژگی تشـخیص به‌موقع آنها را دشـوار می‌کند. برای بررسـی بیشـتر این موضوع خبرنـگار روزنامه ایـران به یکـی از مراکـز جامع سـلامت رفته تا بـا گفت‌وگو با مراجعین به بررسـی بیشـتر این موضوع بپردازد. در این مرکز یک دسـتگاه فشـارخون وجود دارد که چنـد نفر یکی پس از دیگری روی صندلی می‌نشـینند تا فشارشـان اندازه‌گیـری شـود. هر چنـد بـرای بعضی‌ها ایـن کار فقط یک بررسـی معمولی اسـت؛ اما برای برخی دیگر عددی که روی دسـتگاه ظاهر می‌شـود، اولین زنگ هشـدار است. حسـین، مرد میانسـالی که برای انجام یـک کار اداری به مرکز مراجعه کرده، با پیشـنهاد یکی از کارکنان مرکز فشـارخونش را اندازه می‌گیرد. آنطور که خودش می‌گفت وضعیتش طبیعی اسـت؛ نه سـردرد دارد، نه سرگیجه و نه احساس بیماری. اما عدد فشـارخون بالاتر از حد طبیعی است. چنـد دقیقه بعـد، فشـار دوبـاره اندازه‌گیری می‌شـود و باز هم بـالا می‌مانـد. توصیه خانم دکتـر رفیعی، پزشـک مرکز سـلامت پیگیری و اندازه‌گیـری مجـدد است. حسـین که کارگر شرکت پسـت اسـت، می‌گوید: فکر می‌کردم اگر فشارم بالا باشـد حتماً باید سرم درد بگیرد یـا حالم بد شـود. هیچ‌وقت تصـور نمی‌کردم ممکن اسـت فشـارخون بالا داشـته باشم و خودم متوجه نشـوم. این تصور البته در میان بسـیاری از مـردم وجـود دارد؛ اینکـه بیماری حتماً باید با درد، ضعف یا نشـانه‌ای محسوس همراه باشـد تا جدی گرفته شـود.

ایـن در حالـی که فشـارخون بالا در بسـیاری از افـراد علامـت مشـخصی ایجـاد نمی‌کند و دیابت نیز ممکن اسـت در مراحل اولیه بدون نشـانه واضح باقی بمانـد. همیـن بی‌علامتی می‌تواند باعث شـود فـرد مراجعه به پزشـک و انجـام آزمایش‌هـای لازم را ماه‌هـا یـا حتی سـال‌ها به تعویـق بیندازد.

وقتی نبودن علامت به معنای سالم بودن نیست

خانـم دکتـر رفیعـی، پزشـک مرکـز جامـع سـلامت که یک متخصص داخلی اسـت یکی از مشـکلات اصلی در مواجهه بـا بیماری‌های مزمن، وابسـتگی مـردم به علائم اسـت. وی در این باره اظهار کـرد: بیمار معمولاً زمانی مراجعـه می‌کنـد کـه احسـاس کنـد اتفاقی در بدنـش افتاده اسـت. امـا در بیماری‌هایی مثـل فشـارخون بالا یـا دیابت، همیشـه این اتفـاق نمی‌افتـد. ممکـن اسـت فـرد از نظر ظاهـری کاملاً سـالم باشـد و زندگـی روزمره خود را داشـته باشـد، اما در یک بررسی ساده مشـخص شـود که قند خون یا فشـارخون او نیازمند پیگیری اسـت.

به گفته خانم دکتر رفیعی تشخیص زودهنگام فقـط بـه معنای پیداکـردن یک بیمـاری در مراحل اولیه نیسـت؛ بلکه فرصتی برای تغییر سـبک زندگی و جلوگیری از رسیدن بیماری به مراحل پیچیده‌تر اسـت.

در واقع، بسـیاری از افراد نخسـتین بار زمانی بـا قند خـون بـالا مواجه می‌شـوند کـه برای موضوع دیگـری آزمایـش داده‌اند.

ممکن اسـت فرد بـرای یک چـکاپ، آزمایش پیـش از عمل، بررسـی‌های شـغلی یـا حتی یـک بیماری سـاده به پزشـک مراجعـه کند و در میـان نتایج آزمایش، عددی توجه پزشـک را جلـب کند.

مینـا عبداللهی فـرد، کارشـناس تغذیـه نیز می‌گویـد: خیلـی وقت‌هـا وقتـی بـا فـرد دربـاره تغذیه صحبـت می‌کنیم، تـازه متوجه می‌شـویم که الگـوی غذایی او سـال‌ها تغییر نکرده اسـت؛ مصـرف زیاد غذاهـای پرنمک، نوشـیدنی‌های شـیرین، مواد غذایی پرکالری، کمبود مصرف سـبزیجات و میوه‌هـا و در کنار آن کم‌تحرکـی. مشـکل ایـن اسـت کـه بدن ممکـن اسـت مدت زیادی در برابر این شـرایط مقاومـت کند و فـرد تصور کند چـون علامتی نـدارد، پس مشـکلی هم وجـود ندارد.

فشارخون؛ عددی که نباید نادیده گرفته شود

فشارخون بالا از آن دسـته بیماری‌هایی است که ممکن اسـت آرام و بدون سـروصدا پیش بـرود، امـا درصورت تـداوم و کنترل نشـدن، بـه اندام‌های مختلف بدن آسـیب برسـاند.

قلـب، مغـز، کلیه‌هـا و عـروق از جملـه بخش‌هایی هسـتند کـه در برابر فشـارخون کنترل نشـده آسـیب‌پذیرند.

دکتـر جـواد کجـوری، فلوشـیپ اقدام‌هـای مداخلـه‌ای قلب و عـروق و عضو هیأت علمی دانشـگاه علـوم پزشـکی شـیراز با اشـاره به همیـن موضوع می‌گویـد: ما گاهی بـا بیماری مواجه می‌شـویم که برای نخسـتین بار بعد از یک مشـکل قلبی یا عروقی متوجه فشارخون بالای خود شـده اسـت. این به آن معنا نیست کـه فشـارخون از همـان زمـان ایجاد شـده؛ ممکن اسـت مدت‌ها وجـود داشـته و فرد از آن بی‌خبـر بوده باشـد.

کجـوری معتقـد اسـت اندازه‌گیـری منظـم فشـارخون بایـد بـه بخشـی از مراقبت‌های معمـول سـلامت تبدیـل شـود، به‌خصوص برای افـرادی که عوامل خطر بیشـتری دارند. سـن، اضافـه‌وزن، کم‌تحرکـی، مصـرف زیاد نمـک، سـابقه خانوادگـی فشـارخون بـالا و برخی بیماری‌های زمینـه‌ای می‌توانند اهمیت بررسی منظم فشـارخون را بیشتر کنند. البته داشـتن یکی از ایـن عوامل به معنـای ابتلای قطعی به بیماری نیسـت، اما می‌تواند ضرورت توجه بیشـتر به سـلامت را نشـان دهد.

دیابت هم همیشه با تشنگی و تکرر ادرار شروع نمی‌شود

در مـورد دیابـت نیز شـرایط مشـابه اسـت. بسـیاری از مـردم دیابـت را بـا نشـانه‌هایی مانند تشـنگی شـدید، تکرر ادرار، کاهش وزن یا ضعـف به یـاد می‌آورنـد؛ اما همـه بیماران الزامـاً با چنیـن علائمـی به پزشـک مراجعه نمی‌کننـد.

بد نیسـت بدانیـم ۲۰ تا ۲۶ آبان مـاه به‌عنوان هفتـه ملـی دیابت عنوان شـده اسـت. دکتر علیرضا اسـتقامتی - رئیس دانشـکده پزشکی دانشـگاه علوم‌پزشـکی تهـران و رئیـس هیأت‌مدیـره انجمـن دیابـت گابریک اظهار کرد: براسـاس آخریـن آمار و ارقـام که مربوط بـه پیـش از پاندمی کرونا اسـت، بیـش از ۷ میلیون نفر در کشـور به دیابت مبتلا هستند. جدیدترین پیمایش «استپس» در حال انجام اسـت و امیـدوارم کـه نتایـج ایـن پیمایش بـه‌زودی مشـخص شـود تـا در تصمیم‌گیری لحاظ شـود. استقامتی با بیان اینکه کشـور با شـرایط خاصـی مواجه اسـت، تصریح کرد: شـرایط بـه نحوی اسـت کـه مسـائلی مانند جنـگ، محاصـره و تحریم سـبب سـخت‌تر شـدن دسترسـی به تجهیزات، دارو و انسـولین شـده است.

اعداد نشـان می‌دهد میزان هزینه‌های ماهانه بیماری دیابت طی سـال گذشـته حـدود ۱.۲ میلیـون تومان بود اما طی سـال جاری به ۶.۹ میلیون تومان رسـیده اسـت. به‌طـور مثال، قیمـت نوارهـای تسـت قنـد خـون ۲۵۰هزار تومـان بـود امـا در سـال جـاری حـدود یک میلیون تومان اسـت.

همچنین هزینـه سرسـوزن قلم انسـولین از ۳۵۰هزار تومـان به دو میلیون و ۲۰۰هزار تومان رسیده اسـت. دکتر مریم احمدی، با اشاره به نتایـج هشـتمین پیمایش ملـی عوامل خطر بیماری‌هـای غیرواگیـر در سـال ۱۳۹۹ اظهار کرد: براسـاس ایـن نتایج، حداقـل ۱۴ درصد جمعیت بالای ۲۵ سـال کشـور، معادل بیش از ۷.۵ میلیـون نفر، به دیابت مبتلا هسـتند و با در نظر گرفتـن افراد مبتلا بـه پیش‌دیابت، تعـداد افـراد مبتـلا یـا در معرض خطـر ابتلا به دیابت در کشـور بـه حـدود ۲۰ میلیون نفر می‌رسد.

مسـؤول واحد بیماری‌هـای غیرواگیـر مرکز بهداشـت غـرب تهران بـا بیان اینکـه دیابت ممکـن اسـت در مراحل اولیه بـدون علامت باشـد، تصریـح کـرد: افزایش تشـنگی، تکرر ادرار، افزایش اشـتها، کاهش وزن بدون دلیل مشخص، خسـتگی و تاری دید از جمله علائم هشـداردهنده این بیماری هستند؛ با این حال بسـیاری از افراد ممکن اسـت بدون داشـتن علائم مشـخص به دیابت مبتلا باشـند و تنها از طریـق آزمایش قند خـون از بیمـاری خود مطلع شوند.

این موضـوع به‌ویـژه در افـرادی اهمیت پیدا می‌کند کـه سـابقه خانوادگی دیابـت دارند یا بـا اضافـه‌وزن و کم‌تحرکی زندگـی می‌کنند.

پزشک خانواده؛ اولین ایستگاه پیشگیری

در چنین شـرایطی، پزشـک خانواده می‌تواند نقـش مهمـی در شناسـایی زودهنـگام بیماری‌های مزمن داشـته باشـد؛ پزشکی که قرار نیسـت فقـط زمانی دیده شـود کـه فرد بیمار شـده، بلکه می‌تواند وضعیت سـلامت او را در طـول زمـان دنبـال کند.

خانـم دکتـر لادن پرنگ، یک پزشـک خانواده می‌گویـد: وقتـی یـک فـرد بـه شـکل منظم تحت مراقبت باشـد، فقط یک عـدد آزمایش یا فشـارخون را نمی‌بینیم؛ روند تغییـرات را هم بررسـی می‌کنیم. ممکن اسـت قند خون فرد هنوز به مرحله بیماری نرسـیده باشد، اما نسبت به سال‌های گذشـته افزایش پیدا کرده باشـد. همیـن تغییـر می‌تواند فرصتـی برای مداخله زودهنگام باشـد.

به گفتـه پرنگ بسـیاری از مداخـلات در این مرحلـه الزاماً پیچیـده نیسـتند. کاهش وزن درصورت اضافـه‌وزن، افزایـش فعالیت بدنی، اصـلاح الگوی غذایی، کاهـش مصرف نمک و قندهای افزوده، خواب مناسـب و ترک برخی عـادات ناسـالم می‌توانـد در مسـیر کنتـرل عوامـل خطر مؤثر باشـد؛ البته اینکـه هر فرد دقیقـاً به چه برنامـه‌ای نیاز دارد، باید توسـط پزشـک و متخصص مربوطه مشـخص شود.

آنچه روی میز غذاست، روی دستگاه فشارخون هم دیده می‌شود

در مرکز جامع سـلامت مذکور، نسترن قاضی میرسـعید یکـی از مراجعـان زنی اسـت که برای بررسـی دوره‌ای مراجعه کـرده، می‌گوید تا پیـش از آن تصور می‌کرد تغذیه‌اش مشـکل خاصـی ندارد. امـا وقتی دربـاره میزان مصرف نمک، نوشـیدنی‌های شـیرین و فعالیت بدنی روزانـه از او سـؤال می‌شـود، خـودش متوجه می‌شود بسـیاری از عادت‌های غذایی‌اش نیاز به تغییـر دارد. مینا عبداللهی فرد، کارشـناس تغذیه می‌گوید: «قرار نیسـت مردم یک‌شـبه همه چیز را کنار بگذارنـد. تغییر پایدار معمولاً با اصـلاح تدریجـی عادت‌ها اتفـاق می‌افتد. کاهـش نمک، کمتـر کـردن نوشـیدنی‌های شـیرین، انتخـاب غذاهای سـالم‌تر، توجه به حجـم وعده‌های غذایـی و افزایـش فعالیت بدنی می‌تواند بخشـی از این مسـیر باشـد.

عبداللهی فـرد تأکید می‌کند کـه توصیه‌های تغذیـه‌ای بایـد متناسـب با شـرایط هـر فرد باشـد و نمی‌تـوان بـرای همـه یـک نسـخه یکسـان پیچید.

یک آزمایش ساده؛ یک تصمیم مهم

در نگاه اول، اندازه‌گیـری فشـارخون یا انجام یک آزمایـش قند خون، اقدامی سـاده به نظر می‌رسـد. اما همین اقدام سـاده ممکن است فـرد را از بیمـاری‌ای مطلع کند کـه تا مدت‌ها هیچ نشانه مشـخصی نداشته است.

مشـکل اصلی، نه فقط دسترسی به خدمات، بلکـه گاهی تصـور اشـتباه دربـاره ضـرورت مراجعه اسـت. فردی کـه هیـچ دردی ندارد، ممکـن اسـت تصور کنـد نیـازی به پزشـک نـدارد. فـرد دیگـری ممکن اسـت چنـد بار فشـارخون بـالا داشـته باشـد، امـا آن را بـه اسـترس، خسـتگی یا کم‌خوابی نسـبت دهد و پیگیـری را بـه آینده موکـول کند.

خانـم دکتـر رفیعـی متخصص داخلـی تأکید می‌کنـد کـه گاهـی مـردم منتظـر علامت هسـتند تا بعد برای بررسـی اقـدام کنند. در بیماری‌هـای مزمـن بایـد ایـن نـگاه را تغییر داد. هدف مراقبت پیشـگیرانه این اسـت که قبـل از اینکـه بیمـاری خـودش را بـا عارضه نشـان دهد، عوامل خطر و بیمـاری احتمالی شناسـایی شوند.

از ترس بیماری تا عادت به مراقبت

پیشگیری قرار نیسـت زندگی را به مجموعه‌ای از آزمایش‌ها و نگرانی‌ها تبدیل کند. برعکس، هدف آن این اسـت که مراقبت از سـلامت به یک رفتار عادی و دوره‌ای تبدیل شـود؛ درسـت مانـند کاری کـه بـرای نگهـداری از هر بخش دیگری از زندگـی انجام می‌دهیم.

دکتر کجوری، فلوشـیپ اقدام‌های مداخله‌ای قلب و عروق تأکید می‌کنـد: مردم نباید فقط به دلیل تـرس از بیمـاری به پزشـک مراجعه کننـد. اتفاقاً هـدف بررسـی‌های دوره‌ای این اسـت که اگر مشـکلی وجود دارد، در زمانی پیدا شـود که هنوز امکان کنترل آن بیشـتر است. این نـگاه می‌تواند از یک تصور سـاده شـروع شـود: سـالم بودن فقـط به معنای نداشـتن درد نیسـت. گاهـی بدن پیش از آنکه هشـدار واضحی بدهـد، نیاز به مراقبـت دارد.

بنابرایـن پر واضح اسـت که یـک اندازه‌گیری سـاده، یک آزمایش و یک گفت‌وگـوی کوتاه با پزشـک می‌تواند فرصتی برای شـناخت زودتر یـک بیماری باشـد؛ بیماری‌ای که شـاید هنوز هیچ علامتی ایجاد نکرده اسـت.

دیابت و پرفشـاری خـون الزاماً با یک هشـدار بلنـد وارد زندگـی افـراد نمی‌شـوند. گاهـی بی‌صـدا آغـاز می‌شـوند و بـه همیـن دلیل، مراقبت منظم اهمیت بیشـتری پیدا می‌کند. شـناخت عوامل خطر، مراجعه به‌موقع، انجام بررسـی‌های مورد نیاز و اصلاح سـبک زندگی می‌تواند مسـیر بیمـاری را تغییر دهد.



irannewspaper.ir

پنجشنبه ۲۸ آبان ۱۴۰۵ • سال سی‌و دوم • شماره ۹۱۷۹
• اذان ظهر ۱۱/۵۰ • اذان مغرب ۱۷/۱۵ • نیمه شب شرعی ۲۳/۰۶ • اذان صبح فردا ۵/۱۷ • طلوع آفتاب فردا ۶/۴۵

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
• مدیر مسئول: صادق حسین جابری انصاری
• سردبیر: هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران
• رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری
• مدیرعامل: علی متقیان
• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
• نشانی: تهران، خیابان خرمشهر غربی، پلاک ۲۰۸ • کد پستی: ۱۵۳۳۷۴۴۵۱۱
• توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه ایران و مؤسسه جام جم
• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارای گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

سخن روز

حضرت امیرالمؤمنین علی(ع):
از کفّاره گناهان بزرگ، به فریاد مردم رسیدن و آرام کردن مصیبت دیدگان است.
حکمت ۲۴ نهج البلاغه

نقل قول

هنر؛ پیونددهنده امید، همبستگی و گفت‌وگو

در شرایطی که جامعه بیش از هر زمان دیگری به امید، همبستگی و امکان گفت‌وگو نیاز دارد، هنر یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌ها برای تقویت این پیوندهاست. برگزاری جشنواره هنرهای تجسمی جوانان را نیز باید در همین چارچوب دید. این جشنواره فرصتی برای گردهم‌آمدن نسل تازه‌ای از هنرمندان ایرانی، تبادل تجربه، گفت‌وگو و بازنمایی ظرفیت‌های خلاقانه جامعه است. تداوم فعالیت‌های فرهنگی و هنری، حتی در شرایط دشوار، نشانه پویایی و زنده‌بودن حیات فرهنگی جامعه است.



از صحبت‌های مهدی شفیعی
معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره سی و سومین جشنواره هنرهای تجسمی جوانان با ایرنا



چهار نامزدی بین‌المللی برای مستند «مهرداد اسکویی»

مستند «روباه و ماه صورتی»، ساخته مشترک مهرداد اسکویی و ثریا اخلاقی، در چهار بخش بهترین مستند بلند، کارگردانی، تهیه‌کنندگی و مستند غیرانگلیسی‌زبان نامزد دریافت جوایز انجمن بین‌المللی مستند (IDA) ۲۰۲۶ شد. این فیلم روایتگر زندگی دختر هنرمندی از افغانستان است که در ایران زندگی می‌کرد و قصد داشت برای دیدار مادرش از کشور خارج شود. / **ایسنا**



مقصد تازه «نسیم ادبی» با «خونین‌زار»

نسیم ادبی پس از حضور در تئاتر موزیکال «امیرکبیر»، از ۱۵ آذرماه با نمایش تک‌پرسوناژ «خونین‌زار»، به نویسندگی و کارگردانی سهراب حسینی، در تالار فخرالدین اسعد گرگانی روی صحنه می‌رود. این نمایش پیش از این، علاوه بر اجراهای متعدد در تهران و شهرهای مختلف ایران، در چندین کشور نیز روی صحنه رفته است. / **ایسنا**



همکاری «تیموتی شالامه» با یک فیلمساز بزرگ

تیموتی شالامه، از چهره‌های شاخص نسل جدید سینمای جهان، از همکاری در پروژه‌ای با یک فیلمساز برجسته خبر داد، اما نام او را فاش نکرد. این در حالی است که گمانه‌زنی‌هایی درباره همکاری شالامه با کارگردانانی چون آلفونسو کوارون مطرح شده است. شالامه آخرین بار با فیلم «مارتی سوپریم» روی پرده سینماها حضور داشت و در «تلماسه ۳» نیز ایفای نقش می‌کند. / **خبرآنلاین**

گفت‌وگوی «ایران» با **وحید تاج** به مناسبت زادروز اردشیر کامکار

تجلی نبوغ و اصالت در نغمه‌های ماندگار

گروه فرهنگی - ندا سیجانی / وحید تاج، خواننده موسیقی ایرانی، از هنرمندانی است که از دوران کودکی با آثار خانواده کامکارها آشنا بوده و بعدها فرصت همکاری با اردشیر کامکار را نیز پیدا کرده است. او موسیقی این خاندان را از منابع الهام خود در خوانندگی و آهنگسازی می‌داند و معتقد است اتحاد، همدلی و تعامل مستمر اعضای این خانواده، در کنار توانایی‌های فردی‌شان، رمز ماندگاری و تأثیرگذاری آنهاست. تاج در این گفت‌وگو به مناسبت زادروز اردشیر کامکار(۲۸ آبان)، از خاطرات همکاری با این هنرمند، علاقه‌اش به موسیقی کردی و جایگاه خانواده کامکارها در تاریخ موسیقی ایران سخن گفته است.



از آشنایی و همکاری خود با اردشیر کامکار بگویید؟

سال‌هاست با موسیقی خاندان کامکارها زندگی می‌کنم و آثارشان را می‌شناسم. از دوران کودکی نام این خانواده را در موسیقی می‌شنیدم. جالب است بدانید که از طریق آثارشان به موسیقی کردی علاقه‌مند شدم و حتی یاد گرفتم به زبان کردی بخوانم. در دوره‌ای از فعالیت هنری‌ام، قطعات کردی بسیاری را تمرین کردم و خوشحالم که فرصت آشنایی با این زبان و موسیقی را پیدا کردم. در سال‌هایی که در تهران فعالیت می‌کردم، با اردشیر کامکار آشنا شدم و مدتی فرصت همکاری با ایشان و حضور در گروهشان را داشتم.

آیا علاقه‌تان به موسیقی کردی در اجراها و کنسرت‌ها نیز نمود پیدا کرده است؟

بله، هرزمان فرصت فراهم شده، به‌ویژه در شهرهای کردنشین و مناطقی که هموطنان کردمان حضور دارند، موسیقی کردی اجرا کرده‌ام. البته در همکاری با اردشیر کامکار، من قطعات فارسی را می‌خواندم و حشمت‌الله رجب‌زاده، از خوانندگان خوب موسیقی فولک و سنتی، بخش‌های محلی را اجرا می‌کرد. استاد فرج علیپور نیز در این بخش به گروه اضافه می‌شدند.

در همکاری با اردشیر کامکار چه آثاری تولید شد؟

بیشتر همکاری ما در قالب کنسرت بود. اردشیر کامکار در آلبوم «زندان شب یلدا» به آهنگسازی سلمان سالک، نوازندگی کمانچه را برعهده داشتند و من نیز در آن آلبوم، ساز و آوازهایی با همراهی ساز ایشان اجرا کردم. در آلبوم دیگری که بعدها با آهنگسازی آزاد عمرانی منتشر شد نیز از هنر کمانچه‌نوازی اردشیر کامکار استفاده شد و من در آن اثر خواندم. البته پیش از این آثار، آلبومی به نام «زهی عشق» با آهنگسازی خود اردشیر کامکار ضبط کرده بودیم که تاکنون منتشر نشده است. شاید دشواری‌های تولید و انتشار آلبوم در سال‌های اخیر یکی از دلایل این اتفاق باشد. در این آلبوم، علاوه بر اردشیر کامکار، هنرمندانی همچون کامبیز گنجه‌ای، قاسم رحیم‌زاده و نیریز کامکار نیز حضور داشتند.

تجربه همکاری با آهنگسازی مانند اردشیر کامکار چه تفاوتی با همکاری با دیگر آهنگسازان دارد؟

هر آهنگسازی ویژگی‌های منحصربه‌فرد خود را دارد و به نظرم نمی‌توان آنها را در رده‌بندی کرد. اما آنچه در سال‌های آشنایی و همکاری با اردشیر کامکار برایم برجسته بوده، سادگی موسیقی ایشان در کنار تکنیک بالا و احساس فراوان است. معتقدم ویژگی‌های شخصیتی افراد تا اندازه‌ای در موسیقی آنها نیز بازتاب پیدا می‌کند. اردشیر کامکار با وجود اقتدار و توانایی تکنیکی بالا در نوازندگی، نوعی سادگی و صمیمیت در موسیقی خود دارد که برای مخاطب قابل درک است.

جهان موسیقایی اردشیر کامکار چه تأثیری بر نگاه شما به موسیقی و آهنگسازی داشته است؟

من آهنگسازی خوانده‌ام و همیشه تلاش کرده‌ام موسیقی را از منظری پیشرو دنبال کنم و در عین حال از بزرگان این هنر، از جمله خاندان کامکارها و به‌ویژه اردشیر کامکار، الهام بگیرم. یکی از ویژگی‌هایی که در آهنگسازی برایم اهمیت زیادی دارد، هیجان، ریتم و اَکت یا ضرباهنگ موسیقی است. برای رسیدن به این ویژگی‌ها، همواره به رپرتوار غنی، تکنیکی و در عین حال پراحساس خانواده کامکارها رجوع کرده‌ام و از آن تأثیر گرفته‌ام.

از خاطرات همکاری با اردشیر کامکار، لحظه‌ای هست که همچنان در ذهن شما مانده باشد؟

بله، خاطره‌ای از سفر به سنندج دارم. برای اجرای کنسرت به این شهر رفته بودیم و یک روز به اتفاق اردشیر کامکار و یکی از دوستان به بازار سنندج رفتیم. مردم خونگرم و مهمان‌نواز کردستان احترام زیادی برای ایشان قائل بودند. این اتفاق برایم بسیار جالب و تأثیرگذار بود. وقتی هنرمندی در بطن جامعه چنین جایگاهی دارد و حتی یک پیرمرد ۷۰ یا ۸۰ ساله او را می‌شناسد و برایش احترام قائل است، نشان می‌دهد موسیقی او تا چه اندازه در ذهن و اندیشه مردم جای گرفته است.

راز تداوم و تأثیرگذاری هنری خانواده کامکارها چیست؟

واقعاً خوشحالم که در کشور ما خانواده‌ای وجود دارد که بخش مهمی از تاریخ موسیقی ایران مدیون تلاش‌ها، پژوهش‌ها، آهنگسازی‌ها و نوازندگی اعضای آن است. هر یک از اعضای خانواده کامکارها به صورت مستقل هنرمندی توانمند و برجسته هستند، اما از نظر من، اتحاد و همدلی آنها اهمیت ویژه‌ای دارد. ویژگی دیگر این خانواده، رنگ‌آمیزی سازها و مکمل بودن توانایی اعضا در کنار یکدیگر است. نمی‌توان تأثیر اردشیر کامکار را در تاریخ موسیقی ایران نادیده گرفت؛ همان‌طور که ارسلان کامکار با آثاری مانند موسیقی فیلم «مادر» جایگاه ویژه‌ای دارد. آهنگسازی‌های هوشنگ کامکار، نقش بیژن کامکار در معرفی و گسترش ساز دف در موسیقی ایرانی، توانایی قشنگ کامکار در سه‌تارنوازی و هنر پشنگ و ارژنگ کامکار نیز هر یک قابل توجه است. یکی از بخش‌های مورد علاقه من در اجراهای گروه کامکارها، همخوانی و کرال اعضای این خانواده است؛ به‌ویژه صدای باس پشنگ کامکار و همراهی دیگر اعضا. اگر نگاهی به آلبوم‌های ماندگار موسیقی ایران داشته باشیم، ردپای خانواده کامکارها را در بسیاری از آنها می‌بینیم؛ آثاری که در آنها نوازندگی یا آهنگسازی کرده‌اند و نقش مؤثری داشته‌اند. به اعتقاد من، درباره این خانواده می‌توان چندین جلد کتاب نوشت و ساعت‌ها فیلم مستند ساخت. من معمولاً اهل مصاحبه نیستم، اما وقتی صحبت از اردشیر کامکار شد، با کمال میل پذیرفتم؛ چراکه برای ایشان و خانواده بزرگ کامکار احترام و ارادت ویژه‌ای قائلم.

اگر بخواهید به مناسبت زادروز اردشیر کامکار پیامی خطاب به ایشان داشته باشید.

زادروز استاد اردشیر کامکار عزیز را تبریک می‌گویم. برایم باعث افتخار است که خودم نیز متولد آبان هستم و در این ماه، زادروز بزرگان موسیقی، از جمله استاد اردشیر کامکار را جشن می‌گیریم. از صمیم قلب برایشان آرزوی سلامتی دارم و امیدوارم سایه‌شان همیشه برقرار باشد.

صحنه

هری پاتر؛ سفری از جهان جادو تا کشف حقیقت

روایتی از دوستی، شجاعت و پسری که در میانه تاریکی، معنای انتخاب را می‌آموزد



گروه فرهنگی / بعضی داستان‌ها از جایی آغاز می‌شوند که جهان معمولی آدم‌ها به پایان می‌رسد؛ از لحظه‌ای که دری پنهان گشوده می‌شود و آنچه تا دیروز ناممکن به نظر می‌رسید، پیش چشممان جان می‌گیرد. «هری پاتر» از همین نقطه آغاز می‌شود؛ داستان پسری که در آستانه نوجوانی درمی‌یابد جهان، بسیار بزرگ‌تر و شگفت‌انگیزتر از آن چیزی است که می‌شناخته است. نمایش «هری پاتر» به نویسندگی و کارگردانی شایان بهمنی، روایتی نمایشی از زندگی هری پاتر بر اساس چهار جلد اول مجموعه رمان‌های جی. کی. رولینگ است. هری که سال‌های کودکی را در خانه خویشاوندانش و دور از حقیقت گذشته خود سپری کرده، با ورود به مدرسه هاگوارتز قدم به جهانی می‌گذارد که در آن جادو، دوستی، رقابت و خطر درهم تنیده‌اند. او در کنار دوستانش، رون و هرماینی، به‌تدریج با رازهایی روبه‌رو می‌شود که نه‌تنها گذشته، بلکه سرنوشت آینده‌اش را نیز شکل می‌دهند. اما جهان هری پاتر تنها به سرزمین طلسم‌ها و موجودات عجیب محدود نمی‌شود. در پس ماجراهای جادویی، داستانی از تنهایی، فقدان، دوستی و ایستادگی در برابر تاریکی جریان دارد. هری در مسیر شناخت خود درمی‌یابد که شجاعت همیشه به معنای نترسیدن نیست؛ گاهی شجاعت یعنی با وجود ترس، راه درست را انتخاب کنی. در این جهان، آنچه آدم‌ها را از یکدیگر متمایز می‌کند، بیش از قدرت و توانایی‌هایشان، انتخاب‌هایی است که در لحظه‌های دشوار انجام می‌دهند. بهمنی با انتقال این جهان داستانی به صحنه تئاتر، فرصتی فراهم کرده است تا مخاطبان بار دیگر با شخصیت‌هایی همراه شوند که برای نسل‌های مختلف، بخشی از خاطره و تخیل جمعی بوده‌اند. «هری پاتر» تلاشی برای بازآفرینی جهان پرماجرای رولینگ در قالب اجرایی زنده است؛ جهانی که در آن مرز خیال و واقعیت، دست‌کم برای مدتی، از میان برداشته می‌شود. نمایش «هری پاتر» ابتدا از ۶ خرداد به مدت ۴۳ شب در تماشاخانه مهرگان روی صحنه رفت و میزبان ۶ هزار تماشاگر شد. این اثر از ۱۸ شهریور اجرای خود را در سالن بلک باکس ایران‌مال از سر گرفت و تاکنون بیش از ۶ هزار مخاطب را میزبانی کرده است. اجرای این نمایش همچنان هرشب ساعت ۲۰ در سالن بلک باکس مجموعه ایران‌مال ادامه دارد.

ابوالحسن داوودی، داور جشنواره ملی «آب به قیمت جان»:

ترجیح می‌دهیم در سینما بحران آب را نبینیم

گروه فرهنگی / نرگس عاشوری: بطری‌ای در باد تاب می‌خورد و هربار به کلید مورس برخورد می‌کند؛ بازماندگان یک زیردریایی گمان می‌کنند هنوز کسی زنده است. ابوالحسن داوودی، سازنده فیلم‌های «زاد بوم»، «رخ دیوانه»، «تقاطع»، «مرد بارانی» و «هزارپا»، این تصویر از فیلم «در ساحل» را اولین خاطره ماندگارش از آب می‌داند. او که داور بخش داستانی دومین جشنواره ملی «آب به قیمت جان» بود، در فیلم‌های کوتاه این دوره، آب را بیشتر شاعرانه و احساسی دیده و کمتر به کارکرد مهم سینما، یعنی تأثیرگذاری بر رفتار مردم، توجه کرده است. داوودی معتقد است فیلمسازان هنگام مواجهه با پیامدهای بحران آب و سبک زندگی اسراف‌گرانه، با فجایعی چنان بزرگ روبه‌رو می‌شوند که ترجیح می‌دهند از نشان دادن آنها بگذرند. به اعتقاد او، این همان فرهنگی است که برخی مسائل دردناک را نادیده می‌گیرد؛ در حالی که باید درباره آنها بسیار صحبت کرد.

تصویری از آب در سینما دارید که هنوز با شما مانده باشد؟ تصویری که فراموشش نمی‌کنید؟

بله، فیلم‌های زیادی به یادم می‌آید، اما فکر می‌کنم اولین تصویر ماندگار آب برای من، فیلم «در ساحل» بود؛ از فیلم‌های قدیمی آخرالزمانی آمریکا. داستان درباره جنگ اتمی گسترده‌ای است که دنیا را نابود کرده و تنها بازماندگانش سرنشینان یک زیردریایی نظامی هستند. فیلم، سرگردانی این افسران و سربازان را در پهنه بی‌پایان آب نشان می‌دهد، تا اینکه صدای مورس به گوش می‌رسد و آنها به ساحل برمی‌گردند. در شهری مخروبه، کسی با لباس ضداشعه به محل صدا می‌رود و می‌بیند بطری‌ای با وزش باد تکان می‌خورد و هر بار به کلید دستگاه مورس برخورد می‌کند. فیلم با ناامیدی کامل به پایان می‌رسد. آنجا برای اولین بار دیدم آب چگونه می‌تواند هم نجات‌دهنده باشد و هم زندانی بزرگ. در «استاکر» تارکوفسکی نیز چاله‌های آب در فضای بیرون و داخل ساختمان و تصویر بارانی که زیر سقف خانه می‌بارد، تأثیرحسی و روانی عجیبی بر من گذاشت. این تصویر استعاری بعدها در فیلم‌های دیگر تکرار شد، اما اثرش در آن فیلم همچنان با من مانده است؛ هرچند سینمای تارکوفسکی چندان با سلیقه من سنخیت نداشت.

داوری در این جشنواره برای شما دغدغه‌ای شهروندی بود یا کاری صنفی؟

قطعاً دغدغه شهروندی. اهمیت مسأله آب و شرایط بحرانی کشور برایم مهم بود؛ بویژه نقشی که سینما می‌تواند در تغییر رفتار اجتماعی، سبک زندگی و شیوه مصرف و مدیریت منابع آبی داشته باشد.

دبیر جشنواره گفته بود حتی یک سکانس درباره صرفه‌جویی می‌تواند بر جامعه اثر بگذارد. شما به این نگاه باور دارید؟

در داوری فیلم‌های کوتاه با مشکلی روبه‌رو شدم. به نظرم نگاه فیلمسازان به آب، به جای تمرکز بر تأثیرگذاری بر رفتار مخاطب و اهمیت مصرف درست آب، بیشتر فلسفی، شاعرانه، احساسی و حتی سیاسی بود. این رویکردها لزوماً بد نیستند، اما مهم‌ترین نقشی را که سینما می‌تواند ایفا کند، یعنی تأثیرگذاری بر رفتار جامعه و سبک زندگی مخاطبان در مواجهه با آب، تقریباً در هیچ‌کدام از فیلم‌ها ندیدم.

آب در سینمای ما اغلب حضوری شاعرانه دارد و کم‌آبی کمتر به‌عنوان یک بحران مطرح می‌شود؛ چرا؟

به نظرم ما فیلمسازها وقتی به پیامدهای بحران آب و ارتباط آن با اسراف و سبک زندگی نادرست فکر می‌کنیم، با خودمان می‌گوییم اگر نتایج حاد آن را نشان دهیم، با فجایعی چنان بزرگ روبه‌رو می‌شویم که ترجیح می‌دهیم هم خودمان و هم مخاطب از کنارشان بگذریم. این همان فرهنگی است که دوست دارد بعضی مسائل دردناک را نبینند. این رویکرد بسیار بد است و باید درباره آن صحبت و برای تغییرش کار کرد.



سینما چطور می‌تواند در این زمینه جریان‌ساز شود؟ بیست سال دیگر، از فیلم‌های امروز چه چیزی از ما باقی می‌ماند؟

سینما ظرفیت آن را دارد که در هر موضوع حیاتی جریان‌ساز شود، اما اگر آب صرفاً کارکردی تصویری در فیلم‌ها داشته باشد، نمی‌توان چنین نقشی برای این رسانه قائل شد. راستش فیلم‌های ما همین حالا هم حرف چندانی برای گفتن ندارند، چه برسد به آینده. آنها نمی‌توانند چنان تأثیری بگذارند که ۱۰ یا ۲۰ سال بعد شاهد تغییری در رفتار اجتماعی باشیم.

آگهی مزایده اجاره
سازمان مدیریت حمل و نقل مسافر کرمانشاه
(شماره مزایده مرجع) ۱۴۰۵/۷

سازمان مدیریت حمل و نقل مسافر

در نظر دارد فروش ضایعات فولادی و روغن سوخته را از طریق مزایده عمومی و با جزئیات مندرج در اسناد مزایده، با بهره‌گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (www.setadiran.ir) با شماره مزایده ۱۰۰۵۰۰۳۴۰۰۰۰۰۱ به صورت الکترونیکی واگذار نماید.
لذا از علاقمندان، دعوت به عمل می‌آید جهت کسب اطلاعات بیشتر و اخذ اسناد مزایده از تاریخ نشر آگهی به سامانه تدارکات دولت مراجعه نمایند.
زمان انتشار در سایت: تاریخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۴ ساعت ۸
مهلت دریافت اسناد مزایده: ۱۴۰۵/۰۸/۲۸ ساعت ۱۹
تاریخ بازدید: از ۱۴۰۵/۰۸/۲۴ لغایت ۱۴۰۵/۰۸/۳۰
آخرین مهلت ارسال پیشنهاد قیمت: ۱۴۰۵/۰۸/۲۲ ساعت ۱۹
زمان بازگشایی: ۱۴۰۵/۰۹/۱۰ ساعت ۱۰
زمان اعلام به برنده: ۱۴۰۵/۰۹/۱۱ ساعت ۱۰
ضمانت‌نامه موارد ذیل الزامی می‌باشد.
۱) توصیه می گردد قبل از ارائه پیشنهاد از موضوع مزایده بازدید به عمل آورید.
۲) برگزاری مزایده صرفا از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت می‌باشد و کلیه مراحل فرآیند مزایده شامل خرید و دریافت اسناد مزایده، پرداخت تضمین شرکت در مزایده (ودیعه)، ارسال پیشنهاد قیمت، بازگشایی پاکت، اعلام برنده و ... در بستر سامانه ستاد امکان پذیر می باشد.
۳) سازمان مدیریت حمل و نقل مسافر شهرداری کرمانشاه در قبول یا رد پیشنهادهای واصله مختار خواهد بود.
۴) به هر دلیلی برندگان اول و دوم در مزایده ظرف مدت ۷ روز کاری حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده شرکت در مزایده آنان به ترتیب ضبط خواهد شد.
۵) سایر جزییات و شرایط در اسناد مزایده درج شده است.
سازمان مدیریت حمل و نقل مسافر شهرداری کرمانشاه

فراخوان عمومی
شهرداری کرمانشاه
سازمان مدیریت حمل و نقل بار
نوبت اول
بدینوسیله به اطلاع همشهریان گرامی می رساند:
سازمان مدیریت حمل و نقل بار شهرداری کرمانشاه
در نظر دارد بخشی از خدمات این سازمان را برابر دستورالعمل به بخش خصوصی واجد شرایط واگذار نماید.
متقاضیان می‌توانند جهت اطلاع از شرایط و مدارک مورد نیاز از تاریخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۱ به مدت ۱۰ روز کاری به این سازمان مراجعه نمایند.
نشانی: کرمانشاه، سه‌راه ۲۲ بهمن، کوی نیلوفر شرقی
سازمان مدیریت حمل و نقل بار شهرداری
مجید کیانیان – سرپرست سازمان مدیریت حمل و نقل بار

آگهی مزایده عمومی
شماره مزایده ۱۴۰۵-۲۰۱-۰۰۳-۱-۰۱-۰۰۹ نوبت‌دوم
نام دستگاه مزایده گزار: شرکت سهامی خاص سنگ آهن مرکزی ایران- بافق
- موضوع مزایده: فروش مقدار ۵۰ هزار تن محصول سنگ آهن دانه بندی به‌صورت تحویل در معدن سنگ آهن مرکزی ایران- بافق به شرح ذیل:

Size	FeO	Fe
-۱۰	۱۳ ±۱	۴۲±۱

- مبلغ و نوع سپرده شرکت در مزایده: مبلغ ۶۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال (شصت میلیارد ریال)
الف) یک فقره چک بانکی به نفع شرکت سنگ آهن مرکزی ایران-بافق
ب) واریز وجه نقد به‌حساب شماره ۰۱۱۰۳۹۱۸۹۲۰۰۰ بانک ملی شعبه آهنشهر کد ۳۵۶۵ یا شبا به شماره IR ۸۰۰۱۷۰۰۰۰۰۰۰۱۱۰۳۹۱۸۹۲۰۰۰ در وجه شرکت سهامی خاص سنگ آهن مرکزی ایران
- زمان فروش اسناد: از تاریخ ۱۴۰۵/۰۸/۲۶ لغایت ۱۴۰۵/۰۹/۰۷
- زمان تحویل اسناد مزایده: تا آخر ساعت اداری ۱۴ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۶
- محل تحویل اسناد مزایده: یزد- میدان امام حسین-جنب بنیاد شهید- شرکت سنگ آهن مرکزی ایران-دبیرخانه کمیسیون معاملات
- زمان بازگشایی اسناد: روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۷
- نحوه خرید اسناد: درخواست کتبی خرید اسناد به ایمیل: sale@icioc.ir
- حضور شرکت‌کنندگان در زمان بازگشایی پاکات بلامانع است.
جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ذیل تماس حاصل فرمایید.
تلفن: ۰۳۵-۳۱۴۵۲۴۴۹
پست الکترونیکی: sale@icioc.ir
شرکت سهامی خاص سنگ آهن مرکزی ایران-بافق



پذیرش آگهی‌های روزنامه ایران ۱۸۷۷

کودکان مراقب

معرفی مجموعه بچه زبل‌ها به مناسبت روز جهانی کودک

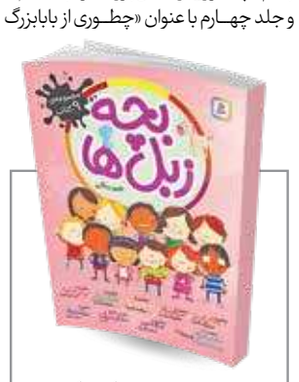


مجموعه «بچه‌زبل‌ها» را می‌توان پلی امن و مفرح میان جهان بی‌تکلف خردسالی و دنیای پرتنش بزرگسالی دانست. این اثر، والدین و مربیان را از ابزارهای تکراری تنبیه و نهیب زدن بی‌نیاز می‌کند

ادبیات کودک

بهار خسروی
گروه کتاب

کودکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین دوره‌های زندگی هر انسانی محسوب می‌شود؛ تا جایی که در سطح جهانی ۲۰ نوامبر به عنوان «روز جهانی کودک» شناخته می‌شود. اهمیت این دوره تنها به رشد جسمی و شکل‌گیری توانایی‌های فردی محدود نیست، بلکه تجربه‌ها و آموخته‌های کودکی می‌توانند بر نگرش و رفتار انسان در سال‌های بعد نیز اثر بگذارند. در این میان، ادبیات کودک فرصتی فراهم می‌کند تا کودکان از راه داستان، موقعیت‌های تازه را تجربه کنند و درباره خود و جهان پیرامونشان بیاموزند. ادبیات داستانی کودکان، سال‌هاست که از الگوهای تعلیمی خشک و پندهای مستقیم فاصله گرفته است. روان‌شناسی رشد نشان می‌دهد کودک خردسال در برابر دستورهای آمرانه مقاومت روانی نشان می‌دهد، اما هنگامی که خودش را در جایگاه یک تصمیم‌گیرنده یا راوی یک قصه ببیند، با اشتیاق یاد می‌گیرد و مسئولیت رفتارهایش را کم‌کم به دوش می‌کشد. مجموعه کتاب‌های مصور «بچه‌زبل‌ها» نوشته جین ریگان توسط واحد کتاب‌های بنفشه انتشارات قدیانی در قالب یک مجموعه کامل ۹ جلدی ترجمه و منتشر شده است. این کتاب‌ها در فهرست پرفروش‌های نیویورک تایمز قرار دارد و با واژگون‌سازی هوشمندانه نقش‌های معمول میان دنیای کودکان و بزرگسالان، تجربه‌ای سرشار از همدلی و رشد فردی خلق می‌کند. محور اصلی ساختار داستان‌ها در تمامی این آثار، استفاده از فرم بازیگوشانه دفترچه راهنما یا دستورالعمل‌های گام‌به‌گام از زاویه دید اول شخص کودک است. نویسنده با ظرافت، ۹ موقعیت کلیدی از زیست روزمره و عاطفی خردسالان را در این جلدها دستمایه روایت قرار داده است. در جلد اول با نام «چطوری مامان را بزرگ کنم؟»، کودک به شکلی طنزآمیز وظایف مراقبت از مادر و همراهی با او در خانه را برعهده می‌گیرد. در جلد دوم با عنوان «چطوری بابا را غافلگیر کنم؟»، ماجرای برنامه‌ریزی‌های شاد و راه‌های خوشحال کردن پدر در کانون توجه است. جلد سوم با نام «چطوری از مامان بزرگ مراقبت کنم؟» و جلد چهارم با عنوان «چطوری از بابابزرگ مراقبت کنم؟»، کودک را به هم‌بازی و مراقب دلسوز پدربزرگ و مادربزرگ تبدیل می‌کنند. جلد پنجم با عنوان «چطوری برای مامان‌بزرگ و بابابزرگ کتاب بخوانم؟»، فضایی گرم از کتابخوانی اشتراکی را میان دو نسل متفاوت به تصویر می‌کشد. در جلد ششم با نام «چطوری به نی‌نی جدید خوشامد بگویم؟»، یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های روانی کودکان یعنی تولد نوزاد تازه و مدیریت حسادت ناشی از آن بررسی می‌شود. جلد هفتم با عنوان «چطوری معلم را آماده کنیم؟»، ماجرای ورود به مهدکودک و مدرسه را با زبانی امن روایت می‌کند. در نهایت، جلد هشتم با نام «چطوری عاشق مامان‌بزرگ باشم؟» به زبان مهرورزی و ابراز عشق در خانواده می‌پردازد و جلد نهم با عنوان «چطوری از بزرگ‌ترها مراقبت کنم؟»، راهکارهای شوخ‌طبعانه کودک برای درک خستگی‌ها و مشغله‌های بزرگسالان را به تصویر می‌کشد. شاید درخشان‌ترین ویژگی مفهومی این مجموعه، تمرکز ویژه آن بر ترمیم شکاف نسلی باشد. در زندگی شتاب‌زده و آپارتمان‌نشین امروز، روابط کودکان با نسل پیشین گاه کمرنگ و محدود می‌شود. جلدهایی که به پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها اختصاص یافته‌اند، سالمندان را نه به‌عنوان انسان‌هایی ناتوان و حاشیه‌ای، بلکه رفقایی صمیمی، شریک در بازی و شایسته محبت بی‌قید و شرط به کودک معرفی می‌کنند. اثر بدون ذره‌ای شعارزدگی و نصیحت، نشان می‌دهد که بزرگ‌ترها چقدر از شنیدن یک داستان با لحن کودکانه، قدم زدن در پارک یا حتی یک بازی ساده به وجد می‌آیند.



مجموعه بچه زبل‌ها

- نویسنده: جین ریگان
- مترجم: واحد ترجمه کتاب‌های بنفشه
- انتشارات: قدیانی

درمانگری غیرمستقیم

از منظر روان‌شناختی، شگرد روایی وارونه‌سازی نقش‌ها در این کتاب‌ها، نوعی درمانگری غیرمستقیم برای حل تعارضات رفتاری است. برای نمونه، در کتاب «چطوری به نی‌نی جدید خوشامد بگویم؟» به کودک دستور داده نمی‌شود که نسبت به نوزاد حسادت نداشته باشد، بلکه با دادن نقش یک میزبان کاربلد و حمایتگر به او، حسادت احتمالی به غرور و حس برادر یا خواهر بزرگ‌تر بودن بدل می‌شود. همچنین در کتاب «چطوری معلم را آماده کنیم؟»، به جای آنکه کودک از روز اول مدرسه و معلم غریبه بترسد، چنین فرض می‌کند که ممکن است آموزگار دچار استرس و خجالت شده باشد؛ بنابراین وظیفه خود می‌داند که وارد کلاس شود و فضا را برای معلم آرام و امن کند. این دگرگونی زاویه دید، تمام اضطراب‌های جدایی و هراس از موقعیت ناشناخته را خنثی می‌سازد. بخش مهمی از موفقیت بصری و اثرگذاری کتاب‌ها، بر دوش طراحی‌های آن است. تصویرگری‌های پرنشاط، رنگ‌آمیزی‌های زنده و بویژه تأکید بر حالات چهره و میمیک شخصیت‌ها سبب شده تضادهای کمیک میان برنامه‌های کودکانه و چهره مهربان اما مستأصل بزرگ‌ترها به بهترین شکل متجلی شود؛ ویژگی قابل توجهی که باعث می‌شود حتی کودکان پیش از سن سوادآموزی نیز با ورق زدن تصاویر، سیر داستان را دنبال کنند و از جزئیات شوخ‌طبعانه حاشیه صفحات لذت ببرند. در نهایت مجموعه ۹ جلدی «بچه‌زبل‌ها» را می‌توان پلی امن و مفرح میان جهان بی‌تکلف خردسالی و دنیای پرتنش بزرگسالی دانست. این اثر، والدین و مربیان را از ابزارهای تکراری تنبیه و نهیب زدن بی‌نیاز می‌کند و به آنها کمک می‌کند تا درباره احساسات کودک گفت‌وگو کنند، نه اینکه صرفاً رفتار او را کنترل کنند. این مجموعه نشان می‌دهد که بزرگ‌ترها نیز می‌توانند یاد بگیرند و رشد کنند.

بازی و قصه

بازی، در کنار قصه و کتاب، بخشی مهم از تجربه کودکی است؛ تجربه‌ای که به خیالپردازی فرصت می‌دهد و کودک را با دیگران همراه می‌کند. کودک در بازی فقط سرگرم نمی‌شود؛ نقش‌های مختلف را آزمایش می‌کند، قواعد را می‌شناسد و در کنار همسالانش راه‌هایی برای مشارکت و همکاری پیدا می‌کند. بازی‌های جمعی فضایی می‌سازند که در آن حرکت و گفت‌وگو با هم ترکیب شده و خاطره‌هایی مشترک شکل می‌گیرند. با این حال، بسیاری از بازی‌های جمعی و سنتی برای کودکان امروز کمتر شناخته شده‌اند؛ شاید چون فرصت اجرای آنها در زندگی روزمره کمتر فراهم می‌شود و سرگرمی‌های تازه، جای بخشی از این تجربه‌ها را گرفته‌اند. مجموعه ۱۰ جلدی «یک قصه، یک بازی» نوشته پروین پناهی که در انتشارات قدیانی منتشر شده، از جمله آثاری است که می‌کوشد میان قصه‌خوانی و آشنایی با بازی‌های گروهی پیوند برقرار کند. عنوان‌های مجموعه عبارت‌اند از: «آفتاب مهتاب چه رنگه»، «بالا بلندی دختر هندی»، «تاب‌تاب خمیر شیشه پرپیر»، «آسیاب بچرخ می‌چرخم»، «هفت‌سنگ»، «نان بیار کباب ببر»، «گرگم و گله می‌زنم»، «عمو زنجیرباف»، «یه مرغ دارم» و «الک و دولک». بسیاری از این عنوان‌ها بزرگسالان را به یاد بازی‌ها و ترانه‌های دوران کودکی‌شان می‌اندازند. برای کودکان امروز نیز این کتاب‌ها فرصتی‌اند تا با بازی‌هایی آشنا شوند که شاید کمتر در زندگی روزمره تجربه کرده باشند. بازی آفتاب مهتاب چه رنگه، مجموعه‌ای از متل‌های کودکانه است که بر بازی گروهی تکیه دارد. بازی، کودک را از جایگاه شنونده یا خواننده صرف بیرون می‌آورد و او را به مشارکت در بخشی از روایت دعوت می‌کند. بازی آفتاب مهتاب، بازی‌ای محلی و گروهی است؛ فعالیتی که حرکت، ارتباط با دیگران و شادی جمعی را در کنار هم قرار می‌دهد. بنابراین، قصه در اینجا تنها وسیله‌ای برای سرگرمی نیست؛ می‌تواند مقدماتی برای آشنایی با یک بازی و تجربه آن فراهم کند. در بازی گرگم و گله می‌زنم، یک کودک نقش گرگ را دارد، یک کودک چوپان است و دیگران در صف گوسفندان پشت سر چوپان قرار می‌گیرند. گرگ می‌کوشد یکی از گوسفندان را جدا کند و چوپان و گله با حرکت هماهنگ در برابر او مقاومت می‌کنند. گفت‌وگوی آهنگین میان نقش‌ها، بخشی از جذابیت بازی است و به کودکان کمک می‌کند جریان بازی را دنبال کنند. در اینجا روایت، شخصیت‌ها و حرکت از هم جدا نیستند؛ کودک هم در شنیدن و گفتن مشارکت می‌کند و هم با دیگران بازی را پیش می‌برد. هفت‌سنگ نیز بر همکاری گروهی و رعایت قوانین و قواعد تأکید دارد. کودکان در این بازی باید به نوبت عمل کنند، موقعیت را بسنجند و در هماهنگی با هم گروهی‌هایشان تصمیم بگیرند. چنین بازی‌هایی می‌تواند فرصتی برای تمرین توجه به قواعد و همکاری باشد؛ البته این مهارت‌ها خودبه‌خود و صرفاً با خواندن کتاب شکل نمی‌گیرند و به مشارکت واقعی کودکان و همراهی مناسب بزرگسالان وابسته‌اند.



مجموعه‌داستان یک قصه، یک بازی

- نویسنده: پروین پناهی
- انتشارات: قدیانی

پیوند قصه و بازی، مجموعه را از کتابی صرفاً خواندنی فراتر می‌برد. در هر جلد، نام یک بازی آشنا یا کمتر شناخته شده، کودک و همراهانش را به تجربه‌ای جمعی دعوت می‌کند؛ تجربه‌ای که با شنیدن و گفتن، حرکت و همراهی شکل می‌گیرد. از این منظر، بازی ادامه قصه است: کودک می‌تواند پس از آشنایی با آن، قواعد را کشف کند، نقش‌ها را بشناسد و در کنار همسالانش بازی را امتحان کند. کودکان در جریان بازی با نوبت‌گرفتن، پیروی از قواعد و تصمیم‌گیری در کنار دیگران روبه‌رو می‌شوند. البته نتیجه این تجربه از پیش تضمین شده نیست؛ شیوه اجرای بازی، فضای در دسترس و آمادگی کودکان در آن نقش دارد. همراهی بزرگسال نیز زمانی سودمند است که به توضیح و فراهم کردن شرایط محدود بماند و فرصت کشف و انتخاب را از کودک نگیرد. ویژگی اصلی مجموعه «یک قصه، یک بازی» در کنار هم قراردادن قصه و فعالیت گروهی است. این پیوند، کتابخوانی را به فرصتی برای گفت‌وگو، حرکت و مشارکت تبدیل می‌کند و می‌تواند کودکان را با بخشی از بازی‌های سنتی آشنا کند.

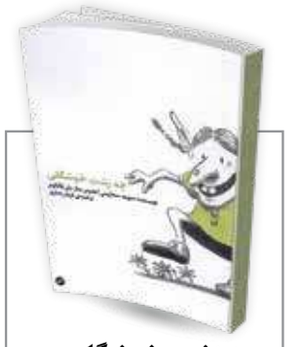
زشت و زیبا

سنجش زیبایی یا زشتی در چه زشت خوشگلی

زیبایی و زشتی همیشه معنایی روشن و یکسان ندارند؛ آنچه در چشم گروهی زیباست، ممکن است برای گروهی دیگر عجیب یا ناپسند باشد. نگاه ما به چهره‌ها، بیش از آن‌که بر حقیقتی ثابت تکیه داشته باشد، از عادت‌ها و معیارهایی شکل می‌گیرد که در جامعه آموخته‌ایم. کتاب مصور «چه زشت خوشگلی» نوشته دیوید سداریس و ترجمه فرناز رضاپور که در انتشارات اتفاق منتشر شده، قصه‌ای طنزآمیز درباره زیبایی، تفاوت و نگاه دیگران است. قهرمان داستان، آنا فن اوگر، غول‌دختری است که در دنیایی زندگی می‌کند که معیارهای زیبایی‌اش با معیارهای انسان‌ها تفاوت دارد. همین جابه‌جایی ساده، نقطه آغاز ماجرایی است که خواننده را به پرسشی آشنا اما مهم می‌رساند: چه کسی تعیین می‌کند کدام چهره زیباست و کدام زشت؟ در دنیای آنا، چهره‌هایی که ممکن است برای انسان‌ها ترسناک یا نازیبا به نظر برسند، زیبا و دوست‌داشتنی‌اند. روزی ظاهر آنا تغییر می‌کند و او صورتی شبیه دخترکی انسانی، گل‌گون و بامزه پیدا می‌کند. آنا از چهره تازه‌اش راضی نیست و می‌کوشد ظاهر پیشین خود را بازگرداند؛ ظاهری که در جامعه خودش زیبا به حساب می‌آید. این وارونگی، اوج طنز داستان است. سداریس معیارهای آشنای خواننده را جابه‌جا می‌کند تا نشان دهد زیبایی مفهومی مطلق و یکسان نیست. آنچه در یک جمع مطلوب و دلنشین به شمار می‌رود، ممکن است در جمعی دیگر عجیب یا حتی ناپسند باشد. قصه به جای آن‌که درباره زیبایی حکم قطعی صادر کند، خواننده را وادار می‌کند از خودش بپرسد: وقتی کسی را زیبا یا زشت می‌نامیم، این داوری از کجا می‌آید؟ از ویژگی‌های خود چهره یا از عادت‌هایی که در ذهن‌مان شکل گرفتند؟

معیار زیبایی چیست؟

ماجرای آنا فقط درباره ظاهر نیست؛ درباره تجربه ناخواسته متفاوت بودن نیز هست. او چهره‌ای پیدا می‌کند که انتخابش نکرده و با واکنش‌هایی روبه‌رو می‌شود که بر آن کنترلی ندارد. همین موقعیت برای کودکان می‌تواند نکته مهمی را به دنبال داشته باشد: گاهی دیگران ما را براساس ویژگی‌هایی می‌سنجند که خودمان انتخاب نکرده‌ایم. داستان با گفت‌وگوها و موقعیت‌هایی خیال‌انگیز، این تجربه را به قصه‌ای سرگرم‌کننده تبدیل می‌کند و در عین حال فرصت گفت‌وگو درباره قضاوت، تفاوت و پذیرش را برای کودک و والدین فراهم می‌کند. در بخشی از داستان، مادر آنا به او هشدار می‌دهد اگر شکلک دربیاورد، ممکن است صورتش همان‌طور باقی بماند. این هشدار در ابتدا یادآور جمله‌های آشنای بزرگ‌ترها به کودکان است، اما در ادامه معنایی فراتر پیدا می‌کند: ظاهر همیشه چیزی نیست که بتوان آن را به آسانی کنترل کرد. آنا ناگهان با چهره‌ای روبه‌رو می‌شود که آن را نمی‌پسندد؛ چهره‌ای که نگاه اطرافیان را هم به دنبال دارد. داستان بدون آن که مستقیم نصیحت کند، دشواری متفاوت بودن و کنارآمدن با قضاوت دیگران را به تصویر می‌کشد. یکی از ویژگی‌های کتاب، پیوند متن و تصویر است. تصویرگری یان فالکونر صرفاً همراه روایت نیست، بلکه در ساختن فضای طنز و انتقال تفاوت میان جهان انسان‌ها و غول‌ها نقش دارد. حالت چهره‌ها و موقعیت‌های تصویری، بخشی از طنز داستان را پیش می‌برند و کمک می‌کنند خواننده پیش از آن که معنای ماجرا را به زبان بیاورد، آن را در تصویرها احساس کند. این ویژگی برای کتابی تصویری اهمیت ویژه‌ای دارد؛ تصویرها نه تزئین متن بلکه بخشی از روایت هستند. دیوید سداریس بیشتر با طنز و جستارهایش شناخته می‌شود و در این کتاب هم همان راه را می‌رود: با شوخی، حرفی جدی می‌زند. طنز داستان از تفاوت نگاه انسان‌ها و غول‌ها می‌آید؛ اما پشت این خنده، پرسشی اجتماعی ایستاده است: معیارهای زیبایی از کجا می‌آیند و چه کسانی را در خود جا می‌دهند یا بیرون می‌گذارند؟ کتاب به این پرسش پاسخ نمی‌دهد، اما یک چیز را نشان می‌دهد: داوری درباره ظاهر، بیشتر از آن‌که حقیقتی همگانی باشد، بازتاب نگاه و سلیقه یک جامعه است.



چه زشت خوشگلی

- نویسنده: دیوید سداریس
- مترجم: فرناز رضاپور
- انتشارات: اتفاق
- تعداد صفحات: ۴۰ صفحه
- قیمت: ۳۸۵۰۰۰ تومان

«چه زشت خوشگلی» برای کودکانی که قصه‌های خیال‌انگیز و تصویرهای طنزآمیز را دوست دارند، داستانی سرگرم‌کننده است و برای بزرگسالان فرصتی فراهم می‌کند تا درباره معیارهای زیبایی و تأثیر قضاوت دیگران تأمل کنند. جذابیت کتاب در همین دو وجهی بودن است: قصه‌ای ساده و بازیگوشانه که در پس ماجرای تغییر چهره، از تفاوت و پذیرش می‌گوید. شاید پرسش اصلی داستان این نباشد که آنا زیباست یا زشت؛ بلکه این باشد که چرا زیبایی را با معیارهایی محدود و از پیش آموخته شده می‌سنجیم.

سرخوش و بیخیال

دیوید ریموند سداریس، زاده ۲۶ دسامبر ۱۹۵۶، طنزپرداز، کمدین و نویسنده آمریکایی است. او در جانسون سیتی ایالت نیویورک به دنیا آمد و در شهر رالی در کارولینای شمالی بزرگ شد. پس از دوران مدرسه، مدتی در دانشگاه کارولینای غربی تحصیل کرد و سپس به دانشگاه کنت رفت. در سال ۱۹۸۳ به شیکاگو رفت و در سال ۱۹۸۷ از انستیتوی هنر شیکاگو فارغ‌التحصیل شد؛ از همان‌جا بود که نوشتن مطالب طنزآمیز برای رادیو و دیگر رسانه‌ها را آغاز کرد. او نویسنده سیزده کتاب پرفروش است که از میان آنها می‌توان به «سنجاب به دنبال موش خرما» (با تصویرگری یان فالکونر) و «شاد و خوشبخت» اشاره کرد. از دیگر کتاب‌های او می‌توان به «بیا با جغدها درباره دیابت تحقیق کنیم»، «کالیپسو»، «بالاخره یه روزی قشنگ حرف می‌زنم»، «سرخوش و بیخیال»، «تعطیلات بی‌دغدغه» و... اشاره کرد. نوشته‌های او در مجله «نیویورکر» و در برنامه‌های رادیو «بی‌بی‌سی چهار» منتشر می‌شود. این روزها بخشی از سال را در انگلستان و بخشی را در نیویورک می‌گذراند. کتاب «چه زشت خوشگلی» با الهام از خواهرش، ایمی سداریس، نوشته شده؛ خواهری که به گفته دیوید می‌تواند ترسناک‌ترین چهره‌های دنیا را بسازد. ایمی سداریس در این باره می‌گوید: «تمام عمرم در حال شکلک درآوردن بودم. اول برای تقلید از دیگران و بعد برای اینکه ببینم تا کجا می‌توانم پیش بروم. شاید بعضی استخوان‌های صورتم کم باشد؛ چون راحت‌تر از بقیه می‌توانم چهره‌ام را حرکت بدهم؛ انگار عروسک جورابی‌ام! حالا که بزرگ‌تر شده‌ام، این کار برایم ساده‌تر و بامزه‌تر شده؛ شاید هم عضلاتی در صورتم رشد کرده‌اند که اجازه می‌دهند به شکل‌های عجیبی خودم را تا کنم. هرچه باشد، از آن خوشحالم.»



ورای نقاب سرسختی

بازتعریف شجاعت برای نوجوانان در داستان‌های الهام‌بخش برای پسران شگفت‌انگیز

در سال‌های اخیر بازار نشر کتاب‌های کودک و نوجوان، شاهد تغییری معنادار و بنیادین در انتخاب مضامین تربیتی و روان‌شناختی بوده است؛ گذاری آشکار از ابرقهرمان‌های خیالی، تسخیرناپذیر و بی‌عیب‌ونقص به سمت شخصیت‌هایی که انسان واقعی، تردیدها، لغزش‌ها و شکنندگی‌های روانی کودکان را به رسمیت می‌شناسند. در عصری که گسترش فناوری و فضای مجازی، الگوهایی نمایشی و کمال‌گرایانه از موفقیت پیش چشم نسل جدید قرار داده، نیاز به ادبیاتی که به کودک آرامش ببخشد و او را در مواجهه با ناملایمات روزمره توانمند کند، بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. کتاب «داستان‌های الهام‌بخش برای پسران شگفت‌انگیز» نوشته امیلی گرین و ترجمه نیکا کیاپور و نیکی کیاپور که در انتشارات دکسا منتشر شده، در همین مسیر و با هدف بازتعریف مفاهیمی چون اعتماد به نفس، تاب‌آوری و پذیرش خود واقعی نوشته شده و دغدغه‌های روحی و تربیتی پسران را مورد بررسی قرار داده است. الگوی فرهنگی و تربیتی در جوامع در حال گذار، همواره بار سنگینی از انتظارات کلیشه‌ای را بر دوش پسران قرار داده است. از کودکی چنین القا می‌شود که یک پسر همواره باید نشانه‌هایی از استقامت، تسلط بر اوضاع و قاطعیت را داشته باشد. عباراتی چون «مرد که گریه نمی‌کند» یا «پسر باید همیشه سرسخت و نترس باشد»، در حقیقت حصارهایی نامریی به دور جهان عاطفی کودکان می‌کشند و به آنها یاد می‌دهند احساسات طبیعی و انسانی خود مثل هراس، تردید، اندوه یا شکست، نقاط ضعفی هستند که باید پنهان نگه داشته شوند. این فشار روانی در دوران نوجوانی به انزوای عاطفی، اضطراب و سرکوب هیجان‌ها می‌رسد و در نخستین ناکامی‌ها، عزت‌نفس فرد را کاهش می‌دهد. کتاب «داستان‌های الهام‌بخش برای پسران شگفت‌انگیز» سعی دارد تا این چرخه معیوب را بشکند و به مخاطب کم‌سن‌وسال خود نشان دهد اضطراب و لغزش، بخش جدانشدنی زندگی هستند و به معنای بی‌کفایتی فرد تلقی نمی‌شوند.

کتاب از همان ابتدا با مخاطب نوجوان خود با لحنی صمیمی و بی‌قضاوت ارتباط برقرار می‌کند. پرسش‌هایی درباره تجربه ترس، تردید و احساس کافی نبودن، زمینه‌ای برای هم‌ذات‌پنداری خواننده با شخصیت‌ها فراهم می‌آورد و به او نشان می‌دهد روبه‌رو شدن با این احساس‌ها تجربه‌ای شرم‌آور نیست. در ادامه نیز داستان‌ها به جای ارائه توصیه‌های مستقیم، موقعیت‌هایی آشنا را پیش می‌کشند تا مخاطب همراه شخصیت‌ها راه‌های مواجهه با دشواری‌ها را کشف کند. پشت جلد کتاب نیز با لحنی بی‌پرده با کودک و نوجوان صحبت می‌کند و از او می‌پرسد آیا تاکنون از چیزی ترسیده یا گمان برده که به اندازه کافی قوی و باهوش نیست؟ این پرسش‌های مقدماتی بلافاصله حباب تنهایی کودک را می‌شکنند و به او اطمینان می‌دهند کتاب حاضر برای ارزیابی رفتارهای او و قضاوت کردن نیست، بلکه بستر امنی است که داستان زندگی پسرانی مثل خودش را روایت می‌کند؛ پسرانی که اگرچه در بدو امر جرأت و اعتمادی نداشتند، اما به‌مرور نیروی درونی خود را کشف کرده و بر ترس‌های‌شان پیروز شدند.



داستان‌های الهام‌بخش برای پسران شگفت‌انگیز

- نویسنده: امیلی گرین
- مترجم: نیکا کیاپور، نیکی کیاپور
- انتشارات: دکسا
- تعداد صفحات: ۱۱۱ صفحه
- قیمت: ۴۳۰۰۰۰ تومان

در مقدمه، نویسنده با لحنی صمیمی و دلگرم کننده با خواننده کم سن خود صحبت می‌کند. او یادآوری می‌کند که هر کودک، فارغ از دستاوردها و نظر دیگران، ارزشمند و یگانه است. این نگاه، ارزشمندی فرد را به نمره، موفقیت یا تأیید اطرافیان گره نمی‌زند و به کودک می‌گوید لازم نیست برای پذیرفته شدن همیشه موفق باشد. نویسنده همچنین تأکید می‌کند که ترس و سردرگمی فقط به کودکان محدود نیست و بزرگسالان هم در موقعیت‌های دشوار چنین احساساتی را تجربه می‌کنند. این یادآوری می‌تواند از احساس تنهایی کودک کم کند و به او کمک کند بدون شرم یا سرزنش درباره ترس‌هایش حرف بزند. نویسنده به جای اینکه قهرمانانش را به سرزمین‌های دوردست افسانه‌ای ببرد، آنها را در دل همان چالش‌هایی قرار می‌دهد که هر پسربچه‌ای در محله، مدرسه و خانواده تجربه می‌کند. یکی از روایت‌های جالب کتاب، تجربه پسر نوجوانی است که برای اولین بار به تنهایی راهی نانوایی می‌شود؛ رویدادی روزمره و به ظاهر ساده، اما برای ذهنی که هنوز در حال آزمودن حدود استقلال خود است، آزمونی بزرگ و سرشار از دلهره به شمار می‌رود. نویسنده نشان می‌دهد ایستادن در میان ازدحام جمعیت، دادوستد مالی با بزرگسالان و پذیرش مسئولیت یک خرید خانوادگی چگونه پله پله اعتمادبه‌نفس را درون نوجوان نهادینه می‌کند. در روایتی دیگر، ماجرای رویارویی با یک نمره بد در مدرسه بازخوانی می‌شود؛ مسأله‌ای که امروزه به بحران اصلی ارتباطی میان والدین و فرزندان تبدیل شده است. داستان آموزش می‌دهد که کارنامه مدرسه معیاری برای سنجش هوش کل یا ارزش کودک یا نوجوان نیست و شکست‌های تحصیلی صرفاً بازخوردی برای تغییر مسیر تلاش هستند، نه دلیلی برای سرافکندگی. از سوی دیگر، مسائلی چون اضطراب فیزیکی در مواجهه با آب و شنا کردن، پذیرش باخت و ضرورت کار گروهی در مسابقه و نحوه عبور از قضاوت‌های همسالان با تکیه براین اصل که بسیاری از اشتباهات اصلاً فاجعه‌بار و مهم نیستند، ساختار منسجم این کتاب را تکمیل می‌کنند. حتی گنجاندن بخشی تحت عنوان شعر به مخاطب نشان می‌دهد که لطافت طبع و بیان احساسات به واسطه واژه‌ها، نشانه‌ای از شجاعت و آزادگی روح است.



یکی دیگر از نوآوری‌های شاخص ساختاری کتاب، پیوند هدفمند ادبیات با فرآیند هنردرمانی و تمرکز ذهن‌آگاهی است. در انتهای هر فصل، صفحه‌ای برای رنگ‌آمیزی نگاره‌های هندسی آورده شده و در مقدمه کتاب صراحتاً به کودک توصیه شده که پس از پایان هر ماجرا، لحظاتی درنگ کند و آن طرح‌ها را با رنگ‌ها جان ببخشد. این تکنیک، فرآیند مطالعه را از یک عمل منفعل و خواندن سریع سطور، به یک فعالیت حسی و حرکتی عمیق تبدیل می‌کند. کودک در حین تمرکز بر خطوط هندسی و پر کردن آنها با رنگ‌های دلخواه، تنفس آرام‌تری را تجربه کرده و پیام پنهان در پس قصه را در لایه‌های عمیق ذهن خود پردازش و ثبت می‌کند. در نهایت، «داستان‌های الهام‌بخش برای پسران شگفت‌انگیز» فراتر از یک سرگرمی ساده، اثری کاربردی برای بهبود سلامت روان خانواده است. این کتاب به والدین یادآوری می‌کند که برای پرورش پسرانی قوی، نیازی به الگوهای سرسخت و قهرمان‌سازی‌های دست نیافتنی نیست؛ کافی است فضایی امن بسازند تا فرزندان‌شان با ترس‌های طبیعی خود کنار بیایند، حق اشتباه کردن داشته باشند و بیاموزند که شجاعت واقعی یعنی حرکت به جلو، حتی در اوج ترس و تردید.

خبر خودرو

نظارت بر کیفیت کاتالیست خودروها به سازمان ملی استاندارد واگذار شد



رئیس سازمان ملی استاندارد ایران، از بازنگری استاندارد کاتالیست خودرو و به‌روزرسانی روش آزمون آن خبر داد و گفت: «با توجه به اهمیت کیفیت کاتالیست‌ها در کنترل آلایندگی خودروها، نظارت بر این محصولات با رویکرد جدید در دستور کار سازمان ملی استاندارد قرار گرفته است.» فرزانه انصاری روز دوشنبه در حاشیه آیین تجلیل از واحدهای تولیدی برتر در جمع خبرنگاران با اشاره به بازنگری استاندارد کاتالیست خودرو در سال گذشته اظهار کرد: «با توجه به وجود برخی مشکلات در روش آزمون این قطعه، استاندارد مربوطه مورد تجدیدنظر قرار گرفت و روش آزمون آن به‌روزرسانی شد. از آنجا که استاندارد کاتالیست خودرو اجباری است و ارزیابی انطباق و نظارت بر کیفیت آن در بازار ضرورت دارد، استاندارد بازنگری شده در شورای عالی استاندارد به تصویب رسید.» رئیس سازمان ملی استاندارد ایران با اشاره به تغییر مسئولیت نظارت عالی بر این حوزه تصریح کرد: «پیش از این، نظارت عالی بر کاتالیست‌ها برعهده سازمان حفاظت محیط زیست بود، اما در جلسه شورای عالی استاندارد مقرر شد این مسئولیت به سازمان ملی استاندارد ایران واگذار شود.»
انصاری تأکید کرد: «نظارت‌های سازمان ملی استاندارد ایران بر کاتالیست خودروها در حال اجراست و هدف از این اقدام، اطمینان از انطباق محصولات با الزامات استاندارد و ارتقای کیفیت قطعات مؤثر در کنترل آلایندگی خودروهاست.»

ماشین وارداتی

ایکس‌پنگ P7 با قدرت ۵۸۶ اسب‌بخار به بازار ایران می‌آید



ایکس‌پنگ P7 در مراسمی رسمی در ایران رونمایی شد. این سدان تمام‌برقی پیش‌تر موفق به دریافت گواهی تأیید نوع شده بود و حالا با برگزاری مراسم رونمایی، به جمع خودروهای برقی آماده عرضه در بازار کشور اضافه شده است. اطلاعات فنی منتشرشده از نسخه چهارچرخ محرک این خودرو نشان می‌دهد P7 با دو موتور الکتریکی، باتری ۹۲.۲ کیلووات‌ساعتی و توان ترکیبی ۵۸۶ اسب‌بخار عرضه خواهد شد.
نسل جدید ایکس‌پنگ P7 در چند ترکیب فنی تولید می‌شود، اما مشخصات اعلام‌شده برای نمونه در نظر گرفته‌شده جهت بازار ایران، به نسخه ۷۵۰ چهارچرخ محرک مربوط است. این مدل از دو موتور الکتریکی استفاده می‌کند که نیروی تولیدی را به هر چهار چرخ انتقال می‌دهند. مجموع توان این مجموعه به ۴۳۷ کیلووات، معادل ۵۸۶ اسب‌بخار و حداکثر گشتاور آن به ۶۹۵ نیوتن‌متر می‌رسد.
ترکیب دو موتور برقی و سامانه چهارچرخ محرک، شتاب صفر تا ۱۰۰ کیلومتر بر ساعت را به ۳.۷ ثانیه می‌رساند. حداکثر سرعت خودرو نیز به صورت الکترونیکی روی ۲۳۰ کیلومتر بر ساعت محدود شده است. این ارقام P7 را در گروه سدان‌های برقی پرقدرت قرار می‌دهد؛ هرچند عملکرد واقعی خودرو در شرایط جاده‌ای و با توجه به وضعیت باتری می‌تواند با ارقام آزمایشگاهی تفاوت داشته باشد.
در این نسخه از باتری لیتیوم نیکل منگنز کبالت (NMC) با ظرفیت ۹۲.۲ کیلووات‌ساعت استفاده شده است. برد حرکتی اعلام‌شده برای خودرو بر اساس استاندارد چینی CLTC به ۷۵۰ کیلومتر می‌رسد. این استاندارد معمولاً در مقایسه با چرخه‌های آزمایشگاهی دیگر، ارقام بالاتری از پیمایش ارائه می‌کند؛ بنابراین نمی‌توان انتظار داشت خودرو در استفاده روزمره و شرایط متنوع رانندگی، همین مسافت را طی کند. سرعت حرکت، دمای هوا، استفاده از تهویه مطبوع و وضعیت مسیر از جمله عواملی هستند که بر میزان پیمایش اثر می‌گذارند.
یکی از ویژگی‌های فنی P7، پشتیبانی از فناوری شارژ 5C است. طبق اطلاعات اعلام شده از سوی سازنده، در صورت استفاده از شارژر سازگار و فراهم بودن شرایط مناسب، شارژ باتری از ۱۰ تا ۸۰ درصد حدود ۱۱.۳ دقیقه زمان می‌برد. با این حال، دستیابی به چنین زمانی به ظرفیت و توان ایستگاه شارژ، دمای باتری و شرایط شارژ بستگی دارد. پلتفرم ۸۰۰ ولتی خودرو نیز امکان استفاده از شارژرهای پرقدرت را فراهم می‌کند.
مصرف انرژی رسمی این نسخه ۱۳.۵ کیلووات‌ساعت در هر ۱۰۰ کیلومتر اعلام شده است. P7 همچنین از فناوری V2L پشتیبانی می‌کند و می‌تواند برق مورد نیاز تجهیزات خارجی را با توان حداکثر ۶ کیلووات تأمین کند. این قابلیت در شرایطی کاربرد دارد که امکان دسترسی به منبع برق ثابت وجود نداشته باشد.
در بخش تعلیق، محور جلو از ساختار دابل‌ویشبون و محور عقب از سیستم پنج‌اتصالی بهره می‌برد. برای نسخه چهارچرخ محرک نیز ترمزهای برمبو با کالیپرهای چهارپیستونه در محور جلو در نظر گرفته شده است. باتری خودرو با استاندارد IP68 در برابر نفوذ آب و گردوغبار مقاوم است.
با ورود P7، یک سدان تمام‌برقی با توان بالا به فهرست خودروهای قابل عرضه در ایران اضافه می‌شود. با این حال، ارزیابی جایگاه آن در بازار تنها به قدرت موتور و برد اعلام‌شده محدود نیست. دسترسی به شارژرهای پرسرعت سازگار، هزینه نگهداری باتری، خدمات تعمیراتی و تأمین قطعات نیز در تجربه استفاده از چنین خودرویی اهمیت دارد؛ عواملی که وضعیت آنها می‌تواند بر استقبال خریداران اثر بگذارد.

۱۰ خودروی جدید در یک قدمی رونمایی

ب‌ام‌و برای سال ۲۰۲۷ سنگ تمام می‌گذارد

گزارش

یاسمن صادق شیرازی
گروه خودرو

ب‌ام‌و برای سال ۲۰۲۷ برنامه‌های گسترده‌ای تدارک دیده و قصد دارد با معرفی مجموعه‌ای از محصولات جدید، بخش‌های مختلف بازار خودروهای لوکس و اسپرت را هدف بگیرد. از یک خودروی برقی کوچک با نام احتمالی i1 گرفته تا نسل جدید M3 برقی، شاسی بلندهای پرقدرت و نسخه لوکس آلپینا سری ۷، سال آینده می‌تواند یکی از شلوغ‌ترین دوره‌های تاریخ این خودروساز آلمانی باشد. به گزارش سایت motor1، حفظ جایگاه برترین خودروساز لوکس جهان برای چند سال متوالی، بدون به‌روزرسانی مداوم محصولات امکان‌پذیر نیست. ب‌ام‌و از سال ۲۰۲۱ تاکنون توانسته فروش بیشتری نسبت به مرسدس بنز ثبت کند و به نظر می‌رسد امسال نیز این رقابت را به سود خود به پایان برساند. پیش‌بینی می‌شود چندین محصول جدید در کلاس‌های مختلف به سبد ب‌ام‌و اضافه شوند که در ادامه با مهم‌ترین آنها آشنا می‌شویم.



ب‌ام و i1؛ ارزان‌ترین خودروی برقی باواریایی‌ها

مدت‌هاست که iX1 به عنوان کوچک‌ترین خودروی تمام برقی ب‌ام‌و شناخته می‌شود، اما این وضعیت احتمالاً به‌زودی تغییر خواهد کرد.
این شرکت پیش‌تر از برنامه خود برای عرضه یک خودروی برقی ارزان‌تر در سال ۲۰۲۸ خبر داده بود، اما برخی گزارش‌ها از احتمال رونمایی جهانی آن در نیمه دوم سال ۲۰۲۷ حکایت دارند.
ب‌ام‌و هنوز اطلاعات زیادی درباره این محصول منتشر نکرده و تنها تأیید کرده است که با یک خودروی کامپکت روبه‌رو خواهیم بود. با این حال، منابع نزدیک به این شرکت مدعی هستند که نام i1 برای آن انتخاب شده است.



ب‌ام‌و X2 و iX2؛ فیس‌لیفتی بدون تغییرات اساسی

به نظر می‌رسد ب‌ام‌و برای X2 و نسخه برقی iX2 برنامه متفاوتی در نظر گرفته است. برخلاف iX1، قرار نیست نسخه برقی X2 به پلتفرم اختصاصی خودروهای الکتریکی منتقل شود و هر دو مدل احتمالاً فیس‌لیفت معمول خود را روی ساختار فنی فعلی تجربه خواهند کرد. در بخش طراحی بیرونی نباید انتظار تغییرات گسترده و ورود کامل به زبان طراحی Neue Klasse را داشت. با این حال، کابین خودرو احتمالاً به‌طور کامل بازطراحی می‌شود و شباهت زیادی به فضای داخلی iX3 جدید خواهد داشت. اگر این شایعات درست باشند، تصمیم ب‌ام‌و برای ارتقای فنی iX1 و حفظ ساختار قدیمی iX2 کمی عجیب به نظر می‌رسد. شاید بررسی‌های اقتصادی نشان داده که سرمایه‌گذاری بیشتر برای iX2 توجیه چندانی ندارد؛ به‌خصوص اینکه نسخه کوپه‌مانند X2 معمولاً فروش کمتری نسبت به برادر معمولی خود دارد.



نسل جدید iX1؛ خداحافظی با پلتفرم مشترک

برنامه ب‌ام‌و برای کوچک‌ترین کراس‌اوور برقی خود نیز کمی پیچیده شده است. در سال ۲۰۲۷ نسخه بنزینی X1 یک فیس‌لیفت میان‌دوره‌ای دریافت خواهد کرد، اما iX1 از این به‌روزرسانی عبور می‌کند و مستقیماً وارد نسل جدید خود می‌شود. مهم‌ترین تغییر در نسل آینده iX1، استفاده از پلتفرم اختصاصی خودروهای برقی خواهد بود. به این ترتیب، این کراس‌اوور کوچک نیز مانند برخی محصولات جدید ب‌ام‌و به ساختار دیفرانسیل عقب بازمی‌گردد.
با وجود تفاوت‌های فنی، انتظار می‌رود طراحی ظاهری و کابین X1 و iX1 شباهت زیادی به یکدیگر داشته باشند. همان‌طور که سدان جدید سری 3 و i3 با وجود استفاده از پلتفرم‌های متفاوت، زبان طراحی مشترکی دارند، دو کراس‌اوور کوچک ب‌ام‌و نیز احتمالاً از نظر ظاهری بسیار نزدیک خواهند بود. هنوز مشخص نیست که این کراس‌اوور کوچک از معماری ولتاژ بالای iX3 استفاده خواهد کرد یا خیر، اما در هر صورت انتظار می‌رود سرعت شارژ آن نسبت به نسل فعلی به شکل محسوسی بهبود پیدا کند.



ب‌ام‌و i3 Touring؛ نسخه استیشن سدان برقی سری 3

چه کسی گفته دوران خودروهای استیشن به پایان رسیده است؟ ظاهراً ب‌ام‌و چنین اعتقادی ندارد. این خودروساز آلمانی برخلاف موج گسترده استقبال از شاسی بلندها، قصد دارد یک محصول دیگر با بدنه کشیده و فضای بار بزرگ‌تر به خانواده خود اضافه کند. نسخه استیشن i3 که پیش‌تر تصاویری از آن منتشر شده بود، قرار است در سال ۲۰۲۷ معرفی شود و گزینه‌ای جادارتر در مقایسه با سدان i3 باشد. البته بعید است این خودرو به بازار آمریکا راه پیدا کند؛ چراکه مانند i1، تمرکز اصلی آن احتمالاً روی بازار اروپا خواهد بود. تبدیل یک سدان به خودروی استیشن معمولاً تغییرات غیرمنتظره‌ای به همراه ندارد. انتظار می‌رود i3 Touring تا ستون‌های میانی بدنه شباهت کاملی به نسخه سدان داشته باشد و تغییرات اصلی در بخش عقب برای ایجاد فضای بار بیشتر اعمال شوند. هنوز مشخص نیست که شیشه عقب به صورت مستقل از در صندوق باز خواهد شد یا خیر؛ قابلیتی که حتی در مدل بزرگ‌تر i5 Touring نیز وجود ندارد. از نظر فنی نیز نسخه استیشن احتمالاً بیشتر مشخصات سدان را حفظ می‌کند، هرچند تغییر تناسبات بدنه می‌تواند کمی بر عملکرد آیرودینامیکی آن تأثیر بگذارد.



ب‌ام‌و M3 برقی؛ آغاز عصر جدید محصولات M

ب‌ام‌و از زمان معرفی i4 M50 در سال ۲۰۲۱، چندین خودروی برقی با نشان M Lite عرضه کرده است، اما تاکنون یک مدل تمام‌برقی با مشخصات کامل محصولات M تولید نکرده بود. این روند قرار است در سال ۲۰۲۷ تغییر کند؛ زمانی که اولین M3 تمام‌برقی معرفی خواهد شد.
این خودرو از نظر فنی تفاوت‌های زیادی با i3 M60 دارد که به‌تازگی معرفی شده است. استفاده از چهار موتور الکتریکی، باتری اختصاصی، شبیه‌سازی تعویض دنده و تولید صدای مصنوعی موتور از جمله ویژگی‌هایی هستند که برای اولین بار در یک محصول تمام‌برقی ب‌ام‌و M به کار گرفته خواهند شد. البته عرضه نسخه برقی به معنای پایان کار M3 بنزینی نیست. ب‌ام‌و در حال آماده‌سازی نسل جدید نسخه شش سیلندر این خودرو با پیشرانه ۳ لیتری برای سال ۲۰۲۸ است؛ بنابراین علاقه‌مندان به صدای موتورهای درون‌سوز همچنان می‌توانند به آینده این نام افسانه‌ای امیدوار باشند.



ب‌ام‌و X3 M برقی؛ چهار موتور بدون یک قطره بنزین

M3 برقی تنها محصول جدید بخش M نخواهد بود. ب‌ام‌و قصد دارد در ادامه سال ۲۰۲۷، نسخه پرقدرت X3 M را نیز با قوای محرکه تمام‌برقی معرفی کند. در این مدل دیگر خبری از پیشرانه ۳ لیتری شش سیلندر توئین توربو نخواهد بود و ب‌ام‌و از همان ساختار چهارموتوره M3 استفاده خواهد کرد. به این ترتیب، X3 M جدید یک سطح بالاتر از iX3 M60 قرار می‌گیرد و مجموعه‌ای از فناوری‌های پیشرفته، از جمله شبیه‌سازی تعویض دنده و صدای مصنوعی موتور را در اختیار خواهد داشت. این خودرو از نظر تاریخی نیز اهمیت زیادی دارد؛ چراکه اولین مدل تمام‌برقی از سری M کامل خواهد بود که جایگزین نسل قبلی مجهز به موتور احتراق داخلی می‌شود. ب‌ام‌و پیش‌تر اعلام کرده که برنامه‌ای برای تولید نسل جدید X3 M با پیشرانه بنزینی ندارد و در حال حاضر X3 M50 قدرتمندترین نسخه بنزینی این خانواده باقی خواهد ماند. با توجه به ابعاد و وزن بیشتر یک شاسی بلند نسبت به سدان، احتمالاً X3 M برقی در مقایسه با M3 شتاب کمتر، وزن بالاتر و بازدهی پایین‌تری خواهد داشت. قیمت آن نیز به احتمال زیاد کمی بیشتر از نسخه سدان خواهد بود.



ب‌ام‌و X7 و iX7؛ پرچمدار شاسی بلندهای برقی می‌شود

ب‌ام‌و به صورت رسمی در حال بررسی توسعه یک شاسی بلند بزرگ‌تر با نام احتمالی X9 است، اما پیش از آن، نسل دوم X7 آماده ورود به بازار می‌شود. پرچمدار شاسی‌بلندهای این برند قرار است در سال ۲۰۲۷ معرفی شود و برای اولین بار یک نسخه تمام‌برقی با نام iX7 نیز در کنار آن قرار بگیرد. البته فعلاً خبری از عرضه نسخه پلاگین هیبرید نیست.
مانند نسل فعلی، X7 جدید نیز در واقع نسخه شاسی‌بلند سری 7 خواهد بود. طراحی چراغ‌های جلوی دوقسمتی در دو طرف جلوپنجره بزرگ کلیوی‌شکل حفظ می‌شود و این موضوع نشان می‌دهد که ب‌ام‌و برای محصولات پرچمدار خود همچنان به طراحی متفاوت و جسورانه‌تری نسبت به سایر اعضای خانواده‌اش علاقه دارد.
در کابین، رقیب آینده آئودی Q9 از همان سبک طراحی سری 7 پیروی خواهد کرد؛ فضایی با نمایشگرهای متعدد و دکمه‌های فیزیکی بسیار محدود. درهای اتوماتیک و نمایشگر بزرگ سرگرمی سرنشینان عقب نیز از دیگر امکاناتی هستند که احتمالاً از سدان پرچمدار به این شاسی‌بلند منتقل خواهند شد. از سوی دیگر، زیرمجموعه جدید آلپینا نیز قرار است نسخه لوکس‌تری از X7 را برای رقابت با مرسدس‌مایباخ GLS توسعه دهد.



ب‌ام‌و X4 M برقی؛ نسخه کوپه‌مانند از یک شاسی بلند پرقدرت

اگر به دنبال یک X3 M با طراحی متفاوت و فضای کاربردی کمتر باشید، ب‌ام‌و احتمالاً X4 M برقی را برای شما در نظر گرفته است. این کراس‌اوور با سقف شیب‌دار نیز قرار است از امکانات و تجهیزات کامل بخش M بهره‌مند شود و گزینه‌ای بالاتر از X4 M60 باشد. نکته مهم اینکه بازگشت X4 M برقی به معنای احیای نسخه بنزینی آن نیست. ب‌ام‌و فعلاً برنامه‌ای برای تولید نسل جدید X4 با موتور احتراق داخلی ندارد و نسخه برقی تنها مسیر ادامه حیات این مدل خواهد بود.
مانند M3 برقی، در این دو شاسی‌بلند نیز فیبر کربن جای خود را به کامپوزیت‌های الیاف طبیعی مبتنی بر کتان می‌دهد. ب‌ام‌و اعلام کرده این ماده از نظر استحکام و سختی عملکردی مشابه فیبر کربن دارد، اما فرآیند تولید آن حدود ۴۰ درصد آلایندگی کمتری ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، ب‌ام‌و قصد دارد در محصولات جدید M از چراغ‌های روشنایی روز زردرنگ استفاده کند؛ جزئیاتی که پیش‌تر در برخی مدل‌های M Performance از جمله M350 نیز دیده شده و یادآور خودروهای مسابقه‌ای استقامتی این برند خواهد بود. X3 M و X4 M جدید همچنین از چراغ‌های مربعی شکل M3 در گوشه‌های سپر جلو و عقب استفاده خواهند کرد. این طراحی باعث می‌شود دو شاسی‌بلند پرقدرت جدید از نسخه‌های معمولی iX3 و iX4 به‌راحتی قابل تشخیص باشند.



ب‌ام‌و سری 5؛ بازطراحی گسترده

سری 5 قرار است یکی از بزرگ‌ترین تغییرات ظاهری و فنی تاریخ ۵۴ ساله خود را تجربه کند. ب‌ام‌و قصد دارد نسخه‌های سدان و استیشن این خودرو را در کنار مدل برقی i5 و پلاگین هیبرید M5 با الهام از زبان طراحی Neue Klasse به‌روزرسانی کند. با این حال، مهم‌ترین تغییرات احتمالاً در کابین اتفاق خواهند افتاد. ب‌ام‌و قصد دارد داشبورد جدید خود را در این خانواده به کار بگیرد و کنترلر چرخشی معروف iDrive را نیز کنار بگذارد. تمام نسخه‌های سری ۵ به یک نمایشگر بزرگ مرکزی و سیستم نمایش اطلاعات روی شیشه جلو مجهز خواهند شد که اطلاعات را از یک ستون تا ستون دیگر به نمایش می‌گذارد. همچنین احتمال دارد نمایشگر اختصاصی سرنشین جلو نیز به عنوان یک آپشن ارائه شود. انتظار می‌رود طراحی داشبورد شباهت زیادی به نسل جدید X5 داشته باشد، هرچند احتمالاً ب‌ام‌و تمام جزئیات کابین این شاسی‌بلند را در سری 5 تکرار نخواهد کرد. در نمای بیرونی، برخلاف تغییرات کابین، احتمالاً با یک تحول تدریجی روبه‌رو خواهیم بود و نباید انتظار داشت سری 5 به نسخه بزرگ‌تری از i3 تبدیل شود.



ب‌ام‌و و سری 7؛ رقیبی تازه برای مرسدس‌مایباخ

ب‌ام‌و پس از بررسی جایگاه محصولات خود، به این نتیجه رسیده است که میان سری 7 و رولزرویس گوست یک فضای خالی در سبد محصولاتش وجود دارد. این شرکت قصد دارد سال آینده با معرفی نسخه اختصاصی آلپینا سری 7 این فاصله را پر کند. این سدان لوکس که قرار است با یک پیشرانه V8 اختصاصی و همچنین نسخه تمام‌برقی عرضه شود، بر اساس M760 و i7 M70 توسعه پیدا می‌کند، اما از نظر تجهیزات رفاهی، امکانات لوکس و جزئیات طراحی در سطح بالاتری قرار خواهد گرفت. ب‌ام‌و پس از خرید حقوق برند آلپینا در سال ۲۰۲۲ و در اختیار گرفتن کامل کنترل آن در سال ۲۰۲۶، قصد دارد این نام باسابقه را به رقیبی جدی برای مرسدس‌مایباخ و بنتلی تبدیل کند. به همین دلیل، آلپینا دیگر صرفاً یک نسخه تقویت‌شده از محصولات ب‌ام‌و نخواهد بود و قرار است جایگاه مستقل‌تری در بازار خودروهای لوکس داشته باشد. نسخه آلپینا سری 7 با رینگ‌های اختصاصی ۲۰ پره، رنگ‌های کلاسیک این برند و جزئیات طراحی ویژه عرضه خواهد شد.



ب‌ام‌و قصد دارد برای سال ۲۰۲۷ با معرفی مجموعه‌ای از محصولات جدید، بخش‌های مختلف بازار خودروهای لوکس و اسپرت را هدف بگیرد. از یک خودروی برقی کوچک با نام احتمالی i1 گرفته تا نسل جدید M3 برقی، شاسی‌بلندهای پرقدرت و نسخه لوکس آلپینا سری 7، سال آینده می‌تواند یکی از شلوغ‌ترین دوره‌های تاریخ این خودروساز آلمانی باشد

تاریخچه شرکت‌ها

هولدن؛ خودروساز استرالیایی که با جاده‌ها خداحافظی کرد

برندی که پس از سال‌ها تولید خودروهای ملی برای همیشه به فعالیت خود پایان داد

گروه خودرو

هولدن برای سال‌ها یکی از شناخته‌شده‌ترین نام‌ها در صنعت خودروی استرالیا بود؛ برندی که با خودروهای خانوادگی، سدان‌های بزرگ و مدل‌های قدرتمندش بخشی از هویت خودرویی این کشور را شکل داد؛ مسیری که از یک کارگاه کوچک ساخت زین و تجهیزات اسب‌سواری آغاز شد، به تولید خودروهای ملی استرالیا رسید و سرانجام در سال ۲۰۲۰، با توقف فعالیت این برند به پایان رسید.

از زین‌سازی تا ورود به صنعت خودرو

داستان هولدن به سال ۱۸۵۶ بازمی‌گردد؛ زمانی که جیمز الکساندر هولدن کسب‌وکاری برای تولید زین و تجهیزات اسب‌سواری در شهر آدلاید استرالیا راه‌اندازی کرد. در آن دوران، اسب همچنان وسیله اصلی حمل‌ونقل بود و این کسب‌وکار به‌تدریج توسعه پیدا کرد. با گسترش خودرو در استرالیا، هولدن نیز مسیر فعالیتش را تغییر داد و به‌جای تجهیزات اسب‌سواری، به سمت ساخت قطعات و بدنه خودرو رفت. در سال ۱۹۱۷، این شرکت وارد حوزه تولید بدنه خودرو شد و چند سال بعد، با افزایش تقاضا برای خودروهای موتوری، فعالیت خود را در این بخش گسترش داد. هولدن در سال ۱۹۲۴ به تأمین‌کننده انحصاری بدنه خودروهای جنرال موتورز در استرالیا تبدیل شد؛ همکاری‌ای که زمینه‌ساز پیوند بلندمدت این شرکت با یکی از بزرگ‌ترین خودروسازان جهان بود.

تولد خودروی ملی استرالیا

در سال ۱۹۳۱، جنرال موتورز با خرید هولدن، این شرکت را به بخشی از مجموعه جهانی خود تبدیل کرد و نام آن به جنرال موتورز-هولدن تغییر یافت. با این حال، نقطه عطف اصلی تاریخ این برند در سال ۱۹۴۸ رقم خورد؛ زمانی که اولین خودروی کاملاً استرالیایی آن با نام ۴۸-۲۱۵ معرفی شد. این خودرو که بعدها با نام اف‌جی هولدن یا به اختصار FX شناخته شد، برای کشوری با جغرافیای گسترده و مسیرهای طولانی طراحی شده بود و به‌سرعت جای خود را در بازار باز کرد.
تولید این خودرو تنها یک اتفاق صنعتی نبود؛ هولدن به‌تدریج به نمادی از توان تولید داخلی استرالیا تبدیل شد. مدل‌های بعدی نیز همین مسیر را ادامه دادند و خودروهایی مانند کمودور و کینگزوود در دهه‌های بعد به بخشی از زندگی روزمره خانواده‌های استرالیایی تبدیل شدند.

کمودور؛ نامی که با هولدن گره خورد

در میان محصولات این شرکت، کمودور جایگاه ویژه‌ای داشت. اولین نسل این سدان در سال ۱۹۷۸ معرفی شد و به‌دلیل ابعاد مناسب، توانایی حرکتی و سازگاری با شرایط جاده‌ای استرالیا، به یکی از مهم‌ترین محصولات هولدن تبدیل شد. کمودور در نسخه‌های مختلف، از مدل‌های خانوادگی تا نمونه‌های اسپرت و قدرتمند، عرضه شد و برای چند دهه در رقابت با خودروهای فورد استرالیا قرار داشت. هولدن در کنار کمودور، مدل‌های دیگری مانند کینگزوود، تورانا و مونارو را نیز به بازار فرستاد. مونارو بویژه در میان علاقه‌مندان خودروهای کوپه و قدرتمند شناخته می‌شد. این خودروها کمک کردند هولدن تنها به‌عنوان یک تولیدکننده خودروهای معمولی شناخته نشود و در بخش خودروهای اسپرت و عملکردمحور نیز جایگاهی برای خود بسازد.

از کارخانه‌های استرالیا تا بحران تولید

با وجود موفقیت‌های طولانی، تغییرات بازار جهانی خودرو به‌تدریج شرایط را برای هولدن دشوار کرد. افزایش هزینه تولید در استرالیا، رقابت با خودروهای وارداتی و تغییر سلیقه خریداران به سمت خودروهای شاسی‌بلند و کراس‌اوورها، فشار زیادی بر این شرکت وارد کرد. جنرال موتورز نیز به‌مرور ساختار فعالیت خود در بازار استرالیا را تغییر داد و تولید داخلی را از اولویت‌هایش خارج کرد.
در سال ۲۰۱۳، جنرال موتورز اعلام کرد که تولید خودرو در استرالیا را متوقف می‌کند. این تصمیم به معنای پایان تدریجی یکی از مهم‌ترین فصل‌های صنعت خودروی این کشور بود. آخرین خودروی هولدن در اکتبر ۲۰۱۷ از خط تولید کارخانه الیزابت خارج شد؛ خودرویی که پایان بیش از شش دهه تولید خودرو در این مجموعه را رقم زد. پس از توقف تولید، هولدن همچنان با عرضه محصولات وارداتی جنرال موتورز به فعالیت خود ادامه داد. با این حال، در فوریه ۲۰۲۰ اعلام شد که برند هولدن تا پایان همان سال از بازار کنار گذاشته می‌شود. به این ترتیب، نامی که بیش از ۱۶۰ سال در اقتصاد و صنعت استرالیا حضور داشت، از بازار خودرو خداحافظی کرد.

هولدن در ایران

هولدن در ایران هیچ‌گاه حضور گسترده‌ای نداشت و محصولات این شرکت نیز به‌صورت رسمی و فراگیر وارد بازار کشور نشدند. با این حال، برخی مدل‌های کلاسیک هولدن، بویژه خودروهای قدیمی این برند، در میان علاقه‌مندان خودروهای خاص و کلکسیونی شناخته شده‌اند.

منبع: وب‌سایت رسمی هولدن

ایران در «ایران»

دشت هشتگرد، کرج و نظرآباد در کانون برداشت‌های غیرقانونی آب‌های زیرزمینی

اجرای طرح ضربتی انسداد چاه‌های غیرمجاز در البرز



کرج- چاه‌های غیرمجاز همچنان یکی از عوامل تهدیدکننده پایداری آبخوان‌ها به شمار می‌روند. انسداد این چاه‌ها، به‌ویژه در مناطق دارای تراکم بالای برداشت آب، به یکی از محورهای اصلی برنامه مدیریت منابع آب در البرز تبدیل شده است.

بر اساس اعلام مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای البرز، در سال گذشته برنامه انسداد یک‌هزار حلقه چاه غیرمجاز در استان هدفگذاری شده بود که در نهایت یک‌هزار و ۵۰۰ حلقه چاه از مدار بهره‌برداری خارج شد. همچنین برای سال جاری، تعیین تکلیف و انسداد ۸۰۰ حلقه چاه در دستورکار قرار گرفته که تا زمان اعلام این آمار، نزدیک به ۹۰ درصد آن با همکاری شرکت توزیع نیروی برق استان محقق شده است.

اما آمارهای منتشرشده در ماه‌های اخیر نشان می‌دهد که مسأله چاه‌های غیرمجاز در البرز ابعادی فراتر از یک برنامه اجرایی سالانه دارد. سعید نقدی، مدیر مطالعات پایه آب شرکت آب منطقه‌ای البرز از وجود حدود ۹ هزار حلقه چاه غیرمجاز در استان خبر داده و گفته است، در سال گذشته نزدیک به ۵۰۰ حلقه از این چاه‌ها پلمب شده است. این آمار نشان می‌دهد که همچنان شمار قابل‌توجهی از منابع برداشت غیرمجاز آب در استان فعال هستند.

بخش مهمی از چاه‌های غیرمجاز و عملیات انسداد آنها در محدوده دشت‌های هشتگرد، تهران ـ کرج و مناطق کشاورزی غرب استان متمرکز است.

داوود نجفیان، مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای البرز، با اشاره به وضعیت بحرانی دشت‌های استان اعلام کرد، از مجموع یک‌هزار و ۵۰۰ حلقه چاه غیرمجاز مسدودشده در سال گذشته، بیش از نیمی در محدوده دشت تهران، دشت هشتگرد و دشت کرج قرار داشته‌اند. وی با تأکید بر اینکه این مناطق در اولویت برنامه‌های انسداد قرار دارند، از محدودسازی برداشت چاه‌های مجاز دارای اضافه‌برداشت نیز خبر داد. در میان شهرستان‌های استان نیز ساوجبلاغ، چهارباغ و نظرآباد از مناطق مهم اجرای این طرح به شمار می‌روند. بر اساس گزارش‌های منتشرشده در شهریور امسال، در محدوده ساوجبلاغ و چهارباغ ۵۲۹ حلقه چاه غیرمجاز شناسایی و مسدود شده و ۳۷ دستگاه و ادوات حفاری غیرمجاز نیز توقیف شده است.

در کنار انسداد چاه‌های غیرمجاز، نصب کنتورهای هوشمند نیز یکی از ابزارهای کنترل برداشت آب است. به گفته نجفیان، حدود ۹۰ درصد چاه‌های کشاورزی دارای پروانه بهره‌برداری در البرز به این کنتورها مجهز شده‌اند و برنامه تکمیل این طرح تا پایان سال در دستورکار قرار دارد.

کارشناسان معتقدند، برخورد با چاه‌های غیرمجاز زمانی می‌تواند به حفاظت پایدار از منابع آب منجر شود که همزمان با آن، اضافه‌برداشت از چاه‌های دارای مجوز، حفرهای غیرقانونی جدید، تغییر کاربری اراضی و مصرف بی‌رویه آب نیز کنترل شود. تجربه البرز نشان می‌دهد که مسدود کردن هزاران حلقه چاه، اگر با مدیریت تقاضا و اصلاح الگوی مصرف همراه نباشد، به‌تنهایی برای نجات آبخوان‌هایی که سال‌ها تحت فشار برداشت قرار داشته‌اند کافی نخواهد بود.

۶۵۰۰ کلاس نو ساخته شده و بیش از ۵ هزار دانش‌آموز بازمانده از تحصیل به چرخه آموزش برگشته‌اند

روی خوش عدالت آموزشی به سیستان وبلوچستان



گزارش

شیما جهان‌بخش
گروه ایران زمین

صدای زنگ مدرسه که بلند می‌شود، دانش‌آموزان به سمت کلاس‌هایی می‌روند که قرار است ساعت‌های زیادی از روزشان را در آن بگذرانند. برای برخی از کودکان سیستان و بلوچستان، ورود به یک مدرسه تازه‌ساز به معنای تجربه فضایی مناسب‌تر برای یادگیری است؛ اما در استانی که همچنان با کمبود فضای آموزشی روبه‌روست، ساخت هر مدرسه و کلاس جدید تنها بخشی از نیاز دانش‌آموزان را پاسخ می‌دهد. اینجا توسعه فضاهای آموزشی فقط به معنای ساخت دیوارها و برپایی نیمکت‌ها نیست؛ بلکه تلاشی برای نزدیک کردن فرصت‌های آموزشی در منطقه‌ای است که فاصله برخورداری از امکانات همچنان یکی از چالش‌های آن به شمار می‌رود.

در ۵ سال گذشته بیش از ۶ هزار و ۵۰۰ کلاس درس در سیستان و بلوچستان ساخته و تحویل شده و خیران مدرسه‌ساز نیز در ساخت دست‌کم نیمی از آنها مشارکت داشته‌اند. با وجود این حجم از مدرسه‌سازی، سرانه فضای آموزشی استان که پیش‌تر حدود ۳.۳ مترمربع بود، اکنون به بیش از ۴ مترمربع رسیده است؛ رقمی که همچنان با میانگین ۵.۵۹ مترمربعی کشور و هدف ۶.۱ مترمربعی برنامه هفتم توسعه فاصله دارد. این اعداد نشان می‌دهد توسعه فضاهای آموزشی در استان شتاب گرفته، اما جبران عقب‌ماندگی‌های گذشته همچنان به ساخت‌وساز و تأمین منابع بیشتری نیاز دارد.

مدرسه‌سازی در مسیر جبران عقب‌ماندگی

«میثم لک‌زایی»، مدیرکل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس سیستان و بلوچستان با اشاره به همراهی این نیکوکاران در توسعه فضاهای آموزشی به «ایران» می‌گوید: «در ۵ سال گذشته بیش از ۶ هزار و ۵۰۰ کلاس درس در استان ساخته و تحویل شده که دست‌کم نیمی از آنها با مشارکت خیران مدرسه‌ساز به بهره‌برداری رسیده است.»

به گفته او، این روند در قالب نهضت توسعه عدالت در فضاهای آموزشی نیز ادامه دارد، به‌طوری که از مهر ۱۴۰۴ تا مهر ۱۴۰۵، یک‌هزار و ۴۱۴ کلاس درس در قالب ۳۶۱ طرح آموزشی در استان تحویل شده است. دراین راستا سیستان و بلوچستان در اجرای طرح‌های این نهضت رتبه اول کشور را به دست آورده و میزان پیشرفت آن به ۶۵ درصد رسیده است.

لک‌زایی با اشاره به برنامه‌ریزی برای تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام می‌افزاید: «در مجموع، ساخت ۶ هزار و ۵۳۳ کلاس درس در قالب این نهضت هدفگذاری شده و با ادامه روند اجرایی، بخش دیگری از کمبود فضای آموزشی استان جبران خواهد شد.»

او ادامه می‌دهد: «با این حال، افزایش تعداد کلاس‌های درس به‌تنهایی نمی‌تواند معیار کاملی برای سنجش میزان برخورداری دانش‌آموزان از امکانات آموزشی باشد. گستردگی جغرافیایی استان و تفاوت نیاز مناطق مختلف، ضرورت توجه به محل اجرای طرح‌ها و توزیع متوازن امکانات را بیشتر می‌کند؛ بویژه در مناطقی که افزایش جمعیت و گسترش سکونتگاه‌ها، نیاز به فضاهای آموزشی تازه را افزایش داده است.»

مدرسه‌سازی در مناطق پرجمعیت و کم‌برخوردار

لک‌زایی با تأکید بر اینکه توزیع متوازن فضاهای آموزشی در استانی با گستردگی جغرافیایی سیستان و بلوچستان یکی از ضرورت‌های توسعه عدالت آموزشی است، می‌گوید: «اولویت اجرای طرح‌ها با مناطقی است که تراکم دانش‌آموزی بیشتری دارند و از سرانه فضای آموزشی کمتری برخوردارند. در همین راستا، ۳۴ کلاس درس در زاهدان در دست ساخت است که بخش عمده آنها در مناطق حاشیه‌ای و شهرک‌های جدید قرار دارند؛ مناطقی که افزایش جمعیت، نیاز به ایجاد فضاهای آموزشی تازه را بیشتر کرده است. توسعه مدارس خاص، هنرستان‌ها و فضاهای ورزشی در مناطق محروم نیز از دیگر اولویت‌های اعلام شده برای توزیع مناسب‌تر امکانات آموزشی است. توجه به این مناطق از آن جهت اهمیت دارد که برخورداری از فضای آموزشی مناسب، تنها به تعداد مدارس موجود در یک شهرستان وابسته نیست؛ بلکه محل استقرار مدارس، ظرفیت کلاس‌ها و تناسب امکانات با نیاز جمعیت دانش‌آموزی نیز در دسترسی عادلانه به آموزش نقش دارد.»

کلاس‌های تازه تنها نیاز مدارس نیستند

توسعه فضای آموزشی زمانی می‌تواند به بهبود کیفیت تحصیل منجر شود که در کنار ساخت کلاس‌های جدید، ایمنی، استانداردسازی و تجهیز مدارس موجود نیز مورد توجه قرار گیرد. در همین زمینه، لک‌زایی با اشاره به اقدامات انجام شده در حوزه استانداردسازی سیستم‌های گرمایشی و سرمایشی می‌گوید: «در دو سال گذشته تجهیزات گرمایشی و سرمایشی نزدیک به ۸ هزار کلاس درس در استان استانداردسازی شده و این اقدامات با استفاده از ظرفیت‌هایی مانند گازرسانی، احداث موتورخانه و نصب تجهیزات سرمایشی انجام شده است.»

> در دو سال گذشته تجهیزات گرمایشی و سرمایشی نزدیک به ۸ هزار کلاس درس در استان استانداردسازی شده و این اقدامات با استفاده از ظرفیت‌هایی مانند گازرسانی، احداث موتورخانه و نصب تجهیزات سرمایشی انجام شده است

به گفته او، استانداردسازی سیستم‌های گرمایشی و سرمایشی ۷۲ سالن ورزشی مدارس نیز در دستور کار قرار گرفته که برای اجرای آن بیش از ۱۱۰ میلیارد تومان اعتبار اختصاص یافته است. بیشتر این طرح‌ها به پیشرفت بیش از ۹۵ درصد رسیده‌اند.

در کنار این اقدامات، طرح شهید عجمیان برای بهسازی و شاداب‌سازی مدارس نیز ادامه دارد. امسال نزدیک به ۶۰۰ مدرسه و فضای آموزشی در قالب این طرح هدفگذاری شده‌اند و میزان پیشرفت آن به حدود ۷۵ درصد رسیده است. رنگ‌آمیزی، زیباسازی، آسفالت محوطه، عایق‌کاری و تأمین تجهیزات از جمله اقداماتی است که در این طرح دنبال می‌شود.

تجهیز مدارس به امکانات آموزشی جدید نیز بخش دیگری از برنامه‌های نوسازی مدارس استان است. در پنج سال گذشته حدود ۸ هزار دستگاه رایانه در مدارس توزیع شده و تجهیز ۷۰۰ کلاس درس به امکانات هوشمند نیز در برنامه قرار دارد. این اقدامات در کنار توسعه فیزیکی مدارس، با هدف فراهم کردن شرایط مناسب‌تر برای آموزش دانش‌آموزان انجام می‌شود.

تداوم مدرسه‌سازی در گرو تأمین اعتبار

جبران فاصله موجود در سرانه فضای آموزشی استان، به استمرار طرح‌های عمرانی و تأمین منابع مالی وابسته است. لک‌زایی با اشاره به اعتبارات پیش‌بینی شده برای سال ۱۴۰۵ می‌گوید: «حدود ۴ همت از محل منابع ملی و استانی برای نوسازی و توسعه فضاهای آموزشی استان مصوب و ابلاغ شده است. اولویت هزینه‌کرد این اعتبارات، تکمیل طرح‌های مهم و نیمه‌تمام و نوسازی مدارس فرسوده است و در صورت تحقق تخصیص‌ها، اجرای طرح‌های جدید نیز آغاز خواهد شد.»

وی ادامه می‌دهد: «در کنار اعتبارات دولتی و مشارکت خیران، استفاده از ظرفیت مسئولیت اجتماعی بنگاه‌های اقتصادی و تعهدات مناطق آزاد نیز برای توسعه فضاهای آموزشی، بویژه در سواحل مکران دنبال می‌شود. برگزاری همایش خیران مدرسه‌ساز ویژه سیستان و بلوچستان در آذرماه نیز با هدف تقویت مشارکت‌های مردمی در برنامه قرار دارد.»

توسعه فضاهای دانشگاهی و مهارتی نیز از دیگر اقدامات اعلام شده است. به گفته لک‌زایی، ۲ هزار و ۶۰۰ مترمربع به فضای دانشگاه فرهنگیان در منطقه سیستان افزوده شده و هنرستان دارالفنون ایرانشهر پس از تجهیز در اختیار این دانشگاه قرار گرفته است. همچنین عملیات ساخت پردیس استاندارد دانشگاه فرهنگیان در ایرانشهر با پیشرفت حدود ۳۰ درصد در حال اجراست.

عدالت آموزشی فراتر از ساخت کلاس

توسعه فضاهای آموزشی اگرچه یکی از پایه‌های تحقق عدالت آموزشی است، اما در استانی با گستردگی جغرافیایی و پراکندگی جمعیت، دسترسی به مدرسه و امکان ادامه تحصیل برای دانش‌آموزان مناطق دورافتاده و عشایری نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. در برخی مناطق، فاصله زیاد روستاها از مراکز آموزشی و دشواری رفت‌وآمد، ادامه تحصیل دانش‌آموزان را با محدودیت روبه‌رو می‌کند؛ به همین دلیل توسعه مدارس شبانه‌روزی، گسترش آموزش در مناطق عشایری و فراهم کردن امکانات متناسب با شرایط این مناطق، بخشی از برنامه‌های آموزش و پرورش استان برای کاهش فاصله آموزشی است.

«رسول صفرزایی»، مدیرکل آموزش و پرورش سیستان و بلوچستان در گفت‌وگو با «ایران» با اشاره به شرایط خاص جغرافیایی استان و پراکندگی جمعیت در مناطق روستایی و عشایری، از مجموعه اقداماتی برای افزایش دسترسی دانش‌آموزان به آموزش خبر می‌دهد.

به گفته او، در کنار توسعه مدارس شبانه‌روزی، بیش از ۳ هزار دانش‌آموز بازمانده از تحصیل به چرخه آموزش بازگشته‌اند؛ اقدامی که نشان می‌دهد مسأله عدالت آموزشی در استان تنها به تأمین فضای فیزیکی محدود نیست و شناسایی کودکانی که از تحصیل دور مانده‌اند و فراهم کردن زمینه بازگشت آنها نیز اهمیت دارد.

صفرزایی توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را یکی دیگر از محورهای فعالیت آموزش و پرورش استان می‌داند و می‌گوید: «۷۱ هنرستان راه‌اندازی شده و گسترش هنرستان‌های دخترانه در مناطق عشایری، توسعه آموزش‌های مهارتی در مدارس عشایری و شناسایی استعدادهای دانش‌آموزان نیز در دستور کار قرار دارد. این برنامه‌ها با هدف متنوع کردن مسیرهای تحصیلی و فراهم کردن فرصت یادگیری مهارت در کنار آموزش عمومی دنبال می‌شود؛ بویژه در مناطقی که دسترسی به امکانات آموزشی و فرصت‌های ادامه تحصیل با محدودیت بیشتری همراه است.»

مدیرکل آموزش و پرورش سیستان و بلوچستان همچنین به ضرورت متناسب‌سازی امکانات آموزشی با شرایط مدارس روستایی و عشایری اشاره می‌کند و از تجهیز ۳۰۰ کلاس چندپایه به امکانات آموزشی خبر می‌دهد.

او ادامه می‌دهد: «در کلاس‌های چندپایه، دانش‌آموزان پایه‌های مختلف در یک فضای آموزشی و با حضور یک معلم درس می‌خوانند؛ از این رو تأمین تجهیزات و ابزارهای کمک‌آموزشی می‌تواند بخشی از دشواری آموزش در این مدارس را کاهش دهد. همچنین برنامه‌ریزی برای تجهیز بیش از ۲ هزار و ۳۷۵ کلاس درس به تلویزیون‌های تعاملی انجام شده است تا استفاده از ابزارهای آموزشی جدید در مدارس گسترش یابد.»

این مقام مسئول تقویت نیروی انسانی را نیز از الزامات بهبود کیفیت آموزش در استان عنوان می‌کند و می‌افزاید: «سهمیه سیستان و بلوچستان در دانشگاه فرهنگیان ۳۰ درصد افزایش داشته است. این موضوع در استانی با پراکندگی بالای جمعیت و فاصله زیاد برخی مناطق از مراکز شهری، از این جهت اهمیت دارد که تأمین معلم و توزیع متوازن نیروی آموزشی در مناطق مختلف، در کنار ساخت مدرسه و تجهیز کلاس‌ها، بر کیفیت و دسترسی به آموزش اثرگذار است.»

صفرزایی با اشاره به بهبود برخی شاخص‌های آموزشی استان، از افزایش میانگین نمرات دانش‌آموزان و کسب رتبه دوم کشور در رشد معدل خبر می‌دهد و می‌گوید: «افزایش شمار مدال‌آوران علمی و بهبود وضعیت سوادآموزی نیز از دیگر نشانه‌های پیشرفت آموزشی استان است.» او تأکید می‌کند که شاخص‌های آموزش و پرورش استان در مسیر پیشرفت قرار دارند و در این زمینه با توقف یا عقبگرد روبه‌رو نیستند.

در مجموع، اظهارات مدیرکل آموزش و پرورش استان نشان می‌دهد تلاش برای کاهش محرومیت آموزشی در سیستان و بلوچستان علاوه بر ساخت کلاس و مدرسه، به مجموعه‌ای از اقدامات در حوزه دسترسی، نیروی انسانی، آموزش مهارتی و تجهیز مدارس نیاز دارد. با این حال، گستردگی استان و تفاوت شرایط مناطق شهری، روستایی و عشایری، ارزیابی میزان اثرگذاری این اقدامات را به بررسی دقیق‌تری از وضعیت دسترسی دانش‌آموزان و کیفیت امکانات آموزشی در نقاط مختلف استان وابسته می‌کند.

برش

فاصله‌ای که باید جبران شود

افزایش سرانه فضای آموزشی از حدود ۳.۳ مترمربع به بیش از ۴ مترمربع و تحویل بیش از ۶ هزار و ۵۰۰ کلاس درس در پنج سال گذشته، از تغییرات قابل توجه در وضعیت فضاهای آموزشی سیستان و بلوچستان حکایت دارد؛ با این حال، فاصله موجود با میانگین کشوری نشان می‌دهد توسعه فضاهای آموزشی هنوز به نقطه‌ای نرسیده است که بتوان از رفع کمبودها سخن گفت.

در چنین شرایطی، موفقیت برنامه‌های مدرسه‌سازی تنها با شمار کلاس‌های ساخته شده سنجیده نمی‌شود؛ بلکه میزان کاهش فاصله برخورداری مناطق مختلف، دسترسی دانش‌آموزان به کلاس‌های استاندارد و تناسب ظرفیت مدارس با نیاز جمعیت دانش‌آموزی نیز باید در ارزیابی این اقدامات مورد توجه قرار گیرد. مشارکت خیران، اعتبارات دولتی و ظرفیت بنگاه‌های اقتصادی می‌تواند این مسیر را شتاب دهد، اما نتیجه نهایی زمانی ملموس خواهد بود که دانش‌آموزان در دورترین و کم‌برخوردارترین مناطق استان نیز از فرصت برابر برای تحصیل در فضایی ایمن و مناسب برخوردار شوند.





کتابخانه مرکزی بندرعباس ۸۰ درصد پیشرفت پس از ۱۷ سال

بنگاه

مدیرکل کتابخانه‌های عمومی هرمزگان از اجرای ۵۰۰ برنامه فرهنگی، هنری و ادبی همزمان با سی‌وچهارمین هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران در کتابخانه‌های عمومی استان خبر داد.

«انوشیروان پیشدار» با اعلام این خبر گفت: «این برنامه‌ها با هدف ترویج فرهنگ مطالعه و افزایش مشارکت عمومی در نقاط مختلف هرمزگان اجرا خواهد شد.»

وی سیاست اصلی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور را گذار از الگوی کتابخانه‌محوری به جامعه‌محوری عنوان کرد و افزود: «علاوه بر توسعه کمی کتابخانه‌ها، دسترسی عادلانه، کیفیت خدمات، برنامه فرهنگی و ترویجی در کتابخانه‌های عمومی هرمزگان برگزار شده است. در روستای ملکن بشاگرد با وجود جمعیت حدود ۷۸۰ نفری، نزدیک به ۴۵۰ نفر عضو کتابخانه هستند.

پروژه مرکزی ۸۰ درصد پیشرفت

پیشدار با اشاره به وضعیت زیرساخت‌های کتابخانه‌ای استان اظهار کرد: «زیربنای کتابخانه‌های نهادی استان حدود ۲۸ هزار و ۸۰۰ مترمربع است و هرمزگان از نظر سرانه زیربنای کتابخانه‌ای در جایگاه بیستم کشور قرار دارد. سرانه زیربنای کتابخانه‌ای استان به ازای هر ۱۰۰ نفر جمعیت حدود یک متر و ۳۹ صدم مترمربع است.»

وی درباره پروژه کتابخانه مرکزی بندرعباس گفت: «این پروژه که نزدیک به ۱۷ سال از آغاز ساخت آن می‌گذرد، حدود ۸۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارد و با پیگیری‌های صورت گرفته، اعتبارات مناسبی برای تکمیل آن اختصاص یافته است. تأمین ۵۰ میلیارد تومان اعتبار از محل نشان‌دار کردن مالیات برای این پروژه در حال پیگیری است و امیدواریم عملیات ساختمانی در یکی دو سال آینده به پایان برسد. کتابخانه مرکزی بندرعباس با زیربنای حدود ۸ هزار مترمربع می‌تواند نقش مهمی در ارتقای شاخص‌های فرهنگی استان ایفا کند.»

کتابخانه نسل چهارم

پیشدار از برنامه نهاد برای بازسازی و ارتقای سطح خدمات کتابخانه‌ها خبر داد و گفت: «راه‌اندازی کتابخانه‌های نسل چهارم با تجهیزات و امکانات جدید در دستور کار قرار دارد.

این طرح در کتابخانه جاویدالاثر مینکی در شهرستان میناب آغاز شده و امیدواریم تا بهمن‌ماه به‌عنوان اولین کتابخانه نسل چهارم استان به بهره‌برداری برسد. بازسازی و توسعه کتابخانه آل‌محمد در میناب و هوشمندسازی کتابخانه محل نشست خبری در بندرعباس نیز در برنامه‌های آینده قرار دارد.»

وی با اشاره به فعالیت‌های فرهنگی کتابخانه‌های عمومی استان گفت: «از ابتدای امسال تا پایان شهریورماه حدود ۲ هزار و ۷۰۰ امکان‌پذیر نیست، گفت: «دو خودروی کتابخانه سیار جدید برای شهرستان‌های بندرعباس و میناب تأمین شده است که هر کدام ۱۰ نقطه را تحت پوشش قرار می‌دهند و با اولویت مناطق کم‌برخوردار فعالیت خواهند کرد. این دو خودرو در مجموع با اعتباری حدود ۲۴ میلیارد تومان از محل اعتبارات ملی تأمین شده‌اند. کتابخانه سیار میناب به نام «یادمان شجره طیبه» راه‌اندازی شده است.»

۱۲۶ نقطه خدمت فعال

پیشدار با اشاره به وضعیت زیرساخت‌های کتابخانه‌ای استان اظهار کرد: «هم‌اکنون ۱۲۶ نقطه خدمت کتابخانه‌ای در هرمزگان فعال است که شامل ۷۴ باب کتابخانه عمومی و پیشخوان نهادی، سه کتابخانه سیار با ۳۰ نقطه خدمت، ۱۸ کتابخانه مشارکتی و چهار سالن مطالعاتی بخش خصوصی می‌شود. تعداد اعضای کتابخانه‌های عمومی استان ۲۴ هزار و ۱۰۸ نفر و منابع موجود حدود ۹۶۵ هزار نسخه کتاب است.

وی از توسعه نقاط خدمت در یک سال گذشته خبر داد و افزود: «سه پیشخوان کتابخانه‌ای و دو کتابخانه در مناطق مختلف استان اضافه شده که از جمله آنها کتابخانه نور در گرو و کتابخانه روستای کش در شهرستان بستک است.»

مدیرکل کتابخانه‌های عمومی هرمزگان با اشاره به اینکه ایجاد کتابخانه ثابت در همه مناطق نیاز مخاطبان و میزان اثرگذاری فعالیت‌های فرهنگی مورد توجه قرار گرفته است. توسعه خدمات در مناطق کم‌برخوردار، رایگان‌سازی و یکپارچه‌سازی دسترسی، افزایش نقش کتابداران و مخاطبان در انتخاب منابع و حرکت از انباشت کتاب به سمت گردش و استفاده مؤثر از منابع، از محورهای اصلی این رویکرد است.»

انتقاد از بلاتکلیفی پارک شهر

مدیرکل کتابخانه‌های عمومی هرمزگان در پاسخ به پرسشی درباره وضعیت کتابخانه پارک شهر بندرعباس از بلاتکلیفی این پروژه انتقاد کرد و گفت: «حدود ۱۰ سال از موضوع ساخت کتابخانه در این مجموعه می‌گذرد اما با وجود پیگیری‌های انجام شده، هنوز این مطالبه فرهنگی به نتیجه نرسیده است. قرار بود در محل مورد نظر کتابخانه‌ای برای استفاده عموم مردم ساخته شود اما این طرح با تغییراتی مواجه شد و تاکنون به سرانجام نرسیده است. این کتابخانه متعلق به مردم و نسل آینده است و انتظار داریم اصحاب رسانه با مطالبه‌گری از شهرداری و شورای شهر، وضعیت اجرای این پروژه را روشن کنند.»

سهم شهرداری‌ها؛ مطالبه قانونی

پیشدار درباره سهم نیم‌درصدی شهرداری‌ها از درآمدهای خود برای تأمین منابع مالی کتابخانه‌های عمومی اظهار کرد: «براساس ماده ۶ قانون تأسیس و نحوه اداره کتابخانه‌های عمومی کشور، شهرداری‌ها مکلف به پرداخت این سهم هستند. وضعیت پرداخت این سهم در سال جاری نسبت به سال گذشته بهبود یافته است؛ در شهرهای کوچک همکاری شهرداری‌ها بهتر بوده اما در بندرعباس همچنان پرداخت‌ها با دشواری و کندی انجام می‌شود و پیگیری‌های لازم از طریق اداره کل امور شهری در حال انجام است.»

یادداشت



داوود رفعتی
دبیر ستاد استانداردسازی ورزشگاه‌ها

فوتبال ایران آماتور نیست

ورزشگاه‌های فوتبال ایران با استانداردهای کنفدراسیون فوتبال آسیا فاصله دارند، اما نمی‌توان آنها را آماتور یا در سطح درجه دو آسیا دانست. اما سایر کشورهای آسیایی با سرمایه‌گذاری بیشتر، امکانات و زیرساخت‌های خود را به‌روز کرده‌اند و طبیعی است که در این زمینه از ایران پیشی گرفته باشند؛ اما جبران این فاصله کار نشدنی‌ای نیست.

اگرچه امکانات ورزشگاه‌های مورد استفاده در لیگ برتر فوتبال ایران در سطح قابل قبولی قرار دارد، باشگاه‌های فوتبال کشور باید تلاش مضاعفی برای رفع نواقص و ایرادات ورزشگاه‌های خود با هدف کسب مجوز میزبانی در رقابت‌های آسیایی انجام دهند. باشگاه‌ها نمی‌توانند به تماشاگران بگویند فوتبال تماشا نکنند، چون شرایط لازم برای میزبانی را نداریم. از سوی دیگر، درست است که شرایط برای همه باشگاه‌های فوتبال سخت‌تر شده و آنها ناچارند به‌طور مستمر هزینه کنند، اما انصافاً تاکنون گام‌های خوبی برای استانداردسازی ورزشگاه‌ها برداشته شده و پیشرفت قابل‌توجهی نیز در این زمینه صورت گرفته است.

نکته مهم اینجاست که در ایران کمتر به این موضوع توجه می‌شود که قوانین و استانداردهای AFC هر سال به‌روز می‌شوند و ورزشگاه‌ها نیز باید متناسب با این تغییرات، امکانات خود را ارتقا دهند. در واقع، به دلیل اینکه در سال‌های گذشته اقدامات لازم به‌موقع انجام نشده و ورزشگاه‌های ایران نسبت به کشورهای دیگر چند قدم عقب‌تر هستند، جبران این عقب‌ماندگی با توجه به تغییرات و الزامات جدید کنفدراسیون فوتبال آسیا کمی دشوار شده است. با وجود این، کسب مجوز میزبانی برای باشگاه‌های ایرانی در رقابت‌هایی مانند لیگ قهرمانان آسیا، لیگ نخبگان و لیگ الیت دو غیرممکن نیست، اما به تلاش و سرمایه‌گذاری بیشتری نیاز دارد.

برای مثال، ورزشگاه فولاد خوزستان از نظر برخورداری از سقف مشکلی ندارد، اما اسکوربورد آن باید به کیفیت 4K ارتقا پیدا کند و سیستم نورپردازی و سایر امکانات آن نیز به‌روز شود. ورزشگاه امام رضا(ع) مشهد هم نیازمند اصلاح و ارتقای سیستم نورپردازی، اسکوربورد، رختکن‌ها و محل تردد اتوبوس‌های تیم‌هاست.

در کنار این ورزشگاه‌ها، سایر مجموعه‌ها نیز برای رسیدن به استانداردهای مورد نظر AFC باید نواقص خود را برطرف کنند. برای نمونه، ورزشگاه سیروس قایقران ملوان بندرانزلی به ظرفیت نور ۲۴۰۰ رسیده است، اما سایر امکانات آن نیز باید تغییر کند و ارتقا یابد. ورزشگاه پارس شیراز نیز با وجود برخورداری از گرید B، در بخش جایگاه VIP و ضلع روبه‌رو دارای پوشش سقف است. این ورزشگاه سال گذشته به‌روزرسانی شد و شرایط بهتری پیدا کرد، اما همچنان برخی ایرادات آن باید برطرف شود.

یادداشت



سیروس احمدی
مدیرکل دفتر امور باشگاه‌های وزارت ورزش و جوانان

وظیفه دولت تأمین ورزشگاه نیست

سیاست وزارت ورزش حمایت از باشگاه‌های فوتبال بویژه باشگاه‌های پرطرفدار بوده و ادامه خواهد داشت اما باید بین مسئولیت دولت در نگهداری و تکمیل زیرساخت‌های ملی ورزش و مسئولیت باشگاه‌ها در تأمین شرایط لازم برای میزبانی از مسابقات خود تفاوت قائل شد. دولت برای توسعه زیرساخت‌های ورزش کشور تلاش می‌کند، اما این به معنای آن نیست که دولت وظیفه‌ای در قبال تأمین امکانات باشگاه‌های حرفه‌ای فوتبال دارد.

آنها باید مسئولیت‌های خود را بپذیرند و در قبال امکاناتی که دارند پاسخگو باشند. پرسپولیس و استقلال ورزشگاه‌هایی در اختیار دارند که باید به‌جای طرح مطالبات یک‌طرفه از دولت، از ظرفیت‌های موجود استفاده کنند.

باشگاه‌ها نباید توقع داشته باشند دولت و شرکت توسعه با صرف منابع عمومی، زیرساخت‌های ورزشی را آماده و تکمیل کنند و تعهدات مالی آنها نسبت به ورزشگاه‌ها بلاتکلیف بماند. رویکرد وزارت ورزش و جوانان حمایت از فوتبال و فراهم کردن زیرساخت‌های مناسب برای ورزش کشور است، اما باشگاه‌ها نباید با این حمایت مسئولیت‌ها و تعهدات خود را نادیده بگیرند. توسعه ورزش حرفه‌ای زمانی به شکل صحیح اتفاق می‌افتد که همه طرف‌ها، متناسب با مسئولیت و جایگاهی که دارند، به وظایف خود عمل کنند. به هر حال باشگاه‌ها با پرداخت تعهدات مالی خود به شرکت توسعه برای پیشبرد پروژه‌ها و تکمیل هرچه سریع‌تر ورزشگاه آزادی کمک می‌کنند.

«ایران» ضرورت بازنگری در روند استانداردسازی ورزشگاه‌های فوتبال را بررسی می‌کند

استادیوم‌ها در آفساید نوسازی

سینا حسینی/ فوتبال ایران در شرایطی برای حفظ جایگاه خود در آسیا تلاش می‌کند که یکی از ابتدایی‌ترین الزامات حضور در این سطح، یعنی برخورداری از ورزشگاه‌های استاندارد، به نقطه ضعف جدی آن تبدیل شده است. امروز کیفیت فنی تیم‌ها، توانایی بازیکنان و عملکرد مربیان تنها بخشی از معادله موفقیت هستند؛ زیرساختی که مسابقه در آن برگزار می‌شود نیز به اندازه کیفیت ترکیب تیم اهمیت دارد. موضوعی که فوتبال ایران همچنان در آن با فاصله قابل توجهی از استانداردهای روز آسیا قرار دارد.

سخت‌گیری‌های کنفدراسیون فوتبال آسیا در زمینه صدور مجوز میزبانی افزایش یافته و اظهارات مهدی تاج، رئیس فدراسیون فوتبال، درباره وضعیت ورزشگاه‌های کشور نیز ابعاد این چالش را آشکار کرده است. به گفته او، در میان ورزشگاه‌های ایران تنها ورزشگاه پارس شیراز موفق به دریافت استاندارد گرید B شده است؛ آماری که نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از زیرساخت‌های فوتبال کشور همچنان با الزامات AFC فاصله دارند.

در فوتبال حرفه‌ای، ورزشگاه فقط یک زمین چمن و چند سکو برای استقرار تماشاگران نیست. نور استاندارد، کیفیت سطح بازی، سیستم زهکشی، امکانات رختکن، اتاق داوران، تجهیزات پزشکی، الزامات امنیتی، امکانات رسانه‌ای و زیرساخت‌های VAR مجموعه‌ای از معیارهایی هستند که صلاحیت یک ورزشگاه را برای میزبانی مسابقات تعیین می‌کنند. ضعف در هرکدام از این بخش‌ها می‌تواند امتیاز میزبانی را از یک باشگاه بگیرد.

پیامدهای این وضعیت برای باشگاه‌های ایرانی فراتر از تغییر محل برگزاری مسابقه است. تیمی که در رقابت‌های آسیایی از حمایت هواداران خود محروم می‌شود و ناچار است در شهری دیگر به میدان برود، بخشی از مزیت میزبانی را از دست می‌دهد. هزینه‌های سفر، اقامت و جابه‌جایی تجهیزات نیز افزایش پیدا می‌کند و حتی برنامه‌ریزی فنی تیم تحت تأثیر قرار می‌گیرد. نگرانی مهم‌تر به فرآیند صدور مجوز حرفه‌ای بازمی‌گردد. ضعف زیرساختی و نبود ورزشگاه واجد شرایط می‌تواند برای باشگاه‌ها در مسیر دریافت مجوز حرفه‌ای دردسرساز شود و در صورت تداوم، بر اعتبار فوتبال ایران و سهمیه‌های باشگاهی کشور در رقابت‌های قاره‌ای اثر منفی بگذارد. برای عبور از این چالش، اول باید تمام ورزشگاه‌های لیگ برتر بر اساس شاخص‌های AFC ممیزی فنی شوند و فهرست نواقص، هزینه اصلاح و زمان مورد نیاز برای هر مجموعه مشخص شود. در مرحله بعد، ورزشگاه‌های میزبان نمایندگان آسیایی باید در اولویت سرمایه‌گذاری قرار بگیرند. اصلاح نور، چمن، زهکشی، امکانات پزشکی، امنیتی و رسانه‌ای می‌تواند بخشی از مشکلات را در کوتاه‌مدت برطرف کند؛ درحالی‌که نواقص سازه‌ای به برنامه‌های عمرانی و بودجه بلندمدت نیاز دارند. فوتبال ایران نمی‌تواند در زمین مسابقه مدعی رقابت با قدرت‌های آسیا باشد، اما بیرون از زمین همچنان با ابتدایی‌ترین الزامات میزبانی فاصله داشته باشد. حفظ اعتبار فوتبال کشور از مسیر اصلاح زیرساخت‌ها می‌گذرد؛ مسیری که هر روز تأخیر در آن، هزینه بیشتری به باشگاه‌ها و فوتبال ایران تحمیل خواهد کرد.

هومن مشعشعی، معاون فنی و مهندسی شرکت توسعه و نگهداری در گفت‌وگو با «ایران»:

هیچ کجای دنیا دولت وظیفه ندارد ورزشگاه بسازد

مهری رنجبر/ جلسه مهدی تاج، رئیس فدراسیون فوتبال، با نماینده کنفدراسیون فوتبال آسیا (AFC) بار دیگر موضوع استانداردسازی ورزشگاه‌های ایران را به سوژه داغ رسانه‌ها تبدیل کرد؛ مسأله‌ای که طی سال‌های اخیر به یکی از موانع اصلی میزبانی تیم‌های ایرانی در رقابت‌های آسیایی تبدیل شده است. در شرایطی که برخی ورزشگاه‌های کشور هنوز نتوانسته‌اند مجوز میزبانی مسابقات بین‌المللی را دریافت کنند، بحث درباره کیفیت زیرساخت‌ها و الزامات AFC اهمیت بیشتری پیدا کرده است. هومن مشعشعی، معاون فنی و مهندسی شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی، در گفت‌وگو با «ایران» ارزیابی متفاوتی از شرایط موجود دارد. او وضعیت ورزشگاه‌های ایران را فاجعه‌بار نمی‌داند و معتقد است باید میان گرید فنی ورزشگاه‌ها و ضوابط برگزاری مسابقات تفاوت قائل شد. مشعشعی همچنین تأکید دارد که ارتقای استانداردها به سرمایه‌گذاری بیشتر باشگاه‌ها و اصلاح مدل اقتصادی فوتبال ایران نیاز دارد.

گرید استانداردسازی مجوز میزبانی نیست

معاون فنی و مهندسی شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی درباره معیارهای جدید استانداردسازی ورزشگاه‌ها می‌گوید: «AFC در سال ۲۰۲۶ الزاماتی را برای ورزشگاه‌ها منتشر کرده که براساس آن، ورزشگاه‌ها از نظر فنی و زیرساختی به پنج دسته تقسیم می‌شوند. بالاترین گرید A و پایین‌ترین E است. این تقسیم‌بندی براساس ضوابطی مانند ظرفیت تماشاگران، روشنایی برحسب لوکس پرژکتورها، نوع و تعداد صندلی‌ها، امکانات VIP، وضعیت سقف جایگاه‌ها، تجهیزات ایمنی، سیستم پایش تصویری و کنترل الکترونیکی ورود تماشاگران و سایرامکانات فنی و پشتیبانی انجام می‌شود. موضوع دیگر، معیارهای برگزاری مسابقات است. گریدهای فنی به تنهایی به معنای مجوز میزبانی نیست. این دو موضوع با یکدیگر ارتباط دارند، اما نمی‌توان گفت هر ورزشگاهی که گرید A دارد، الزاماً مجاز به میزبانی تمام مسابقات است درمقابل یک ورزشگاه با گرید پایین‌تر نیز ممکن است شرایط میزبانی مسابقاتی را که الزامات کمتری دارد، فراهم کند.

دو دسته ضابطه برای میزبانی

مشعشعی با تفکیک استانداردهای فنی ورزشگاه‌ها از الزامات برگزاری مسابقات، توضیح می‌دهد: «ما دو دسته ضابطه داریم؛ یک دسته مشخصات فنی و زیرساختی ورزشگاه‌هاست و دسته دیگر به شرایط میزبانی مسابقات ارتباط دارد. هر مسابقه، از لیگ نخبگان آسیا و لیگ قهرمانان دو گرفته تا چلنج کاپ و الیت دو، در هر مرحله ضوابط میزبانی خاص خود را دارد.

بعضی از این ضوابط ارتباطی با ساختمان ورزشگاه ندارند. برای مثال، فاصله ورزشگاه تا فرودگاه بین‌المللی، امکانات حمل و نقل و دسترسی، برخورداری شهرمیزبان از ظرفیت اقامتی مناسب و هتل‌های ۵ و ۵ ستاره در مسابقات سطح بالا از موضوعات مهم در ارزیابی میزبان است. این موارد بیشتر به زیرساخت‌های شهری و خدماتی مربوط می‌شود؛ برای مثال ورزشگاه فولادآرنا از نظر بسیاری از امکانات فنی مجموعه استانداردی است، اما به دلیل نبود امکانات اقامتی کافی و هتل‌های مورد نیاز در اهواز، ممکن است با مشکل میزبانی روبه‌رو شود. داشتن ورزشگاه مناسب به تنهایی کافی نیست و ضوابط برگزاری مسابقه تعیین‌کننده خواهد بود. نماینده AFC براساس مقررات هر رقابت، سطح مسابقه و گزارش‌های ارزیابی درباره تأیید ورزشگاه تصمیم می‌گیرد، حتی ورزشگاهی با گرید A هم ممکن است به دلیل تأمین نکردن سایر الزامات، مجوز میزبانی یک مسابقه خاص را دریافت نکند.

فینال جام جهانی در ورزشگاه غیرمسقف

او برای توضیح تفاوت میان گرید فنی و شرایط میزبانی به نمونه‌هایی از فوتبال جهان اشاره می‌کند: «فینال جام جهانی ۲۰۲۶ در ورزشگاه نیویورک نیوجرسی برگزار شد، ورزشگاهی که سقف کامل ندارد و این درحالی است که طبق مقررات AFC پوشش سقف تمام جایگاه‌های تماشاگران یکی از الزامات گرید A محسوب می‌شود. در رقابت‌های لیگ ملت‌های اروپا نیز دیدار پرتغال و دانمارک در ورزشگاه ژوزه الوالده لیسبون و مسابقه کرواسی-فرانسه در ورزشگاه پولیود شهر اسپلیت برگزار شد که این ورزشگاه‌ها نیز از نظر طراحی، قدمت و ویژگی های کالبدی با هم متفاوت هستند. اما بر اساس ضوابط یوفا برای میزبانی مورد تأیید قرار گرفتند. این نمونه‌ها نشان می‌دهد که نمی‌توان استانداردهای یک کنفدراسیون را مبنای قضاوت درباره همه ورزشگاه‌های جهان قرار داد. برای دریافت میزبانی موضوع گرید فنی یک ورزشگاه نیست بلکه باید شرایط مورد نیاز در حوزه‌های ایمنی، رسانه، فناوری اطلاعات، مسائل اقتصادی ، تبلیغات و امکانات اجرایی نیز فراهم شود. حتی در لیگ قهرمانان اروپا می‌بینیم که ورزشگاه بارسلونا در شرایط بازسازی قرار دارد و با وجود تکمیل نشدن بخش‌هایی از آن، امکان برگزاری مسابقات در آن برگزار می‌شود. ورزشگاه استون‌ویلا هم قدمت زیادی دارد، اما همچنان میزبان مسابقات است. بنابراین نمی‌توان گفت وضعیت استاندارد ورزشگاه‌های ایران با یک فاجعه ملی روبه‌رو است. البته این به معنای بی‌نیازی از اصلاح و توسعه نیست،بلکه ما باید در مسیر استانداردسازی حرکت کنیم. در سال‌های اخیر نیز اقداماتی مانند ارتقای نور ورزشگاه و اصلاح چمن چند مجموعه انجام شده است.

اقتصاد ورزش حرفه‌ای مستقل از دولت

معاون فنی و مهندسی شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی نقش اقتصاد فوتبال و استقلال مالی باشگاه‌ها را در توسعه زیرساخت‌ها مهم می‌داند و معتقد است وابستگی به بودجه دولتی باید کاهش پیدا کند. او در این باره می‌گوید: «اقتصاد ورزش حرفه‌ای در دنیا چشم‌انتظار بودجه دولت نیست. در هیچ‌کجای دنیا دولت وظیفه ندارد برای هر باشگاه ورزشگاه بسازد. باشگاه‌ها باید از نظر مالی و اقتصادی مستقل باشند و با مدیریت هزینه‌ها، بخشی از درآمد خود را به سرمایه‌گذاری در زیرساخت اختصاص دهند.

قرار نیست تمام بودجه باشگاه صرف خرید بازیکن و استخدام مربی شود. باشگاه‌ها باید ورزشگاه بسازند و انتظار اینکه دولت برای همه آنها مجموعه ورزشی احداث کند، معقول نیست. متأسفانه در ایران جا افتاده است که وظیفه دولت تأمین امکانات باشگاه‌هاست و باشگاه‌ها فقط باید در مسابقات شرکت کنند. البته باشگاه‌ها می‌گویند چون حق پخش تلویزیونی دریافت نمی‌کنند، از بخش مهمی از درآمدهای خود محروم هستند و امکان سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها را ندارند که این شرایط یک چرخه اقتصادی منفی ایجاد کرده است. باید با اصلاح این وضعیت، درآمد باشگاه‌ها افزایش پیدا کند تا امکان استانداردسازی ورزشگاه‌ها نیز فراهم شود.»

> در هیچ‌کجای دنیا دولت وظیفه ندارد برای هر باشگاه ورزشگاه بسازد. باشگاه‌ها باید از نظر مالی و اقتصادی مستقل باشند و با مدیریت هزینه‌ها، بخشی از درآمد خود را به سرمایه‌گذاری در زیرساخت اختصاص دهند

همه ورزشگاه‌ها دولتی نیستند

مشعشعی درباره مالکیت و مدیریت ورزشگاه‌های فوتبال ایران نیز توضیح می‌دهد: «در لیگ فوتبال ایران همه ورزشگاه‌ها دولتی نیستند. وزارت ورزش بعضی از ورزشگاه‌ها را در اختیار دارد و شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی نیز فقط ورزشگاه آزادی را مدیریت می‌کند.»

چرا AFC این‌قدر سختگیری می‌کند؟

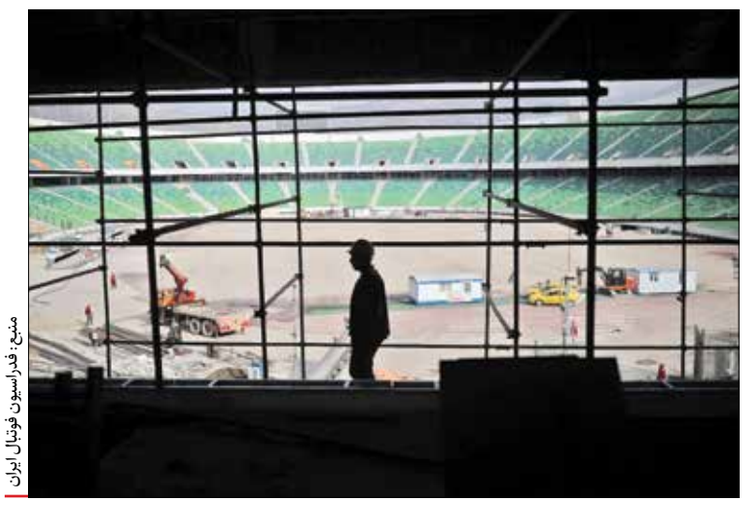
او با اشاره به سختگیری‌های کنفدراسیون فوتبال آسیا می‌گوید: «نمی‌دانم چرا ضوابط AFC تا این اندازه سختگیرانه است؛ حتی در بعضی موارد سختگیری‌ها از مقررات لیگ‌های اروپایی هم بیشتر به نظر می‌رسد. در اروپا ممکن است ورزشگاه‌ها قدیمی باشند، اما امکانات مناسبی دارند؛ حتی اگر بخشی از آنها مسقف نباشد. اگر واقعاً نمی‌توان در ورزشگاه غیرمسقف مسابقه ملی برگزار کرد، پس چرا فینال جام جهانی در ورزشگاهی غیرمسقف، اما مجهز به امکانات مورد نیاز برگزار شد؟ البته هر کنفدراسیونی مقررات خودش را دارد و باید میان گریدبندی فنی و شرایط اختصاصی برگزاری مسابقات تفاوت قائل شد. نکته این است که نبود یک ویژگی لزوماً به معنای نامناسب بودن کلی ورزشگاه برای برگزاری مسابقات بین‌المللی نیست.»

آزادی در آستانه گرید A

معاون فنی و مهندسی شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی درباره وضعیت ورزشگاه آزادی و امکان دریافت بالاترین گرید فنی می‌گوید: «ورزشگاه آزادی با تکمیل شرایط مورد نیاز، گرید A را دریافت می‌کند و تنها مشکل باقی‌مانده آن مسقف نبودن طبقه دوم است. اگر این بخش مسقف شود، ورزشگاه گرید A خواهد گرفت. آزادی پس از بازسازی، از نظر استانداردهای فنی در سطح بالایی قرار می‌گیرد و بین گرید A و B است. مسقف کردن طبقه دوم در زمان بهره‌برداری نیز امکان‌پذیر است و برای انجام این کار نیازی نیست ورزشگاه تعطیل شود.»

سرمایه‌گذاری بیشتر برای ارتقای گرید ورزشگاه‌ها

مشعشعی با تأکید بر ضرورت افزایش سرمایه‌گذاری برای استانداردسازی ورزشگاه‌های کشور می‌گوید: «فدراسیون فوتبال طی دو سال گذشته فعالیت‌های خوبی در مسیر استانداردسازی ورزشگاه‌ها انجام داده و در بسیاری از موارد نیز اقدامات اصلاحی صورت گرفته است. یکی از مشکلات ورزشگاه‌های قدیمی، محدودیت فضا برای توسعه امکانات پشتیبان است. برای مثال، ورزشگاه نقش جهان بیشتر با مشکل فضاهای پشتیبان مواجه است. ظرفیت اتاق خبرنگاران، جایگاه گزارشگران، مدیا سنتر و میکسدزون برای مصاحبه با خبرنگاران، هرکدام ضوابط مشخصی دارند. مقررات جدید با شرایط ورزشگاه‌هایی که سال‌ها قبل ساخته شده‌اند، همیشه همخوانی ندارد. برای دریافت گرید A، افزایش ظرفیت بعضی فضاها ضروری است، اما ورزشگاهی که ساخته شده، امکان توسعه فیزیکی زیادی ندارد.»



منبع: فدراسیون فوتبال ایران



حمیدرضا گرشاسبی، مدیرعامل فولاد خوزستان در گفت‌وگو با «ایران»:

ورزشگاه فولاد آماده میزبانی آسیاست، اما مجوز نداریم

گروه ورزشی/ حمیدرضا گرشاسبی، مدیرعامل باشگاه فولاد خوزستان، در گفت‌وگو با «ایران» درباره شرایط ورزشگاه این باشگاه می‌گوید: «می‌توانیم ادعا کنیم فولاد از نظر امکاناتی مانند گیت‌های ورودی، چیدمان صندلی‌ها، مسائل بهداشتی و سایر استانداردها، بهترین ورزشگاه را در اختیار دارد. از نظر میزبانی و حضور تماشاگران هیچ دغدغه‌ای نداریم و حتی ورزشگاه ما مسقف است. اما به دلیل اینکه ردیف مالی باشگاه زیان‌ده ثبت شده، نتوانسته‌ایم مجوز حرفه‌ای دریافت کنیم. به همین دلیل هنوز ورزشگاه فولاد را در ارزیابی‌ها قرار نداده‌اند.» مدیرعامل فولاد معتقد است مشکل اصلی این باشگاه برای دریافت مجوز حرفه‌ای به سرمایه ثبت‌شده و ساختار مالی آن بازمی‌گردد؛ مسأله‌ای که با وجود برخورداری از امکانات سخت‌افزاری مناسب، مانع عبور فولاد از الزامات حرفه‌ای شده است. گرشاسبی در تشریح این موضوع می‌گوید: «سرمایه این باشگاه از زمان تأسیس ۱۰۰ هزار تومان ثبت شده است. از آنجا که سرمایه باشگاه با نیازهای مالی آن تناسب ندارد و باشگاه زیان‌ده محسوب می‌شود، به فولاد مجوز ملی داده‌اند. البته کوتاهی مدیران در سال‌های گذشته برای تغییر سرمایه و انجام اصلاحیه‌های لازم نیز بی‌تأثیر نبوده است. در حال حاضر به دنبال افزایش سرمایه هستیم و آن را به ۲۳۰ میلیارد تومان رسانده‌ایم، اما اصلاحیه دیگری هم در پیش داریم و باید سرمایه را تا ۹۰۰ میلیارد تومان افزایش دهیم.» حمیدرضا گرشاسبی با اشاره به پیگیری‌های باشگاه برای دریافت مجوز حرفه‌ای در ادامه توضیح داد: «فولاد دفاعیات خود را به کمیته استیناف مجوز حرفه‌ای فدراسیون فوتبال ارائه کرده و امیدواریم با پذیرش این دفاعیه بتوانیم مجوز حرفه‌ای این فصل را دریافت کنیم. با توجه به اینکه در رقابت‌های آسیایی حضور نداریم، الزام فوری برای دریافت این مجوز نداریم، اما اعتباری که فولاد در سال‌های گذشته به دست آورده، باعث شده دریافت مجوز حرفه‌ای را یک هدف مهم بدانیم.»

سعید فتاحی، رئیس سازمان فوتبال باشگاه استقلال در گفت‌وگو با «ایران»:

ورزشگاه‌های فوتبال ما از استانداردهای دنیا عقب‌تر است



پریسا غفاری/ زیرساخت‌های فوتبال ایران و فاصله ورزشگاه‌های کشور با استانداردهای کنفدراسیون فوتبال آسیا، بار دیگر به موضوعی بحث‌برانگیز تبدیل شده است. در شرایطی که بیشتر ورزشگاه‌های ایران شرایط لازم برای میزبانی مسابقات آسیایی را ندارند، معرفی ورزشگاه پارس شیراز به عنوان تنها استادیوم دارای استاندارد سطح B آسیا، پرسش‌هایی درباره وضعیت سایر ورزشگاه‌های کشور ایجاد کرده است. سعید فتاحی، رئیس سازمان فوتبال باشگاه استقلال، معتقد است برخی ورزشگاه‌های ایران از امکانات مناسبی برخوردارند و می‌توانند استانداردهای موردنظر را دریافت کنند. او همچنین از عقب‌ماندگی زیرساختی فوتبال کشور و عملکرد فدراسیون در این زمینه انتقاد دارد. فتاحی در گفت‌وگو با «ایران» درباره معرفی ورزشگاه پارس شیراز به عنوان تنها استادیوم استاندارد ایران توضیح می‌دهد: «به نظرم ورزشگاه‌های امام رضا(ع)، نقش جهان و حتی ورزشگاه فولاد خوزستان، استادیوم‌های استانداردی هستند. فکر می‌کنم ورزشگاه پارس شیراز به دلیل اینکه استادیوم یکصدهزارنفری آزادی در مدار نبود، به عنوان تنها مکانی معرفی شد که می‌تواند استاندارد سطح B آسیا را دریافت کند. از این مسأله کاملاً تعجب می‌کنم.» رئیس سازمان فوتبال استقلال با اشاره به امکانات ورزشگاه‌های مشهد و اصفهان ادامه داد: «ورزشگاه‌های ما در اصفهان و مشهد مسقف هستند و از نظر سیستم روشنایی و جایگاه ویژه نیز تکمیل شده‌اند. شاید تنها جایگاه بسیار ویژه را که یکی از الزامات مهم ورزشگاه‌ها محسوب می‌شود، نداشته باشند. البته از نظر استاندارد بودن ورزشگاه‌ها از دنیا بسیار عقب هستیم. این موضوع را پنج سال پیش، زمانی که در سازمان لیگ حضور داشتم، بارها مطرح کردم. اگر از همان زمان کار آغاز می‌شد، امروز با چنین مسائلی روبه‌رو نبودیم.»

او درباره احتمال گرفته شدن میزبانی مسابقات آسیایی از ایران نیز گفت: «باید تعداد ورزشگاه‌های دارای استاندارد سطح B را افزایش دهیم، اما آیا به ایران میزبانی می‌دهند که بخواهیم برای سال آینده نگران باشیم؟ البته ورزشگاه آزادی برای فصل جدید لیگ قهرمانان و لیگ نخبگان آسیا آماده می‌شود و استقلال و پرسپولیس از نظر میزبانی مشکلی نخواهند داشت.» سعید فتاحی در ادامه به موضوع نداشتن ورزشگاه اختصاصی دو باشگاه پایتخت‌نشین پرداخت و گفت: «بسیاری از باشگاه‌های مطرح جهان استادیوم اختصاصی ندارند و ورزشگاه‌های شهرداری را به صورت سالانه اجاره می‌کنند و بخشی از درآمدزایی آن را به خود اختصاص می‌دهند. فعلاً ورزشگاه شهرقدس در اختیار شهرداری است و ما با اجاره از شهرداری منطقه، بازی‌های خود را برگزار می‌کنیم. ورزشگاه تختی نیز به دلیل فرسودگی سازه‌ها و مشکلات چمن، برای احیا هزینه بیشتری نسبت به ساخت یک استادیوم جدید نیاز دارد.»

علیرضا بابایی، مدیرعامل چادرملو در گفت‌وگو با «ایران»:

برای استانداردسازی ورزشگاه یزد به نیم‌همت پول نیاز داریم



گروه ورزشی/ تغییر معیارهای کنفدراسیون فوتبال آسیا در فرآیند صدور مجوز حرفه‌ای، بار دیگر موضوع زیرساخت‌های فوتبال ایران را به یکی از دغدغه‌های جدی باشگاه‌ها تبدیل کرده است. علیرضا بابایی، مدیرعامل چادرملو اردکان، در گفت‌وگو با «ایران» ضمن تشریح وضعیت ورزشگاه‌های کشور، معتقد است فدراسیون فوتبال باید برای اجرای این استانداردها از AFC فرصت بیشتری بگیرد. بابایی با اشاره به سخت‌گیری‌های جدید کنفدراسیون فوتبال آسیا در فرآیند صدور مجوز حرفه‌ای می‌گوید: «نماینده AFC در کارگاه اخیر درباره الزامات جدید و سخت‌گیری‌های صورت‌گرفته توضیح داد و حتی به احتمال ابطال تعداد زیادی از مجوزهای حرفه‌ای در سطح آسیا اشاره کرد. با توجه به شرایط موجود، بهتر است رکن صدور مجوز حرفه‌ای ایران رایزنی‌های بیشتری با کنفدراسیون انجام دهد تا زمان و فرصت بیشتری در اختیار باشگاه‌ها قرار بگیرد. واقعیت این است که با توجه به شرایط اقتصادی کشور و مشکلات زیرساختی، بسیاری از تیم‌ها توان مالی لازم برای تجهیز ورزشگاه‌های خود را ندارند و نمی‌توان انتظار داشت همه این الزامات در مدت کوتاهی اجرایی شود.»

مدیرعامل باشگاه چادرملو درباره وضعیت زیرساخت‌های ورزشی استان یزد و هزینه‌های مورد نیاز برای استانداردسازی ورزشگاه نصیری می‌گوید: «ارتقای سطح ورزشگاه‌ها امکان‌پذیر است، اما مسقف‌سازی جایگاه‌ها و تأمین تجهیزات مورد تأیید AFC به برنامه‌ریزی و همکاری مسئولان استانی و شهری نیاز دارد. در حال حاضر ورزشگاه نصیری تنها مجموعه مناسب استان یزد محسوب می‌شود، اما برای رساندن آن به استانداردهای مورد نظر باید حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیارد تومان، نزدیک به نیم‌همت، فقط برای نورافکن‌ها و دوربین‌ها هزینه کرد. البته در این زمینه با استاندار و شهردار یزد صحبت‌هایی داشته‌ایم تا زمینه همکاری فراهم شود. برای تحقق این هدف به حمایت بیشتری نیاز داریم.»

بابایی واگذاری ورزشگاه‌ها به باشگاه‌ها را نیز راهکاری مؤثر برای بهبود شرایط مالی و زیرساختی می‌داند. او در این باره تأکید می‌کند: «خوشبختانه وزیر ورزش موضوع واگذاری ورزشگاه‌ها به باشگاه‌ها را به‌صورت جدی دنبال می‌کند. این اقدام می‌تواند در افزایش مسئولیت‌پذیری باشگاه‌ها، نگهداری و توسعه زیرساخت‌ها و تأمین الزامات مجوز حرفه‌ای تأثیرگذار باشد. باشگاه‌ها در صورت واگذاری ورزشگاه می‌توانند با سرمایه‌گذاری و تجهیز آن، شرایط میزبانی مسابقات داخلی و آسیایی را فراهم کنند و با مدیریت مناسب، از ظرفیت مجموعه برای درآمدزایی نیز بهره ببرند. متأسفانه بیشتر باشگاه‌های ما به دلیل ساختار خصولتی، هزینه‌های زیادی دارند، اما در بخش درآمدزایی عملکرد مطلوبی ندارند.»